



## سلسله منشورات (۲۶)

کنگره بین المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (دام‌ظله)

مجموعه مقالات ترویجی هنر - اخلاق

اجلاسیه شیراز

زیر نظر: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

به کوشش: دکتر سید عیسی مسترحمی

(این نسخه موقت و غیر قابل نشر و استناد است)

«پاییز ۱۴۰۳ ش»





## مشخصات کتاب

سرشناسه	:	کنگره بین المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (دام‌ظله)
عنوان و نام پدیدآور	:	مجموعه مقالات ترویجی هنر - اخلاق / زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی به کوشش دکتر سید عیسی مسترحمی
مشخصات نشر	:	
مشخصات ظاهری	:	
شابک	:	
وضعیت فهرست نویسی	:	
یادداشت	:	
موضوع	:	
موضوع	:	
موضوع	:	
شناسه افزوده	:	
رده بندی کنگره	:	
رده بندی دیویی	:	
شماره کتابشناسی ملی	:	
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	

<input type="checkbox"/> عنوان:	مجموعه مقالات ترویجی هنر - اخلاق
<input type="checkbox"/> پدیدآورنده:	مولفان مقالات / زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی به کوشش : دکتر سید عیسی مسترحمی
<input type="checkbox"/> ناشر:	
<input type="checkbox"/> تایپ و صفحه‌آرایی:	سید ابوالفضل موسوی
<input type="checkbox"/> نوبت چاپ:	
<input type="checkbox"/> شمارگان: ...	
<input type="checkbox"/> قیمت:	
<input type="checkbox"/> شابک:	

## تقدیم:

هدیه به روح شهیدای (شاهچراغ) آستان مقدس احمد بن موسی (ع)  
و سید مقاومت شهید آیت الله سید حسن نصرالله

## سپاسگزاری:

از همه شخصیت‌ها و شورای سیاست‌گزاری و شورای علمی و مولفان و ارزیابان مقالات و مراکز  
همکار کنگره و نیز همکاران دبیرخانه بویژه در این جلد از:  
حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابراهیم کلانتری رئیس اجلاسیه شیراز  
جناب آقای طلایی دبیر کمیته کنگره در اجلاسیه شیراز  
که در تنظیم و آماده‌سازی این جلد تلاش وافر کردند.

---

## فهرست مطالب

---

۷	مقدمه ریاست کنگره
۹	مقدمه مدیر علمی کنگره
۱۲	گزارش اجمالی کنگره
۴۳	سخن معاون علمی کنگره
۴۵	مقدمه تولیت آستان مقدس شاهچراغ شیراز
۴۵	و دبیر علمی کمیته اجلاسپه شیراز
۴۸	مقدمه نماینده مقام معظم رهبری در استان فارس و امام جمعه شیراز
۵۰	فصل اول: هنر
	مقایسه دیدگاه شیخ اعظم انصاری (رحمه الله) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در
۵۱	تعریف و تعیین مصداق غناء
۵۱	علی عرب و رامین
۶۶	تحلیل قرآنی - روایی شاخصه‌های رفتاری هنرمند انقلابی از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
۶۶	خدیجه حسین زاده باردئی - زهرا رفیعی وردنجانی
۹۴	شاخصه‌های هنرمند الگو در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
۹۴	زهرا قادری - معصومه بهرامی - خدیجه حسین زاده باردئی

۱۱۶	زیبایی شناسی قرآن از منظر امام خامنه ای (حفظه الله)
۱۱۶	نقیسه مصطفوی
۱۳۷	فصل دوم: اخلاق
۱۳۸	«استنادات قرآنی ارزشهای اخلاقی در بیانیه گام دوم»
۱۳۸	سید معصوم حسینی
۱۵۹	شناخت مبانی و اصول اخلاق در سوره نور با روش داده بنیاد به همراه تاکیدات رهبری
۱۵۹	فاطمه سعیدی - ربابه زینوند لرستانی
۱۸۶	الگوپذیری از شخصیت توحیدی حضرت زینب (سلام الله علیها) با تاکید بر اندیشه های قرآنی مقام معظم رهبری
۱۸۶	مهتری ایمانی
۲۱۰	خواب غفلت در دعای هشتم صحیفه سجادیه با تاکید بر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله)
۲۱۰	لیلا پرون
۲۳۶	راهکارهای ایجاد حضور قلب در نماز در اندیشه‌های رهبری
۲۳۶	فاطمه رشیدی - محمدحسین محمدی
۲۵۸	مبانی، مؤلفه و شاخص‌های اصل تکامل پذیری انسان با تکیه بر اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی)
۲۵۸	سید سجاد غلامی - ابوالفضل حاجی حیدری
۲۸۳	گستره و مبانی قرآنی مدارا در اندیشه دفاعی و سیره‌ی حکومت‌داری امام خامنه‌ای (مدظله العالی)
۲۸۳	فاطمه اباذریور
۳۰۹	مبانی قرآنی رشد اخلاقی در اندیشه امام خامنه‌ای (دام ظلّه)
۳۰۹	جواد مصلحی - سیدمحمد علوی زاده
۳۳۰	راهکارهای تقویت تربیت اخلاقی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (دام ظلّه)
۳۳۰	سید محمد علوی زاده - اکرم سادات سیدی

---

## مقدمه ریاست کنگره

---

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز شاهد رویارویی دو تمدن در جهان هستیم یک تمدن قرآنی که داعیه دار و پرچمدار اخلاق و معنویت است و دیگری تمدن مادی سلطه جو و دور از معنویت و اخلاق که این همه به اخلاق خانواده عدالت جهانی و بشریت آسیب وارد کرده است تمدنی که برای آن سود و منفعت مادی و لذت اصل است و برای این هدف حاضر است از همه مرزهای اخلاقی عبور کند منشور تمدن الهی جدید کتاب مقدس و عزیز قرآن است از این روست که میتوان گفت رفتارهای جسارت آمیزی که در غرب در سالهای اخیر به ویژه در سال ۱۴۰۲ش در اهانت به قرآن کریم میشود حساب شده و بر اساس یک طراحی است که در راستای این تقابل تمدنی است و نیز حمله اسرائیل و حامیان غربی آن به غزه فلسطین نیز در راستای همین تقابل تمدنی تحلیل میشود.

کنگره بین المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برای ارائه چهره تابناک معارف قرآن از زبان و اندیشه یک شخصیت عالم و اندیشمند و رهبر حکیم دنیای اسلام است و این کاری تمدنی در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی است و جای تقدیر و تشکر دارد این کنگره هم عرضه تفسیر و تبیین قرآن کریم است و هم معرفی چهره علمی شخصیتی که امروز پرچم دار این تمدن جدید است. بحمدالله عزم عمومی و اعلام آمادگی شخصیت‌ها و نهادها و مراکز برای همکاری با این کنگره بسیار قابل توجه بود و استقبال گسترده‌ای صورت گرفت لازم است بازتاب رسانهای این همایش هم به صورت مناسب باشد و صرفا به برگزاری نشستها در سازمانهای برگزار کننده اکتفا نشود و پیوست رسانه‌ای مناسبی تدوین گردد و آثاری از این سلسله اجلاس‌های

همایش فراهم شود که در آینده بتواند به زبانهای مختلف به صورت مقاله و کتاب و در قالبهای متنوع منتشر شود.

محورها و موضوعات مناسبی هم که برای کنگره انتخاب شده همچون؛ سبک زندگی جایگاه زن و خانواده از مسائل روزآمد است که این موضوعات محل چالش و مواجهه فرهنگی و تمدنی جهان اسلام با تمدن مادی غرب است ما در این زمینهها حرفهای فراوان داریم و به تعبیر مقام معظم رهبری مدظله العالی در این زمینه مدعی هستیم نه متهم.

کلید واژه‌های ساخته شده در تمدن غربی مثل حقوق بشر حقوق زنان و آزادی عناوینی است که آنها در این زمینه از دیگران طلبکاری میکنند در حالی که تمدن غرب بدهکارترین تمدنها در این زمینه‌ها است. آسیبی که تمدن غرب به جایگاه زن و خانواده وارد کرده شاید در هیچ یک از تمدن‌های گذشته سابقه نداشته است. بشریت در این زمینه از تمدن غرب طلبکار است.

بایسته است که این گونه مسائل از زبان امام خامنه‌ای در مباحث تفسیری و در سخنان و دیدگاه‌های این شخصیت برجسته که از قرآن کریم الهام گرفته مورد توجه قرار گیرد و نشر یابد. بنده از تلاشهای همه دوستان کنگره بویژه جناب دکتر رضایی اصفهانی و همکارانشان و اعضای شورای سیاستگذاری و عزیزانی که به هر صورت در خدمت این کار ارزشمند و مقدس هستند، تقدیر و تشکر میکنم و برای همگی از خداوند بزرگ سلامتی و توفیق بیشتر مسئلت دارم و در پایان بر ارواح مطهر شهدای وقایع اخیر غزه درود میفرستیم و از خداوند بزرگ مسئلت میکنیم که برای مظلومان فلسطین خلاص و نجات مقدر کند و امیدواریم هر چه زودتر شر اشرار صهیونیست از سر مردم جهان کم شود.

والحمدلله رب العالمین

علی عباسی

رئیس جامعه المصطفی العالمیه

قم ۱۴۰۳/۸/۱۱ ش



---

## مقدمه مدیر علمی کنگره

---

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل / ۴۴)

### درآمد:

قرآن کریم، کتاب مبین است اما مخاطبان ناآشنا، نیازمند توضیح کلمات و محتوای آیات آن هستند، از این رو قرآن خود پیامبر اسلام (ص) را به عنوان مفسر قرآن معرفی می کند (نحل/۴۴) و بر اساس حدیث ثقلین اهل بیت (ع) ملازم و مفسر قرآن هستند.

از این رو احادیث تفسیری زیادی از پیامبر (ص) و امامان معصوم نقل شده است که در کتب تفسیر روایی (مثل تفسیر عیاشی، نورالثقلین، البرهان و ...) جمع آوری شده است و نیز مفسران قرآن در طول قرون متمادی صدها تفسیر کامل و چند هزار تفسیر از برخی سوره‌های قرآن ارائه داده اند.

یکی از کسانی که در دوره معاصر به تفسیر قرآن پرداخته است حضرت ایت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است که تفسیر را از محضر علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) استفاده کرده است و در مشهد از حدود سال ۱۳۴۷ش تفسیر گویی را با تفسیر سوره براءت شروع کرده و در مقاطع مختلف حتی در خطبه‌های نماز جمعه و سخنرانی‌ها و دروس خویش به تفسیر قرآن پرداخته است.

نکته جالب آنکه حجت الاسلام ربانی که تفسیر سوره براءت ایشان را به صورت صوتی ضبط می کرده، به بنده گفتند: در دهه ۱۳۴۰ش قدرت مالی نداشتیم که چند نوار کاست بخریم از این رو هر روز بر همان نوار کاست روز قبل ضبط می کردیم سپس پیاده می کردیم.

اکنون حدود ده جلد از تفاسیر ایشان (سوره حمد و بقره و ...) منتشر شده است در این تفاسیر

که علاوه بر استفاده از روش تفسیر اجتهادی جامع (قرآن به قرآن - روایی - عقلی و...) به گرایش‌های اجتماعی، سیاسی و اخلاقی تربیتی در تفسیر توجه شده است.

اندیشه‌های قرآنی رهبر معظم انقلاب اسلامی در دهه اخیر مورد توجه فرهیختگان حوزه و دانشگاه قرار گرفته و دهها پایان نامه ارشد و دکتری در مورد آنها نگارش یافته است.

در سال ۱۴۰۰ ش اساتید مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه با همکاری معاونت فرهنگی و نهاد رهبری دانشگاه آزاد اسلامی، ایده برگزاری کنگره اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را مطرح کردند که مورد توجه قرآن پژوهان، مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی و مؤسسه نشر انقلاب اسلامی قرار گرفت و طرح نامه مصوب گردید و از خرداد ۱۴۰۰ ش پوستر فراخوان منتشر شد و طی یک سال بیش از ۲۴۰۰ چکیده و مقاله رسید و نیز بیش از ۲۰۰ پیش نشست و کارگاه برگزار شد و این همایش را به یکی از بزرگترین همایش‌های تاریخ ایران تبدیل کرده بطوری که در شورای سیاست گذاری و علمی و اجرایی کنگره پیشنهاد شد که در چند استان تهران، اصفهان - خراسان رضوی (مشهد) و آذربایجان شرقی (تبریز) و چند کشور از جمله سوریه و لبنان و هند و پاکستان و برخی کشورهای آفریقایی اجلاس‌های آن برگزار شود که با همت نمایندگی‌های المصطفی و مراکز همکار این اجلاس‌ها شکل گرفت.

### سخن پایانی:

در پایان لازم است از همه کارگزاران کنگره به ویژه مدیران محترم کمیته‌های علمی کنگره، معاونان محترم حجج اسلام دکتر سید عیسی مسترحمی و دکتر سید یوسف موسوی و نویسندگان و ارزیابان محترم کتابها و مقالات و نیز همه کسانی که در آماده سازی آثار و برگزاری کنگره زحمت کشیدند به ویژه مسئول محترم انتشارات بین المللی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین نوبخت و همکاران انتشارات و ریاست امور مشترک مجتمع عالی امام خمینی(ره) حجت الاسلام والمسلمین زهادت و به صورت خاص ریاست جامعه المصطفی العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و معاون پژوهش المصطفی حجت الاسلام والمسلمین عابدی نژاد و معاون آموزش جامعه المصطفی حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حمید جزایری و معاون فرهنگی تربیتی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین کریمی قدوسی و همکارشان حجت الاسلام دکتر محمدحسین رفیعی و نیز حجت الاسلام والمسلمین دکتر کاشانی مسئول نمایندگی جامعه

المصطفی در ترکیه و نیز معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه حجت الاسلام والمسلمین مقیمی که حمایت خاص از این کنگره نموده‌اند، و نیز حجت الاسلام والمسلمین محمد حسینی رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش و حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه، دکتر طهرانچی ریاست محترم دانشگاه آزاد و همکارشان حجت الاسلام شریفانی، حجت الاسلام والمسلمین سید مسعود خامنه‌ای و جناب مستطاب دکتر اسحاقی و مسئولان مؤسسه انقلاب اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین صالح و همکارشان حجت الاسلام دکتر سعیدی در نمایندگی جامعه المصطفی مشهد، حجت الاسلام والمسلمین طاهایی و همکارشان حجت الاسلام دکتر رضایی آدریانی در نمایندگی المصطفی اصفهان، حجت الاسلام والمسلمین جلالی معاون پژوهش حوزه علمیه اصفهان، حجت الاسلام والمسلمین خضرلو نماینده حجت الاسلام والمسلمین جلالی در تبریز و آیت الله آل هاشم امام جمعه محترم تبریز، حجت الاسلام والمسلمین دکتر ابراهیم کلاتری تولید آستان مقدس احمد بن موسی (ع) (شاه چراغ)، حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر نماینده جامعه المصطفی در سوریه، حجت الاسلام والمسلمین مهدوی مهرنماینده جامعه المصطفی در لبنان، حجت الاسلام والمسلمین شاکری نماینده جامعه المصطفی در هند، حجت الاسلام والمسلمین دادسرشت نماینده جامعه المصطفی در پاکستان، حجت الاسلام والمسلمین محسنی نماینده جامعه المصطفی در عراق، جناب آقای اسدی نماینده جامعه المصطفی در سنگال، حجت الاسلام والمسلمین تقوی نماینده جامعه المصطفی در تانزانیا، حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی آقا صفری، حجت الاسلام والمسلمین خلیل زاد، حجت الاسلام والمسلمین محمد علوی زاده، حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی، حجت الاسلام والمسلمین یوسف یوسف آبادی، حجت الاسلام والمسلمین مهدی ندایی و آقای دکتر عبدالحسین شورچه، حجت الاسلام والمسلمین نصر الله سلیمانی، حجت الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل موسوی تشکر کنم.

اجرهم علی الله

والحمد لله رب العالمین

مدیر علمی کنگره بین المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای مدظله العالی

محمد علی رضایی اصفهانی

۱۴۰۳/۸/۲ اش

---

## گزارش اجمالی کنگره

---

### الف) اهداف کنگره:

۱. شناخت اندیشه‌های کلی امام خامنه‌ای مد ظله العالی در مباحث قرآنی
۲. تبیین شخصیت قرآنی امام خامنه‌ای در راستای ترویج فرهنگ قرآنی و تحکیم حکومت اسلامی
۳. تبیین دیدگاه‌های خاص تفسیری امام خامنه‌ای مد ظله العالی
۴. تبیین اندیشه‌های امام خامنه‌ای مد ظله العالی در مباحث علوم قرآنی، علوم انسانی با صبغه قرآنی و ...
۵. فرآوری آثار قرآنی امام خامنه‌ای مد ظله العالی
۶. کشف نوآوری‌های قرآنی امام خامنه‌ای مد ظله العالی
۷. جهت دهی به فعالیتهای قرآنی بر اساس اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای مد ظله العالی
۸. توسعه نقش آفرینی قرآن در زندگی مردم و جامعه
۹. زمینه سازی تمدن نوین اسلامی

### ب) محورهای کنگره:

۱. شخصیت و سیره قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)
۲. مرجعیت علمی قرآن
۳. قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)
۴. علوم قرآنی
۵. تفسیر و معارف قرآن
۶. ترجمه، تدبر و انس با قرآن

۷. قرائت و حفظ قرآن
۸. فعالیت‌های قرآنی
۹. سبک زندگی قرآنی
۱۰. قرآن و نظام سازی و تمدن آفرینی
۱۱. مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
۱۲. قرآن و انقلاب، دولت و جامعه سازی
۱۳. مبانی قرآنی حکومت داری و رهبری امام خامنه‌ای دامت برکاته
۱۴. قرآن، هنر، رسانه، فرهنگ و تبلیغ
۱۵. قرآن و علوم طبیعی و انسانی (سیاست، مدیریت، تربیت، روانشناسی، اجتماعی، حقوق و ...)
۱۶. مبانی قرآنی اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی امام خامنه‌ای دامت برکاته
۱۷. قرآن و مستشرقان و غرب
۱۸. مبانی قرآنی شعارهای انقلابی، استکبارستیزی و مقاومت امام خامنه‌ای دامت برکاته

### ج) شورای سیاست گذاری کنگره

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی عباسی — رئیس جامعه المصطفی العالمیه و رئیس کنگره
- جناب مستطاب آقای دکتر محمد مهدی طهرانچی - رئیس دانشگاه آزاد اسلامی
- حجت الاسلام و المسلمین سید مسعود خامنه‌ای - مسئول مؤسسه نشر انقلاب اسلامی
- حجت الاسلام و المسلمین شریفانی - معاون فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی
- حجت الاسلام و المسلمین محسن قنبری — معاون ارتباطات و بین الملل جامعه المصطفی العالمیه
- حجت الاسلام و المسلمین محمد اسحاقی - معاون مؤسسه نشر انقلاب اسلامی

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی — مدیر مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و دبیر علمی کنگره
- حجت الاسلام و المسلمین مسعود طاهری لاری
- حجت الاسلام و المسلمین حسن خیری - رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم
- حجت الاسلام و المسلمین محمد نقیب - رئیس دانشگاه علوم و معارف قرآن
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه — رئیس شورای انقلاب فرهنگی
- حجت الاسلام و المسلمین مهدی رستم نژاد - معاون آموزش حوزه‌های علمیه کشور
- حجت الاسلام و المسلمین سید حمید جزایری — معاون آموزش جامعه المصطفی العالمیه
- حجت الاسلام و المسلمین سید محمودنبوی؟؟
- حجت الاسلام و المسلمین عبدالله حاج صادقی — رئیس نمایندگی ولی فقیه در سپاه انقلاب اسلامی ایران
- حجت الاسلام و المسلمین عباس محمد حسنی - رئیس عقیدتی سیاسی و نماینده ولی فقیه در ارتش جمهوری اسلامی
- حجت الاسلام و المسلمین محمد فاکر میدی — رئیس مدرسه عالی قرآن و علوم مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن زمانی - معاون اجتماعی حوزه‌های علمیه
- حجت الاسلام و المسلمین نجف لک زایی
- حجت الاسلام و المسلمین ابوالقاسم مقیمی
- حجت الاسلام و المسلمین سعید ارجمندفر - رئیس دانشگاه مجازی المصطفی

- حجت الاسلام و المسلمین عبدالمجید زهادت - رئیس مجتمع آموزش عالی حکمت و مطالعات ادیان جامعه المصطفی
- حجت الاسلام و المسلمین روح اله شاکری - رئیس نمایندگی المصطفی در کشور هند
- حجت الاسلام و المسلمین امیر رضا طاهایی - رئیس نمایندگی المصطفی در اصفهان
- حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا صالح - رئیس نمایندگی المصطفی در مشهد
- حجت الاسلام و المسلمین سید کمال حسینی - رئیس نمایندگی المصطفی در گرگان
- حضرت آیت الله آل هاشم آ امام جمعه محترم تبریز
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر خضرلو - رئیس نمایندگی المصطفی در آذربایجان شرقی (تبریز)
- دکتر نصر الله زاده - رئیس دانشگاه تبریز
- حجت الاسلام و المسلمین عبدالرسول هاجری
- حجت الاسلام و المسلمین محسن جلالی - مدیر حوزه های علمیه اصفهان
- حجت الاسلام و المسلمین عابدی نژاد - معاون پژوهش جامعه المصطفی العالمیه
- حجت الاسلام و المسلمین حسن رضایی رئیس پژوهشگاه جامعه المصطفی العالمیه

#### (د) شورای علمی کنگره

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضایی اصفهانی ریاست محترم مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد حسن زمانی معاون اجتماعی حوزه های علمیه
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد فاکر میدی ریاست مدرسه عالی قرآن و علوم
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسین علوی مهر ریاست مدرسه عالی تفسیر و علوم

### قرآن

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر عابدی نژاد معاون پژوهش جامعه المصطفی العالمیه
  - حجت الاسلام و المسلمین دکتر فتح الله نجارزادگان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
- پردیس فارابی

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید رضا مؤدب عضو هیئت علمی دانشگاه قم
  - حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی
- مجتمع عالی قرآن و حدیث

- جناب مستطاب آقای دکتر مجید معارف عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
  - جناب مستطاب آقای محمد اسحاقی - معاون مؤسسه نشر انقلاب اسلامی
  - حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابراهیم کلانتری عضو هیئت علمی دانشگاه معارف
  - حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید یوسف موسوی معاون پژوهش مجتمع عالی
- قرآن و حدیث

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر صاعد رازی نماینده انتشارات انقلاب اسلامی و
- سایت اینترنتی مقام معظم رهبری

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو مدیر گروه علوم قرآن مجتمع
- عالی قرآن

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد رضا ستوده نیا عضو هیئت علمی دانشگاه
- اصفهان

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد یعقوب بشوی از کشور پاکستان
  - حجت الاسلام و المسلمین محمد امینی تهرانی عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و
- حدیث



- حجت الاسلام والمسلمین سیدحیدر طباطبایی حکیم عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین بهرامی عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام والمسلمین محمد احسانی عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام والمسلمین سید جواد حسینی تبار عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین محمدی عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام و المسلمین طاهر غرباوی عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- جناب مستطاب دکتر توفیق اسداف

### هـ) سازمان نمای کنگره

۱. رئیس کنگره: حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی عباسی ریاست جامعه المصطفی العالمیه
۲. مدیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی (ریاست مجتمع عالی قرآن و حدیث)
۳. معاونت علمی حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی
۴. معاونت اجرایی حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی
۵. مسئول دبیرخانه حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی

### و) کمیته اجرایی کنگره

۱. معاون علمی کنگره حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی
۲. معاون اجرایی کنگره: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی
۳. معاون پشتیبانی و منابع انسانی حجت الاسلام والمسلمین خلیل راد
۴. معاون ارتباطات و بین الملل جناب آقای الله اکبری
۵. مسئول روابط عمومی و بین المللی جناب آقای حیدری

### ز) دبیرخانه کنگره

۱. مسئول دبیرخانه حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی
۲. مسئول روابط عمومی حجت الاسلام والمسلمین یوسف یوسف آبادی
۳. مسئول سایت حجت الاسلام والمسلمین سید محمد علوی زاده
۴. مسئول نشست های علمی حجت الاسلام والمسلمین مهدی ندائی

### ح) کارگروه های علمی کنگره

#### ۱. کارگروه تفسیر و علوم قرآن

- مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر مدیر مدرسه تفسیر مجتمع قرآن و حدیث
- دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی عضو گروه تفسیر و استاد همکار جامعه المصطفی

#### • اعضای کمیته:

- حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسینی تبار عضو هیات علمی جامعه المصطفی
- حجت الاسلام والمسلمین دکتر جبرئیلی استاد همکار جامعه المصطفی
- حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن رضا رضایی دبیر پژوهش و استاد همکار

جامعه المصطفی

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی قراملکی عضو هیات علمی جامعه

المصطفی

- حجت الاسلام و المسلمین عباس الهی عضو هیات علمی جامعه المصطفی
- حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا حقیقت عضو گروه تفسیر و استاد همکار

جامعه المصطفی

- حجت الاسلام و المسلمین ملایی عضو گروه علوم قرآن
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید احسان ابراهیمی استاد همکار جامعه

المصطفی

## ۲. کارگروه روش شناسی تفسیر و تدبر در قرآن

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمد نقیب رئیس

دانشگاه علوم و معارف قرآن

- **دبیر کمیته:** دکتر سید محمد اسماعیلی معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه

علوم و معارف قرآن

- **اعضای کمیته:**

- دکتر سید کریم خوش بین خوش نظر معاون پژوهش و فناوری دانشگاه علوم و

معارف قرآن کریم

- دکتر رحمان عشریه رئیس دانشکده علوم قرآنی قم
- دکتر مهدی داوری دولت آبادی معاون آموزش دانشگاه علوم و معارف قرآن

کریم

- دکتر علیرضا کاوند رئیس دانشکده علوم قرآنی تهران
- دکتر هادی نصیری عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

- دکتر علی اصغر شعاعی مدیر امور قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- دکتر مهدی عبداللهی پور مدیر گروه دانشکده علوم قرآنی قم
- دکتر سکینه آخوند معاون آموزش دانشکده علوم قرآنی قم
- دکتر سید عبدالرسول حسینی زاده دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

### ۳. کارگروه قرآن و علوم (مرجعیت علمی و مطالعات میان رشته ای)

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر صاعد رازی مدیر گروه قرآن و علوم انسانی
- **دبیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین یوسف یوسف آبادی دانشجوی دکتری قرآن و علوم با گرایش نجوم
- **اعضای کمیته:**

- حجت الاسلام دکتر مهدی همتیان دبیر تربیتی گروه قرآن و علوم انسانی
- حجت الاسلام دکتر علی آقا صفری عضو گروه قرآن و مدیریت
- جناب آقای جواد مصلحی دبیر پژوهشی گروه قرآن و علوم طبیعی
- حجت الاسلام مهدی جهانی عضو گروه تفسیر و استاد همکار جامعه المصطفی
- حجت الاسلام محمد علی قاسمی مدیر گرایش قرآن و سیاست
- حجت الاسلام دکتر دادرشت مدیر گرایش قرآن و علوم اجتماعی
- حجت الاسلام اکبر محمودی دبیر پژوهش گروه قرآن و علوم

### ۴. کارگروه ترجمه، حفظ، انس و فنون قرائات

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد امینی طهرانی مدیر گروه قرائات و عضو هیات علمی جامعه المصطفی

• **دبیر کمیته:** عباس کریمی دانشجوی دکتری قرآن و مستشرقان

• **اعضای کمیته:**

- دکتر کریم پارچه باف دولتی استادیار قرآن و حدیث
- حجت الاسلام علی عزیزاده استاد همکار جامعه المصطفی
- حجت الاسلام عبد الله جبریلی استاد همکار جامعه المصطفی
- حجت الاسلام محمد بابایی استاد همکار جامعه المصطفی
- حجت الاسلام سید مجتبی اختر رضوی استاد همکار جامعه المصطفی
- خانم دکتر سمیه صیادی ریاست مدرسه عالی علمیه خواهران کوثر تهران

۵. **کارگروه قرآن و اهل بیت ع**

• **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر رستم نژاد معاونت آموزش

حوزه های علمیه

• **دبیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر خوشفر استاد جامعه المصطفی

• **اعضای کمیته:**

- حجت الاسلام دکتر روشن ضمیر دانشگاه رضوی مشهد
- حجه الاسلام و المسلمین عبدالهادی مسعودی رئیس دانشگاه قرآن و حدیث و رئیس انجمن حدیث حوزه
- حجه الاسلام و المسلمین سید محمد کاظم طباطبایی رئیس دانشکده علوم و معارف حدیث دانشگاه قرآن و حدیث
- حجه الاسلام و المسلمین دکتر محمد حسین بهرامی رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور
- حجه الاسلام و المسلمین محمد عشایری منفرد هیئت علمی گروه مترجمی جامعه المصطفی ص العالمیه

- حجه الاسلام و المسلمین دکتر فتح الله نجارزادگان استاد تمام دانشگاه تهران
- حجه الاسلام و المسلمین دکتر سید حیدر طباطبایی هیئت علمی گروه علوم حدیث جامعه المصطفی

## ۶. کارگروه قرآن و مستشرقان و عرصه بین الملل

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام دکتر محمد حسن زمانی عضو هیات علمی جامعه المصطفی
- **دبیر کمیته:** حجت الاسلام دکتر ریاحی مهر (استادیار گروه قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه)
- **اعضای کمیته:**

- حجت السلام و المسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو (استاد تمام و عضو هیات علمی جامعه المصطفی)
- حجت السلام و المسلمین دکتر محمد جواد نوروزی (استاد تمام و عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره))
- حجت الاسلام و المسلمین سعید صلح میرزایی (مسئول دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری در قم)
- دکتر حسن رضایی هفتادر (دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده پردیس فارابی دانشگاه تهران)

## ۷. کارگروه زن و خانواده

- **مدیر کمیته:** سرکار خانم دکتر طیبی عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان
- **دبیر کمیته:** سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی استاد حوزه علمیه خواهران قم
- **اعضای کمیته:**

- دکتر لاله افتخاری (عضو هیات علمی دانشگاه شاهد و دبیر کل اتحادیه جهانی زنان مسلمان)
- دکتر صدیقه مهدوی کنی (دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام و نایب رئیس انجمن فقه و حقوق خانواده ایران)
- دکتر زهره جعفری (مدیر دفتر امور زنان و خانواده استانداری تهران)
- دکتر عصمت سوادی (مدیر کل دفتر امور زنان و خانواده دانشگاه آزاد اسلامی)
- دکتر فرشته روح افزا (عضو هیات علمی و معاون شورای فرهنگی اجتماعی زنان)
- دکتر نحلہ غروی (استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس تهران)

#### ۸. کارگروه دولت، نظام و تمدن سازی و گام دوم

- **مدیر کمیته:** حجة الاسلام دکتر محمدجواد دشتی (هیئت علمی گروه تفسیر و علوم قرآن مجتمع قرآن و حدیث)
- **دبیر کمیته:** حجة الاسلام دکتر علی آقا صفری (عضو گروه قرآن و مدیریت مجتمع قرآن و حدیث)
- **اعضای کمیته:**
  - حجة الاسلام دکتر غلامرضا بهروز لک (استاد تمام گروه مطالعات سیاسی دانشگاه باقرالعلوم)
  - دکتر غلامحسین مقیمی (هیئت علمی جامعه المصطفی)
  - دکتر علی شیرخانی (هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی قم)
  - دکتر سید رضا مهدی نژاد (عضو هیئت علمی جامعه المصطفی، مدیر گروه تاریخ تمدن)
  - دکتر محمد ستوده (استاد علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه های مفید و باقرالعلوم (ع) و معاون آموزشی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم)

- دکتر محمد مراد خان بابا (دکترای قرآن و علوم سیاسی)
- دکتر احسان ابراهیمی (عضو گروه تفسیر و علوم قرآن مجتمع قرآن و حدیث)
- سید محمد الغریفی (عراق) رئیس دانشکده علوم انسانی جامعه ال بیت

## ۹. کارگروه سبک زندگی

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضایی آدریانی مدیر مدرسه عالی علوم انسانی جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان
- **دبیر کمیته:** حجت الاسلام محمد زینلی کارشناس پژوهش جامعه المصطفی نمایندگی اصفهان
- **اعضای کمیته:**
  - حمید الهی دوست مدیر گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان
  - مرتضی فدایی عضو هیأت علمی جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان
  - محمد قربانی مقدم مدیر گروه فقه و اصول جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان
  - محسن برقی کار مدیر مدرسه عالی علوم اسلامی جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان
  - محمدمهدی احمدی فراز عضو هیات علمی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی
  - محمدرضا ستوده نیا عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان
  - محسن جلالی معاون پژوهش مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان
  - غلامرضا بهرامی مدیر مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران اصفهان
  - زهرا توکلی مدیر مدرسه عالی خواهران جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان



## ۱۰. کارگروه سیره و فعالیت‌های قرآنی امام خامنه ای

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدحسین رفیعی عضو هیات

علمی جامعه المصطفی

- **دبیر کمیته:** جناب آقای علیرضا قربانی؛ از کارشناسان قرآنی المصطفی

### • **اعضای کمیته:**

- دکتر مهدی مصطفوی؛ قائم مقام معاون بین الملل دفتر مقام معظم رهبری؛
- دکتر سخاوتی؛ عضو هیأت علمی و نماینده المصطفی در کشور تایلند؛
- دکتر اکبر محمودی؛ دبیر پژوهش گروه قرآن و علوم انسانی مجتمع عالی قرآن و حدیث؛
- دکتر سید علی سرابی؛ قائم مقام نهادهای قرآنی وابسته به دفتر مقام معظم رهبری؛
- دکتر زرنوشه؛ عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین علیه السلام؛
- جناب آقای حسین اسدی؛ پیشکسوت قرآنی و نماینده المصطفی در کشور سنگال؛
- دکتر فرضی؛ عضو هیأت علمی المصطفی؛
- دکتر سید سعید رحیمی؛ پیشکسوت قرآنی و مأمور اعزامی به کشور ماداگاسکار؛
- دکتر مهدی بذرکار؛ کارشناس قرآنی جامعه المصطفی؛

## ۱۱. کارگروه قرآن، هنر، رسانه، فرهنگ و تبلیغ

- **مدیر کمیته:** دکتر محسن رفیعی عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

- **دبیر کمیته:** دکتر محمدحسن صالحی مدرس دانشگاه فرهنگیان

### • **اعضای کمیته:**

- دکتر مهدی جمشیدی (عضو گروه فرهنگ پژوهی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

▪ دکتر حسام‌الدین مؤمنی شهرکی (محقق و پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی)

▪ دکتر عباس یوسفی تازه‌کندی (رئیس دانشکده علوم قرآنی مراغه)

▪ دکتر معصومه شریفی عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

▪ دکتر محمدحسن صالحی هفشجانی (مدرس دانشگاه فرهنگیان)

## ۱۲. کارگروه مبانی قرآنی شعارهای انقلابی، استکبارستیزی و مقاومت امام خامنه‌ای

• **مدیر کمیته:** حجت‌السلام والمسلمین صلح میرزایی مسئول دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری در قم)

• **دبیر کمیته:** حجت‌الاسلام مهدی شهروزخواه (استاد سطح عالی حوزه و پژوهشگر فقه سیاست)

### • اعضای کمیته:

▪ حجت‌الاسلام دکتر مهدی گرامی پور (استاد سطح عالی حوزه و استاد دانشگاه)

▪ حجت‌الاسلام عنایت‌الله رمضانپور (استاد سطح عالی حوزه و پژوهشگر فقه سیاست)

▪ حجت‌الاسلام سید محمد علی مسعودی (استاد سطح عالی حوزه و پژوهشگر علوم و قرآن و حدیث)

## ۱۳. کارگروه بین‌الملل

• **مدیر کمیته:** حجت‌الاسلام والمسلمین محمد یعقوب بشوی استاد یار جامعه المصطفی از پاکستان

• **دبیر کمیته:** خادم حسین دانشجوی دکتری تفسیر تربیتی از پاکستان

• **اعضای کمیته:**

- سید باقر ایلیا رضوی سطح چهار علوم و فنون قرانات از هندوستان
- تهران خلیل اویچ عضو هیات موسسان مرکز علوم دینی قم در بلغراد صربستان
- سید عبدالله طلایی دانشجوی دکتری مدرسه امام خمینی از ترکیه
- محمد لطیف مطهری دانشجوی دکتری فقه تربیت از کشور ترکیه
- عبدالقادر محمدبلو دانشجوی دکتری قرآن و مستشرقان و پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی از نیجریه
- رحمان دهلان دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی از اندونزی
- استفان فدریش شفر دانشجوی دکتری قرآن و نجوم از آلمان
- محمد عسکری ممتاز دانشجوی دکتری قرآن و مستشرقان از پاکستان

۱۴. **کارگروه ویژه دانشگاه آزاد**

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد شریفانی مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی
- **دبیر کمیته:** حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد معرفت مدیر کل تبلیغ و امور دینی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی

• **اعضای کمیته:**

- حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالوحید وفایی مدیر کل امور اساتید معارف و تامین محتوای نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی
- حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی رستمی ثانی مسئول پژوهشگاه قرآن و عترت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی
- دکتر سید مهدی رضوی مدیر گروه علوم قرآن و حدیث واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

- خانم فاطمه قاسمی کارشناس مسئول روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی
- ۱۵. کارگروه ویژه اساتید معارف
- مدیر کارگروه: حجت الاسلام دکتر روح الله شاکری دانشیار دانشگاه تهران و رئیس دانشگاه معارف اسلامی
- دبیر کارگروه: دکتر علیرضا کمالی استادیار و مدیر گروه پژوهشی معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی
- اعضای کمیته:
  - حجت الاسلام دکتر حسن پناهی آزاد استادیار و معاون پژوهش دانشگاه معارف اسلامی
  - حجت الاسلام دکتر محمد هادی منصور استادیار و مدیر گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی
  - حجت الاسلام دکتر محمد امرالهی مدیر امور گروه‌های معارف اسلامی معاونت آموزشی نهاد
  - حجت الاسلام دکتر سید حسن قاضوی استادیار و رئیس دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران
  - حجت الاسلام دکتر علی نصیری استاد گروه معارف دانشگاه علم و صنعت ایران
  - دکتر محمد صدقی آلائق استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی
  - دکتر رحیم دهقان استادیار و مدیر گروه معارف دانشگاه شهید بهشتی
- ۱۶. کارگروه ویژه فقه القرآن
- مدیر کمیته: آیت الله علی رحمانی فرد سبزواری
- دبیر کمیته: حجت الاسلام و المسلمین محمود رفیعی

• **اعضای کمیته:**

- حجت الاسلام و المسلمین سید علیرضا موسوی جوردی
- حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مجیدی
- حجت الاسلام و المسلمین علی کرم زاده
- حجت الاسلام و المسلمین رضا لک علی آبادی
- حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی هاشمی
- حجت الاسلام و المسلمین محسن سپاسی آشتیانی
- حجت الاسلام و المسلمین سید علیرضا دلخوش
- حجت الاسلام و المسلمین محمد جواد اکبری
- حجت الاسلام و المسلمین رضا سهراب پور
- حجت الاسلام و المسلمین مهدی ندایی
- حجت الاسلام و المسلمین مصیب عاشوری
- حجت الاسلام و المسلمین محمد شهبواری
- حجت الاسلام و المسلمین ابراهیم علیزاده
- حجت الاسلام و المسلمین مجتبی ثانی
- حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا محمدی
- حجت الاسلام و المسلمین سعید احمدی
- حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا بابالی
- حجت الاسلام و المسلمین محمد امین تولی
- حجت الاسلام و المسلمین محمد گلزار
- حجت الاسلام و المسلمین سهراب مقدمی شهیدانی

**(ط) آثار کنگره**

- **آثار کلی کنگره:**

- ۱) شخصیت، سیره و فعالیت قرآنی امام خامنه‌ای
- ۲) علوم قرآنی در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۳) علوم قرآنی در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۴) تفسیر و معارف قرآن در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۵) مرجعیت قرآن در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۶) ترجمه، تدبر و انس با قرآن در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۷) قرائت و حفظ قرآن در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۸) سبک زندگی قرآنی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۹) نظام‌سازی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۰) تمدن‌آفرینی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۱) روش‌شناسی تفسیری امام خامنه‌ای
- ۱۲) دولت در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۳) جامعه‌سازی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۴) مبانی حکومت‌داری و رهبری در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۵) هنر در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۶) رسانه در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۷) فرهنگ در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۸) علوم طبیعی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۹) مدیریت در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۲۰) سیاست در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۲۱) تربیت در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای

- ۲۲) روان شناسی در اندیشه قرآنی امام خامنه ای  
۲۳) اقتصاد در اندیشه قرآنی امام خامنه ای  
۲۴) علوم اجتماعی در اندیشه قرآنی امام خامنه ای  
۲۵) فقه در اندیشه قرآنی امام خامنه ای  
۲۶) مستشرقان و غرب در اندیشه امام خامنه ای  
۲۷) قرآن و اهل بیت (ع) در اندیشه امام خامنه ای  
۲۸) زن و خانواده در اندیشه قرآنی امام خامنه ای  
۲۹) مبانی انقلاب در اندیشه قرآنی امام خامنه ای  
۳۰) استکبارستیزی در اندیشه قرآنی امام خامنه ای  
۳۱) مقاومت در اندیشه قرآنی امام خامنه ای  
۳۲) یک جلد مقالات غیر فارسی (اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای در نگاه پژوهشگران بین الملل )  
۳۳) کتب محافل علمی  
۳۴) کتاب مصاحبه‌های با شخصیت‌ها  
۳۵) کتاب منبع شناخت آثار مرتبط  
۳۶) کتاب چکیده‌ها  
۳۷) کتاب درسنامه

### • آثار خاص:

#### اول: دانشگاه آزاد اسلامی

- ۱- چکیده مقالات (اساتید و دانشجویان)  
۲- مجموعه مقالات (علمی)  
۲- مجموعه مقالات (ترویجی)

### دوم: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش

- ۱- چکیده مقالات (روحانیون و کادر)
- ۲- مجموعه مقالات (علمی)
- ۳- مجموعه مقالات (ترویجی)

### سوم: مشهد

- ۱- چکیده مقالات
- ۲- مجموعه مقالات (علمی)
- ۳- مجموعه مقالات (ترویجی)

### چهارم اصفهان:

- ۱- مجموعه مقالات ترویجی سبک زندگی (۱)
- ۲- مجموعه مقالات ترویجی سبک زندگی (۲)
- ۳- مجموعه مقالات علمی سبک زندگی (۳)
- ۴- مجموعه مقالات ترویجی قرآنی (۴)

### پنجم: دانشگاه معارف اسلامی:

- ۱- مجموعه مقالات قرآن و حدیث
- ۲- مجموعه مقالات فرهنگ و تمدن اسلامی
- ۳- مجموعه مقالات مبانی نظری اسلام
- ۴- مجموعه مقالات انقلاب و نظام اسلامی
- ۵- مجموعه مقالات اخلاق اسلامی
- ۶- مجموعه چکیده مقالات اساتید دانشگاه معارف اسلامی.



### ششم: تبریز

- ۱- چکیده مقالات
- ۲- مجموعه مقالات آثار و ساحت های جهاد تبیین
- ۳- مجموعه مقالات بایسته های جهاد تبیین
- ۴- مجموعه مقالات روش ها و ابزارهای جهاد تبیین

### هفتم: شیراز

- ۱- مجموعه مقالات ترویجی هنر - اخلاق
- ۲- مجموعه مقالات ترویجی فرهنگ
- ۳- مجموعه مقالات ترویجی به زبان اردو (بین الملل)
- ۴- مجموعه مقالات ترویجی به ۱۰ زبان (بین الملل)

### ی) مجلات منتشر کننده مقالات کنگره

۱. مجله علمی قرآن و علم شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
۲. مجله علمی مطالعات قرائت قرآن، شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
- ۳- مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
۴. مجله علمی علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
۵. مجله الدراسات القرآنیة المعاصره، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
- ۶- مجله quranic، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
- ۷- مجله مطالعات قرآن و علوم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
- ۸- مجله مطالعات علوم حدیث، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
- ۹- مجله مطالعات قرآن پژوهی نور وحی، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
- ۱۰- مجله مطالعات خاورشناسان، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
- ۱۱- پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم - جهاد دانشگاهی

- ۱۱- نشریه علمی اندیشه نوین دینی - علمی پژوهشی ، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۲- نشریه علمی پژوهش نامه اخلاق - علمی پژوهشی، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۳- مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۴- مطالعات تفسیری، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۵- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۶- مطالعات معارف حدیثی، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۷- مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی - (ب) ، دانشگاه شاهد
- ۱۸- مطالعات شبهه پژوهی ، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۱۹- پژوهش نامه نقد آرائ تفسیری، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۰- پژوهش نامه تالیلات قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۱- پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۲- احسن الحدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۳- پژوهش نامه نوین در آموزه‌های قرآن و سنت، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۴- دوفصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۵- مدیریت سرمایه‌های انسانی دفاعی، ارتش
- ۲۶- فصلنامه مدیریت نظامی، ارتش
- ۲۷- قرآن شناخت - علمی پژوهشی، موسسه پژوهشی امام خمینی (ره)
- ۲۸- معرفت - علمی ترویجی، موسسه پژوهشی امام خمینی ره
- ۲۹- قبسات (فلسفه دین و کلام) - علمی پژوهشی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
- ۳۰- ذهن - علمی پژوهشی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۱- اقتصاد اسلامی - علمی پژوهشی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

- ۳۲- قرآن پژوهی - تخصصی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۳- جامعه پژوهی - علمی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۴- حقوق اسلامی - علمی پژوهشی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۵- آیین حکمرانی - تخصصی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۶- انتظار موعود - علمی پژوهشی، مرکز تخصصی مهدویت
- ۳۷- فقه تربیتی، مجتمع معارف فقه (حجتیه)
- ۳۸- مطالعات اسلامی زنان و خانواده - پژوهشی، جامعه الزهرا (س)
- ۳۹- مطالعات قرآنی نامه جامعه - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۰- مطالعات تربیتی و روانشناختی خانواده - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۱- جستارهای تاریخ اسلام (گذرگاه) - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۲- معارف حکمی - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۳- مطالعات تطبیقی فقهی زن و خانواده - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۴- مطالعات تفسیری آلاء الرحمن - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۵- فصلنامه قرآنی کوثر - علمی تخصصی، پژوهشگاه قرآن پژوهان - موسسه فصلنامه کوثر اصفهان
- ۴۶- دین و تعالی تربیتی با رویکرد خانواده، مدرسه علمیه حضرت آمنه (س)
- ۴۷- آموزه های قرآنی - علمی پژوهشی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- ۴۸- آموزه های حدیثی - علمی ترویجی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی

### ک) کنگره در آینه آمار

- تعداد کل چکیده ها: ۲۹۶۱ مورد
- مجموع مقالات رسیده به کنگره: ۲۱۲۷ مقاله

- مقالات پذیرفته شده: ۵۳۰ مقاله
- مقالات چاپ شده در مجلات: ۹۵ مقاله
- مقالات چاپ شده در سلسله منشورات کنگره: حدود ۳۰۰ مقاله
- مجلدات منتشر شده: حدود ۳۷
- تعداد ارزیابان: ۱۸۹ نفر
- تعداد کرسی‌های علمی و ترویجی ۱۲ مورد
- تعداد نشست‌ها: ۱۳۰ نشست
- تعداد کارگاه‌ها: ۶۵ کارگاه

#### ل) نرم افزارهای کنگره:

- ۱- مجموعه آثار کنگره بین المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای مدظله العالی
- ۲- نرم افزار ویژه دانشگاه آزاد اسلامی
- ۳- نرم افزار ویژه سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی
- ۴- نرم افزار ویژه اجلاسیه اصفهان
- ۵- نرم افزار ویژه اجلاسیه مشهد
- ۶- نرم افزار ویژه اجلاسیه دانشگاه معارف اسلامی
- ۷- نرم افزار ویژه اجلاسیه تبریز
- ۸- نرم افزار ویژه اجلاسیه شیراز

#### م) ارزیابان مقالات

سید مجتبی رحمانی، سید محمد حیدر نقوی، محمد فاکرمیدی، آسیه آخوند قرقی، حسین رفتاری، محسن رفیعی، حسن مهدی فر، عباس کریمی، محمد مهدی بهجت، مجتبی محسنی، معصومه حافظی، طاهره محسنی، مریم السادات محقق داماد، محمد حسین حسینی، فاطمه

کوهساری ، سلیمانی دره باغی، سمیه پاپی، عبدالحسین شورچه، محمد علی احمدی، حسین شم آبادی، محمد جواد دشتی، طاهر غرباوی، حسن رضا رضایی، محمدرضا امین، یوسف یوسف آبادی، جواد مصلحی، علیرضا شاهین، اشرف حسین، محمدعسکری مقدس عبدالقادر، محمdblو، زینب کبیری، فاضل علی فاضلی، عبدالله غلامی، حسین خادم، سید محمد میرهاشمی، سید محمد علوی زاده، روح الله سالاریان، محمد نبی زاده، حدیث باقری نیا، سیدمعصوم حسینی، محمدباقر مکرمی پور، سیدمجتبی اختر رضوی، سید عبد الرسول حسینی زاده، علی فرهمندیان، سید محمد اسماعیلی، علی غضنفری، الهه شاه پسند ، علی عزیززاده، عبدالله جبرئیلی، حمید حمیدیان، مریم سادات باقری موسوی، علی اصغر سام دلیری، محمد امینی، قنبر علی صمدی، فاطمه السادات هاشمیان، مریم نساج، مصیب عاشوری، صدیقه شاکری حسین آباد، علی نبی الهی، علی آقا صفری، علی اصغر اخوان، سعید موحدی سیرت، علی حاتمی ، رنیاب علی اکبر، خدامیان آرائی، محمد حسین صاعد رازی، زهرا توکلی، مهدی محمودی، علیرضا اسدی، امیر بنی عصار، محمدباقر ریاحی مهر، عباس یوسفی تازه کنده، سید ابراهیم مرتضوی، سید مهدی سلطانی رنانی، محسن برقی کار، مریم افشارویگنی، حمید الهی دوست، مهدی سازندگی مرتضی فدایی اصفهانی، محمدحسن صالحی هفشجانی، ابراهیم رضایی آدریانی، حسین عامریان، منا فریدی خورشیدی، اصغرهادوی، حسام الدین مومنی، عامل حسن مظاهری، سلمانعلی برهانی، سیدمحمدحسین وحیدی، عصمت سوادی، سعید رحیمی، لاله افتخاری، فاطمه علی پور، محمد نظیر عرفانی، مهدی جهانی، اعظم محمودی، محمد مهدی اسلامیان، اعظم غیائی ثانی، محمد امینی طهرانی، سامان ستوده نیا، نیکو دیالمه، زینب طیبی، سید مرتضی موسوی تبار، محمد دادسرشت، سید سجاد محتشم، محمدرضا حقیقت سمنانی، حمیدرضا طوسی، سید صدرالدین محمودی، محمد تقی احمدی پرتو، حسین مرکزی مقدم، هاجر شعبانی موسی کلایه، مهدی ندائی، عباس الهی، مواهب الخطیب، داود صائمی، رضا لک زایی، خدیجه حسین زاده باردئی، سید احمد موسوی باردئی، سمیه صیادی، مهدی حبیب الهی، سیده فائزه صفدرزاده، محمود اصفهانیان، محمد عسکری ممتاز، سید

عیسی مسترحمی، مسعود داودی پور، سمیه عزیزی، سعید هداوند، عقیل یوسفی زارمی، روح اله پورعابدین، امانی امانی، آزاده ابراهیمی فخاری، احمدرضا تحیری، مصطفی احمدی فر، محمد قادری، علی اصغر ناصحیان، محمد غفوری نژاد، سید مهدی معلمی.

## ن) مراکز علمی همکار کنگره

۱. اتحادیه جهانی زنان مسلمان
۲. اتحادیه موسسات و تشکل های قرآن و عترت کشور
۳. اداره قرآن و نماز و عترت ارتش
۴. استانداری تهران
۵. انجمن حدیث پژوهی حوزه
۶. انجمن علمی دانش پژوهان قرآن و علوم
۷. انجمن فقه و حقوق خانواده ایران
۸. انجمن قرآن پژوهی حوزه
۹. انجمن قرآن و حدیث و گروه قرآن و حدیث استان گلستان
۱۰. انجمن کلام اسلامی حوزه
۱۱. انجمن مطالعات اجتماعی حوزه
۱۲. انجمن ها و قطب های علمی حوزه علمیه قم
۱۳. بسیج اساتید خواران دانشگاه فرهنگیان
۱۴. بسیج اساتید دانشگاه های کشور
۱۵. بسیج اساتید و نخبگان حوزه علمیه
۱۶. بسیج جامعه زنان کشور
۱۷. بنیاد شهید انقلاب اسلامی
۱۸. پردیس خواران دانشگاه امام صادق تهران
۱۹. پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی
۲۰. پژوهشکده حج و زیارت
۲۱. پژوهشکده زن و خانواده
۲۲. پژوهشکده علم و دین پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی
۲۳. پژوهشکده مطالعات معنوی قم
۲۴. پژوهشگاه امام صادق (ع)
۲۵. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۲۶. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۲۷. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۲۸. تالار پژوهشی خوزستان - شوشتر
۲۹. جامعه الزهرا (س)
۳۰. جهاد دانشگاهی واحد الزهرا
۳۱. حوزه علمیه امام خمینی (ره) قم
۳۲. حوزه علمیه خواران الزهرا (سلام الله علیها) شهر ری
۳۳. حوزه علمیه خواران نرجس خاتون شاهین شهر
۳۴. حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) اراک
۳۵. دانشکده الهیات دانشگاه شهید بهشتی تهران
۳۶. دانشگاه امام صادق (ع)
۳۷. دانشگاه آزاد اسلامی
۳۸. دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد
۳۹. دانشگاه آزاد اسلامی استان اصفهان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری
۴۰. دانشگاه آزاد اسلامی استان البرز - کرج
۴۱. دانشگاه آزاد اسلامی استان آذربایجان غربی - ارومیه
۴۲. دانشگاه آزاد اسلامی استان خراسان جنوبی
۴۳. دانشگاه آزاد اسلامی استان خراسان رضوی
۴۴. دانشگاه آزاد اسلامی استان خراسان شمالی -

بجنورد

۴۵. دانشگاه آزاد اسلامی استان خوزستان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری
۴۶. دانشگاه آزاد اسلامی استان زنجان
۴۷. دانشگاه آزاد اسلامی استان سمنان
۴۸. دانشگاه آزاد اسلامی استان کردستان
۴۹. دانشگاه آزاد اسلامی استان کهگیلویه و بویر احمد
۵۰. دانشگاه آزاد اسلامی استان گلستان
۵۱. دانشگاه آزاد اسلامی استان لرستان
۵۲. دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران- ساری
۵۳. دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین
۵۴. دانشگاه بین المللی امام رضا
۵۵. دانشگاه پیام نور
۵۶. دانشگاه رضوی مشهد
۵۷. دانشگاه شاهد
۵۸. دانشگاه شهید اشرفی اصفهان
۵۹. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
۶۰. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم
۶۱. دانشگاه فردوسی مشهد
۶۲. دانشگاه فرهنگیان
۶۳. دانشگاه فرهنگیان پردیس حضرت معصومه علیها السلام قم
۶۴. دانشگاه معارف اسلامی قم
۶۵. دانشگاه ملایر
۶۶. دانشگاه میبد
۶۷. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم نمایندگی خوزستان
۶۸. دفتر تبلیغات اسلامی- مرکز فرهنگ و معارف قرآن
۶۹. دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم نمایندگی خوزستان
۷۰. دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری دامت برکاته
۷۱. دفتر هم اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی دانشگاه اصفهان
۷۲. ستاد فرهنگی دهه فجر
۷۳. ستاد فرهنگی فجر انقلاب اسلامی
۷۴. شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده
۷۵. کانون خادمایان رضوی استان قم
۷۶. کانون همبستگی فرزندان شاهد
۷۷. کمیته امداد امام خمینی
۷۸. مجتمع آموزش عالی اصفهان
۷۹. مجمع بین المللی اساتید مسلمان دانشگاه ها
۸۰. مجمع جهانی تقریب مذاهب
۸۱. مدرسه عالی علوم قرآن
۸۲. مدرسه عالی فقه و اصول امام حسین خواهران یزد
۸۳. مدرسه عالی فقه و قرآن خواهران
۸۴. مدرسه علمیه الزهرا سلام الله علیها بندر عباس
۸۵. جامعه المصطفی نمایندگی خراسان
۸۶. مدرسه علمیه خواهران حضرت رقیه (علیها السلام) قم
۸۷. مدرسه علمیه امام هادی شوشتر خوزستان
۸۸. مدرسه علمیه عالی تخصصی ریحانه النبی سلام الله علیها اراک

۸۹. مدرسه علمیه عصمتیه سمنان
۹۰. مدرسه علمیه فاطمه الزهرا بم
۹۱. مدرسه علمیه فاطمیه کهنوج (استان کرمان)
۹۲. مدرسه فقهی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام
۹۳. مدیریت حوزه علمیه استان خوزستان
۹۴. مدیریت حوزه علمیه خواهران استان خوزستان
۹۵. مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه
۹۶. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۹۷. مرکز آموزش عالی حوزوی فاطمه الزهرا سلام الله علیها خمینی شهر
۹۸. مرکز پژوهشی قرآن المهدی عج
۹۹. مرکز تخصصی امام خمینی(ره)
۱۰۰. مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار(ع)
۱۰۱. مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه اهواز
۱۰۲. مرکز تخصصی قرآن امام علی (ع)
۱۰۳. مرکز تخصصی مشاوره اسلامی امام خمینی(ره)
۱۰۴. مرکز طبع و نشر قرآن
۱۰۵. مرکز کامپیوتری نور
۱۰۶. مرکز مدیریت حوزه علمیه برادران
۱۰۷. مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان
۱۰۸. مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران
۱۰۹. معاونت پژوهش حوزه علمیه استان خوزستان
۱۱۰. معاونت پژوهش حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۱۱. معاونت پژوهش حوزه های علمیه خوزستان
۱۱۲. معاونت پژوهش مدیریت حوزه علمیه استان خوزستان
۱۱۳. معاونت پژوهش مدیریت حوزه های علمیه اصفهان
۱۱۴. معاونت پژوهشی مؤسسه آموزش عالی حوزوی ریحانه النبی سلام الله علیها اراک
۱۱۵. معاونت پژوهشی مؤسسه آموزش عالی النفیسه اصفهان
۱۱۶. معاونت رییس جمهور در امور زنان و خانواده
۱۱۷. مؤسسه آموزش عالی ائمه اطهار
۱۱۸. مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام خمینی ره شهر بندر امام
۱۱۹. مؤسسه آموزش عالی حوزوی حضرت آمنه علیها سلام
۱۲۰. مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا اصفهان
۱۲۱. مؤسسه تخصص حفظ قرآن کریم جهرم
۱۲۲. مؤسسه تدبر در کلام وحی
۱۲۳. مؤسسه کوثر قلعه گنج
۱۲۴. مؤسسه آموزش عالی حوزوی الزهرا سلام الله علیها تبریز
۱۲۵. مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام هادی علیه السلام شوشتر (خواهران)
۱۲۶. مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه
۱۲۷. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)
۱۲۸. مؤسسه تخصصی امام سجاد (علیه السلام) مشهد



۱۲۹. نمایندگی المصطفی اصفهان ۱۳۰. نمایندگی المصطفی افغانستان
۱۳۱. نمایندگی المصطفی تهران ۱۳۲. نمایندگی المصطفی دانشگاه مجازی
۱۳۳. نمایندگی المصطفی علوم انسانی ۱۳۴. نمایندگی المصطفی فقه
۱۳۵. نمایندگی المصطفی گرگان ۱۳۶. نمایندگی المصطفی مجتمع آموزش عالی
- بنت الهدی
۱۳۷. نمایندگی المصطفی مجتمع تاریخ ۱۳۸. نمایندگی المصطفی مجتمع حکمت
۱۳۹. نمایندگی المصطفی مجتمع زبان و فرهنگ شناسی ۱۴۰. نمایندگی المصطفی مشهد
۱۴۱. نمایندگی المصطفی در سوریه و لبنان ۱۴۲. نمایندگی جامعه المصطفی در پاکستان
۱۴۳. نمایندگی جامعه المصطفی در ترکیه ۱۴۴. نهاد رهبری در دانشگاه فرهنگیان
۱۴۵. نهاد رهبری در دانشگاه‌های خوزستان ۱۴۶. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه
- اصفهان
۱۴۷. هیات اندیشه ورز بانوان قرآنی کشور ۱۴۸. وزارت علوم و تحقیقات
۱۴۹. شورای برنامه ریزی مدارس اهل سنت ۱۵۰. آستان قدس رضوی
۱۵۱. بنیاد پژوهش‌های آستان قدس ۱۵۲. دفتر نهاد نماینده ولی فقیه در پاکستان در قم
- علامه سید ساجد علی نقوی
۱۵۳. مدرسه عالی فقاقت - مشهد ۱۵۴. دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان
۱۵۵. دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان ۱۵۶. سازمان تبلیغات اسلامی اصفهان
۱۵۷. دفتر امام جمعه اصفهان ۱۵۸. دانشگاه معارف قرآن و عترت
۱۵۹. مرکز مدیریت حوزه علمیه برادران اصفهان ۱۶۰. مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران اصفهان
۱۶۱. کمیته امداد اصفهان ۱۶۲. دانشگاه اصفهان
۱۶۳. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ۱۶۴. شهرداری اصفهان
۱۶۵. اوقاف اصفهان ۱۶۶. مرکز خدمات حوزه علمیه اصفهان
۱۶۷. صداوسیما اصفهان ۱۶۸. دفتر امام جمعه نجف آباد
۱۶۹. دفتر امام جمعه گلدشت ۱۷۰. سپاه پاسداران اصفهان
۱۷۱. ارتش اصفهان ۱۷۲. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی اصفهان
۱۷۳. دانشگاه تبریز ۱۷۴. جامعه المصطفی تبریز - آذر بایجان شرقی
۱۷۵. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ۱۷۶. دانشگاه صنعتی سهند تبریز
- تبریز
۱۷۷. دانشگاه آیت الله شهید مدنی تبریز ۱۷۸. دانشگاه پیام نور تبریز

۱۷۹. دانشگاه فرهنگیان تبریز  
۱۸۱. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه تبریز  
۱۸۳. تولیت آستان امام زاده شاهچراغ شیراز
۱۸۰. دانشگاه هنر اسلامی تبریز  
۱۸۲. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبریز

**س) نشانی پایگاه اطلاع رسانی کنگره**

<http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>

نشانی کانال کنگره در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/Conferencegam۲>

---

## سخن معاون علمی کنگره

---

بسم الله الرحمن الرحيم

پژوهشها و تحقیقات قرآنی مقام معظم رهبری (مدظله)، قبل و بعد از انقلاب اسلامی آکنده از نوآوریها و نکات ظریف تفسیری و علوم قرآنی است. کنگره اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله)، بر آن است تا به تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌های قرآنی ایشان بپردازد و از این مسیر گامی در مسیر فهم بهتر معارف این کتاب زندگی بردارد.

مقام معظم رهبری پس از فراگرفتن مباحث مقدماتی و برخی مباحث تخصصی حوزوی در مشهد، به قم هجرت کردند و از محضر بزرگانی همچون علامه طباطبایی برای مدتی بهره مند شدند ولی به دلیل بیماری پدر و لزوم پرستاری از ایشان به مشهد بازگشتند و در آنجا فعالیتهای علمی را ادامه دادند. دروس تفسیر معظم له در دهه چهل با تفسیر سوره توبه برای طلاب و دانشجویان آغاز و با تبیین مفاهیم سوره‌های حمد، بقره، حشر، ممتحنه، مجادله، تغابن ادامه یافت. دوری از مباحث تفصیلی و حاشیه‌ای در تفسیر، تلاش در کارآمدسازی تفسیر قرآن از ویژگیهای تفسیری ایشان است. از آن زمان تاکنون هیچ سخنرانی، پیام و مکتوبی را از ایشان نمی‌یابیم مگر اینکه روح معارف قرآن بر آن حاکم بوده و یا به صراحت به ذکر و تبیین آیات قرآنی در آن پرداخته شده است.

مجموعه فعالیتهای علمی کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله) به قرار زیر بوده است.

۱. دعوت از مراکز علمی و دانشگاهی و اعلام همکاری بیش از ۱۵۰ مرکز
۲. تهیه ۲۰ محور اصلی مقالات و بیش از ۷۰۰ ریز موضوع جهت نگارش مقالات
۳. فعال شدن سامانه و کانال کنگره و بارگذاری روزانه اخبار و اطلاعات
۴. تشکیل کارگروه‌های پانزدهگانه و انتصاب مدیران و دبیران و اعضا

۵. آماده سازی شیوه نامه نگارش و ارزیابی مقالات و بارگذاری در سامانه کنگره
۶. برگزاری ۱۴۰ پیش نشست و ۵۰ کارگاه آموزشی و ۱۲ کرسی ترویجی مرتبط با محورهای همایش در شهرهای مشهد، قم، تهران، اصفهان، گرگان، بندرعباس، اهواز، بیرجند و ... و کشورهای هندوستان، عراق، پاکستان، ترکیه، سوریه و چند کشور آفریقایی
۷. تهیه کتاب منبع شناخت در ۸۰۰ صفحه و بارگذاری در سامانه
۸. مصاحبه با بیش از ۴۰ نفر از اساتید حوزه و دانشگاه، بویژه شاگردان معظم له
۹. برگزاری جلسات مشورتی متعدد با دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای مدظله
۱۰. برگزاری ۴۶ جلسه هفتگی توسط اعضای دبیرخانه کنگره
۱۱. برگزاری ۳ جلسه شورای سیاستگذاری در قم و تهران
۱۲. برگزاری ۴ جلسه شورای مراکز همکار و شورای علمی کنگره
۱۳. رایزنی با موسسه کامپیوتری نور جهت نشر الکترونیکی آثار
۱۴. دریافت بیش از ۲۳۰۰ چکیده و ۱۶۶۰ مقاله کامل در محورهای کنگره به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، اردو، آلمانی، ترکی، سندی
۱۵. اعلام آمادگی ۲۶ مجله علمی و ۱۵ مجله ترویجی و تخصصی برای انتشار مقالات منتخب
۱۶. ارزیابی مقالات توسط حداقل دو داور و تقسیم آن در پنج سطح: رد، چاپ در حد چکیده، چاپ در مجموعه مقالات، چاپ در مجلات تخصصی یا ترویجی، چاپ در مجلات علمی
۱۷. چاپ مجموعه مقالات کنگره در بیش از ۳۰ جلد
۱۸. بنابه درخواست مراکز همکاران شاء الله این کنگره به ترتیب زمانی در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، قم، دمشق، بیروت، تبریز و شیراز برگزار خواهد شد.

سید عیسی مستر حمی

معاون علمی کنگره اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله)

تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۰

---

## مقدمه تولیت آستان مقدس شاهچراغ شیراز

### و دبیر علمی کمیته اجلاسیه شیراز

---

باسمه تعالی

«لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَصْرِبِهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره حشر، آیه ۲۱)

تدبر ژرف پیما در آیات وحی

در تاریخ بلندی که بر قرآن کریم گذشته است هزاران کتاب، تفسیر و مقاله پیرامون این کتاب الهی و یا در شرح آیات آن به رشته تحریر در آمده است. آنچه در این میان قابل توجه است نوع نگاه به آیات وحی و سبک و شیوه پرداختن به تبیین آموزه‌های قرآن است. پاره‌ای از نوشته‌ها و تفسیرهای موجود نه فقط دل و جان مؤمن را شیفته و مطیع قرآن ساخته و دردی از دردهای دنیوی و آخروی او را التیام نبخشیده است، بلکه بعضاً حجاب جان و موجب فاصله آدمی از حقیقت وحی و وهن قرآن شده‌اند.

بدون تردید این دردها و تأسفات جانکاه آرامش را یکسره از اندیشمندی که دل در گرو قرآن، به عنوان کامل‌ترین و موثق‌ترین سند اسلام دارد می‌رباید و به تلاشی ستودنی به‌منظور درانداختن طرحی جدید و سبکی نو در تدبر در آیات حیات‌بخش قرآن وا می‌دارد.

آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای (دامت برکاته) که خود عمری را در آموختن، تدریس و تحقیق و تعمق در آموزه‌های اسلام ناب سپری کرده و با مطالعه هزاران اثر از دانشمندان و نویسندگان ایران و جهان بر دردها و بیماری‌های بغرنج و کشنده فردی و اجتماعی مردمان این عصر، به‌ویژه مسلمانان و جوامع اسلامی اشراف یافته است، سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با صراحت لهجه‌ای مثال‌زدنی و با نشان دادن خلأها و نواقص پژوهش‌های اسلامی پیشین، بر ضرورت بازگشت به قرآن و تدبر مؤمنانه در آیات وحی تأکید و طرح و سبکی نوین را در این

عرصه در انداخته است.

تفسیر قرآن توسط معظم له بر مبنای «سبک تدبر ژرف پیما در آیات وحی»، به جلسات رسمی تفسیر که از سالیانی قبل در مشهد مقدس آغاز شده بود محدود نشد، بلکه بنیان مرصوصی شد که بر پایه آن صدها اثر ماندگار و اندیشه ناب و هزاران رهنمود در عرصه‌های فردی و اجتماعی در حوزه‌هایی چون کلام، فقه، اخلاق، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، هنر، رسانه، دشمن‌شناسی، تمدن اسبامی، وحدت امت اسلامی، و ... پدید آمد.

کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای

اکنون با پدید آمدن و در اختیار بودن گنجینه گرانسنگی از اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (دامت برکاته)، که بر مبنای سبک تدبر ژرف پیما در آیات وحی نشو و نما یافته و به سامان رسیده است، رصد، دریافت، تحلیل و بررسی و نقد این اندیشه‌ها ضرورت و اهمیتی دوچندان یافته و رسالتی را بر دوش اندیشمندان مسلمان به‌ویژه قرآن پژوهان حوزه و دانشگاه پدید آورده است.

«کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای» که با همت و تلاش مشکور «جامعه المصطفی العالمیه» و همراهی بسیاری از مراکز دینی و علمی و پژوهشی حوزوی و دانشگاهی کشور کار خود را از سال ۱۳۹۹ آغاز کرده، گام‌های بلندی در مسیر نیل به این هدف بلند برداشته است. این کنگره تا کنون جمع بزرگی از اندیشمندان اسلامی و قرآن پژوهان دردمند را از نقاط مختلف میهن اسلامی و همچنین خارج از مرزهای کشور به تلاش و تحقیق واداشته و از همین رهگذر خدمتی بزرگ و مشکور را به ساحت کتاب کریم الهی و بازخوانی و تبیین و تحلیل اندیشه‌های قرآنی رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی به انجام رسانده است.

این کنگره تاکنون با حضور جمع‌های بزرگی از اندیشمندان داخلی و خارجی در قالب ۶ اجلاسیه بزرگ در مراکز استان‌ها برگزار شده است و اکنون با لطف و عنایت خداوند کریم به گام هفتم خود رسیده است. شیراز به عنوان «سومین حرم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در ایران اسلامی» و «برترین مظهر ترکیب دین، حماسه و هنر در کشور» میزبان این گام در جوار مرقد

ملکوتی امین ولایت حضرت احمد بن موسی الکاظم (ع) شاهچراغ، می باشد. در اجلاسیه هفتم این کنگره عظیم در شیراز، مقالات مرتبط با اندیشه های قرآنی آیت الله العظمی خامنه ای در سه محور «فرهنگ»، «هنر» و «رسانه» ارائه و به بحث و بررسی گذاشته می شود.

آثار رسیده به دبیرخانه کنگره در سه محور مذکور، اکنون در قالب «مجموعه مقالات» در ۳ جلد تقدیم علاقمندان می گردد. توفیق روزافزون همه دست اندرکاران، پژوهشگران و علاقمندان به ساحت قرآن کریم را از پیشگاه صاحب اصلی قرآن، خداوند کریم مسألت دارد.

وظیفه خود می دانم مراتب سپاس و تقدیر خالصانه خود را به طور خاص از رئیس محترم جامعه المصطفی العالمیه حجت الاسلام والمسلمین عباسی، دبیر علمی کنگره حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضایی اصفهانی، مدیران و مسئولان عزیز جامعه المصطفی اعلام نمایم. پیشاپیش از همه دست اندرکاران برگزاری اجلاسیه هفتم در شیراز: معاونت علمی، آموزشی و پژوهشی آستان مطهر احمدی و محمدی، نهاد نماینده مقام معظم رهبری در استان فارس، صدا و سیمای مرکز فارس، استانداری فارس، شورای اسلامی شهر و شهرداری شیراز، سازمان تبلیغات اسلامی فارس، دانشگاه شیراز، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، مرکز مدیریت حوزه های علمیه برادران و خواهران فارس و خادمان عزیز حرم مطهر حضرت احمد بن موسی (ع)، برادران و خواهران بزرگواری که به هر نحو در برگزاری این اجلاس تلاش می کنند، تقدیر و تشکر می کنم؛ توفیق همگان را از محضر خداوند بزرگ خواستارم.

ابراهیم کلاتری

استاد دانشگاه تهران و تولیت آستان مطهر احمدی و محمدی (شاهچراغ) شیراز

ش ۱۴۰۳/۷/۱۰

---

## مقدمه نماینده مقام معظم رهبری در استان فارس و امام جمعه شیراز

---

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای را سپاس که دوستان یار شدند و بخت بیدار روی نمود و هفتمین کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دامت برکاته در حرم سوم اهل بیت علیه السلام در ایران اسلامی تشکیل گردید.

عمق اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری دام‌ظله دیر زمانی است که مورد توجه اندیشمندان دینی و قرآن‌پژوهان قرار گرفته است، آنچه شخصیت «آیت‌الله خامنه‌ای» را از سایر اندیشمندان قرآنی متمایز می‌کند حضور ایشان در عرصه‌ی رهبری امت اسلامی است و کوشش مستمر معظم له برای انطباق همه‌ی راهبردها با تعالیم قرآن کریم خصوصیتی است که از ایشان یک «رهبر قرآنی برجسته» ساخته است. در این راستا همه‌ی عرصه‌های معنوی، معرفتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به آموزه‌های قرآنی هدایت و مدیریت می‌شود. محور اصلی کنگره در سال ۱۴۰۳ فرهنگ، هنر و رسانه است، این موضوع بی‌تردید با شیراز و فارس تناسب خاص دارد، اینجانب ضمن تقدیر از همه‌ی دست‌اندرکاران و شرکت‌کنندگان این رویداد ارزشمند چند نکته را به همه‌ی عزیزان یادآور می‌شوم.

۱- مسلماً قرآن کریم داروی شفابخش آلام بشری در تمام زمانها الی یوم‌القیامه است و نیاز انسان معاصر به این مائده‌ی آسمانی با تفسیر و تبیین زنده و حیات‌بخش رهبر انقلاب اسلامی تردید ناپذیر است. تلاش فعالان این کنگره‌ی بین‌المللی و همه‌ی کسانی که می‌توانند در این زمینه اقدامی مؤثر انجام دهند برای ترویج این اندیشه‌های ناب از افضل قربات عندالله می‌باشد امید است در این زمینه توفیقات روزافزون داشته باشید.



۲ - قرآن بر هنر به عنوان تعالی بخش و قداست دهنده تأثیر شگرفی دارد ، همچنین هنرهایی نظیر قرائت ، کتابت ، تذهیب و امثال آن در خدمت قرآن کریم جلوه کرده است . در گام دوم انقلاب اسلامی با الهام از اندیشه های قرآنی آیت الله خامنه ای و استفاده از فناوری های جدید در همه هنرهای هفت گانه می توان تمدن نوین اسلامی را به اوج رساند .  
اقدام ارزشمند

دبیرخانه ی کنگره برای راه اندازی جشنواره ی هنری ، فرهنگی و رسانه ای گامی مؤثر برای رشد هنر قرآنی خواهد بود .

۳ - فقه هنر و رسانه مقوله ای منحاز از اندیشه های قرآنی و تفسیری نیست ، زیرا قرآن منبع اصلی فقه به شمار می رود . نظریات فقهی رهبر معظم در عرصه ی فرهنگ هنر و رسانه باید مورد توجه پژوهشگران قرار داشته باشد .

در ختام از خداوند سبحان سلامت و دوام سایه بلند حضرت آیت الله العظمی خامنه ای و توفیق همه ی خدمت گزاران به اسلام و قرآن را مسئلت دارم . والسلام .

لطف اله دژ کام

نماینده مقام معظم رهبری

در استان فارس و امام جمعه شیراز

۱۴۰۳/۷/۱۰ اش

---

# فصل اول:

هنر

---

---

# مقایسه دیدگاه شیخ اعظم انصاری (رحمه الله) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تعریف و تعیین مصداق غناء

---

علی عرب ورامین<sup>۱</sup>

## چکیده

مسئله غناء به جهت حساسیت و ابهام در تشخیص مصداق برای مکلفین بین مسائل شرعی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است و در ابعاد مختلفی همچون مفهوم، مصداق و حکم بین فقهای امامیه اختلاف نظرات متعددی به چشم می‌خورد. امروزه موسیقی به صورت جدی با زندگی روزمره انسان آمیخته شده است و انواع و اقسام فراوان آن، موجب دشواری در تشخیص مصداق حرام آن شده است. این مقاله در صدد آن است که با روش مقایسه نظرات دو تن از فقهای مهم امامیه در این مسئله، به تبیین واضحی از تعریف و تعیین مصداق حرام غناء برسد. علاوه بر آن، بیان نقش اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای دام‌ظله در فرآیند استنباط فقهی ایشان قابل توجه می‌باشد. از مهمترین نتایج این مقاله می‌توان به اختلاف در تعیین ملاک حرمت غناء، اختلاف در روش استنباط شیخ اعظم رحمه‌الله و حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی و نوآوری‌های فقهی مستنتج از مباحث قرآنی حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی اشاره نمود.

**واژگان کلیدی:** غناء، موسیقی، مصداق غنای حرام، شیخ اعظم انصاری، مقام معظم رهبری.

## مقدمه

مسئله غناء به جهت حساسیت و ابهام در تشخیص مصداق برای مکلفین بین مسائل شرعی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است و در ابعاد مختلفی همچون مفهوم و مصداق، حکم و ... بین فقهای امامیه اختلاف نظرات متعددی به چشم میخورد.

مرحوم شیخ اعظم انصاری رحمه الله از فقهایست که همواره نگاهی نو و روش مند به فقه داشته و نظرات فقهای پیش از خود را جمع آوری کرده و به صورت جامع و دقیق به جمع بین آنها پرداخته است. لذا بررسی دیدگاه مرحوم شیخ اعظم در عمده مسائل فقهی، به جامعیت پژوهش میتواند کمک کند.

در بین فقهای معاصر نیز مقام رهبری مدظله العالی از نقطه نظرات دقیق و قابل استفاده ای برخوردار است و از آن جهت که ایشان در مسائل مختلف نگاهی نظام مند دارند و همچنین بعد اجتماعی مسائل را نیز در حل مسائل دخیل میدانند، از این رو بهره گیری از دیدگاه ایشان نیز به بالا رفتن دقت در مسئله میتواند کمک کند.

یکی از مسائلی که در جوامع بشری به صورت جدی با انسانها درگیر است، مسئله موسیقی و غناء است. به دلیل همه گیر بودن و تبدیل شدن آن از حرفه به صنعت، انواع و اقسام فراوانی به دایره مصادیق آن اضافه شده که این امر تشخیص مصادیق حرام را از مصادیق حلال آن برای مکلفین دشوار ساخته است.

چه بسا چنین تکلفی، موجب تحیر مکلف شده و بتواند متدینین از مکلفین را نیز دچار اشتباه کرده و یا آنها را از رعایت و مبادرت به احکام شرعی دلسرد نماید.

اینطور به نظر می رسد که تبیین مصادیق حرام از موسیقی به طور واضح و مشخص میتواند قدمی در مسیر ترقیب و تقویت نسل جوان به دینداری باشد.

در رابطه با اصل مسئله غناء و احکام آن و تعیین مصداق حرام از حلال آن، کتب فقهی و مقالات علمی فراوانی نگاشته شده است؛ از قبیل کتاب غناء موسیقی آقای رضا مختاری، غناء و موسیقی در فقه اسلامی اثر آقای روح الله حسینیان، مقاله علمی نگاهی به موسیقی و ابعاد فقهی آن

اثر نعمت الله حصارکی، مقاله غناء و موسیقی از آقای سید کاظم حائری و عمدۀ کتاب های فقه استدلالی فقها که این مسئله با جزئیات در آنها به چشم می خورد ولی در خصوص مقایسه مذکور اثری توسط نگارنده یافت نشد.

### مفهوم شناسی

برای تبیین بهتر مطالب لازم است تا مفاهیمی به طور واضح تعریف گردد. تعریف مختصری از مفاهیم ذیل ارائه میگردد:

۱. غناء: مطلق آواز خواندن (جوهری، ابونصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ۱۴۰۷ق، ج ۳۰، ص ۴۴۷).

۲. لهو: باطل (طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، ۱۲۷۵ ش، ج ۱، ص ۳۸۴).

۳. باطل: معنای مقابل حق (جوهری، ابونصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۶۳۵).

۴. طرب: سبکی ناشی از شدت حزن و سرور (جوهری، ابونصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۷۱).

۵. ترجیع: چرخاندن صوت در حلق (جوهری، ابونصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۲۱۸).

### دیدگاه شیخ اعظم انصاری رحمۀ الله علیه

شیخ اعظم انصاری رحمه الله بر این باورند که با توجه به اخبار مستفیضه دال بر حرمت فی الجمله غناء، حرمت غناء از جهت لهو و باطل بودن آن است و غناء از مقوله کیفیت صوت است (انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۹۰).

اگر مفهوم غناء با صوت لهوی و باطل از لحاظ مصداق مساوی باشد، پس حرام است و اگر نسبت آن اعم باشد، واجب است که مقید شود به صوت لهوی و باطل (انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۹۱).

به عبارت دیگر جناب شیخ لهو را محور و ملاک حرمت می دانند و چون غناء با لهو مساوق است از همین جهت غناء نیز حرام است.

جناب شیخ در رابطه با غنای حرام می فرماید: غناء آن چیزی است که از الحان اهل فسق و معصیت است که از قرآن خواندن بر طبق آن نهی شده است چه آنکه این کیفیت مساوی با غناء باشد یا اعم و یا اخص.

در تعریف غناء جناب شیخ پس از بیان اختلاف نظرات فقها و اهل لغت، بهترین آنها را انتخاب کرده و چنین می فرماید که: (غناء کشیدن صوت است به صورتی که دارای ترجیع و اطراب باشد) و طرب را به سبکی حاصل از شدت اندوه و سرور ترجمه می فرماید.

شیخ اعظم انصاری در نهایت می فرماید: (به هر صورت ما حاصل از ادله این است که صوت مرجعی که لهوی باشد، حرام است) (انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۹۶).

به عبارت دیگر هر صوتی که لهوی باشد و از الحان اهل فسق و معصیت شمرده شود، حرام است. اگرچه که غناء نباشد و هر چیزی که لهو نباشد حرام نیست. گرچه که بر آن غناء صدق کند که این صورت محقق نیست زیرا دلیلی بر حرمت غناء نداریم مگر در صورت باطل و لهو و لغو بودن.

### دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی

حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی در باب موضوع شناسی بر این باورند که راهکار صحیح فهم معنای موضوع، انحصاراً مراجعه ابتدائی به عرف نمی باشد به دلیل اینکه در ابتداء موضوع مجمل است و مراجعه به عرف فایده‌ای ندارد بلکه راهکار صحیح مراجعه به استعمالات اهل لغت، عرف، ادب و فقه می باشد (امام خامنه‌ای، غناء و موسیقی، ۱۴۰۰ ش، ص ۱۹۵).

طبق نظر ایشان، آنچه از ملاحظه استعمالات گوناگون چه در شرع و چه در لغت و چه در عرف به نظر رسیده می رسد، این است که: (غناء به دو معنا استعمال میشود. یکی از دو معنا داخل در معنای دیگر است. پس لفظ غناء مشترک لفظی نیست که بگوییم به نحو اشتراک لفظی در دو معنا

استعمال شده است. بلکه غناء یک بار در معنای عام به کار می رود و یک بار استعمال می شود در بخش و حصه ای از همان معنای عام (امام خامنه ای، غناء و موسیقی، ۱۴۰۰ ش، ص ۱۹۵).

معنای عام، مطلق آواز و معنای خاص، آواز است به نحو خاصی که با یک زیر و بمی و با یک قواعد و قوانینی با یک شکل و اسلوب خاصی خوانده می شود.

بنابر این غنای فی الجملة ای که مراد فقها می باشد، بر معنای اول صدق نمی کند بلکه مراد همین معنای دوم است.

حال برای فهمیدن معنای دوم، باید به عرف مراجعه کنیم. چون دیگر مجمل نیست و مطلق غناء را نمی خواهیم بفهمیم.

فی الحال معنای آواز خوانی را می خواهیم از عرف بفهمیم. آوازه خوانی در عرف یک معنای واضح و مشخصی دارد که با قرآن خواندن و اذان گفتن و... فرق می کند.

اگر بخواهیم حد و حدود همین معنای عرفی را مشخص کنیم تا واضح تر بشود تا جای شبهه باقی نماند، خصوصیات باید برایش ذکر بشود که این خصوصیات در دیدگاه امام خامنه ای<sup>مدظله</sup> العالی به عبارت ذیل می باشد:

### ۱. تداول مفهوم غناء در همه ی اعراف

در همه زبان ها و عرف های جهان این مفهوم وجود دارد و امری رایج است. عرب زبان به آن میگویند «غناء»، معادل فارسی اش «آوازه خوانی» و همچنین در زبان های دیگر مانند انگلیسی و... که در همه اقوام این وجود داشته است به طوری که هیچ قومی را نمیتوان فرض کرد که از این پدیده خارج باشد. حتی با اینکه در بعضی از خصوصیات آن، بعضی از اقوام از بعضی دیگر وارد تر و مطلع تر بوده باشند. اما نمی شود گفت عربی که در مکه بوده، با خودش زمزمه نمی کرده و آواز نمی خوانده است. اتفاقاً آواز می خوانده، گاهی در صحرا می خوانده، گاهی برای شتر می خوانده، گاهی هنگام بردن گوسفند ها به چرا آواز می خوانده و این تداول مفهوم غناء در تمامی اعراف را می رساند.

## ۲. عدم تفاوت مفهومی غناء بین اهل فسق و غیر آن

بین آوازخوانی اهل فسق و فجور و لهُو در مجالس لهُوی خودشان و بین آوازخوانی اهل غیر لهُو در مجالس غیرلهُوی تفاوتی نیست. در آنجا آواز می خوانند. در اینجا هم آواز می خوانند.

## ۳. عدم دخالت حسن صوت و انطباق بر دستگاه های موسیقی در مفهوم غناء

چه خوش صدا آواز بخواند و چه بدصدا، هر دو نفر آوازخوانی کرده اند. تفاوت در آوازخوانی آنها نیست. همین آوازخوانی است که گاهی با مهارت موسیقایی همراه می شود. نه خوش صدایی و نه مهارت موسیقایی و نه حتی نظم موسیقایی شرط صدق غناء و آوازخوانی نیست؛ می تواند درست بخواند می تواند بد بخواند، یا حتی خارج از دستگاه مثلاً بخواند. هیچ کدام در صدق غناء شرط نمی باشد.

## ۴. عدم دخالت ملازمت با آلات موسیقی در مفهوم غناء

شرط صدق غناء این نیست که حتماً با آلات موسیقی و ساز همراه باشد. ممکن است با ساز و ... همراه باشد یا همراه نباشد.

## ۵. دخالت نداشتن مفهوم طرب در مفهوم غناء

این آوازی که اسمش غناءست، گاهی موجب طرب به همان معنایی که گفته اند می شود، گاهی هم نمی شود. طرب یعنی آن خفت ناشی از شدت حزن یا شدت سرور که تعبیر می شود به «بی قراری» یا «از خود بی خود شدن». حصول این حالت در صدق غناء شرط نیست.

## ۶. عدم دخالت حقانیت و باطل بودن کلام در مفهوم غناء

این آوازخوانی گاهی اوقات همراه است با کلام حق، گاهی هم همراه می شود با کلام باطل. مانند غزلی از سعدی و حافظ که در آن مطالب حق و مطالب عالی ای وجود دارد و آوازخوان آن غزل را به آواز می خواند. گاهی هم با آواز شعری خوانده می شود که لهُو است و باطل، دروغ است و گناه و یا شهوت انگیز است و شهوت آلود، بر هر دوی این ها غناء صدق می کند. اینطور



نیست که بگوییم بر آن یکی غناء صدق نمی‌کند و بر این یکی غناء صدق می‌کند. هر دو غناء است؛ محتوایش حق باشد یا باطل.

#### ۷. دخالت نداشتن مقارنت با کلام در صدق

مقارن بودن یا نبودن آوازه‌خوانی با کلام، جزو مقومات غناء نیست؛ غناء لزوماً آن نیست که کلام داشته باشد. می‌تواند با کلام باشد، می‌تواند بدون کلام باشد.

#### ۸. عدم صدق غناء بر تلاوت های متعارف قرآن و اذان

عرف فرق می‌گذارد بین این مفهومی که مورد نظر است؛ یعنی غناء و بین اصواب دیگری مثل تلاوت قرآن و سایر انواع صوت که غناء به معنای لغوی یعنی مدّ و ترجیع بود. وقت از عرف پرسیم که آیا این آقا دارد آواز می‌خواند؟ می‌گوید نه، آواز نمی‌خواند، او قرآن می‌خواند. البته می‌شود قرآن را هم با همین شیوه آواز خواند؛ شکل قرآن خواندن را می‌شود تبدیل کرد به شکل همین آوازه‌خوانی که می‌شود غناء به قرآن که محل کلام است: آیا غناء به قرآن جایز است یا جایز نیست که باید گفت اگر به صورت غناء حرام باشد، جایز نیست. ولی آوازه‌خوانی با قرآن خوانی متداول فرق دارد؛ قرآن خوانی متداول شناخته شده بین مردم یا اذان گفتن متداول بین مردم، با آن مفهومی که ما به آن غناء می‌گوییم که معادلش آوازه‌خوانی است؛ تفاوت دارد. بنا بر این حدود و خصوصیات این مفهوم عرفی این‌ها نیست که بیان شد. (امام خامنه‌ای، غناء و

موسیقی، ۱۴۰۰ش، ص ۲۲۱)

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی بر این باورند که ملاکات دخیل در حرمت غناء عبارتند از:

(۱) تقیید حرمت غناء به لهو

(۲) تقیید حرمت غناء به بطلان (امام خامنه‌ای، غناء و موسیقی، ۱۴۰۰ش، ص ۲۳۳)

بنابراین غناء محرم آن غنائی است که یکون فیه شیء من اللّٰه و الباطل. پس غناء که عبارت است از آوازه‌خوانی، آن وقتی حرام است که لهو و باطل باشد و الا فلا (امام خامنه‌ای، غناء و موسیقی، ۱۴۰۰ش، ص ۲۳۳).

لهوی که در عنوان غناء محرم مأخوذ است، به معنای اطراب و طرب انگیز بودن نیست. همچنین به معنای اختصاص به مجالس و لهو و لعب و مجالس فسق و فجور هم نیست. مطلق (ما الهی عن ذکر الله) هم نیست. هر چیزی که إلهاء عن ذکر الله بکند حرام نیست؛ در زمدگی متعارف ما مردم، کارهایی هست که ملهی عن ذکر الله است، مانند مطالعه و آشپزی و رانندگی. اینها همه از ذکر خدا غافل می‌کند، اما هیچ کدام حرام نیست (امام خامنه‌ای، غناء و موسیقی، ۱۴۰۰ش، ص ۲۴۹).

اضلال در لهوی که مُضِلّ عن سبیل الله است، گاهی به خاطر مضمون کلام است یا اینکه مضمون آن مضلّ عن سبیل الله نیست اما آهنگ آن چنان آهنگی است که انسان را وادار به گناه می‌کند یا اینکه (إلهاء عن ذکر الله) نه در مضمون است و نه در آهنگ، بلکه ناشی از نحوه اجرا است و چون کیفیت و خصوصیت شخص خواننده طوری است که خواندن او موجب تحریک شهوت و افتادن به گناه است، میشود غناء لهوی. بنابراین، غناء لهوی عبارت است از غناء مُضِلّ عن سبیل الله بأی وجه، چه از ناحیه ی مضمون باشد یا به خاطر آهنگ، یا بخاطر خواننده. این می‌شود غناء حرام (امام خامنه‌ای، غناء و موسیقی، ۱۴۰۰ش، ص ۲۵۰).

### نقاط اشتراک دو دیدگاه

جهت مقایسه این دو دیدگاه به بررسی نقاط اشتراک آنها پرداخته می‌شود که از نقاط اشتراک این دو دیدگاه می‌توان مواردی ذیل را نام برد.

- ۱) هر دو دیدگاه حرمت فی الجمله غنائی که اجماعی است نزد فقها را تأیید می‌نمایند.
- ۲) هر دو دیدگاه حیثیت لهو و باطل بودن غناء را در حرمت فی الجمله آن دخیل می‌دانند.
- ۳) هر دو دیدگاه در باب موضوع‌شناسی غناء را از مقوله کیفیت صوت می‌دانند.
- ۴) هر دو دیدگاه بر شأنی بودن ملاک حرمت در غناء معتقدند.

### نقاط افتراق دو دیدگاه

همچنین بین این دو دیدگاه نقاط افتراقی نیز به نظر می‌رسد که به برخی از امّهات آنان اشاره خواهد شد.

- (۱) در باب موضوع شناسی شیخ اعظم انصاری رحمت الله علیه تشخیص معنای غناء را در نهایت بر عهده عرف می‌دانند و معتقدند که معنای غناء را عرف می‌فهمد و مصداق حکم حرمت فی الجمله، همان چیزی است که مردم به آن می‌گویند غناء اما حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی بر این باورند که راهکار صحیح فهم معنای موضوع، انحصاراً مراجعه به استعمالات اهل لغت، عرف، ادب و فقه می‌باشد.
- (۲) شیخ اعظم رحمه الله نسبت دایره مصادیق غناء را با صوت لهوی مساوی می‌داند لذا غناء را از باب صوت لهوی بودن حرام می‌داند اما امام خامنه‌ای مدظله العالی این نسبت را اعم می‌دانند یعنی غناء را اعم از صوت لهوی می‌داند لذا باید غناء مقید بشود برای صدق حکم حرمت فی الجمله بر آن.
- (۳) شیخ می‌فرماید صوت لهوی یک صوتی است که مناسب با الحان اهل فسق و معاصی باشد و دیگر اینکه صوتی باشد طرب انگیز اما حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی می‌فرمایند آن لهوی حرام است که مُضِلٌّ عن سبیل الله باشد لذا غنای لهوی به این معنا میشود حرام.
- (۴) از بیان شیخ اعظم رحمت الله علیه در ذیل آیه ۶ سوره مبارکه لقمان چنین برداشت می‌شود که ایشان قائل به این هستند که آیه مذکور اشعار دارد به حرمت مطلق لهو و همچنین اینکه آیه در باب لهو الحدیث است و آنچه مورد توجه آیه است خصوص لهو در حدیث است و لذا می‌گوییم که غناء باید حدیث باشد یعنی باید از جنس قول باشد. اما امام خامنه‌ای مدظله العالی در همین باب قائل به این هستند که آیه شریفه گرچه در باب لهو الحدیث است، اما آنچه مورد توجه آیه است، خصوص لهو در حدیث نیست تا مجبور شویم بگوییم بایستی در غناء هم حدیثی وجود داشته باشد و آن حدیث لهوی باشد؛ بلکه مطلق لهو مورد نظر است ولو اینکه آیه شریفه فرموده باشد: (لهو الحدیث) و همچنین ایشان می‌فرمایند آیه اشعار ندارد، دلالت دارد، لکن نه در حرمت مطلق لهو که مسلماً حرام نیست، بلکه دلالت دارد بر حرمت آن لهوی که (یضلل عن سبیل الله) ولو آن لهو از مقوله ی قول و حدیث

نباشد و از مقوله ی افعال باشد. در نتیجه طبق دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی، لهو مضملاً عن سبیل الله به حسب این آیه، حرام است ولو اینکه از قبیل افعال باشد.

نقش اندیشه قرآنی حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی

همانطور که در سومین افتراق بین دو دیدگاه عرض شد، ملاک حرمت غناء است که حضرت امام خامنه‌ای دام‌ظله، از ملاک اضلال استفاده نموده اند و مصداق غناء ی حرام را غناء یی می دانند که موجب اضلال عن سبیل الله باشد.

در این باره باید گفت که ریشه اصلی این نوآوری فقهی که در بین فقهای متأخر و هم چنین معاصرین حضرت امام خامنه‌ای دام‌ظله به این صورت دیده نمی شود، اندیشه قرآنی ایشان و نوع نگاه خاصی که به تفسیر آیات قرآن کریم، شأن نزول آیات، مطابقت شأن نزول با سیاق و هم چنین به ارتباط آن‌ها با آیات دیگر و با روایات دارند، می باشد. شاهد بر این مدعا، نحوه ی استفاده ایشان از آیه ایست که به عنوان یکی از مهمترین ادله در بین ادله ی این باب معروف می باشد؛ یعنی آیه ششم از سوره مبارکه لقمان است.

در باب استدلالی که فقها به آیه شریفه، (و من الناس من یشتري لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزواً اولئک لهم عذاب مهین) بر حرمت غناء اقامه نموده اند، حضرت امام خامنه‌ای دام‌ظله با بیان اشکالاتی چنین وارد مسئله می شوند که در روایات، لهو الحدیث تفسیر به غناء شده است؛ روایاتی که بعضی از آن‌ها معتبر و مجموعش هم اطمینان آور است. بنابر این، این معنا فی الجمله از امام علیه السلام صادر شده است. حال برای اینکه مراد را بهتر بفهمیم، باید خود آیه را مورد توجه قرار دهیم و سپس به بحث از شأن نزول آیه می پردازند (امام خامنه‌ای، علی، غناء و موسیقی، ۱۴۰۰ش، ص ۶۲).

طبق فرمایش ایشان شأن نزول آیه شریفه، در مورد کسانی است که لهو الحدیث یعنی سخنان بیهوده را ذکر می کنند برای گمراه کردن مردم یا برای به استهزاء گرفتن آیات الهی؛ (لیضل عن سبیل الله و یتخذها هزواً). همچنین به مطابقت این شأن نزول با سیاق آیات دیگر می پردازند، به این صورت که می فرمایند: (البته این شأن نزول با صدر این آیات هم تطبیق می کند. سوره مبارکه

لقمان با بحث هدایت و اضلال آغاز می‌شود؛ در این آیات ابتدایی سخن از کسانی است که آیات الهی را می‌شنوند و هدایت می‌شوند. بعد بلافاصله همین آیه مذکور را می‌فرماید، یعنی این ضلالت در مقابل آن هدایت قرار گرفته است. لهو الحدیث در مقابل (آیات الكتاب الحکیم). آن آیات، آیات حکمت آمیز است، اما این حدیثی که این شخص بیان میکند که مورد شأن نزول آیه مورد بحث است، لهو است، بیهوده و سرگرمی است و هیچ محتوایی ندارد. دقیقاً تقابل بین این دو بخش به وجود می‌آید. آن آیات برای هدایت است: (هدی و رحمه للمحسنین)، اما این سخنان، لهو الحدیث است برای اضلال و گمراه سازی مردم؛ (لیضل عن سبیل الله). پس در این آیه صرف لهو الحدیث مذمت نشده است بلکه لهو الحدیثی که منشأ ضلالت است، خصوصیتش این است. لذا می‌فرماید: (لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزواً) (امام خامنه‌ای، غناء و موسیقی، ۱۴۰۰ش، ص ۶۳).

در ادامه ایشان ملاک اصلی حرمت فی الجملة غناء را که محل نزاع اصلی بحث در این مسئله است را با همین روش قرآنی خویش؛ که مذاقه در معنای آیه و ارتباطات بین آیات است، ارائه می‌نمایند و سرّ نقش اندیشه قرآنی حضرت امام خامنه‌ای دام‌الله در همین جا نمایان می‌شود. ایشان با دقت در این معنا که به آن لهو الحدیثی وعده‌ی عذاب داده شده که مقید است به مابعدش و در آیه شریفه ذکر شده است؛ (لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزواً)، این نوع از لهو الحدیث است که مورد چنین ایعاد سخت الهی است؛ (اولئک لهم عذابٌ مهین). لهو الحدیثی که موجب اضلال عن ذکر الله باشد و موجب سخریه‌ی آیات الهی باشد، که شأن نزول آیه هم همین معنا را کاملاً توضیح می‌دهد. پس این چنین لهو الحدیث است که حرام است.

مسئله دیگری که می‌تواند در اینجا شاهد بر مدعا باشد مسئله تفسیر لام در آیه است به این صورت که آیا این لام غایت است یا لام عاقبت؟ ایشان در این باره می‌فرمایند که دو احتمال وجود دارد که در نتیجه‌ای که می‌خواهیم از این آیه بگیریم، تفاوت ایجاد می‌کند. به این بیان که اگر گفتیم لام غایت است، معنایش این است که (یشتری لهو الحدیث) لغایت الاضلال یعنی کسی که (یشتری لهو الحدیث)، قصد اضلال دارد. غناء هم بنابر تفسیر لهو الحدیث به غناء، آن غنایی

است که معنی قصد اضلال داشته باشد و بخواهد طرف مقابل را به گناه بیندازد و او را گمراه کند، چنین غنائی محرم است. اگر لام را لام غایت گرفتیم، لازمه اش چنین است اما اگر لام را لام عاقبت گرفتیم، قصد لازم نیست. یعنی ولو کسی بدون قصد اضلال، بدون قصد اینکه بخواهد کسی را به حرام بیندازد، لکن به هر حال نتیجه اش اضلال باشد و آن سرگرمی، سرگرمی ای باشد که منتهی به اضلال می شود، این هم می شود حرام. پس بنا بر احتمال اول این حرام نیست اما بنا بر احتمال دوم می شود حرام. حال کدام است؟ آیا لام غایت است یا لام عاقبت؟ (امام خامنه ای، غناء و موسیقی، ۱۴۰۰ش، ص ۷۵)

ایشان با بیان صورت مسئله و بیان قرائن غایت بودن لام، ظهور بدوی غایت بودن را برای لام اثبات می کنند اما با بیان اشکال استلزام فرد نادر و قلیل، از این ظهور بدوی صرف نظر کرده و لام عاقبت را برای این لام در آیه مذکور ثابت می دارند تا صورت غیر قصد را هم شامل بشود. و در نتیجه آن صوت لهوی ای که مصلّ عن سبیل الله باشد، به همان معنای عام اضلال، می شود غناء محرم ولو اینکه آن اضلال از روی قصد نباشد.

در ادامه با تدقیق در تفصیل بین اضلال شخصی و اضلال نوعی، این نتیجه را می گیرند که اضلال نوعی ملاک است و در اضلال نوعی، انسان علم عادی دارد به اینکه کسانی از این غناء دچار ضلال خواهند شد. پس علم به اضلال پیدا شد و همچنین با بیان یکسان بودن علم و قصد نزد عرف، به عدم فرق بین غایت و عاقبت در لام می رسند. لکن آن غایتی مراد خواهد بود که به معنای اعم باشد از آن چیزی که معنی قصد آن را کرده باشد یا آنچه قصد آن را نکرده باشد و فقط آن موردی که علم به ضلال و گناه نباشد از مسئله خارج می شود.

نتیجه این بحث دقیق در الفاظ قرآن نیز مستقیماً در فرآیند استنباط ایشان دخالت دارد و نتیجه بحث فقهی و حکم فقهی ایشان را تغییر می دهد. لذا می توان ادعا نمود که در روش استنباط حضرت امام خامنه ای <sup>مدظله العالی</sup> مبانی و اندیشه های قرآنی ایشان سهم بسزایی دارد و این یکی از ویژگی های منحصر به فرد این روش اجتهاد است که اهمیت آن برای علاقمندان این مسئله پوشیده نمی باشد.

## جمع بندی

آنچه از مقایسه دو دیدگاه مذکور به دست می آید، این است که نه تنها اختلاف چندانی بین این دو دیدگاه وجود ندارد بلکه آنچه از بیانات حضرت امام خامنه ای مدظله العالی مغایر است، به نوعی تکمیل کننده بحث موضوع شناسی شیخ اعظم رحمت الله علیه می باشد و البته بیشتر تفاوت در روش استنباط آنهاست.

لذا جمع بندی این نوشته به این صورت خواهد بود که مفهوم غناء به معنای اخص با صوت لهوی نسبت عام و خاص مطلق دارد به اعمیت غناء و برای صدق حکم حرمت فی الجمله غناء، واجب است که مفهوم غناء مقید بشود به عنوان لهوی که در این صورت غنای حرام، آن غنایی است که یکون فیهِ شیءٌ من اللّهُو و الباطل.

در نتیجه غنایی که لهوی نباشد و صرف آوازه خوانی باشد که عبارت است از آواز به نحو خاصی که با یک زیر و بمی و با یک قواعد و قوانینی و با یک شکل و اسلوب خاصی خوانده می شود، هیچ گونه وجهی برای حرمت ندارد مگر اینکه با حرامی همراه بشود. مثل آلات لهو و لعب و موسیقی که احکام آنها به طور مستقل قابل بحث است و دخلی به حکم فی نفسه غناء ندارد. همچنین لهوی باطل است که مضلّ عن سبیل الله باشد و هر گونه لهوی هم حرام نیست همانطور که در مهمترین دلیل از ادله حرمت لهو آمده است (و من الناس من یشتري لهو الحدیثِ لِيُضِلَّ عن سبیلِ الله بغير علمٍ)، اضلال عن سبیل الله در حرمت لهو دخیل است و هر لهوی حرام نیست. بلکه لهوی حرام است که انسان را از راه خدا دور نماید که طبق نقل قول امام خامنه ای مدظله العالی از مرحوم امام خمینی رحمت الله علیه اضلال در اصول و فروع وجود دارد؛ گاهی انسان از اصول دین گمراه می شود و گاهی از فروع دین که انسان باید به این نکات توجه نماید.

لذا آنچه به دست می آید از جمع بندی مطالب این است که بعضی از مصادیق غناء حرام است و بعضی از مصادیق آن حلال و آن غنایی که لهوی مضلّ عن سبیل الله باشد، حرام است و آن غنایی که لهوی مضلّ عن سبیل الله نباشد حرام نیست.

ملاک اضلال در لهو مصلّ عن سبیل الله، اضلال شأنی است نه فعلی؛ به این معنا که ممکن است یک مصداق غناء حرام برای یک شخص مصلّ عن سبیل الله باشد بالفعل و برای یک شخص به دلایل مختلف نباشد و این فعلیت اضلال شرط نیست بلکه همینکه یک مصداق غناء، شأنیت لهوی مصلّ عن سبیل الله را داشته باشد، در صدق حکم حرمت کافی ست (امام خامنه‌ای، غناء و موسیقی، ۱۴۰۰ش، ص ۳۲۴).

اهمیت این توضیح پایانی در این نکته است که ممکن است به دلایل مختلفی برای یک انسانی اضلال رخ ندهد، از قبیل عادت کردن یا حواس پرتی و یا نامأنوس بودن صدای خواننده و... که این ها همه موانعی است که میتواند مانع از فعلیت اضلال باشد، که در صدق حرمت شرط نمی‌باشد. چنین غنایی حرام است.

و اما آنچه قابل توجه و استفاده است از نقش اندیشه قرآنی حضرت امام خامنه‌ای<sup>مدظله العالی</sup> در فرآیند استنباط فقهی ایشان در این مسئله این است که ورود مستقیم مبانی و مباحث دقیق و علمی قرآنی اعم از تفسیر آیات، بررسی شأن نزول، بررسی سیاق آیات، تطبیق شأن نزول بر سیاق و بررسی روابط بین آیات با یکدیگر و آیات با روایات، در فرآیند استنباط و اجتهاد، موجب نوآوری های فراوان و ابداعات بی نظیر شده است.

فارغ از نتیجه حکم در این مسئله که هدف اصلی این مقاله می‌باشد، بررسی شاهد مثال هایی از اختلاف روش جناب شیخ اعظم انصاری<sup>رحمت الله علیه</sup> و امام خامنه‌ای<sup>مدظله العالی</sup> در فرآیند فقاهت و استنباط، خود نتیجه ی بسزایی برای این مقاله می‌باشد و همچنین ابداعات فقهی مستنتج از مباحث قرآنی حضرت امام خامنه‌ای<sup>دامظله</sup>، برای این مقاله و نگارنده و تمامی علاقمندان به این مباحث و علی الخصوص مشرب فقهی و اجتهادی ایشان بسیار حائز اهمیت می‌باشد.



## منبع و مؤاخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. الجوهري، ابونصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربيه، ۱۴۰۷ ق
۳. انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، ۱۴۱۵ ق
۴. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، ۱۲۷۵ ش
۵. امام خامنه‌ای، سید علی، غناء و موسیقی، ۱۴۰۰ ش
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بی تا
۷. شهیدی تبریزی، میرفتاح، هدایه الطالب إلى أسرار المکاسب، بی تا
۸. شیخ حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق
۹. فیروز آبادی، مجد الدین، قاموس المحيط، ۱۴۲۶ ق
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۴۰۷ ق
۱۱. محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۴۱۴ ق.

---

# تحلیل قرآنی-روایی شاخصه‌های رفتاری هنرمند انقلابی از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

---

خدیدجه حسین زاده باردئی<sup>۱</sup> - زهرا رفیعی وردنجان<sup>۲</sup>

## چکیده

بعد از چهاردهم از انقلاب، برخی هنرمندان تحرکاتی علیه نظام جمهوری اسلامی انجام دادند که به جهت جایگاه ایشان موجب ایجاد اغتشاش و دودستگی در جامعه گردیدند؛ از این رو به منظور آگاهی بخشی و جهاد تبیین به این قشر فرهیخته بررسی بیانات امام خامنه‌ای در عرصه‌ی شاخصه‌های این قشر و پرچم‌دار بودن آن‌ها و مستندسازی قرآنی و روایی این بیانات امری لازم به نظر می‌رسد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای به تحلیل قرآنی-روایی، شاخصه‌های هنرمند انقلابی در دو جنبه سلبی و ایجابی، از منظر ایشان پرداخته است. آنچه از مطالعه بیانات به دست می‌آید این است که «اهل درک زیبایی‌ها»، «دقیق و ظریف بین»، «واقع‌بین»، «مبلغ و مبین حقیقت»، «بصیر و آگاه به زمانه»، «بلند همت و امیدوار»، «مؤثر و محرک»، «متعهد به فرم و محتوا»، «رسواگر جنایت کاران» از جمله شاخصه‌های ایجابی و «بی تعصب و بی غرض»، «بی تفاوت بودن و موضع داشتن» از شاخصه‌های سلبی است که دارای مؤیدات قرآنی و روایی است.

**واژگان کلیدی:** هنرمند انقلابی، بیانات رهبری و هنرمند، شاخصه‌های ایجابی هنرمند، بلند همتی

هنرمند و رهبری، بصیرت هنرمند و رهبری.

---

۱. دانش آموخته سطح چهار تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی زنان جامعه الزهرا سلام الله علیها و مدرس

مؤسسه آموزشی بنت الهدی، Hosinzadeh110@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح سه تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهرا سلام الله علیها، نقاش و تصویرگر (نویسنده: مسئول)،

zahrarafiei707@gmail.com

## مقدمه

هنرمندان از دیرباز یکی از موثرترین افراد جامعه بوده‌اند؛ زیرا ظریف‌ترین معانی را با زبان هنر بیان می‌کردند و تاثیر شگرفی در تحولات مختلف داشته‌اند، تا جایی که هنرمندان را پیامبران جامعه خوانده‌اند. با گسترش رسانه‌ها و تاثیر پررنگ آن بر جوامع، نگاه به هنرمندان هم ویژه تر شد و منجر به الگوسازی برای مردم گردید. در جوامع غربی از این قشر خاص به خصوص هنرمندان سینما که بیشتر از سایرین در قاب رسانه دیده می‌شدند، در راستای پیشبرد اهداف سیاسی، فرهنگی، تبلیغاتی و... استفاده شده است. با آغاز انقلاب اسلامی، دشمنان انقلاب از هر ابزاری در جهت تضعیف و مقابله با انقلاب، استفاده کرده‌اند که یکی از این موارد، هنر و هنرمندان هستند. تا جایی که برخی از سلبریتی‌ها که همان خواص مشهور جامعه تلقی می‌شوند در زمین دشمن بازی کرده و خواه ناخواه موجب اغتشاش و دودستگی در جامعه شده‌اند. از این رو نوشتار حاضر قصد دارد با روش توصیفی و تحلیلی به پاسخ این سوال که در حوزه رفتار فردی و اجتماعی شاخصه‌های قرآنی و روایی هنرمند انقلابی در بیانات رهبری کدام است؟ بپردازد. پس از مفهوم‌شناسی و با اصطیاد شاخصه‌ها دارای مستند قرآنی و روایی، در دو دسته سلبی و ایجابی تقسیم‌بندی شد.

## پیشینه

با جستجوی انجام گرفته نوشتاری با عنوان «تحلیل قرآنی-روایی شاخصه‌های رفتاری هنرمند انقلابی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای» یافت نشد. تنها منبع، بیانات متعدد ایشان در سالیان مختلف است که در سایت معظم له قابل دسترسی است. اما در خصوص هنرمند انقلابی، مقاله‌ای در فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی (دوره اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷)؛ به چشم می‌خورد که با عنوان تحلیل دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (ره) پیرامون نقش هنرمند و هنر در پیکره تمدن اسلامی توسط علیرضا کریمی به رشته تحریر در آمده است که در این مقاله به بحث هنر و جایگاه هنرمند و بررسی شاخصه‌های آن از دیدگاه دو رهبر انقلاب اسلامی به روش توصیفی و تحلیلی پرداخته شده است. در صفحه ۵۵ این فصلنامه، به بحث هنرمند از دیدگاه امام

خامنه‌ای اشاره شده که تنها به سه ویژگی از ویژگی‌های هنرمند در بیانات ایشان اشاره شده است. نکته مهم این مقاله مقایسه نظر امام خمینی (رحمه الله علیه) و امام خامنه‌ای (حفظه الله) می‌باشد که دیدگاه‌های ایشان را با نظریه تمدن اسلامی مورد بررسی قرار داده است. اما به نظر می‌رسد هنرمند انقلابی از دیدگاه امام خامنه‌ای (حفظه الله) مغفول مانده است؛ زیرا تنها به سه ویژگی هنرمند انقلابی پرداخته و به طور مفصل، به تبیین شاخصه‌های هنرمند انقلابی و جایگاهش پرداخته نشده است و صرفاً دورنمایی ای از مقایسه نظرات دو رهبر انقلاب به مخاطب می‌دهد؛ از طرفی نگاه قرآنی و روایی به این مبحث ندارد. دیگر آثار مکتوب پیرامون ماهیت هنر، هنر اسلامی، هنر شیعی، هنر پیشرو، کاربردهای هنر و... هستند. در برخی کتب به طور کلی و غیر مستقیم به هدف این نوشتار یعنی شناخت هنرمند انقلابی نزدیک شده‌اند اما به طور جداگانه به شخصیت هنرمند و هنرمند انقلابی اشاره ای نکرده‌اند. از طرفی به بررسی این شاخصه‌ها مطابق با نظرات امام خامنه‌ای (حفظه الله) و ارائه تحلیل قرآنی روایی پرداخته‌اند. به همین منظور به نظر می‌رسد این نوشتار، در جایگاه خود بدیع و نو باشد. در مقاله پیش رو نه تنها به بررسی تک تک شاخصه‌های رفتاری هنرمند انقلابی از منظر رهبر انقلاب پرداخته شده، بلکه این ویژگی‌ها دسته‌بندی شده و در دو بخش سلبی و ایجابی به تفکیک بیان شده است، از طرفی تحلیل قرآنی-روایی این بیانات که خود شاهدهی بر استحکام نظریات معظم له درباره قشر هنرمندان است نیز به دست آمده است. به همین سبب، هم وظیفه عملی هنرمندان را مشخص می‌نماید و هم به مردم در شناخت هنرمند انقلابی کمک می‌کند.

## مفهوم شناسی

### ۱-۱) شاخصه‌های رفتاری

عبارت ترکیبی «شاخص رفتاری» از دو کلمه شاخص و رفتار پدید آمده و معنای آن با عنایت به معنای این دو کلمه روشن می‌شود. واژه «شاخص» و «رفتار» در کتب لغت در چند معنا به کار رفته است؛ «شاخص» در لغت به معنای بلند، برآمده، مرتفع، نمودار (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ص ۶۵۲) و به معنای برآمده، چشمگیر، مرتفع (ر.ک: عمید، ۱۳۸۹: ص ۶۸۵) آمده است. واژه «رفتار» در لغت به

معنای روش، سیر، طرز حرکت، سلوک (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ص ۵۳۴) و به سلوک، معامله و معاملت نیز معنا شده است (ر.ک: دهخدا، ج ۸، ص ۱۲۱۵۷). دانشمندان علوم اجتماعی و علوم رفتاری اصطلاح «شاخص رفتاری» را این گونه بیان می کنند که «شاخص رفتاری عبارت است از مفهوم یا عددی که اندازه کمیت معینی را مشخص کند و شاخص به معنای اخص برای مفاهیم یا صفاتی به کار می رود که در سطح نسبی قابل اندازه گیری باشد.» (دوورژ، مبانی روش های علوم اجتماعی، ۱۳۶۷: ص ۳۳۹)؛ به گفته وی شاخصه ها رده های مشاهده شدنی هستند که به وسیله آن ها می توانیم تفاوت های میان ابعاد تحلیل شده را درک کنیم. در عالم واقعیت هم می توانیم وجود یا عدم وجود این ویژگی یا وضعیت چنین متغیری را ثابت کنیم. (رونرژ، مبانی پژوهش در علوم اجتماعی، ۱۳۶۴: ص ۶۱). اگر رفتار را به عنوان یک مفهوم در نظر بگیریم؛ برای عینی ساختن آن ابتدا باید به ابعاد و مولفه های رفتاری تجزیه گردد. سپس شاخص یا شاخص های آن رفتار تعیین شود. شاخص در زبان علوم تربیتی نشانگرهایی است برای سنجش میزان رشد فرد در ابعاد مختلف که در مقایسه و ارزیابی رفتار علمی و اخلاقی افراد با همدیگر به کار می رود؛ (فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، ۱۳۷۸: ص ۲۷۷)؛ بنابراین، شاخص یک ویژگی رفتاری است که سبک نحوه آن رفتار را نشان می دهد؛ به عبارت دیگر شاخص در حقیقت یک خاص رفتار در حیطه در روابط اجتماعی می باشد که نشانگر کیفیت عمل است؛ اما شاخص رفتاری در این مقاله ویژگی های رفتاری سبک زندگی فردی و اجتماعی از منظر مقام معظم رهبری است.

## ۱-۲) هنرمند انقلابی

در راستای تبیین این واژه مرکب ابتدا مفهوم هر کدام از واژگان تشریح می شود. هنرمند یک صفت فاعلی و از ریشه «هنر» است و معادل عربی آن «فنان» است. این واژه در لغت به معنای: «باهر، دلیر و مبارز، قوی، نیرومند، دارای فضایل و مکارم اخلاقی، در تداول، کسی که هنری چون شاعری، خوانندگی، نقاشی، نوازندگی، بازیگری و جز آن را پیشه خود سازد. ماهر و توانا در فنی یا صنعتی: خیاط هنرمند» است. (دهخدا، ۱۳۹۰: ج ۱۴ ص ۹۴۲). در اصطلاح نیز به «عالم و فاضل و دانا و حاذق و زیرک و جاهد و ساعی، دستکار و دارای صنعت» یاد شده است. (نفیسی، ۱۳۱۸:

ج ۵ ص ۳۹۷۴). می‌بینید که تعاریف مختلفی در خصوص این واژه در لغت و اصلاح بیان شده است که تعریف روشن و واضحی به دست نمی‌دهد. گاهی مترادف عالم و گاهی تلاشگر و گاهی مبارز و... آمده است. لذا به نظر می‌رسد برای فهم معنای «هنرمند» ابتدا باید در مورد خود «هنر» که جلوه و تجلی وجودی هنرمند است و توسط وی بروز و ظهور می‌یابد تأمل کرد.

انقلابی‌گری در تبیین رهبری چنین آمده است که می‌فرمایند: «(برخی) انقلابی‌گری را با رفتار هیجانی اشتباه می‌گیرند، با حرف‌های غیر مسئولانه اشتباه می‌گیرند؛ نه، انقلابی‌گری این نیست؛ انقلابی‌گری آن روحیه‌ی اقدام صحیح، عازم، و جازم در جهت درستی است که با عقلانیت برخاسته‌ی از روحیه‌ی انقلابی‌گری ترسیم شده. ببینید؛ امام بزرگوار ما الگو است؛ امام از همه انقلابی‌تر بود؛ خب ماها از اوّل کار در خدمت این قضیه بودیم؛ واقعاً ماها کم می‌آوردیم، [اما] امام هیچ وقت کم نیاورد؛ از همه انقلابی‌تر امام بود، از همه عاقل‌تر هم امام بود؛ از همه عاقل‌تر بود، از همه پخته‌تر و سنجیده‌تر کار میکرد و حرف میزد» (<https://www.leader.ir/fa/speech/> ۲۴۹۸۹/نشست-تصویری-با-نمایندگان-مجلس-شورای-اسلامی)

رهبر انقلاب در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره‌ی اهمیت موضوع «انقلابی ماندن» تعریف انقلابی را چنین بیان می‌فرمایند: «انسان و جمع انقلابی در پرتو شناخت حقیقت انقلاب شناخته می‌شود» (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50319>). ایشان با اشاره به این که انقلاب یک حادثه‌ی دفعی نیست؛ بلکه یک دگرگونی تدریجی و ادامه دار است می‌افزایند: «انقلاب تمام نمی‌شود، انقلاب استمرار دارد، انقلاب ادامه دارد، انقلاب متوقف نمی‌شود. یک سیوررتی وجود دارد؛ سیوررت یعنی شدن، شدن دائم، تحوّل دائمی؛ در مسیر انقلاب یک سیوررت دائمی‌ای وجود دارد که این سیوررت دائمی، بتدریج آن آرزوهای بزرگ را، آن ارزش‌های والا را، آن آرمان‌ها را در جامعه تحقق می‌بخشد.» (ر.ک: همان). این مسأله یک سنت الهی است و خداوند چنین اشاره می‌فرماید که نعمات الهی زمانی محقق می‌شوند که انسان‌ها قابلیت دریافت آن را داشته باشند: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا

بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال: ۵۳)؛ (و این بدانست که خدا تغییر دهنده نعمتی که به قومی ارزانی داشته نیست تا آنکه خود ایشان تغییر دهند آنچه را که در خودشان است (با علم به اینکه) خدا شنوای دانا است». علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه می‌فرماید: «پس نعمتی که خداوند آن را بر قومی ارزانی داشته وقتی به آن قوم افزای می‌شود که در نفوسشان استعداد آن را پیدا کنند و وقتی از ایشان سلب گشته و مبدل به نعمت و عقاب می‌شود که استعداد درویشان را از دست داده و نفوسشان مستعد عقاب شده باشد.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹ ص ۱۰۱). امام خامنه‌ای در بیاناتشان در دیدار اعضای مجلس خبرگان با اشاره به این تحول و تغییر می‌فرماید: «انقلاب، انقلاب مردم است. انقلاب مناسبات اجتماعی و اقتصادی، فرع بر انقلاب مردم است. تا مردم منقلب نشوند، آن انقلاب اقتصادی و تغییر و تبدیل مناسبات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هم اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند. مردم در اول کار بحمدالله یک انقلاب روحی پیدا کردند که حرکت بسیار مهمی بود و نتیجه‌اش همینی شد که می‌بینیم. اگر آنچه که واقع شد، ادامه پیدا نکند و تعمیق نشود و تعمیم نیابد و نسلی که رو به وجود است و نسلهای بعدی را فرا نگیرد و خدای نکرده اسم، اسلام و جمهوری اسلامی و حاکمیت منادیان اسلام باشد، اما واقع قضیه و متن زندگی مردم چیز دیگری باشد، این انقلاب قطعاً موفق نبوده و نیست» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-> content?id=۵۰۳۱۹). بنابراین فرد انقلابی باید ویژگی‌هایی داشته باشد و این ظرفیت را در خود ایجاد کند. امام خامنه‌ای در بیاناتشان به شاخصه‌های فرد انقلابی اشاره می‌کنند و می‌فرماید: «شاخص اول، پابندی به مبانی و ارزشهای اساسی انقلاب؛ شاخص دوم، هدف‌گیری آرمانهای انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها... شاخص سوم، پابندی به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی؛ شاخص چهارم، حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه‌ی دشمن و عدم تبعیت از او... شاخص پنجم، تقوای دینی و سیاسی است. این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است.» (ر.ک: همان). «و انسان انقلابی «شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی میکند، گره‌گشایی میکند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار

است، به امید خدا به سمت آینده‌ی روشن حرکت میکند؛ انقلابی‌گری یعنی این.» (ر.ک: همان). بنابراین روشن شد که تداوم و پیشرفت انقلاب منوط به حرکت تک تک اقشار جامعه است. اکنون باید دید قشر هنرمند به عنوان یکی از حساس‌ترین و مؤثرترین قشر انقلاب، از در کلام رهبری دارای چه شاخصه‌های رفتاری قرآنی و روایی است.

### شاخصه‌های ایجابی هنرمند انقلابی در حوزه رفتار

در نگاه رهبر معظم انقلاب «اهل درک و زیبایی»، «ظریف بینی»، «واقع بینی»، «تین کننده حقیقت»، «بصیر»، «بلند همتی»، «تاثیر گذار»، «متعهد به فرم و محتوا» و «رسواگر جنایتکاران» از جمله شاخصه‌های ایجابی هنرمند انقلابی در حوزه رفتاری است که در ذیل به تفصیل بحث می‌شود.

#### ۲ - ۱) اهل درک زیبایی‌ها

یکی دیگر از شاخصه‌های هنرمند انقلابی دیدن زیبایی‌ها و درک آن‌ها و سپس نشان دادن آن به دیگران است. رهبر انقلاب در سخنان‌شان داشتن این نوع نگاه را تبیین می‌کنند و ضمن تاکید بر دیدن زیبایی‌های دفاع و رشادت نوجوانان در مقابل ابرقدرت‌های جهان می‌فرمایند: «ببینید برای یک نگاه هنرمندانه به حالت و کیفیت یک جامعه، چیزی از این زیباتر پیدا می‌کنید؟ شما در عالی‌ترین آثار دراماتیک دنیا، آنجایی که به فداکاری یک انسان برخورد می‌کنید، او را تحسین و ستایش می‌کنید. می‌گویند چرا زیبایی دیده نمی‌شود! کسی که به این مقوله بی‌اعتناست، نمی‌خواهد این زیبایی را ببیند؟ توقع انقلاب از هنر و هنرمند، مبتنی بر نگاه زیباشناختی در زمینه هنر است که توقع زورگویانه و زیاده‌خواهانه هم نیست؛ هنر آن است که زیبایی‌ها را درک کند. این زیبایی‌ها لزوماً گل و بلبل نیست؛ گاهی اوقات، انداختن یک نفر در آتش و تحمل آن، زیباتر از هر گل و بلبلی است. هنرمند باید این را ببیند، درک کند و آن را با زبان هنر تبیین نماید.»  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۷۴>). در خصوص حقیقت زیبایی، صحبت‌های زیادی شده است. اما زیبایی با هر تعریفی که دارد، توسط هنرمندی که نگاه زیبایی‌شناسانه دارد ادراک و عرضه می‌شود. اگر هنرمند چنین نگاهی داشته باشد به هر آن‌چه دیدنی و نادیدنی است توجهی خاص دارد و فراتر از دیگران، آن را تعبیر و عرضه می‌کند. «مهم پیدا کردن آن دید است.



اگر دارای آن شدی، جهان با تو صحبت می کند و حیات، دائماً برایت پیام می فرستد. در این صورت است که در ورای صورت‌ها و شکل‌ها و نمودها، برای طبیعت، روح و جان و نطقی خواهی یافت. خدایی که همه چیز را به نطق وا می‌دارد جهان را هم برای تو گویا می‌گرداند.» (محدثی، ۱۳۷۶: ص ۷۱) «أَنْطَقَنَا اللَّهُ أَلَدَى كُلِّ شَيْءٍ (روز قیامت اعضای بدن شهادت می‌دهند) خدایی که هر چیز را به زبان می‌آورد ما را به زبان آورد.» (فصلت: ۲۱) علامه ذیل این تعبیر می‌فرماید: «نطق اختصاص به اعضای بدن ندارد، تا تنها از شهادت آنها پرسند، بلکه عمومی است، و شامل تمام موجودات می‌شود، و علت آن هم خدای سبحان است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹ ص ۱۰۱). این نگاه هنرمندانه را در انبیا و اولیای خدا سراغ داریم. نمونه اش حضرت زینب (سلام الله علیها) هستند. وقتی که مصیبت بزرگ عاشورا با آن همه جریانات که هر کدام اگر برای یک انسان اتفاق می‌افتاد زنده نمی‌ماند چه رسد به صبر و تحمل و بالاتر از آن استقامت و توکل. اما حضرت زینب (سلام الله علیها) نه تنها مقاومت نمود و دیگران را تواصی به صبر کرد بلکه تماماً از آنچه رقم خورده بود در محضر خداوند رضایت داشت و همه چیز را زیبا می‌دید. تا جایی که در مجلس دشمن چنین تعبیر می‌کند: «و ما رأیتُ أُمَّ جَمِيلًا؛ چیزی جز زیبایی ندیدم!» (ابن طاووس، ج ۱، ص ۱۴۹) این نگاه مخصوص کسی است که چشم زیبا بین دارد و زیبایی را در ظاهر و ماده محدود نمی‌کند. بلکه زیبایی را در هر آنچه غایت الهی داشته باشد می‌داند.

## ۲-۲) دقیق و ظریف بین

حضرت آیت الله خامنه ای در جمع کارگردانان سینما و تلویزیون فرمودند: «شما به عنوان یک هنرمند، دنبال زیبایی‌ها و ظرافت‌های عالم وجود می‌گردید تا اینها را بشناسید، بیرون بکشید، برجسته کنید و نشان بدهید؛ کار هنرمند این است؛ یعنی ظرافت‌ها، زیبایی‌ها، ریزه کاری‌ها، دقایق و حقایق غیر قابل دید با چشم غیرمسلح به هنر را با سلاح هنر و نگاه هنرمندانه، بیرون می‌کشد و نشان می‌دهد.» (<https://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=۲۵۸۰>) دقت و نکته سنجی در روایات ما مدح شده و از نشانه های یقین است. امام علی (علیه السلام) در روایتی چنین بیان می‌فرماید: «أَلَيْقِينَ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى تَبَصُّرَةِ الْفِطْنَةِ وَ تَأَوُّلِ الْحِكْمَةِ وَ مَوْعِظَةِ الْعِبْرَةِ وَ سَنَةِ الْأَوْلِيَانِ

فَمَنْ تَبَصَّرَ فِي الْفِطْنَةِ تَبَيَّنَ الْحِكْمَةُ وَمَنْ تَبَيَّنَ الْحِكْمَةَ عَرَفَ السُّنَّةَ وَمَنْ عَرَفَ السُّنَّةَ فَكَانَتْ كَانَتْ فِي الْأَوَّلِينَ. یقین چهار شعبه دارد: باریک بینی، و درک حقایق، و اندرز گرفتن از عبرت‌ها و روش پیشینیان. پس هر که در امور دقیق بینا شود حقیقت‌شناس گردد، و هر که به حقایق رسد [عبرت‌شناس شود، و هر که عبرت‌شناس باشد با سنت آشنا شود] و هر که سنت را بشناسد گویا که با پیشینیان بوده است». (شیخ مفید، ۴۱۳ق: ج ۱، ص ۳۱۳) هم چنین در روایتی دیگر آن را نشانه شخص خردمند معرفی می‌فرماید: الْعَاقِلُ الدِّينُ شَرِيعَتُهُ وَالْحَلِمُ طَبِيعَتُهُ وَالرَّأْيُ سَجِيَّتُهُ؛ خردمند رفتارش مطابق با دین است و بردباری در سرشت او است و تیزبینی خوی او است» (شیخ صدوق، ۳۸۱ق: ج ۱، ص ۱۱۶). رأی اسمی عربی است به معنای: «النظر والتأمل، الرأي (عند الأصوليين): استنباط الأحكام الشرعية في ضوء قواعد مقررَة. (ج) آراء، الاعتقاد، العقل، التدبير» (جمعی از نویسندگان، ۱۹۸۹: ج ۲، ص ۳۲۰).؛ هم چنین راغب در مفردات این چنین گفته: «الرأی: باور و اعتقاد نفسانی درباره دو امر نقیض که قبول یکی از آنها در ظن و گمان غلبه دارد.» (راغب، ۵۰۲ق: ج ۲، ص ۱۲۹). در قرآن نیز از این معنا نام برده شده است؛ هنگامی که در جنگ بدر تعداد مسلمانان از کفار کمتر بود و کفار، مؤمنین را در مقابل دیدگانشان دو برابر می‌دیدند. آن چنان با دقت و شفافیت که در ذهنشان جای ظن و شبهه نمانده بود به حدی که باور نمی‌کردند مؤمنین کم باشند «...يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ...» (آل عمران: ۱۳). «بنا به حکم مشاهده و دیدن، چنان می‌پنداشتید که هر دو گروه (مؤمن و کافر) همانندند». (ر.ک: همان).

## ۲ - ۳) واقع بین

امام خامنه‌ای یکی از توصیه‌هایی که به قشر هنرمند دارند این است که واقع بین و حقیقت‌گو باشند. ایشان هم چنین در مراسم شب خاطره دفاع مقدس در این خصوص می‌فرمایند: «حقیقتاً این خاطرات، ثروت ملی است؛ متعلق به آن شخص خاطره‌گو و راوی هم نیست، مال همه است؛ باید بگویند، باید بنویسند. البته معلوم است (بارها هم گفته‌ایم، ظاهراً هم همین جور است) از مبالغه و اغراق و مانند اینها باید به کلی صرف‌نظر کرد؛ متن واقع (همان که اتفاق افتاده) این قدر فاخر و این قدر زیبا و این قدر معجز‌نشان است که احتیاج به هیچ اغراقی ندارد؛ آن اتفاقی که افتاده،

این جوری است. همان که اتفاق افتاده، همان را باید بگویند، باید زنده کنند، باید شیوه‌های هنری را استخدام کنند برای بهتر بیان کردن آن.» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۶۲۲>) آیات قرآن به مؤمنین امر می‌کند که بر اساس واقعیت‌ها حرکت کنند و حتی در مبارزه منطقی باشند و بر اساس واقع عمل کنند. نه دچار خیال پردازی و امیدهای واهی شوند و نه متوسل به اعمال فوق بشری و خارج از واقع. تنها در این صورت است که بر دشمنان ظفر می‌یابند و اهداف خود می‌رسند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (انفال: ۶۰) و آماده کنید برای (کار زار با) ایشان هر چه را می‌توانید از نیرو و از اسبان بسته شده. (طباطبائی، ۱۴۰۲ق: ج ۹، ص ۱۴۶). «امر عامی است به مؤمنین که در قبال کفار به قدر توانایشان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند، به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند و آنچه که توانایی تهیه آن را دارند: (ر.ک: همان). گاهی می‌بینیم که علی‌رغم توجه به واقعیت‌ها نتیجه چیز دیگری از آب در می‌آید. این همان چیزی است که به آن وضع موجود می‌گوییم که در حقیقت با در نظر گرفتن این وضع است که می‌توانیم به نقطه مطلوب حرکت کنیم. رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب در مورد فاصله بین حقیقت و واقعیت چنین می‌فرماید: «بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتها، همواره وجدانهای آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.» ([https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳)

## ۲-۴) مبلغ و مبین حقیقت

امام خامنه‌ای در تبیین این ویژگی در بیاناتشان در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر چنین می‌فرماید: «هنرمند باید خود را به حقیقتی متعهد بداند. آن حقیقت چیست؟ این که هنرمند در چه سطحی از اندیشه قرار دارد تا بتواند همه و یا بخشی از آن حقیقت را ببیند و بشناسد، بحث دیگری است. البته هرچه اندیشه و فکر و درک عقلانی بالاتر باشد، می‌تواند به آن درک ظریف هنری کیفیت بیشتری بدهد. حافظ شیرازی صرفاً یک هنرمند نیست؛ بلکه معارف بلندی نیز در کلمات او

وجود دارد. این معارف هم فقط با هنرمند بودن به دست نمی‌آید؛ بلکه یک پشتوانه فلسفی و فکری لازم دارد. باید متکا یا نقطه عزیمت و خاستگاهی از اندیشه والا، این درک هنری و سپس تبیین هنری را پشتیبانی کند» (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=> ۳۰۷۴). هنرمند انقلابی بعد از درک واقعیت، باید به ابراز آن از طریق بیان هنری اقدام کند. زیرا دانستن مسئولیت‌آور است و از وجدان بیدار گرفته تا عقل و شرع همه بر این وظیفه حکم می‌کنند. چنان که عالمی که تعلیم نمی‌دهد را همه نهی می‌کنند. شیخ صدوق در خصوص این ویژگی از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کنند که: «پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این دعا را سه بار تکرار فرمود: خدایا! جانشینان مرا مشمول رحمت خویش قرار ده. پرسیدند: ای پیامبر جانشینان تو چه کسانی هستند؟ فرمود: همان کسانی که حدیث و سنت مرا به مردمان می‌رسانند و به امت من تعلیم می‌دهند». رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «انسان هنری و انسان فرهنگی، در این صحنه چه وظیفه‌ای دارد؟ به نظر من وظیفه خیلی سنگین است، خیلی بزرگ است. مهمترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است این یک معیار است؛ حقیقتی را که درک می‌کنید، آن را تبیین کنید.» (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=> ۸۰۰۱). هم‌چنین در حرمت عدم تبیین و ابلاغ حقیقت می‌فرماید: «اسلام یک خصوصیت دیگری دارد و آن این است که یک جاهانی عدم بیان را اسلام ممنوع کرده. یعنی مسئله فقط این نیست که بیان کردن مجاز است، بلکه بالاتر از این، بیان نکردن حرام است. یک جاهانی باید بیان کرد؛ آنجاهانی که کتمان حقیقت علیه مصالح نظام اسلامی است، علیه منافع رشد فکری جامعه است، آنجا بیان واجب است، کتمان حقیقت حرام است» (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=> ۲۱۴۹۴) «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (بقره: ۱۷۴)». به درستی آنهایی که از کتاب خدا آنچه را که خدا نازل کرده کتمان می‌کنند و با کتمان آن ثمن اندک بدست می‌آورند آنها آنچه می‌خورند جز آتشی نیست که بدرون خود می‌کنند و خدا روز قیامت با آنها سخن نخواهد گفت و تزکیه‌شان نخواهد کرد و عذابی دردناک خواهند داشت». (طباطبائی، ۱۴۰۲ق: ج ۱، ص ۶۴۴) ایشان در بیاناتشان در

جمع شعرا راه حقیقت‌گویی را رسیدن به فهم صحیح می‌دانند و می‌فرمایند: «حقیقتی را که درک می‌کنید، آن را تبیین کنید. کسی انتظار ندارد برخلاف آنچه که می‌فهمید حرف بزنید. نه، آنچه را که می‌فهمید، بگوئید. البته برای اینکه آنچه می‌فهمید درست و صواب باشد، باید تلاش و مجاهدت کنید؛ چون در حوادث فتنه‌گون، شناخت عرصه دشوار است» ([https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۸۰۰۱) content?id=۸۰۰۱).

## ۲-۵) بصیر و آگاه به زمانه

از جمله ویژگی‌های هنرمند، بازنمایی زمانه‌اش است. رهبر انقلاب در این خصوص در بیانات خود خطاب به شاعران چنین می‌فرماید: «آدم زمانه‌ی خودتان باشید. زمانه‌ی شما، زمانه‌ی مهمی است. این زمانه را تصویر کنید، با این تصویر خودتان زمانه را غنی کنید. هر چه که شما بگوئید که خوب باشد، درست باشد، مستحکم باشد، متین باشد، پرمغز باشد، این زمانه‌ی شما را غنی می‌کند؛ این ظرف را پر می‌کند از محتوای باارزش و غنی و مستغنی‌کننده.» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۰۷۵۳>) بنابراین هنرمند قبل از بازنمایی واقعیات زمان خودش باید آن را بشناسد و به آن‌ها علم پیدا کند. امام خامنه‌ای این ویژگی را چنین توصیف می‌کنند: «عالم به زمان فقط این نیست که انسان با تعدادی از مردم ارتباط دوستانه داشته باشد، یا خبرهایی از این‌جا و آن‌جا به گوش او برسد. عالم به زمان کسی است که بداند در کجای دنیا زندگی می‌کند؛ صف‌بندی‌های مقابل او چیست؛ انگیزه‌های مخالفت با او کدام است؛ طرح‌هایی که این انگیزه‌ها به وسیله‌ی آنها تحقق پیدا می‌کند، چیست؟ این عالم به زمان است. البته این مخالفت‌ها و این دشمنی‌ها هرگز دشمنی با شخص نیست؛ اما شخص باید بداند کجا قرار دارد و نظام او و راه او و اهداف او با چه چیزی مواجه است.» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۴۵۱>).

امام صادق (علیه السلام) در روایتی، آگاهی به زمان را از ویژگی‌های افراد خردمند می‌داند و می‌فرماید: «بر عهده‌ی خردمند است که آشنا به زمان خود باشد آن‌را بشناسد و به کار خود سرگرم بوده و زبانش را حفظ کند» (الکافی، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۳۳۵). این آگاهی و علم لازمه همه بندگان است تا با آن راه زندگی را به نیکی ببینند و دچار لغزش و گمراهی و فرجام باطل

نگردند. در اصل، فلسفه ارسال رسل و انزال کتب نیز روشنگری و رساندن انسان‌ها به علم و روشنایی است « وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (قصص: ۴۳) کلمه «بصائر» جمع «بصیرت» است که به معنای وسیله دیدن است، و گویا مراد از «بصائر» حجت‌ها و ادله روشنی است که بوسیله آن‌ها حق دیده می‌شود، و میان حق و باطل تمیز داده می‌شود و معنایش این است که این کتاب را نازل کردیم برای این که انسان‌ها متذکر شده، آنچه از عقاید و اعمال که بر آنان واجب است بشناسند، و بفهمند که به چه عقایدی باید معتقد باشند، و چه اعمالی را واجب است انجام دهند». (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۶، ص: ۷۰).

## ۲ - ۶) بلند همت و امیدوار

امید و همت بالا از شاخصه‌هایی است که هم باید در خود هنرمند نهادینه شده باشد و هم دیگران را به این ویژگی‌ها تشویق کنند. امام خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید: «هر چه می‌توانید، شعله‌ی امید را در دل خودتان و در دل مخاطباتان زنده نگه دارید. با امید است که می‌شود پیش رفت. امید هم امید بیجا نیست؛ امیدی است که واقعیت‌ها کاملاً ما را به درستی آن نوید می‌دهد» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>۲۰۶۸۶). «یکی از مهم‌ترین وظایف همه‌ی ما پرهیز از ناامیدسازی مردم است. گاهی یک کسی یک جوری حرف می‌زند (چه در سخنرانی، چه در صحبتی مانند آن، چه حالا در فضای مجازی که دیگر یک چیز بی حد و مرز و عجیب و غریبی شده) که شنونده و مخاطب ناامید می‌شود؛ ما نباید اجازه بدهیم ناامیدی وارد میدان بشود. اگر امید نباشد هیچ کدام از این کارهای بزرگ انجام نمی‌گیرد. مردم را باید امیدوار کنیم و این امیدواری، امیدواری کاذب هم نیست [بلکه] واقعیت قضیه همین است؛ یعنی واقعاً باید امید داشت، چون آینده، آینده‌ی خوبی است، آینده‌ی روشنی است». (<https://farsi.khamenei.ir/speech->content?id=۴۳۵۹۱). کسی که امید به زندگی و آینده دارد، همت بلندی دارد و شکست ناپذیر است. رهبر انقلاب با تأکید بر این که هیچ چیز نباید یک هنرمند را متوقف کند می‌فرماید: «متأسفانه بعد از انقلاب، ما توقف کرده‌ی در پله‌های وسط خیلی داریم؛ یعنی آن شور و جوش

انقلابی، فقط همان چند پله‌ی اول را حرکت داد! آیا شور انقلابی تمام شده است؟ نه، آن‌جا مانع وجود دارد. مانع چیست؟ بدگمانی و تصور این‌که انسان دیگر به بیشتر از این احتیاج ندارد! البته یک احتمالش هم این است که کسانی خیال کنند نمی‌توانند برسند. نه، الحمدلله بچه‌های انقلابی ما همشان خیلی بالاست؛ اما گاهی درباره‌ی خود در اشتباه هستند و خیال می‌کنند که حالا دیگر بس است؛ الحمدلله شعر خواندیم و تحسین هم که شد و در رادیو هم که خوانده شد!»

(=id?speech-content/farsi.khamenei.ir/https://۲۴۹۸). امید یعنی امید به ابدیت و ماندگاری، به نصرت خدا و به آینده قطعی بشر یعنی پیروزی حق بر باطل که با امر فرج محقق می‌شود. این حقیقتی است که خداوند در قرآن نیز به آن وعده داده است. آن‌جا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتُورُوا اللَّهَ يَتُورْكُمْ وَيَثْبِتْ أقدامَكُمْ» (محمد: ۷) محمد قمی در تفسیر کنزالدقائق منظور از «نصرت» خدا را نصرت و یاری دین و یاری رسولش ذکر کرده و منظور از «یثبت لکم اقدامکم» را قیام برای حقوق اسلام و جهاد با کفار می‌داند. (قمی مشهدی، ۱۱۲۵ق: ج ۱۲، ص ۲۲۰). مولا علی (علیه السلام) در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه ضمن یادآوری عظمت و قدرت خداوند، همگان را به تلاش و پرهیزکاری دعوت می‌کنند و با اشاره به معنای نصرت خداوند در آیه مذکور، می‌فرماید: «فَلَمْ يَسْتَنْصِرْكُمْ مِنْ ذُلٍّ وَ لَمْ يَسْتَقْرَضْكُمْ مِنْ قَلٍّ اسْتَنْصِرْكُمْ وَ لَهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ اسْتَقْرَضْكُمْ وَ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَ إِنَّمَا أَرَادَ أَنْ يَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فَبَادِرُوا بِأَعْمَالِكُمْ تَكُونُوا مَعَ جِيرَانِ اللَّهِ فِي دَارِهِ؛ خدا از روی خواری از شما یاری نمی‌خواهد، و از تنگدستی از شما وام نمی‌گیرد. از شما یاری خواسته در حالی که سپاهیان آسمانها و زمین در فرمان اوست، و نیرومند و حکیم است، و از شما وام می‌گیرد در حالی که گنجینه‌های آسمانها و زمین از آن اوست، و بی‌نیاز و حمید است. او خواسته است شما را بیازماید تا کار کدام یک از شما بهتر آید. پس با کردارهای خود پیشی گیرید تا در خانه خدا با همسایگان خدا باشید» (سید رضی، ۱۳۸۷: ص ۲۵۳).

با توجه به بیانات گذشته دریافتیم که هنرمند همان کسی است که رسالت تبیین را بر عهده دارد. اما اکنون در می‌یابیم که هر تبیینی مراد ایشان نیست. بلکه بالاتر از تبیین و تبلیغ، تأثیر بر مخاطب است. یعنی به صرف اینکه یک حقیقتی بیان شد کفایت نمی‌کند؛ بلکه توجه به مخاطب، زمان و مکان و دیگر عواملی که باعث تحول و انقلاب درونی افراد می‌شود باید انجام شود. این تأثیرگذاری فقط از یک هنرمند بر می‌آید چرا که هنر برای اثرگذاری آفریده شده است. رهبر معظم انقلاب در این خصوص خطاب به هنرمندان می‌فرماید: «کار را عمقی انجام بدهید؛ سعی کنید اثر بگذارید بر روی ذهن‌ها؛ مخاطبان خود را اقناع کنید با سخنان درست خودتان. این کار، فکر کردن لازم دارد. اصحاب فکر، مردمانی که دارای قدرت تفکر هستند و مسائل را می‌فهمند، همراه با اصحاب هنر، کسانی که هنر ارائه دارند، هنر تبلیغ دارند (از نقاش و شاعر و فیلم‌ساز و نویسنده و امثال اینها) باید همه با هم دست‌به‌دست هم بدهند، محصول کار چیزی از آب دربیاید که بر روی ذهن مخاطبین اثر بکند.» (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30996>).

ایشان در دیدار مسئولان صدا و سیما بر استفاده از هنر در راستای حرکت بخشی، راه‌گشا بودن و مشخص کردن تکلیف مردم از زن و مرد، روستایی و شهری و اقشار مختلف، تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «از هنر استفاده بشود و حرکت بخش باشد. (رسانه ایده‌آل یعنی) دانشگاهی باشد که در آن، عالیترین و زیباترین مفاهیم انقلاب، به شکل هنرمندانه ارائه بشود و جاذبه داشته باشد؛ نه این که فقط چیزی را بگویند، بدون این که فکر جاذبه و تأثیر در آن باشند... من می‌گویم اگر شما این برنامه را برای این آورید که این جا خالی است، از شنوندگان عذرخواهی کنید و بگویید: شنوندگان! متأسفانه به قدر این یک ساعت، برنامه‌ی مناسب شما پیدا نکرده‌ایم؛ این یک ساعت تعطیل. این، خیلی بهتر و پُر جاذبه‌تر و منصفانه‌تر است.» (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2338>).

در کتاب عیون اخبار الرضا (علیه السلام) به حساسیت مسأله توجه به مخاطب و بررسی شرایط اثرگذاری بر وی تأکید شده است: «از ریان بن صلت مروی است که گفت قومی در خراسان نزد حضرت رضا (علیه السلام) آمدند و عرض کردند که گروهی از اهل بیت تو مرتکب اعمال قبیحه می‌شوند. کاش آن‌ها را از آن اعمال نهی می‌فرمودی. فرمود چنین کاری نکنند. عرض کردند



چرا؟ فرمود زیرا که از پدر بزرگوارم شنیدم که نصیحت زبر و درشت است بر شنونده و از این جهت مشکل تأثیر کند». (ابن بابویه، بی تا، ص ۲۱۸) در آیه «الذین یبلغون رسالات اللّٰه و یخشونه و لا یخشون احدا الا اللّٰه...» (احزاب: ۳۹)، می بینیم که به امر تبلیغ اشاره شده و بیان شده است که کسانی که تبلیغ دین خدا بر عهده شان است از ویژگی «خشیت» برخوردارند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در توضیح این خصلت می فرماید: «کلمه "خشیه" به معنای تأثر مخصوصی در قلب است، که از برخورد با ناملایمات دست می دهد، و ای بسا به آن چیزی هم که سبب تأثر قلب می شود خشیت بگویند، مثلاً بگویند: "خشیت ان یفعل بی فلان کذا- می ترسیدم فلانی با من فلان کار را بکند" و انبیاء از خدا می ترسند، نه از غیر خدا، برای اینکه در نظر آنان هیچ مؤثری در عالم نیست مگر خدا.» (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ج ۱۶، ص: ۴۸۵). و از آن جا که هنرمند تا نسبت به امری به درک و تحول نرسیده باشد، نمی تواند به خوبی آن را انتقال دهد، لذا باید اول مربی خودش باشد و در عین حال، مربی و محرک دیگران. ایشان شرط اصلی ورود تأثیرگذار افراد متدین و انقلابی به عرصه سینما و تأثیرپذیرفتن از فضای آن را مصونیت سازی می دانند و تأکید می کنند که تنها راه مصون سازی نیز ارتباط مستمر با خدا، به جا آوردن نوافل و تضرع به درگاه الهی است؛ همان گونه که عمار این گونه خود را مصون و تزلزل ناپذیر کرده بود. ایشان معتقدند که عبادت و ذکر و توجه به خدا از هر لذت هنری بالاتر است. (<https://farsi.khamenei.ir/news-> content?id=۲۲۰۶۸).

## ۲- ۸) تعهد به فرم و محتوا

یکی از مقوله های جنجالی در میان هنرمندان، این است که آیا هنر برای هنر است یا برای چیز دیگری؟ به این معنی که هنرمند برای خلق اثر هنری نباید در قید موضوع خاصی و در خدمت چیزی باشد که باعث جهت دهی به اثر وی شود. چرا که جان اثر هنری به این است که از وجود هنرمند تراوش کند و این امر محقق نمی شود مگر اینکه هنرمند به هیچ کجا تعلق نداشته باشد و به اصطلاح آزاد باشد. اما عده ای دیگر من جمله اندیشمندان مسلمان بر این عقیده هستند که تعهد و تعلق لازمه خلق اثر هنری است و البته با خلاقیت و آزادی هنرمند منافاتی ندارد. از این میان امام

خامنه‌ای در بیاناتشان در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر با اشاره به متعهد بودن هنرمند می‌فرمایند: «بعضی کسان می‌گویند در هنر متعهد، کلمه اول با کلمه دوم تناقض دارد. هنر، یعنی آن چیزی که مبتنی بر تخیل آزاد انسان است و متعهد، یعنی زنجیر شده؛ این دو چگونه با هم می‌سازد؟! این یک تصور است؛ البته تصور درستی نیست. بحث مسؤولیت و تعهد هنرمند، قبل از هنرمند بودن او به انسان بودن او برمیگردد. بالأخره یک هنرمند قبل از این که یک هنرمند باشد، یک انسان است. انسان که نمیتواند مسؤول نباشد. اولین مسؤولیت انسان در مقابل انسانهاست. اگرچه انسان در مقابل طبیعت و زمین و آسمان هم تعهد دارد، اما مسؤولیت بزرگ او در قبال انسانهاست.»

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3074>). حال این تعهد در کدام بخش هنر منعکس می‌شود؟ فرم یا مضمون؟ یعنی می‌توان گفت که هنرمند در فرم و قالب آزاد است هر چیزی بروز دهد ولو اثری بی‌اسلوب و بی‌قاعده؟ در جواب باید بگوییم که چنین نیست. چرا که ذهن انسان بسیار قاعده مند است و مایه‌های هنری را از غیرهنری تشخیص می‌دهد. یعنی هر هنرمندی می‌داند که در هنرش باید بر اساس ریتم، تناسب، وحدت، توازن و... باید خلق اثر کند تا هنرش در چشم همه زیبا جلوه کند و مؤثر واقع شود. این مطلب را رهبر انقلاب چنین بیان می‌فرمایند: «هنرمند، هم در باب فرم و قالب هنر خودش و هم در قبال مضمون تعهد دارد. کسی که قریحه هنری دارد، نباید به سطح پایین اکتفا کند. این یک تعهد است. هنرمند تنبل و بی‌تلاش، هنرمندی که برای تعالی کار هنری خودش و ایجاد خلاقیت تلاش نمی‌کند، در حقیقت به مسؤولیت هنری خودش در قبال قالب عمل نکرده است.» (ر.ک: همان) از طرفی توجه به معنا و محتوایی که فرم برای بیان آن، شکل می‌گیرد نیز مهم است. حتی در کارهای هنری انتزاعی و بداهه نیز باز معنایی نهفته است که تفاوتش با کارهای دیگر، خلاصه‌گویی و کشف معنا توسط هر شخص است. یعنی هنرمندی که به صرف لذت و بی‌هدف کاری را انجام می‌دهد باز هم اثرش خالی از معنا نیست چون هر فرمی نماد و بیانگر حسی و معنایی در عالم طبیعت است. اما اینکه هنرمند چه اراده‌ای کند تا معنا دقیق و درست منتقل شود مهم است. طبق فرمایش ایشان: «ما چه می‌خواهیم ارائه بدهیم؟ اگر انسان محترم و عزیز است، دل و ذهن و فکر او هم عزیز و محترم است. نمیشود هر

چیزی را به مخاطب داد، فقط به صرف این که او نشسته و به حرفهای ما گوش می‌دهد. باید ببینیم به او چه می‌خواهیم بدهیم» (ر.ک: همان). هنر متعهد یعنی همان هنری که هم در فرم و هم در محتوا حرف‌های زیادی برای گفتن دارد، در نظر رهبر انقلاب چنین است: «هنر ملتزم و متعهد، یک حقیقت است و ما باید به آن اقرار کنیم. نمی‌توان رها و یله و بیهوا و با انگیزه‌های روزبه‌روز و احياناً پایین و پست یا ناسالم، دنبال هنر رفت و سرافراز بود؛ چون آن ابتهجی که در هنرمند وجود دارد (هنرمند بهجت ویژه‌ای دارد که با شادی‌های معمولی فرق دارد و در غیرهنرمند اصلاً دیده نمی‌شود) در صورتی حقیقتاً به وجود خواهد آمد که بدانند دنبال چه چیزی می‌رود و چه کار می‌خواهد بکند، تا با هنرمندی خودش احساس رضایت و بهجت کند که آن کار را انجام می‌دهد. در این صورت باید اخلاق انسانی، فضیلتها و معارف والای دینی و الهی مورد توجه باشند» (ر.ک: همان) همچنین ایشان در بیاناتشان در دیدار شاعران می‌فرمایند: «واقعاً مضمون تمام‌نشده‌ی است؛ چون ذهن بشر تمام‌نشده‌ی است. ما تنبلی می‌کنیم، می‌چسبیم به مضامینی که دیگران گفتند و همینها را تکرار می‌کنیم؛ اما واقعاً مضمون تمام‌نشده‌ی است. گاهی اوقات انسان مضامین کاملاً بکر و بدون هیچ سابقه را در شعرهای این جوانها مشاهده می‌کند؛ خوب، این خیلی باارزش است. بنابراین مضمون را باید جدی گرفت؛ یعنی دنبال مضمون‌سازی و مضمون‌پردازی و - به قول خود قدما - مضمون‌یابی باشید. مضمون را هم از متن زندگی می‌شود گرفت.»

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>۲۰۶۷۰). در سوره لقمان خداوند به توجه به مضمون سخن اشاره کرده اند. آن‌جا که فرموده: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ بعضی از مردم گفتار بازیچه را می‌خرند، تا بدون علم مردم را از راه خدا گمراه کنند، و راه خدا را مسخره گیرند، آنان عذابی خفت‌آور دارند» (لقمان: ۶) در المیزان در تفسیر این آیه چنین آمده است: «کلمه "لهو" به معنای هر چیزی است که آدمی را از مهمش باز بدارد، و لهو الحدیث آن سخنی است که آدمی را از حق منصرف نموده و به خود مشغول سازد، مانند حکایات خرافی، و داستانهایی که آدمی را به فساد و فجور می‌کشاند، و یا از قبیل سرگرمی به شعر و موسیقی و مزار و سایر آلات لهو که همه اینها مصادیق

لهو الحدیث هستند. "لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ" - مقتضای سیاق این است که مراد از "سبیل الله" قرآن کریم، و معارف حق و صحیح، از اعتقادات، و دستور العملها، و به خصوص داستانهای انبیاء، و امم گذشته بوده باشد، چون لهو الحدیث و خرافات ساخته و پرداخته فکر انسانهاست که است دست به دست گشته، در درجه اول معارض با این داستانهای حق و صحیح است، و در درجه دوم بنیان سایر معارف حق و صحیح را در انظار مردم سست نموده، و سپس منهدم می‌سازد. مؤید این معنا جمله بعدی است که می‌فرماید: "وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا"، یعنی حدیث را مسخره می‌کند، چون نام خرافات نیز حدیث است، و همین باعث وهن هر حدیثی می‌شود، و سبب می‌گردد مردم احادیث واقعی را نیز به سخریه بگیرند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۶، ص ۳۱۳). در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نیز ذیل این آیه یکی از مصادیق لهو الحدیث را «غنا» نام برده اند. (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ص ۳۱۳). از سوژه‌های محتوایی عمیق و تأثیرگذار در کل دنیا که با فرم‌ها و زوایای مختلف به آن می‌پردازند مباحثی نظیر: انقلاب‌ها، جنگ‌ها، قهرمانی‌ها و از این قبیل است. هر ملتی سعی دارد که با بیان هنری از قبیل فیلم، رمان، نقاشی، شعر و... شکوهمندی انقلاب و رشادت قهرمانانش را به جهان بشناساند. رهبر انقلاب نیز یکی از موضوعاتی که همواره بر آن تأکید می‌ورزند، بحث پرداختن به دفاع مقدس است. یکی از بیاناتشان در این خصوص چنین است: «کار هنری در زمینه‌ی دفاع مقدس یکی از برترین کارهای هنری است. آن کسانی که در این رشته کار کردند، در این صراط حضور داشتند، آن را پیش ببرند و این رشته را مغتنم بشمرند. هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه‌ی زمانی نیست؛ گنجینه‌ی عظیمی است که تا مدتهای طولانی ملت ما میتواند از آن استفاده کند» (<https://farsi.khamenei.ir/speech>-). در تعبیر دیگر نیز چنین بیان می‌دارند: «سبک زندگی اسلامی در رفتار رزمندگان ما و شهدای ما یک چیز برجسته‌ای است که واقعاً نمیشود از این صرف نظر کرد. آن قدر نکته‌ی الهام‌بخش در زندگی این شهیدان وجود دارد که واقعاً جا دارد یک تصویر هنرمندانه‌ای از این وضعیت را هنرمندان ما به دنیا نشان بدهند، و رزمندگی ایرانی را بشناساند به دنیا و با کارهای

هنری و بزرگ در مقابل چشم مردم دنیا قرار بدهند.» ([https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۹۱۱۸))

## ۲- ۹) رسواگر جنایتکاران

یکی از شاخصه‌های هنرمند انقلابی و اساساً همه انسان‌هایی که نگاه زیبایی‌شناسانه دارند، بیان هنری حقایق است. یکی از این حقایق، نشان دادن مظلومیت‌ها و بی‌عدالتی‌هایی است که در حقیقت زیبایی، تعادل و نهایتاً وحدت جهان را به هم زده است. گاهی در میان سکوت جوامع بین‌المللی و خفقان ناشی از قدرت زورمندان، تنها ابزار مبارزه و تنها فریاد شنوا برای بشریت، اثر هنری است؛ که گاه تیغش از خنجر نیز تیزتر است. این مسأله مسئولیت بزرگی است که بر دوش هنرمندان است. علی‌الخصوص جامعه‌ای که در تیررس دشمنان تا دندان مسلح قرار گرفته‌اند. امام خامنه‌ای با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «به جرم تسلیم نشدن یک ملت در مقابل تمایل مستکبران قدرتهای جهانی، این ملت محکوم می‌شود که با همه ابزارها - از جمله ابزار هنری - با او به شدت مبارزه شود. همان‌گونه که عرض کردم، سازمان سیا بخش هنری دارد و فیلمهایی که بعد از انقلاب علیه ما و علیه شیعه و اسلام درست کردند، بسیار زیاد است. شما که یک فیلمساز و سینماگر و بازیگر سینما و تئاتر و موسیقیدان و آهنگساز ایرانی هستید و این واقعیت و مظلومیت را ادراک می‌کنید، تکلیفتان چیست؟ آیا هیچ تکلیف مردمی وجود ندارد؟» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۷۴>). قرآن به عنوان نمونه بارزی از اثر هنری که به اقرار همه اهل فن و بلاغت، گنجینه عظیم از تعبیر هنری به لحاظ فرم و محتوا است، یکی از بیشترین مفاهیمی که به آن پرداخته مسأله بیزاری از دشمنان است. هر جا قصه می‌گوید، روایتی حماسی از رشادت انبیا و داستان مبارزات آنها با طاغوت‌های زمانه است. تا جایی که یکی از سوره‌های قرآن به نام «برائت» نامیده شده است. به عنوان نمونه در آیات این سوره می‌خوانیم که: «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ این [اعلام] بیزاری و لغو پیمان از سوی خدا و پیامبرش به کسانی از مشرکان است که با آنان پیمان بسته‌اید» (توبه: ۱) راغب در مفردات گفته است: اصل واژه "برء" و "براء" و "تبری" به معنای کناره‌گیری و بیزاری از هر چیز است که

مجاورت با آن مورد کراهت باشد، لذا گفته می‌شود "برات من المرض - از مرض بهبودی یافتم" و "برأت من فلان - از گیر فلانی نجات یافتم" (راغب، ۵۰۲ ق: ص ۴۵). در آیات دیگر نیز می‌خوانیم که انبیا نیز همواره از ستمگران بیزاری می‌جستند و آن‌ها را رسوا می‌کردند. در داستان حضرت ابراهیم می‌خوانیم که وقتی قومش با تبیین و روشنگری هدایت نشدند، حضرت دست به اقدام عملی برای مبارزه زدند تا جایی که برایشان به قیمت افتادن در آتش تمام شد. «أَفْ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟ اف بر شما و بر آنچه به جای خدا می‌پرستید؛ پس آیا نمی‌اندیشید؟» (انبیا: ۶۷) «اظهار انزجار و بیزاری آن جناب از ایشان و از خدایان ایشان است و این را بعد از ابطال الوهیت آنها اظهار نمود هم چنان که شهادتش بر وحدانیت خدای تعالی را بعد از اثبات آن اظهار نمود و فرمود "وَ أَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ" و در جمله "ایشان را توبیخ نمود." (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ج ۱۴، ۴۲۶). هنرمند انقلابی نه تنها در خدمت دشمن نیست بلکه نقطه مقابل جبهه باطل و رسواگر آن‌ها نیز هست. رهبر انقلاب با تاکید بر این که هنرمندان نباید در خدمت بیگانگان باشند می‌فرماید: «پول و ثروت و قوت بازو و زبان گویا و بقیه‌ی ثروتهایی که در خدمت حق و انسانها و راستی و درستی نباشد، چه ارزشی دارد؟ ارزشی ندارد. الان علم در خدمت سلاحهای اتمی و در دست اسرائیل است. آیا این ارزشمند است؟ نخیر، هیچ ارزشی ندارد.» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2475>). دشمنی با دشمنان خدا، رسولان و جانشینان بر حشمان همه از وظایف هنرمندان انقلابی است. در روایتی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ) فرمودند: «کسی که دوست دارد حیاتش حیات من و مماتش ممات من بوده و به بهشت جاودانی که حقتعالی درختانش را به دست قدرتش کاشته داخل گردد باید علی (علیه السلام) را دوست داشته و به فضل آن حضرت و جانشینانش آگاه بوده و از دشمن من تبری و دوری بجوید، خداوند متعال فهم و دانش من را به ایشان (حضرت علی و اوصیایش علیهم السلام) اعطاء فرموده» (ابن قولویه، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۷۱). البته این برائت هم در دل و هم در عمل باید باشد و برای اینکه یک هنرمند در حقیقت چنین شجاعت و جسارتی را داشته باشد باید احساس ضعف و خودباختگی را از وجودش بزداید و بر توانایی‌های خود نظر کند. در غیر این صورت، هنرش هیچ ارزشی

ندارد. ولو به لحاظ تکنیک قوی باشد چرا که برتری به شخصیت است. رهبر انقلاب یکی از عوامل خودباختگی عناصر جبهه خودی در مقابل جبهه دشمن را برتری صنفی و جایگاه استادی هنرمند مقابل می دانند و می فرمایند: «بنده در موارد زیادی دیدم که هنرمند جبهه‌ی خودی، به هنرمند جبهه‌ی مقابل به چشمی نگاه می کند که گویی آن هنرمند، «بزرگ» است! دیگر این را نمی دانست که ممکن است هنرمند جبهه‌ی مقابل، هنرش بالاتر باشد، اما شخصیتش کوچکتر از شخصیت اوست که در جبهه‌ی خودی است. نمی دانست که هنرمند جبهه‌ی مقابل، از شجاعت، آزادگی و همّتی که او دارد، بی بهره است و در محیط باز، پرورش نیافته است.»  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12893>)

### شاخصه های سلبی هنرمند انقلابی

در نگاه رهبر معظم انقلاب «بی تعصب و بی غرض» و «بی تفاوت نبودن» از جمله شاخصه های سلبی هنرمند انقلابی در حوزه رفتاری است که در ذیل به تفصیل بحث می شود.

#### ۱- بی تعصب و بی غرض نادرست

یکی دیگر از ویژگی های هنرمند انقلابی، این است که حقیقت را زیبا و تمام تبیین کند. گاهی ممکن است حقیقت در ظاهر عیان باشد اما دقیق تر که بنگریم می بینیم با نگاه حداقلی یا جانب دارانه و یا آمیخته به باطل، عرضه می شود. یکی از این موارد نگاه تجزیه طلبانه به هنر است، به عنوان مثال جدایی هنر از سیاست. رهبر انقلاب در بیاناتشان در جمع عوامل جشنواره فیلم عمار در این باره می فرمایند: «یکی از مسائل دروغی که در دنیا تبلیغ می شود، این است که می گویند هنر نباید با سیاست آمیخته شود، در حالی که مجموعه های هنری غرب، از جمله هالیوود، کاملاً سیاسی هستند و اگر این گونه نبود، چرا به فیلم های ضد صهیونیستی ایران اجازه ی حضور در جشنواره های سینمایی را نمی دهند؟» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22068>). امام خامنه ای شرط اثر گذاری و ماندگاری وقایع بزرگی مانند دفاع مقدس را روایت صحیح می دانند و چنین می فرمایند: «اگر این حادثه بزرگ، درست روایت شود، این اثرات ماندگار خواهد شد. اگر غلط روایت شود، یا روایت نشود، این تأثیرات بسیار کم خواهد شد. نه این که به کلی از بین برود؛

لیکن بسیار کم خواهد شد. اگر خدای نکرده مغرضانه روایت شود، قضیه بعکس خواهد شد.»  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>۳۰۲۶). ایشان هم چنین در خصوص تعصب در روایت هنرمندانه می‌فرمایند: «این تعصب نگذاشته است که ما در مورد ایران، در مورد تهران، در مورد خرمشهر، در مورد جوان‌های این کشور، در شعرمان یا در نثرمان یا در رمانمان، یک کلمه حرف بزنیم. خود همین دفاع از خود (که حداکثر چیزی که میتواند بگویند، این است) برای آنها بزرگترین ننگ است که یک چنین تعصبی بر ذهن و روح و قلم و دل یک جمعی حاکم باشد.»  
(<https://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=>۲۵۸۰). تعصب در آیات قرآن به عنوان یک ویژگی بازدارنده مطرح شده و مورد نکوهش قرار گرفته است. در آیه ۲۶ سوره فتح خداوند چنین می‌فرماید: «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ» (فتح: ۲۶) اذ متعلق است به «قوله لعذبنا» یعنی: حتما ما کافران را عذاب می‌کردیم و به شما در کشتن آنان اجازه دادیم چون در دل‌هایشان یک نوع تعصب و سرسختی‌ها و خشم و نفرت وجود دارد، آن گاه این حمیت را معرفی کرده می‌فرماید: «حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ» یعنی: همان عادت پدرانشان در دوران جاهلیت دارند که هیچگاه حاضر نیستند احدی را قبول کنند و تسلیم او شوند، زیرا کفار مکه گفته بودند محمد و یارانش پدران و برادران ما را کشته‌اند و اینک وارد منزل‌های ما میشوند، و اعراب با خود گفتند که یاران محمد بر خلاف میل ما می‌خواهند وارد بر ما شوند و «لات» و «عزی» بت‌های ما نیز نمی‌خواهند اینان بر ما وارد شوند، و این یک نوع تعصب جاهلانه بود که وارد دل‌های آنان شده بود. زهری گفته است منظور از حمیت جاهلیت سرسختی کفار بود از اقرار به رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و نیز شروع نمودن صلحنامه حدیبیه که بین مسلمانان و آنان نوشته میشد به کلمه (بسم الله الرحمن الرحيم).» (طبرسی، ۱۳۵۰: ج ۲۳، ص ۱۷۱). کلینی در کافی حدیثی را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در این خصوص روایتی را نقل کرده که فرمودند: «مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ؛ رسول خدا فرمود: هر که در دلش به اندازه دانه خردلی عصیبت باشد خدا او را روز قیامت با اعراب جاهلیت مبعوث کند.» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۳۰۸).



## ۲- بی تفاوت نبودن و موضع داشتن

یکی دیگر از ویژگی‌های هنرمند این است که نسبت به مسائل مختلف حساس باشد و جهت‌گیری صحیح و به موقعی داشته باشد. این ویژگی به جهت جایگاه مهم هنرمندان در میان مردم از اهمیت والایی برخوردار است چرا که هنرمندان دائم در معرض نگاه مردم و الگوبرداری اقشار مختلف از آن‌ها هستند؛ لذا هرگونه تمایل و گرایش سیاسی، اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و... در این قشر، موجب ایجاد تمایلاتی در مردم می‌گردد. به همین دلیل در اسلام تأکید فراوانی به امر به معروف و نهی از منکر در جامعه شده است. چرا که انسان‌ها از رفتار یکدیگر الگوبرداری می‌کنند و اگر شخصیتی، دارای برتری و فضیلت نسبی نسبت به دیگران باشد، بیشتر مورد توجه و الگوگیری قرار می‌گیرد. به عنوان مثال وقتی کسی قانونی را زیر پا می‌گذارد، افراد با خود می‌گویند که پس ما نیز می‌توانیم چنین کاری را انجام دهیم. این گونه می‌شود که آن رفتار فراگیر می‌شود. به همین دلیل قرآن مسأله تواصی را مطرح می‌فرماید. «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ مگر آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و یکدیگر را به صبر سفارش کردند» (عصر: ۳). در میان این توصیه‌های الهی، عده‌ای که اتفاقاً از اصحاب انبیا و اولیا هستند، در درجه‌ای مخالف قرار می‌گیرند و نه تنها خودشان نسبت به حقیقت، واکنشی نشان نمی‌دهند بلکه با حرف‌ها و رفتار ناشی از بی‌تفاوتی و عدم توجه به قوانین و سنت‌های زندگی، دیگران را نیز از حرکت باز می‌دارند. مانند برخی از اصحاب حضرت موسی (علیه‌السلام) که در مقابل فرمان خداوند برای جهاد در راه خداوند و دفاع از دین خدا، خطاب به پیامبرشان چنین گفتند: «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلْ إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ؛ گفتند: ای موسی، تا وقتی که جباران در آنجایند هرگز بدان شهر داخل نخواهیم شد. ما اینجا می‌نشینیم، تو و پروردگارت بروید و نبرد کنید!». امام خامنه‌ای در بیاناتشان، نسبت به این خصلت چنین فرمایشی دارند: «یک عده‌ای هستند که به مسائل کشور اصلاً اهمیت نمی‌دهند. من آدمهائی را مشاهده کردم که مدعی میهن‌دوستی و مدعی عاشق این آب و خاک بودند، اما به مسائل این آب و خاک اهمیت نمی‌دادند... چرا شعرای مطرح،

هنرمندهای مطرح، رمان‌نویس‌های مطرح، مقاله‌نویس‌های مطرح، روشنفکرهای مطرح، نسبت به این قضیه بی‌تفاوت ماندند؟ آیا این بی‌تفاوتی عیب نیست؟ این بزرگترین عیب است» (<https://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=>۲۵۸۰). امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه در خصوص بی‌تفاوت نبودن چنین می‌فرماید: «ما تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ رَبِّكُمْ؟ أَمَا دِينَ يَجْمَعُكُمْ، وَ لَا حَمِيَّةَ تُحْمِسُكُمْ؟! برای یاری دادن پروردگارتان منتظر چه هستید؟ آیا دینی نیست که شما را گرد هم آورد و غیرت و تعصبی نیست که شما را تکان دهد؟!» (سید رضی، ۱۳۸۷: خطبه ۳۹، ص ۴۳). رهبر انقلاب در دیدار جمعی از هنرمندان با اشاره به داشتن موضع صحیح نسبت به مسائل چنین اشاره می‌کنند: «از این که شما جوانان مسلمان و انقلابی و هنرمند توانستید این موقعیت را این‌طور هوشمندانه و ظریف دریابید و در مقابل آنچه که هست، یک موضع انتخاب بکنید، خیلی خوشحالم؛ این خیلی خوب و خیلی مهم است. اصل هم همین است که انسان موضعی داشته باشد.» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>۲۵۱۶).

### نتیجه:

حضرت آیت الله خامنه‌ای هنرمندان انقلابی را یکی از مهم‌ترین اقشار جامعه اسلامی و مبلغان پیام انقلاب می‌داند و با شمردن ویژگی‌های سلبی و ایجابی هنرمند انقلابی، رسالت تبیین و احیای ارزش‌های اسلامی را اهم وظایف هنرمندان می‌داند و تأکید می‌ورزند که بسیاری از مسائل جز با تبیین هنری هرگز شناخته نمی‌شود و این مهم تنها از عهده هنرمندان بر می‌آید. ایشان شرط تأثیرگذاری هنر بر قلوب مردم را تحول و انقلاب درونی هنرمند می‌دانند. امری که بدون تزکیه نفس و پابندی به احکام و اخلاق اسلامی، محقق نمی‌شود. نگاه ایشان به هنرمند نگاه ولی به فرماندهان فرهنگی خط مقدم است به طوری که هر گونه تزلزل، بی‌تفاوتی، تعصب، خودباختگی، تبلی و ناامیدی در آن‌ها موجب انحراف جامعه گشته و هر گونه تبیین، استقامت، مبارزه و... در آن‌ها منجر به حرکت رو به جلوی جامعه و پیروزی جبهه حق بر باطل می‌گردد. ایشان با تأکید بر توجه به فرم و محتوا، هنرمندان را به داشتن نگاه دقیق و ظریف و خلاقیت در بیان مضامین ناب

توصیه می کنند و به پرداختن به مسائلی که دشمنان سعی در کتمان آنها دارند من جمله جهاد و شهادت، تأکید می ورزند.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵ش، قم، چ: ۱، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ذهنی تهرانی، محمد جواد. ۱۳۷۷، تهران: پیام حق.
۳. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷ش، بیانیه گام دوم انقلاب.
۴. دوورژه، موريس، ۱۳۶۷، ترجمه خسرو اسدی، روش‌های علوم اجتماعی، امیرکبیر، چاپ سوم.
۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۳ش، لغت نامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین، تهران، چ: ۱۴، بی نا.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، چ: ۱، دار القلم.
۷. رونرژ، پیرت، ۱۳۶۴، مبانی پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه سید محمد دادگران، نشر نوآور، چاپ اول.
۸. ریخته گران، محمدرضا، تاملی در مبانی نظری هنر، نشر ساقی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۸۷، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم: چاپ سوم.
۱۰. صحیفه سجادیه، ترجمه آیتی، ۱۳۷۵، چاپ دوم، تهران، سروش واحد انتشارات صدا و سیما.
۱۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ ق، ترجمه محمد باقر موسوی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم: چاپ ۵.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: رسولی، هاشم، مسترحمی، هدایت‌الله، میر باقری، ابراهیم، صحت، علی، نوری همدانی، حسین، نجفی، ضیاء الدین، و دیگران، ۱۳۷۲ش، چ: ۲۷، تهران - ایران: فراهانی.
۱۳. علی بابایی، غلام رضا، فرهنگ علوم سیاسی، ۱۳۶۹، تهران: نشر ویس.

۱۴. فرمهبنی فراهانی، محسن، ۱۳۷۸، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، نشر شباهنگ.
۱۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز المذائق و بحر الغرائب، محقق: حسین درگاهی، ۱۳۶۸، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ۱.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۳۶۵، ترجمه، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ۱۳۶۸، مسترحمی، هدایت‌الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، مصباح مفید، أمالی، ترجمه حسین استاد ولی، ۱۳۶۴، تهران: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۸. محدثی، جواد، هنر در قلمروی مکتب، ۱۳۷۶، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم: نوبت سوم.
۱۹. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، فرهنگ معین، تهران، چ: ۲، زرین.
۲۰. یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خرسان، محمدمهدی، بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.  
پایگاه اطلاع رسانی
۲۱. پایگاه اطلاع رسانی حفظ و نشر حضرت آیت الله خامنه‌ای، تاریخ دانلود: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰.
۲۲. پایگاه اطلاع رسانی خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir/index>، تاریخ دانلود: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰.

---

# شاخصه‌های هنرمند الگو در اندیشه قرآنی

## امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

---

زهرآقادی<sup>۱</sup> - معصومه بهرامی<sup>۲</sup> - خدیجه حسین زاده باردنی<sup>۳</sup>

### چکیده:

فرهنگ و هنر در دیدگاه مقام معظم رهبری از جایگاه والایی برخوردار است. ایشان به عنوان یک اندیشمند با اشراف به نقاط قوت و ضعف موجود در مدیریت، تولید و عرضه آثار فرهنگی و هنری به بیان دیدگاه‌های خود خطاب به مسئولین و هنرمندان پرداخته‌اند. از این رو این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای بر آن است که به تحلیل قرآنی روایی شاخصه‌های هنرمند الگو از منظر امام خامنه‌ای پردازد. آنچه طی پژوهش و تحقیق بدست آمده حاکی از آن است که شاخصه‌های بیان شده توسط معظم له به دو دسته ایجابی و سلبی تقسیم می‌شود. تفکر توحیدی، اخلاص، بصیرت سیاسی و متعهد بودن از جمله شاخصه‌های ایجابی در بُعد بینش و تولید هنر فاخر دینی، حفظ جهت هنر، تبلیغ و تبیین، هنر امید آفرینی از جمله شاخصه‌های ایجابی در بُعد رفتار است. شاخصه‌های سلبی نیز شامل؛ دوری از رذایل و پستی‌ها، پرهیز از باندبازی، مرعوبیت و خودباختگی است که دارای مویذات قرآنی و روایی هستند.

**کلیدواژه‌ها:** شاخصه‌ی هنرمند، هنرمند الگو، رهبری و هنرمند انقلابی، هنرمند و الگوی

رفتاری، هنرمند و الگوی بینشی

---

۱. طلبه‌ی سطح دو جامعه الزهرا سلام الله علیها (نویسنده مسئول). zhraaqadry49@gmail.com

۲. پژوهشگر و دانش‌آموخته رشته‌ی تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام الله علیها. bahrami.mas45@gmail.com

۳. پژوهشگر رشته‌ی تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام الله علیها و مدرس مؤسسه آموزشی بنت الهدی، Hosinzadeh110@gmail.com

## ۱- مقدمه

زبان هنر رساترین و تاثیرگذارترین زبانی است که می‌تواند مخاطب خود را جذب کند و به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب، "هر انقلابی و هر نهضتی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ ندارد." در مقام بررسی دیدگاه‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای در موضوع شاخصه‌های هنرمند الگو باید اذعان کرد که ایشان علاوه بر ویژگی رهبری جهان اسلام و مرجعیت فقهی و دینی، خصلت بارز دیگری نیز دارند و آن سطح بالای مطالعات ایشان و بالطبع صاحب نظر بودن ایشان در زمینه هنر و ادبیات ایران و جهان است. دیدگاه‌های معظم‌له درباره هنر، اهمیت آن، محتوی و قالب آن، هنر در گذشته و چشم اندازه‌های آینده آن، موسیقی، شعر، سینما، تئاتر، قصه نمایشنامه و ... بسیار کاربردی و راهگشاست. و برای دست اندکاران ابعاد مختلف هنر و کسانی که در پی یافتن اظهارنظرهای یک متفکر مذهبی متخصص هستند، بسیار سودمند است. نکته حائز اهمیت این است که ایشان شخصی هنرمند بوده و آثار لطیفی در زمینه شعر دارند. سروده‌های معظم‌له، دیدار با اهالی ادب و هنر و فرهنگ، مداحان، شعرا، قاریان قرآن، همه شاهد بر این مدعا هستند. از این رو انجام پژوهشی در بیانات معظم‌له به منظور یافتن شاخصه‌های قرآنی روایی هنرمند الگو از منظر ایشان ضروری به نظر می‌رسد. مقاله پیش‌رو با روش توصیفی، تحلیلی ابتدا به مفهوم شناسی و سپس بررسی شاخصه‌های ایجابی و سلبی هنرمند الگو در بیانات ایشان، همراه با تحلیل قرآنی و روایی آن شاخصه‌ها پرداخته است.

## ۲- مفهوم شناسی

قبل از پرداختن به بحث اصلی ابتدا لازم است معنای مفاهیم «هنرمند» و «الگو» تبیین شود.

### ۲-۱) هنرمند

واژه هنرمند در زبان فارسی صفت مرکب و در معنای باهنر (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵، ص ۲۳۵۶۹) دارای هنر، صنعتگر، خداوند هنر، زیرک و محیل آمده است (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۱۱۹/ بوستانی، ۱۳۷۳، ذیل واژه) این کلمه در گذشته به کسی که دارای مهارت و فنی بود، گفته می‌شد. از ابتدای قرن نوزدهم معنای این واژه به نوازندگان موسیقی و به هنرپیشه‌های تئاتر، و در قرن بیستم

به هنرپیشه‌های سینما گسترش یافت. (هینیک، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴). هنرمند در اصطلاح، شخصی است که به آفرینش آثار هنری می‌پردازد یا در هر شاخه‌ای از فعالیت‌های انسانی که به هنر مربوط می‌شود در حال فعالیت است یا در یکی از زمینه‌های هنرهای زیبا کار می‌کند. (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۱۱۹) این اصطلاح برای موسیقی‌دانان، نوازندگان سازها، نقاش‌ها و اجراکنندگان نمایش نیز به کار می‌رود؛ اما در مورد بازیگرها معمولاً از لفظ هنرپیشه استفاده می‌شود.

## ۲ - ۲) الگو

الگو در زبان فارسی به معنای رؤبر، مُدل، سرمشق، مُقتدی، اُسوه، قدوه و مثال (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳، ص ۳۲۴۸) و طرح، مثل، مدل، نقشه و نمونه (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۸۸) است. معادل این واژه در عربی اسوه که اسم ثلاثی مجرد است و معنای مصدری نیز از آن فهمیده می‌شود، می‌باشد. این کلمه از ریشه «اسو» به معنای مداوا و اصلاح (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۵) و اندوه، مداوای جراحت و صبر (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۴۶) آمده است. این کلمه به معنای سرمشق و پیشوا نیز استعمال شده است. (همان). الگو در اصطلاح به معنای پیشوا در مهمات و حالت و روشی که شخص شایسته پیروی شود، می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۹۰) خواه این حالت پیروی انسان از دیگران، نیک و سودمند یا بد و زیانبار باشد. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۷۶) واژه اسوه یک بار در آیه ۲۱ سوره احزاب در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دو بار در آیات ۴ و ۶ سوره ممتحنه درباره حضرت ابراهیم علیه السلام و همراهان ایشان آمده است.

هنرمند الگو در اصطلاح کسی است که به مسئولیت خود در برابر سایر انسان‌ها و ارزش‌های متعالی انسانی و الهی عمل می‌کند و در باب قالب هنر خودش و در قبال مضمون تعهد دارد. کسی که قریحه‌ی هنری دارد، نباید به سطح پایین اکتفا کند. این یک تعهد است. هنرمند تنبل و بی‌تلاش، هنرمندی که برای تعالی کار هنری خودش و ایجاد خلاقیت تلاش نمی‌کند، در حقیقت به مسئولیت هنری خودش در قبال قالب عمل نکرده است ... علاوه بر این، تعهد در قبال مضمون است. ما چه می‌خواهیم ارائه بدهیم؟ اگر انسان محترم و عزیز است، دل و ذهن و فکر او هم عزیز



و محترم است. نمی شود هر چیزی را به مخاطب داد، فقط به صرف این که او نشسته و به حرف های ما گوش می دهد» (سینما؛ کلید پیشرفت کشور، ۱۳۹۳/۰۲/۱۱، <https://khl.ink/f/۲۹۰۵۳>).

### ۳- پیشنهاد

با تتبع و جستجوی انجام شده، پژوهشی با موضوع تحلیل قرآنی و روایی شاخصه های هنرمند الگو از منظر مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup> یافت نشد ولیکن کتب و مقالاتی وجود دارد که در ضمن آنها به بخش هایی از این موضوع پرداخته شده است. کتاب «هنراز دیدگاه مقام معظم رهبری» گزیده سخنرانی ها، پیام ها و دیدگاه های معظم له است که در بخش های مختلفی مانند شعر، تئاتر، موسیقی و غیره تنظیم شده است. بحث ابتدایی کتاب درباره اهمیت و قالب هنر است و بخش های بعدی هر یک به موضوعات متنوع هنری همراه با دو ضمیمه درباره سینمای فارسی و مداحی اهل بیت <sup>علیهم السلام</sup> اختصاص دارد. کتاب «چشم انداز هنر انقلاب اسلامی از منظر آیه الله سید علی خامنه ای» اثر مسلم امیر طیبی است که در آن هنر به عنوان زبان رسایی برای همه موضوعات و به خصوص موضوعات پیچیده ای مثل انقلاب اسلامی معرفی شده است. دو مقاله «هنر از دیدگاه رهبری» از حسن بشیر و همکاران به بیان دیدگاه های معظم له در مورد هنر و مقاله «آسیب شناسی هنر از منظر مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup>» اثر علی خاک رنگین به بیان آسیب ها پرداخته اند. همچنین در مقاله «هنرمند و هنرمند دینی در کلام مقام معظم رهبری» دیدگاه های معظم له در خصوص هنرمند دینی بیان شده است؛ از این رو در این مقاله سعی شده کلیه شاخصه های ایجابی و سلبی در بیانات مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup> استخراج و براساس قرآن و روایات تحلیل شوند. امید که این مقاله بتواند مورد استفاده و بهره برداری هنرمندان و عموم جامعه واقع گردد.

### ۴- شاخصه های ایجابی هنرمند الگو در اندیشه قرآنی رهبری

مراد از شاخصه های ایجابی، بایسته های ممتازی است که از منظر اندیشه قرآنی حضرت آقا، گفتمان هنرمند الگو، باید واجد آن باشد. شاخصه های ایجابی در دو بخش بینشی و رفتاری، مورد کنکاش و بررسی قرار می گیرد.

#### ۴- ۱) شاخصه های ایجابی هنرمند الگو در بُعد بینشی از منظر امام خامنه ای

«دیانت و تفکر توحیدی»، «اخلاص»، «بصیرت سیاسی»، «شناخت جنگ نرم» و «زیباشناختی دفاع مقدس» از جمله بایسته‌های بینشی یک هنرمند انقلابی در کلام رهبری است.

#### ۴-۱-۱) دیانت و تفکر توحیدی

مقام معظم رهبری بر دیانت به عنوان یکی از بایسته‌های شخص هنرمند تاکید دارند. «اگر هنر با دیانت قرین شود موجب می‌شود که هنر تبدیل به عالی‌ترین وسیله‌ی تبلیغ ارزش‌های اسلامی و انقلابی و انسانی شود» (<https://farsi.khamenei.ir/newspart->). «در صف آراییی بین فکر انقلابی و توحیدی و الهی با فکر شیطانی و اهریمنی، اهل هنر باید در خدمت تفکر مقدس انقلابی و توحیدی قرار گیرند.» (دیدار جمعی از هنرمندان سازمان تبلیغات اسلامی با رهبر انقلاب، ۱۳۶۸/۰۸/۲۱، <https://khl.ink/f/۳۰۴>). معظم‌له معتقدند که ابتهاج درونی هنرمند در صورت توجه به معارف دین و اخلاق، متجلی خواهد شد. «آن ابتهاجی که در وجود هنرمند است در صورتی متبلور خواهد شد که هنرمند بدانند به دنبال چه چیزی است و چه کار می‌خواهد بکند تا هنرمندی خودش احساس رضایت و بهجت کند و این جز با توجه به اخلاق انسانی، فضیلت‌ها و معارف والای دینی و الهی میسر نخواهد شد.» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۱۲/۲۷، <https://khl.ink/f/۳۱۱>). انقلاب اسلامی بینش و تفکر توحیدی را در جامعه احیا کرد و هنرمندان موظفند در حفظ و ترویج این تفکر فعالیت کنند. «تفکر انقلابی امام خمینی (ره) که از سال ۱۳۴۱ در بیانات ایشان ارائه شده را بایستی هنرمند جهت نسل‌های آینده عرضه نماید که در صورت کوتاهی، این تفکر انقلابی برای آیندگان بیگانه خواهد بود.» (بیانات در دیدار اعضای کنگره شعر حوزه، ۱۳۷۰/۰۷/۱۵، <https://khl.ink/f/۲۴۹۸>). البته ایشان با تنوع عرصه‌های فعالیت هنرمند مخالف نیستند؛ اما معتقدند که در ایده‌پردازی، توجه به تفکرات اسلامی لازم است. «هنرمند گاهی دوست دارد موضوعی را به تصویر بکشد که هیچ ارتباطی به ایده‌های اسلامی یا ایرانی ندارد. حتی فلسفه خاصی ندارد. فقط لب احساس خود هنرمند است. این کار هیچ مانعی ندارد؛ ولیکن در جایی که هنرمند می‌خواهد

ایده پردازی کند یکی از بهترین چیزها تفکرات اسلامی است. (بیانات در بازدید از نمایشگاه مینیاتور و نگارگری، در حسینیه ی امام خمینی، ۱۰/۰۶/۱۳۷۲، ۴۰۲۲، <https://khl.ink/f/4022>). نتیجه تفکر توحیدی هنرمند، سوق دادن بندگان به سوی خداست که از شاخصه های مورد تاکید مقام معظم رهبری برای هنرمندان است. «باید وظیفه هنرمند در قبال آفرینش و خدای متعال و در قبال تعهد اسلامی و انقلابی مشخص شود و این وظیفه ادا گردد. این وظیفه سوق دادن بندگان به سمت خدا و نتیجه آن بالابردن اخلاق و معرفت جامعه است.» (بیانات در دیدار شاعران، ۱۴/۰۵/۱۳۹۱، <https://khl.ink/f/20670>). خطاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام مویذ این شاخصه است. «وَ اَيُّمُ اللّٰهِ لَ اَنْ يَهْدِيَ اللّٰهُ عَلٰى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَّكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ؛ به خدا سوگند، اگر خداوند کسی را به دست تو هدایت کند برایت بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب می کند.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۲۸).

#### ۴- ۱- ۲) اخلاص

از نظر مقام معظم رهبری هنرمند الگو، هدفی جز توحید نداشته و در این راه با اخلاص قدم برمی دارد. «اگر هنرمند بخواهد هنر را برای هنر انجام دهد این مقوله، بسیار غلط و انحرافی است. لذا باید هنر در خدمت هدفی باشد. هر کدام از هنرمندان بزرگ عالم هنرهای خود را در خدمت اهدافی قرار می دادند. پس هنرمند مسلمان باید جهت گیری هنرش در خدمت اهداف و ارزش های والای اسلامی و انقلابی باشد.» (بیانات در دیدار جمعی از هنرمندان، ۰۴/۰۹/۱۳۷۰). اخلاص در لغت ویژه کردن را گویند؛ یعنی پاک کردن چیزی از هر چیزی که غیر آن باشد و با آن در آمیخته باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۰۲) و در اصطلاح عبارت است از پاک و خالص ساختن قصد و نیت از غیر خدا به طوری که نیت انسان از هر گونه شرک خفی و جلی پاک باشد. فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۱۲۸). اخلاص ارتباط تنگاتنگی با اعمال انسان دارد. اگر هدف و غرض در عمل و رفتار برخاسته از ضمیری روشن و دور از هر گونه شائبه مادی و نفسانی باشد و آن را با هیچگونه رنگ و صبغه غیرالهی نیامیزد، آثار وجودش ابدیت پیدا کرده و هیچگاه از میان نخواهد رفت. آیه ۱۱ سوره زمر به اخلاص اشاره دارد. «قُلْ اِنِّیْ اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ اللّٰهَ مُخْلِصًا لَهُ

الدین» در این سوره خطوط اصلی برنامه‌های بندگان راستین و مخلص ضمن هفت دستور بیان شده که پنجمین دستور، داشتن اخلاص و اعتقاد به توحید خالص است. «مکارم، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۱۳» «مخلصا حاکی است که غیر خدا را دخالتی در عبادت من نخواهد بود. (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۲۷۷) امام صادق علیه السلام عمل خالص را عملی دانسته‌اند که انسان دوست نداشته باشد درباره آن، احدی جز خدای سبحان از او تعریف و تمجید کند. «الْعَمَلُ الْخَالِصُ: الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۶).

#### ۴- ۱- ۳) بصیرت سیاسی

از جمله شاخصه‌های ایجابی مورد تاکید برای هنرمندان توسط مقام معظم رهبری بصیرت سیاسی هنرمندان هست که موجب رسالت بزرگی برای ایشان است. «یکی از دروغ‌هایی که در دنیا تبلیغ می شود است که هنر با سیاست نباید آمیخته شود و این در حالی است که مجموعه‌های هنری غرب، از جمله هالیوود کاملا سیاسی هستند.» (<https://farsi.khamenei.ir/newspart>) (index?tid=۴۸۲۲). واژه «بصیرت» به معنای بینایی، بینش دل و علم به چیزی است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۵۳) بصیرت، بینشی برآمده از شناخت صحیح و دقیق، همراه با ایمان و باور یقینی است؛ به شرط آنکه هیجان‌ها، غرایز حیوانی و وسوسه‌های نفسانی و شیطانی در آن اثری نداشته باشند و مصداق حق را درست تشخیص دهد. عنصر بصیرت، به معنای فهم درست و توانایی تحلیل واقعیت‌های جامعه، نقش مهمی در حراست از جامعه اسلامی دارد. اگر افراد یک جامعه اسلامی بصیرت کافی نداشته باشند به آسانی فریب توطئه‌های دشمنان را خواهند خورد و جوهر گرانبهای وجود خود را با اشیای کم ارزش معامله خواهند کرد. یکی از شیوه‌های قرآن برای شناساندن این مفهوم، شیوه مقایسه‌ای است؛ یعنی با طرح واژه‌های متضاد با بصیرت در شناساندن آن به ما کمک می‌کند. «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ؛ وَبَيْنَا هِرْكَزٌ بَرَابِرٌ نِيسْتَنْدُ، وَ نَه ظَلْمَتْ هَا وَ رُوشْنَابِي» (فاطر / ۲۰-۱۹) «هرگز مشرک و مؤمن و تاریکیهای شرک و گمراهی با نور ایمان و هدایت یکسان نیست.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۳۳) برپایه روایتی، امام علی علیه السلام انسان‌های بصیر و نیز کوردل را این گونه معرفی نموده است: «همانا دنیا، نهایت دیدگاه

انسان کور (دل) است و در فراسوی آن، چیزی نمی‌بیند؛ اما انسان آگاه و بصیر، نگاهش از دنیا فراتر می‌رود و می‌داند که سرای حقیقی در ورای این دنیا است. (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۱۹۱).

#### ۴- ۱- ۴) شناخت جنگ نرم

مقام معظم رهبری در آذر سال ۱۳۸۸ جنگ نرم را به معنای ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم تعریف فرمودند. یکی از مسائل مهم در بصیرت سیاسی، شناخت جنگ نرم و مقابله با آن است. تاکید مقام معظم رهبری به هنرمندان در توجه آنها به جنگ نرم، نشانگر اهمیت این مسئله در مبانی فکری معظم‌له می‌باشد. «جنگ نرم قابل انکار نیست و کار کسانی هم که منکر آن هستند نیز، بخشی از جنگ نرم است. ایشان هنرمندان و اهالی فکر را نیروهای مسلح این جنگ می‌دانند که در جنگ سختی قرار گرفته‌اند.» (رهبر انقلاب در یادداشتی خطاب به سینماگران، ۱۳۹۷/۰۹/۰۶، <http://fna.ir/bq^n3b>). جنگ نرم، مجموعه اقدامات خصومت‌آمیز، تعمدی و برنامه‌ریزی شده است که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی، «ارزش‌ها و نگرش‌های پایه و بنیادین» و القای ناکارآمدی مدل سیاسی مورد قبول مردم در یک نظام سیاسی می‌شود. این جنگ همه عرصه‌های اجتماعی یک نظام سیاسی را می‌تواند تحت تاثیر قرار دهد. آیه ۲۱ سوره نور نیز به جنگ نرم اشاره نموده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ؛ ای مومنان از گام‌های شیطان پیروی نکنید.» نمونه گام‌های شیطان دوستی با افراد فاسد، شرکت در مجالس آنان، ارتکاب گناهان کوچک و پس از آن گناهان بزرگ و در نهایت قساوت قلب و بدعاقبتی و پایان شوم، است. (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۶۰) هرگز یک انسان پاکدامن و با ایمان را نمی‌شود یک مرتبه در آغوش فساد پرتاب کرد، بلکه گام به گام این راه را می‌سپرد، و سرانجام گرفتار بدترین کبائر می‌شود، درست به کسی می‌ماند که زمام خویش را به دست جنایتکاری سپرده او را گام به گام به سوی پرتگاه می‌برد، تا سقوط کند و نابود گردد، آری این است «خطوات شیطان» (مکارم ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۸۴) روایت نبوی هم اشاره به جنگ نرم دارد. «أَلَا إِنَّ فِي التَّبَاغُضِ الْحَالِقَةَ لَا أَعْنَى حَالِقَةَ الشَّعْرِ وَ لَكِنْ حَالِقَةَ الدِّينِ؛ آگاه باشید که در دشمنیها، ستردن و تراشیدن نهفته است، اما نه تراشیدن مو، بلکه ستردن دین.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۴۶).

#### ۴- ۱- ۵) زیبا شناختی دفاع مقدس

یکی از شاخصه‌های ایجابی هنرمندان که بسیار مورد تاکید مقام معظم رهبری است؛ شناخت زیبایی‌های دفاع مقدس و پرداختن در قالب هنر به آن‌ها است. ایشان در قسمتی از بیانات خود تاکید دارند که در زمینه دفاع مقدس هر چه کارهای نو انجام شود زیاد نیست. «اگر درباره این هشت ساله دفاع مقدس حرف بزنیم و کار کنیم و کارهای نو انجام بدهیم زیاد نیست و گمان می‌کنم تا پنجاه سال دیگر هم به آن انتها نرسیم. البته از شیوه‌های خوب می‌بایست استفاده کرد از شیوه‌های هنری باید استفاده کرد...» (<https://khl.ink/f/۳۶۶۲۲>). بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس ، ۰۳/۰۳/۱۳۹۶

معظم‌له معتقد است که دوره‌های سختی برای هر کشوری اعم از اقتصادی، جنگ و.. دوره نشان دادن ظرفیت‌هاست. لذا بهترین آثار هنری هم مربوط به همین دوره‌هاست. آثاری؛ همچون جنگ و صلح تولستوی یا بعضی از کتابهای امیل زولا مهمترین آثار رمانی مربوط به دوران حساس یک ملت است که توانسته ظرفیت خود را نشان دهد. بخشی از زیباترین نقاشی‌های بزرگ دنیا مثل نقاشی جنگ واترلو، مربوط به صحنه‌های جنگ است. همچنین ایشان در خصوص دفاع مقدس و جنگ تحمیلی علیه ایران معتقدند که یکی از مهمترین جلوه‌گاهها، دوره جنگ و دفاع مقدس بوده و هست و لذا باید از این جلوه‌گاهها استفاده کرد. «اعتقاد من این است که ما هر چه برای دوره دفاع مقدس سرمایه‌گذاری و کار کنیم زیاد نیست؛ چنین ظرفیت هنری و ادبی کشور برای تبیین این دوره خیلی گسترده، وسیع و عمیق است.» (بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر، مقام، ۱۳۸۴/۰۶/۳۱، <https://khl.ink/f/۳۳۰۹>، از دیگر تاکیدات مقام معظم رهبری به هنرمندان ارائه سبک زندگی شهدا توسط هنرمندان است. «سبک زندگی اسلامی در رفتار رزمندگان و نکات الهام بخش شهدا از جمله نکات برجسته‌ای است که باید هنرمندان به آن توجه کرده و تصویر هنرمندانه‌ای را به دنیا نشان دهند.» (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان قم، ۱۴۰۱/۰۸/۰۸، <https://khl.ink/f/۵۱۳۴۲>). مقام معظم رهبری در بیانات دیگری به این مطلب مجددا اشاره نموده و می‌فرماید: «دفاع مقدس، شهید و شهادت، ظرفیتها و

ریزه کاری‌هایی دارد که انتقال و بیان آنها تقریباً ۹۰ درصد از عهده زبان هنر بر می‌آید. از جمله مصداق‌های پیشنهادی توسط مستندسازی برای گروه سرود، فیلم‌های سینمایی، سریال، شعر را می‌توان نام برد.» (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان قم، ۱۴۰۱/۰۸/۰۸، <https://khl.ink/f/۵۱۳۴۲>). همچنین ایشان کار هنری در زمینه دفاع مقدس را یکی از برترین کارهای هنری دانسته و از هنرمندان در این عرصه می‌خواهند که این رشته هنری را غنیمت بشمارند. با توجه به تبحر مقام معظم رهبری در مقوله هنر، توصیه‌ها و رهنمودهای ایشان به هنرمندان بسیار دقیق و در نهایت ظرافت و کاملاً هنرمندانه است. «شما در واقع آینه‌ای هستید در مقابل یک مظهر جمال و جلال که او را منعکس می‌کنید. شما برای آن تابلوی پرشکو که پر از ظرافت‌ها و زیبایی‌ها ست آینه می‌شوید و این کار فرهنگی و هنری شما جهاد مقدس است؛ زیرا سعی بر این بوده که آن مفاهیم والا به فراموشی سپرده شود. این میدان بسیار وسیع است و بسیاری از بخش‌های آن هنوز منعکس نشده است و نباید تصور شود که مضامین دفاع مقدس تکراری هستند و همچنانکه خیلی از مضامین هنوز روی آنها فکری نشده و کاری صورت نگرفته است.» (بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس، ۱۳۸۸/۰۶/۲۴، <https://khl.ink/f/۸۰۵۰>). ایشان با ادبیاتی فاخر، مسیر زیبا شناختی دفاع مقدس را به بالندگی جامعه، بخصوص قشر جوان هدایت می‌کنند. «بالاخره آنچه در جمع بندی دفاع مقدس، انسان می‌تواند بگوید این است که این هشت سال مظهري از برترین صفاتی است که یک جامعه می‌تواند به آنها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد؛ یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه معنویت و دینداری است... مظهر تدبیر و حکمت است.» (بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس، ۱۳۸۸/۰۶/۲۴، <https://khl.ink/f/۸۰۵۰>).

جهاد به معنای صعوبت، مشقّت و تلاش توأم با رنج است. (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۷) و در اصطلاح، جهاد نهایت کوشش در مقابله با دشمن است. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۰۸) جهاد، یکی از احکام اصلی اسلام است و ارزش و جایگاه خاصی در اسلام دارد. آیات فراوانی در مورد فضیلت، اجر، آثار و احکام جهاد وجود دارد. انقلاب اسلامی که مجدّد حیات اسلام و عظمت مسلمین است، بارقه‌ای در دل‌ها به وجود آورد که این حکم از یاد رفته بار دیگر در عرصه نظری و عملی

جایگاه اصلی خود را باز یابد و مورد توجه شایسته قرار گیرد. آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ؛ در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید» (بقره/۱۹۰) به اهمیت دفاع در اسلام تصریح دارد. «در این آیه دستورهای نظامی عادلانه به مسلمانان داده شده است؛ مبنی بر اینکه شما شروع کننده جنگ نباشید و فقط برای خدا بجنگید.» (بهرام پور، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۹) این آیه، دستور مقاتله و مبارزه با کسانی که شمشیر به روی مسلمانان می‌کشند صادر کرده و می‌فرماید با کسانی که با شما می‌جنگند در راه خدا پیکار کنید. (مکارم، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۲) در خصوص ارزش جهاد در راه خدا روایات بسیاری از معصومین علیهم السلام وجود دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل مرا خبری داد که چشمم از آن روشن و دلم از آن شاد شد. او گفت: «یا مُحَمَّدُ مَنْ غَزَا غَزَاةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ أُمَّتِكَ فَمَا أَصَابَهُ قَطْرَةٌ مِنَ السَّمَاءِ أَوْ صُدَاعٌ إِلَّا كَأَنَّ لَهُ شَهَادَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ ای محمد! هر که از امت تو در راه خدا به جنگی برود، هیچ قطره‌ای از آسمان بر او نبارد و دچار هیچ سردردی نشود، مگر آن که در روز قیامت به نفع او گواهی باشد.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸). دفاع مقدس ملت ایران متأثر از انقلاب و روحیه جهاد و شهادت، مظهر حماسه، معنویت و دین داری، آرمان خواهی، ایثار و از خود گذشتگی، ایستادگی و مقاومت بود و این ارزش‌ها گنجینه‌ای را شکل داد که از آن به عنوان فرهنگ مقاومت و ایثار یاد می‌شود. این فرهنگ در بردارنده فرهنگ خودباوری، اعتماد به نفس، رشد باورهای دینی و فضایل اخلاقی، فرهنگ مبارزه با قدرت‌های سلطه‌گر، فرهنگ ایثار و شهادت طلبی است.

#### ۴-۲) شاخصه‌های ایجابی هنرمندالگو در بُعد رفتار از منظر امام خامنه‌ای

«متعهد بودن»، «تولید آثار فاخر»، «حفظ جهت هنر»، «تبلیغ و تبیین حقیقت» و «امید آفرینی» از جمله شاخصه‌های ایجابی هنرمندالگو در بُعد رفتار است که در ذیل به تفصیل بحث می‌شود.

#### ۴-۲-۱) متعهد بودن

مقام معظم رهبری تعهد را از شاخصه‌های مهم یک هنرمند می‌دانند. «یک هنرمند قبل از آنکه هنرمند باشد یک انسان است و اولین مسئولیت هر انسانی در مقابل انسانهای دیگر است. اگرچه هر انسانی در مقابل طبیعت و زمین و آسمان هم تعهد دارد؛ ولیکن بزرگترین مسئولیت هر انسانی در



مقابل انسانهاست. هنرمند هم درباب فرم و قالب هنر خودش وهم درقبال مضمون تعهد دارد و کسی که قریحه هنری دارد، نباید به سطح پایین اکتفا کند این یک تعهد است.» (بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، - ۱۳۸۰/۰۵/۱، <https://khl.ink/f/۳۰۷۴>). ایشان معتقدند در کارهای هنری باید صددرصد هنر و صددرصد اخلاق توأم باشد و این دویا هم منافاتی ندارند و باید صددرصد کار هنری را از مضامین عالی و تعالی بخش و پیش برنده و فضیلت ساز پرکرد و انباشته نمود. همچنین ایشان درخصوص تعهد هنرمندان می فرمایند: «آن چیزی که دغدغه برخی آدمهای دلسوز در زمینه مسائل هنری است، این است که به بهانه آزادی تخیل یا آزادی هنری، فضیلت سوزی و هتک اخلاق نکنیم. این بسیار مهم است بنابراین هنر متعهد یک واژه درست است.» (بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، - ۱۳۸۰/۰۵/۱، <https://khl.ink/f/۳۰۷۴>). ایشان در خصوص تعهد هنرمند و هنر متعهد معتقدند که هرچه شخص هنرمند اندیشه و فکر و درک عقلانی اش بالاتر باشد می تواند کیفیت بیشتری به درک خود از لطایف و ظرافتهای هنری اش بدهد. ایشان می فرمایند: «این معارف هم فقط با هنرمند بودن بدست نمی آید بلکه یک پشتوانه فلسفی و فکر لازم دارد. هنر ملتزم و متعهد، یک حقیقت است و ما باید به آن اقرار کنیم. هنرمند باید خودش را به حقیقتی متعهد بدارد.» (همان) مقام معظم رهبری درخصوص هنرمند متعهد به این مطلب اذعان دارند که هنرمند متعهد، حله فاخر خلاقیتش را براندام ارزشها و اصالتها می پوشاند و این معرفت از لطیف ترین نموده های روح آدمی است. (بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، - ۱۳۸۰/۰۵/۱، <https://khl.ink/f/۳۰۷۴>).

وفای به عهد و تعهد در اسلام بسیار تاکید شده و حائز اهمیت است. «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانُ مَسْئُولًا» و همه به عهد خود باید وفا کنید که البته (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد. (اسراء/۳۴) با توجه به اینگونه آیات «باید به پیمانها، هرچه و با هر که باشد وفادار باشیم. توجه به مسئولیت، انسان را از گناه باز می دارد.» (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۵۶) بانوامین در تفسیر آیه مذکور معتقد است که «شاید مقصود از عهد، معنی اعم باشد، عهد خدا با بندگان از تکالیفی که برای آنها مقرر گردانیده، یا عهدی که بندگان با خدا می بندند از نذر و عهد و قسم، یا عهدی که مؤمنین بین

خودشان قرارداد می‌نمایند که از تمام اینها سؤال می‌شود. (امین، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۴۰۴) طبق حدیث نبوی آنکس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید به وعده‌ای که می‌دهد وفا کند. «من کان یومن بالله من لم یرع عهوده و دممه» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۶۴).

#### ۴-۲-۲) تولید هنر فاخر دینی

در بیان شاخصه‌های بینشی، دیانت به عنوان یکی از بایسته‌های شخص هنرمند تبیین گردید. بر این اساس یکی از شاخصه‌های ایجابی مورد تاکید مقام معظم رهبری به هنرمندان دارا بودن هنر دینی توسط هنرمندان است. ایشان به این مطلب تاکید دارند که «توجه هنرمند به هنر دینی به هیچ وجه به معنای تظاهر ریاکارانه دینی نیست و انجام کار هنری توسط هنرمند با این شاخصه لزوماً با واژگان دینی بوجود نمی‌آید. ای بسا یک کار هنری صد درصد دینی باشد ولیکن در آن از واژگان عرفی و غیر دینی استفاده شده باشد، و نباید این تصور وجود داشته باشد که هنر دینی یعنی به تصویر کشیدن یک داستان دینی یا صحبت کردن از یک مقوله دینی. هنر دینی آن است که بتواند معارفی را که همه ادیان - و بیش از همه دین مبین اسلام - به نشر آن در بین انسانها همت گماشته‌اند و جهانهای پاکی در راه نشر این حقایق نثار شده است، نشر دهد، جاودانه کند و در ذهن‌ها ماندگار سازد.» (بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، -۱/۰۵/۱۳۸۰، <https://khl.ink/f/۳۰۷۴>). ایشان در ادامه بیانات خود در خصوص شاخصه دارا بودن هنر دینی توسط هنرمندان، به پیامبران الهی اشاره کرده و می‌فرمایند: «همه پیامبران برای آوردن دین به میان زندگی بشر متحمل مشقت‌های زیادی شدند که هنرمند با انجام هنر دینی میتواند این معارف را منتشر کند. ولو اینکه در کار هنری اش هیچ اسمی از دین و هیچ آیه‌ای از قرآن و هیچ حدیثی به میان نیاورد. هنر دینی هنری است که مجسم‌کننده و ارائه‌دهنده آرمانهای دین مبین اسلام باشد.» (بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، -۱/۰۵/۱۳۸۰، <https://khl.ink/f/۳۰۷۴>).

یکی از مصادیق هنر فاخر در کلام ایشان به کارگیری هنر در راستای خدمت به انقلاب است. ایشان در بیانات خود به هنرمندان تاکید کردند که هنر این عطیه الهی را در جهت تعالی افکار مردم بکار گیرند و از امتزاج آن با مظاهر زیانبار فرهنگ بیگانه‌رها سازند. و اینگونه هنر را در ذهن و دل

مردم وارد کنند و آن را از شکل کالای خاص که اختصاص به گروهی خاص دارد، خارج سازند. (خطبه های نماز جمعه تهران ، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳ ، <https://khl.ink/f/۲۱۴۲> ، هنرمندان الگو باید برای خدمت‌رسانی به انقلاب مایه‌های هنری خود را افزایش دهند. «وقتی هنری را در خود یافتید و چشمه هنر رادر وجودتان به جوشش در آوردید باید تلاش نمایید تا مایه هنری‌تان را غلیظ کنید تا بتوانید اندیشه پاک انقلاب اسلامی را که مثل روح و اندیشه معصومی است در دنیا جا باز کرده و آن را تقویت و گسترش نمایید.» (بیانات در دیدار جمعی از مدیران ، نویسندگان و هنرمندان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ، ۱۳۶۸/ ۰۸ /۲۱ ، <https://khl.ink/f/۲۲۱۹> ). هنر در خدمت انقلاب اسلامی و یا هنر متعهد، هنری است که از ابتدای پیروزی انقلاب شکل گرفت و با رهنمودهای امام خمینی (ره) مسیر خود را پیدا کرد. پس از وقوع جنگ تحمیلی و دوران هشت سال دفاع مقدس، این اندیشه‌ها با هنر موسوم به هنر مقاومت یا هنر دفاع مقدس در آمیخت و دامنه رشته‌های هنری از شعر و داستان گرفته تا هنر سینما، تئاتر و... گسترش یافت. در این راستا هنرمندان متعهدی همچون شهید مرتضی آوینی با ورود به عرصه هنر، هنر انقلاب اسلامی را بنیان نهادند.

#### ۴- ۲- ۳) حرکت براساس نقشه راهبردی و حفظ جهت هنر

هنر بهترین وسیله و ابزار برای حفظ، بسط و صدور فرهنگ دین است. «هنر، حقیقت درخشانی است که یک ابزار است و هنرمند می‌تواند با هنرش یک چیز را زیبا جلوه دهد و خوش آیند نماید درحالی که در ظاهر خیلی خوش آیند نباشد.» ( <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=۲&year=۱۳۸۰> ). البته هنرمند برای تحقق این امر باید جهت‌گیری دینی خود را حفظ کند و دارای ثبات فکری باشد. مقام معظم رهبری به این موضوع به عنوان یک شاخصه هنرمند الگو، اشاره نموده‌اند. «هنرمند در کارهای هنری‌اش باید جهت را حفظ کند و جهت‌گیری‌اش دقیق و روشن و درست باشد تا دچار اشتباه در جهت‌گیری‌اش نشود.» ( بیانات در دیدار جمعی از مدیران ، نویسندگان و هنرمندان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ، ۱۳۶۸/ ۰۸ /۲۱ ، <https://khl.ink/f/۲۲۱۹> ) .

معظم‌له معتقدند که در قرآن و روایات هیچگونه حرکت زیگزاگی وجود ندارد که مثلاً یک روز جهت گیری به سمتی و یک روز به سمتی دیگر باشد. (ر.ک، همان). از منظر مقام معظم رهبری، هنرمند الگو نباید در مبانی و اصول دچار تذبذب و دودلی باشد. «هنرمند نباید به مجوز هنرمند بودن، حالت تذبذب را داشته باشد. و گفته شود چون این شخص هنرمند است در اصول با دیگران متفاوت است. و این تفکر حاکم باشد که چون این شخص هنرمند است یک سری اصول که برای مردم اصل است برای هنرمندان اصل نیست. این اهانت به هنر است که هنرمند تذبذب‌های ذات خود را که ناشی از احساسات غلیظ در وجود اوست به پای هنر ببندد.» (بیانات در دیدار جمعی از مدیران، نویسندگان و هنرمندان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸/۰۸/۲۱، <https://khl.ink/f/۲۲۱۹>).

«یا حارثُ، إِنَّكَ نَظَرْتَ تَحْتَكَ وَ لَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ فَحِرَّتْ نَهْجُ الْبَلَاغَةِ / حکمت (۲۶۲)؛ ای حارث، تو به زیر پایت نگرستی و به بالا نگاه نکردی، به این علت حیران شدی.» بر طبق فرمایش حضرت علی علیه السلام، علت دچار شدن به حیرت و سرگردانی، کوتاه‌نگری و دوری از نگاه جامع به تمام مسائل و دچار شدن به تحلیل موضوعات با نظر گاهی خردنگر است. مقام معظم رهبری معتقدند که هنرمند الگو باید در عین حفظ جهت هنر و رعایت اصل ثبات و پایداری در تعهدات دینی خود، به روز هم باشد. «هنرمند هر دوره متعلق به همان دوره و ساخته پرداخته همان دوره است. هنر این زمان، هنری است که در فضای انقلاب و از زمین انقلاب بروید.» (رسالت هنر انقلابی، ۱۳۹۴/۰۱/۱۷، <https://khl.ink/f/۲۹۳۷۵>).

#### ۴-۲-۴) تبلیغ و تبیین حقیقت

مقام معظم رهبری ضمن صحه گذاشتن و تاکید بر مسئله تبلیغ و تبیین توسط هنرمندان، آن را وظیفه مجموعه‌های هنری می‌دانند. «وظیفه مجموعه‌های فرهنگی و هنری ابلاغ و تبیین حقیقت است. اینکه قالب خود را خوب انتخاب نمایند. تمام عیار هنر خود را به میدان بیاورند و کم نگذارند تا اثر گذار باشد.» (رسالت هنر انقلابی، ۱۳۹۴/۰۱/۱۷، <https://khl.ink/f/۲۹۳۷۵>). ایشان معتقدند که «اصحاب هنر، کسانی که هنر تبلیغ و ارائه دارند، باید همه باهم دست به دست هم داده و

محصول کار هنری آنها چیزی شود که بر روی ذهن مخاطب اثر بگذارد.» رسالت هنر انقلابی، ( <https://khl.ink/f/۲۹۳۷۵> ، ۱۳۹۴/۰۱/۱۷) باید توجه داشت که دشمنان سعی می کنند مسئله رشد و پیشرفت را در مقابل دین قرار دهند و هنرمندان الگو باید برعکس تبلیغات دشمن عمل کرده و واقعیت ها را با زبان هنر روایت، تبیین و تبلیغ کنند. جمهوری اسلامی ایران، حرم است و هنرمندان باید مدافع حرم در عرصه تبیین، نشر خوبی های نظام و مقابله با باطل باشند. جنگ امروز در دنیا، جنگ روایت هاست و هنرمندان باید همگام با مردم در جنگ روایت ها ورود کنند، هم خوبی های نظام را تبلیغ کرده و هم در این عرصه و با استفاده از ابزار هنر، فعالتر باشند.

تبلیغ و رساندن پیام دین به مردم، وظیفه ای شرعی و همگانی است. هر کسی موظف است در تبلیغ دین تلاش کرده، در مقابل باطل ایستادگی کند و خوبی های دین را به دیگران انتقال و آموزش دهد. مهمترین شانی که خداوند برای پیامبران قائل شده تبلیغ است. «وما علینا الا البلاغ المبین؛ و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست.» (یس/۱۷) «کلمه بلاغ به معنای تبلیغ است و مراد از آن، تبلیغ رسالت است، و معنای جمله این است که: ما مامور نشده ایم مگر تنها به اینکه رسالت خدا را به شما ابلاغ کنیم و حجت را تمام نماییم. (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱۷، ص ۱۰۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز ضمن حدیثی گهربار به امر تبلیغ تاکید نموده اند. «نُضِرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها و حَفَظَهَا، و بَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْها؛ خداوند، شاد گرداند آن کس را که سختم را بشنود، بفهمد و حفظ کند و به کسی که آن را نشنیده، برساند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۰۳).

#### ۴-۲-۵) امید آفرینی

یکی از شاخصه های ایجابی هنرمند الگو از منظر رهبری امید است. ایشان روحانیون، معلمان، هنرمندان و نخبگان و غیره را به عنوان مهم ترین و حساس ترین قشر در جهت ترویج امید در جامعه می دانند. (حضور و سخنرانی رهبر انقلاب در اجتماع زایران و مجاوران حرم مطهر رضوی، <https://khl.ink/f/۳۹۲۶۸> ، ۱۳۹۷/۰۱/۰۱). اگرچه مشکلات اقتصادی و تنگناها وجود دارد اما همگان موظفند ایمان همدیگر را تکمیل و در جامعه امید آفرینی کنند. در این عرصه هنرمندان با خلق آثار فاخر و امید آفرین، می توانند بسیار تاثیر گذار باشند. اگر روح امید در جامعه حاکم باشد

دست دشمن از آن جامعه کوتاه می‌شود. ایجاد فضای یاس و ناامیدی بزرگترین حربه شیطان و ناامیدی بعد از شرک بزرگترین گناه است. خداوند متعال نیز در مورد امید در آیه ۵۳ سوره زمر می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ؛ بگو: ای بندگان من - که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید - از رحمت خدا نومید مشوید.» این آیه از امیدبخش‌ترین آیات قرآن نسبت به گنهکاران به شمار می‌رود. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۶۸۸) و وعده غفران آیه مشروط به آن است که گنهکاران بعد از گناه با عمل، صداقت خود را در توبه و انابه نشان دهند. (مکارم، ۱۳۸۸ ج ۴، ص ۲۳۵) روایت امام صادق علیه السلام نیز موید امیدآفرینی است. «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجِي مِنْكَ لِمَا تَرْجُو؛ فَإِنَّ مُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَهَبَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا، فَانصَرَفَ إِلَيْهِمْ وَهُوَ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ؛ به آنچه امیدش را نداری امیدوارتر باش از آنچه بدان امیدواری؛ زیرا موسی علیه السلام رفت تا برای خانواده اش آتش بیاورد، اما وقتی برگشت، پیامبری مرسل بود.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۸۳).

## ۵- شاخصه‌های سلبی هنرمند الگو در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای

مراد از شاخصه‌های سلبی در این پژوهش، نایسته‌های برجسته‌ای هستند که از نگاه قرآنی رهبر نباید گفتمان هنرمند الگو فاقد آن باشد.

### ۵-۱) دوری از رذایل و پستی‌ها

مقام معظم رهبری یکی از شاخصه‌های سلبی هنرمند الگو را دوری از انگیزه‌های ناسالم و پست عنوان می‌کنند. «هنرمندان باید به معارف دینی توجه داشته باشند و با انگیزه‌های ناسالم و پست و رها و یله و بی‌هوا به دنبال هنر نمی‌شود رفت.» (بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور، ۱۳۷۳/۰۴/۲۲، <https://khl.ink/f/12893>). هدف اساسی اسلام تربیت انسان‌های دیندار و بناکردن جامعه‌ای با شالوده صحیح اخلاقی، مطابق با اهداف و احکام دینی است. مهم‌ترین گام در تحقق این هدف دوری اجتماع انسانی از رذایل و پستی‌هاست. در معارف قرآنی نیز بر این موضوع تاکید شده است. خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره جاثیه به هوای نفس و دوری از رذایل و پستی‌ها اشاره می‌فرماید. «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» آیا عجیب نیست اینکه کسی هوای نفس معبودی دارد که باید او را پیرستد و اطاعت کند. (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۳۵، ص ۲۸۴). جامعه مطلوب انسانی با

فضیلت‌ها پیوند عمیق و ناگسستنی دارد و ترویج رذایل اخلاقی، رابطه انسان با خدا را برهم زده و ارتباطات اجتماعی با هم نوعان را در برخوردهای اخلاقی مختل می‌کند.

## ۵ - ۲) پرهیز از باندبازی

یکی از شاخصه‌های سلبی هنرمندان الگو از منظر مقام معظم رهبری پرهیز از باندبازی است. ایشان در این خصوص خطاب به هنرمندان می‌فرمایند: «دوتا باند داریم. یک باند به اصلاح چپ- که خودشان دلشان می‌خواهد بگوئیم چپ- و یک باند راست.... این کار {هنری و فرهنگی}، مطلقاً به خدمت این باندها نباید دریاید. خدمت به باندها واقعا خطاست. حالا نمی‌خواهم تعبیر خیانت را به کار برم؛ اما می‌گویم: نسبت به این کار، بی‌خدمتی یا ناسپاسی است.» (بیانات در دیدار اعضای «دفتر ادبیات و هنر مقاومت اسلامی» حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲، <https://khl.ink/f/۲۹۸۵۸>). یکی از مهم‌ترین دلایل گرفتاری انسان‌ها در دام باندبازی، دنیا و جلوه‌های فریبنده آن است. دنیاگرایی و حب آن از مواردی است که هنرمند الگو باید از آن حذر کند؛ چون در جهان بینی توحیدی و اسلامی، مظاهر مادی و شیطنانی انسان را به سوی خود جذب کرده و او را از رسیدن به اهداف حقیقی باز می‌دارد. رهبر معظم انقلاب در مقام تشریح عامل دنیا و جلوه‌های فریبنده آن می‌فرمایند: «این عامل امتحان بسیار بزرگی بر سر راه همه است، جاذبه‌های دنیا پر جاذبه هستند و چشمها و دلها را می‌فریبند. دنیا هم که می‌گوئیم پول و خانه و خودرو شخص نیست. چیزهای دیگر هم هست. اسم در کردن، تعریف شنیدن، ستایش شنیدن، تمتعات ناروا و نادرست جنسی و همه امکاناتی که نفس انسان آنها را می‌خواهد، دنیا و جلوه‌های آن است.» (بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور، ۱۳۷۳/۰۴/۲۲، <https://khl.ink/f/۱۲۸۹۳>).

جناح‌بازی یا باندبازی، به رفتارهای شماری از افراد یا کاربران متحد گفته می‌شود که حرکات و نحوه عمل و رفتار آن‌ها، از پیش طراحی شده و نزدیک و همسو با یکدیگر است. قبیله‌گرایی و باندبازی از منظر قرآن یک سم مهلک است و باید از آن پرهیز شود. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید.» (آل عمران/۱۰۳) بر اساس این دستور الهی دین‌داران باید به صورت گروهی و جمعی به سمت خدا بیایند و متفرق نشوند؛ چراکه

به وسیله الفتی که خداوند در قلوب آنها ایجاد کرد، به نعمت دوستی و اتحاد با یکدیگر دست یافتند؛ البته محور اتحاد باید حبل الله باشد؛ یعنی قرآن و عترت باشد؛ نه نژاد، زبان، ملیت، منافع اقتصادی زودگذر و نه صرف دستیابی به قدرت و ریاست.

### ۵ - ۳) پرهیز از مرعوبیت و خودباختگی

شاخصه‌های سلبی هنرمندان الگو از دیدگاه مقام معظم رهبری عدم مرعوبیت و خودباختگی است. ایشان در این زمینه میفرمایند: «بعضی از بچه‌های ما، در مقابل اینها {هنرمندان غیرمتعهد} احساس خودباختگی می‌کنند. «ایشان در ادامه در این خصوص به هنرمندان تاکید می‌کنند که «شما باید این خودباختگی را از ذهن‌های آنها به کلی بیرون کنید؛ چرا که هنرمندان غیرمتعهد آن نکته و جوهر اصلی یعنی ایمان و خلوص را که در وجود شما هست، ندارند. (بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور، ۱۳۷۳/۰۴/۲۲، <https://khl.ink/f/12893>)». مقام معظم رهبری همواره با توصیه به مسئولین و اعلام خطر به اندیشمندان عرصه فرهنگ به روشنگری در باره این موضوع، پرداخته‌اند. «استکبار سعی می‌کند مسئولان و رهبران و گردانندگان اجتماعات را دچار انفعال و در موضع تأثیر پذیری قرار دهد و این خطر بزرگی است که انقلاب‌ها و اصالت ملت‌ها را تهدید می‌کند. خطر بزرگی که صاحبان فکر و اندیشه را در کشورها تهدید می‌کند.» (کیهان مورخ ۱۷/۳/۷۶). خودباختگی به معنای رها کردن خود آگاهی فرهنگی خویش و کسب خود آگاهی فرهنگی بیگانه از کارآمدترین حربه‌های دشمنان سلطه‌گر محسوب می‌شود. در واقع خودباختگی مسخ شخصیت و بی‌هویت نمودن است؛ زیرا کسی که هویت و جایگاه خود را نشناسد و دچار بحران هویت شود، استقامت و پایداری را از دست می‌دهد و برای ادامه حیات حیوانی خود نیازمند قدرتی خواهد شد تا به آن متکی شود. این روش از سیاست‌های استکباری فرعون بود که برای تداوم سلطه فرعون‌نی خود و استثمار مستضعفان به کار می‌گرفت. «فاستخف قومه فأطاعوا، إنهم كانوا قوماً فاسقین؛ پس قوم خود را سبک مغز شمرد (و آنان را تحقیر کرد) و اطاعتش کردند چرا که آن‌ها مردمی منحرف بودند.» (زخرف/۵۴) بدون شک جباران مستکبر، برای تحکیم پایه‌های سیاست جابرانه خود، قبل از هر چیز قربانیان خویش را به استضعاف فکری و



فرهنگی می‌کشانند و به تحقیر و توهین و تخریب بنیادهای فرهنگی، ملی، مدنی و سوابق افتخارآمیز آنان می‌پردازند، تا بتوانند به زندگی انگلی خود، ادامه دهند. هنرمند الگو نباید مرعوب تهدیدهای دشمنان و هنرمندان غیرمتعهد قرار گیرد و باید تفکر و مبانی و اصول فعالیت هنری خود را از جریان خودباختگی، مصون دارد.

### نتیجه

حضرت آیت الله خامنه‌ای معتقدند که هنر حقیقتی بسیار فاخر و عطیه‌ای از جانب پروردگار است که مانند هر موهبت دیگر الهی، مسؤولیت‌ها و تکالیفی را برای صاحب آن به همراه می‌آورد. معظم‌له همواره بر تبیین شاخصه‌های هنرمند الگو برای هنرمندان، همت گماشتند. ایشان با تفکیک کامل هنر دینی از هنر ریاکارانه متحجر و قشری گرا تأکید دارند که هنر دینی، آن است که معارفی را که ادیان الهی و کامل‌تر از همه دین مبین اسلام با هدف سعادت حقیقی بشر، به دنبال ترویج آن بوده‌اند، در جوامع انسانی منتشر کند و در افکار بشر، ماندگار و جاودانه سازد. شاخصه‌های ایجابی بیان شده توسط معظم‌له در عرصه بینش و شناخت، شامل دیانت و تفکر توحیدی، اخلاص، بینش و بصیرت سیاسی و تعهد هنرمند و هنر متعهد، است. این شاخصه‌ها در عرصه عمل و رفتار شامل، تولید هنر فاخر دینی، حفظ جهت هنر، تبلیغ و تبیین، هنر امید آفرینی می‌باشد. شاخصه‌های سلبی که ایشان برای هنرمند الگو مطرح کرده‌اند، شامل؛ دوری از رذایل و پستی‌ها، پرهیز از باندبازی، مرعوبیت و خودباختگی است. بر این اساس، هنرمند متعهد انقلابی می‌تواند با تقویت این شاخصه‌ها در وجود خود با خلق آثار هنری لطیف و عمیق، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را به عنوان الگوهای عملی به ملت‌های تشنه معرفی نماید.

\* قرآن کریم، ترجمه فارسی فولادوند، ۱۳۷۵، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.  
\* شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، محقق و مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت، چاپ اول.

#### کتاب

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، دار صادر، بیروت، چاپ سوم.
۲. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۳. امین، نصرت بیگم، ۱۳۸۲، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، انتشارات بینا، چاپ اول.
۴. بوستانی، قاسم، ۱۳۷۳، فرهنگ مبین، تهران، فقیه، چاپ اول.
۵. بهرام پور، ابوالفضل، ۱۳۸۷ ش، تفسیر یک جلدی نسیم حیات، آوای قرآن، چاپ اول.
۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ ش، لغتنامه دهخدا، به قلم گروهی از نویسندگان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت، چاپ اول.
۸. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۶۴ ش، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات محمدی، چاپ سوم.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم.
۱۰. قرآنی، محسن، ۱۳۸۸ ش، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ بیست و یکم.
۱۱. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۳۷۵ ش، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، چاپ دوم.
۱۲. کلینی، ۱۳۶۵ ش، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۸ ش، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ هفتم.
۱۴. مغنیه، محمد جواد، ۱۳۷۸ ش، ترجمه تفسیر کاشف، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.

۱۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ۱۳۸۱ ش، انتشارات ادنا، چاپ چهارم.
۱۶. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ ش التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۱۷. نراقی، ملا محمد مهدی، بی تا، جامع السعادات، بیروت، اعلمی، چاپ چهارم.
۱۸. هینیک، ناتالی، ۱۳۹۳، جامعه شناسی هنر، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر آگه، چاپ چهارم.

#### مقالات

۱۹. بشیر، حسن و همکاران، ۱۳۸۷، «هنر از دیدگاه رهبری، نشریه دین و ارتباطات، بهار و تابستان، شماره اول.
۲۰. حسینی خامنه ای، سید علی، ۱۳۷۹، هنرمند و هنرمند دینی در کلام مقام معظم رهبری، نشریه هنر دینی، شماره ۶
۲۱. خاک رنگین، علی، ۱۳۹۳، «آسیب شناسی هنر از منظر مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup>»، نشریه مطالعات معنوی، بهار و تابستان
- نرم افزارها و سایتها
۲۲. نرم افزار حدیث ولایت نور
۲۳. نرم افزار جامع التفاسیر نور
- پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری؛ به نشانی [www.Khameneei.ir](http://www.Khameneei.ir).

---

## زیبایی شناسی قرآن از منظر امام خامنه ای (حفظه الله)

---

نفیسه مصطفوی<sup>۱</sup>

### چکیده:

محققان قرآن کریم را از جنبه‌های گوناگونی مانند فلسفه، فیزیک، زیست شناسی، ریاضی و نجوم بررسی کرده و حاصل تحقیقات خود را در مقالات و کتب منتشر نموده اند. مقام معظم رهبری در جلسات متعدد با هنرمندان به تبیین جنبه‌های هنری قرآن کریم پرداخته‌اند. در راستای تبیین این دیدگاه تطبیقی، تعاریفی از هنر و اقسام آن، معیار سنجش هنر و مبادی چهارگانه زیبایی ادبی در قرآن کریم ارائه شد.

براساس یافته‌های این تحقیق تطبیقی که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شد، زیبایی امری عینی است و به همین جهت حکمای مسلمان، معیارهای زیبایی را در درون شیء جستجو می‌کنند. معیار زیبایی در آثار هنری، متمایز است و در داوری استحسانی آثار ادبی، چهار محور زبان، تخیل، عاطفه و محتوا در نظر گرفته می‌شود. اثر هنری، با زیبایی و تحریک ذوق زیباشناختی، تخیل و احساس در مخاطب مرتبط است و قرآن کریم با انتخاب بهترین کلمات، چینش و نظم مناسب آنها و بکارگیری آرایه‌های ادبی در سطح بالای فصاحت و زیبایی ادبی است. این کلام الهی به واسطه موسیقی و آهنگ کلام، با احساسات و عواطف مخاطب و به واسطه بکارگیری تمثیلات با تخیل مخاطب ارتباط می‌گیرد و با بهره‌گیری از معانی و معارف ژرف، والاترین اثر هنری است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، زیبایی شناسی، هنر والا، ذوق هنری.

---

۱ - دانشیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز/دانشکده هنرهای چندرسانه‌ای(نویسنده مسئول)/نشانی: تبریز، خ آزادی. دانشگاه هنر اسلامی

نمابر: ۰۴۱-۳۵۴۱۹۷۱۹۰/Email:na.mostafavi@gmail.com

## مقدمه

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای هیئت علمی و دست‌اندرکاران برگزاری همایش ملی فقه هنر، ابراز نمودند که «قرآن یک اثر هنری است.» (خامنه‌ای، بی‌تا، ج ۳۷: ۲۸۳) براین اساس، مسأله محوری تحقیق آن است که در بیانات ایشان چه مشخصاتی از قرآن کریم قابل مقایسه با اثر هنری است؟ بنابراین موضوع تحقیق بررسی جنبه‌های هنری قرآن کریم است و این امر نیازمند مقدماتی از مفهوم شناسی هنر و زیبایی و اقسام هنر است.

## مفهوم شناسی

تعریف ماهوی هنر و زیبایی از مباحث بسیار چالش برانگیز بوده است که در این قسمت به برخی از این نظرات پرداخته می‌شود:

### ۱. مفهوم هنر

تا قبل از دوره رنسانس، مرز بین حرفه‌های مانند نجاری و آهنگری و هنرهای کاربردی با هنرهای زیبا مانند نقاشی، پیکره تراشی، شعر، معماری و موسیقی واضح نبود و همگی به عنوان مهارت‌های تولیدی با قواعد خاص در نظر گرفته می‌شدند. این مهارت‌ها همگی در تمدن یونان باستان تحت عنوان "تخنه"<sup>۱</sup> شناخته می‌شدند. از زمان رنسانس، جدایی هنرهای زیبا از صنایع دستی و هنرهای کاربردی و تولیدات تجاری رخ داد و از آن زمان به بعد، تمایزات و مشخصات اثر هنری یکی از موضوعات مورد توجه محققان هنر گردید. برخی از این تأملات در کنار تعریفی از هنر بدین قرار است: سوزان لنگر، هنر را خلق صورت‌های نمادین و احساسی می‌داند. وی فهم نماد را فعالیتی جمعی معرفی می‌کند که همگان می‌توانند سرگرم آن شوند (گراهام، ۱۳۸۷: ۳۷). بنابر نظر کندال والتن، هنر، بازی خیالبافی است و ارزش هنر در اجرای این بازی است (همان: ۴۰). آرتور دانتو، فیلسوف هنر، پیشنهاد می‌کند آنچه چیزی را به عنوان هنر تعریف می‌کند، ذاتی خود اثر هنری نیست، بلکه به زمینه و تفسیر بیننده وابسته است. هنر با کیفیت‌های زیبایی‌شناختی آن تعریف نمی‌شود، بلکه با مفهوم یا ایده نهفته در آن تعریف می‌شود (Danto, ۱۹۶۴). نلسون گودمن بر

۱ - Techne (τέχνη : یونان باستان)

ماهیت نمادین و بازنمایی هنر تأکید و پیشنهاد می‌نماید که آثار هنری، سیستم‌های نمادینی هستند که معنا را منتقل می‌کنند و تجربیات انسانی را بیان می‌کنند. او استدلال می‌کند که کارکرد نمادین هنر برای درک اهمیت و ارزش آن ضروری است (Goodman, ۱۹۷۶). بنابر نظر، فریلند تئوری هنر به مثابه مراسم آیینی در شرایطی معقول به نظر برسد که در مراسم، حرکات و اعمال دارای ارزش نمادین باشد (Freeland, ۲۰۰۱: ۳).

اما در میان تعاریف ارائه شده؛ دو مشخصه نمادین بودن هنر و احساس برانگیزی مورد تأکید است که اولی مرتبط با تخیل در هنر و دومی مرتبط با عواطف و احساسات در هنر است. این دو مشخصه قبلاً در فلسفه فارابی مطرح شده است. در تعریف شعر از منظر فارابی دو عنصر خیال و احساس برانگیزی کلام مدخلیت دارد:

«شعر سخنانی است که حالتی را در شنونده بر می‌انگیزد یا چیزی را برتر از آنچه هست، نشان می‌دهد یا پایین‌تر. هنگام شنیدن سخنان شعری، چنان تخیلی در ما ایجاد می‌شود که درست شبیه حالتی است که هنگام نگرستن به اشیای مثلاً ناراحت‌کننده احساس می‌کنیم» (فارابی، ۱۳۸۱: ۶۷-۶۶).

در دیکشنری آنلاین، یکی از تعریف‌های هنر زیبا این است: هنری است که اساساً برای اهداف زیبایی‌شناختی و فکری ایجاد شده است و به دلیل زیبایی و معنادار بودن آن مورد قضاوت قرار می‌گیرد<sup>۱</sup>

بنابراین اثر هنری، با زیبایی و تحریک ذوق زیباشناختی، تخیل و احساس در مخاطب مرتبط است. به تعبیر آیت اله خامنه‌ای، جذابیت هنر در آن است که نه تنها با خیال مخاطب ارتباط می‌گیرد؛ بلکه با احساس مخاطب نیز مرتبط است (خامنه‌ای، بی‌تا، ج ۳۰: ۱۸).

احساس برانگیزی در هنر، مبحثی است که افلاطون به عنوان نقاط ضعف هنر برمی‌شمارد و دلیل مخالفت خود با هنر و فنون را چنین بیان می‌دارد: هنر که فن تقلید است با جزء پست روح ما

۱- "Fine art". Dictionary.reference.com

<https://www.dictionary.com/browse/fine%۲۰art>

پیوند می‌یابد و از این پیوند فرزندی فرومایه به وجود می‌آید (افلاطون، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۱۷۸) و به همین جهت در یوتوپیا یا آرمانشهر خود، شاعران را در مرتبه ششم قرار می‌دهد (افلاطون، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۲۳۷). این درحالی است که بنابر نظر فارابی، هنرمند براساس میزان استعداد، آموختگی، قدرت استنباط و تعلیم می‌تواند جایگاه بالایی در مدینه فاضله داشته باشد و در سعادت عقلی افراد جامعه موثر باشد (فارابی، ۱۳۷۱: ۲۴۳). این نکته‌ای است که در فرمایشات رهبر معظم انقلاب نیز به عنوان نقطه قوت و ظرفیت هنر برای اثرگذاری بر افکار و احساسات مخاطب مشهود است: فرق است بین سخنی که مغزها را به خود متوجه می‌کند؛ اما عواطف و احساسات را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، و آن سخنی که هر دو کار را با هم می‌کند. اینها با هم خیلی تفاوت دارد. اگر بتوانیم از بیان هنری استفاده کنیم، معنای آن این است که در دلها -روی عواطف و احساسات- هم اثر می‌گذاریم (مقیسه، ۱۳۹۵: ۱۹۸). ایشان رمز پیشرفت قرآن را قالب هنری آن برمی‌شمارد: اگر مفاهیم عالی قرآن [هم] در این قالب هنری فوق ممتاز ارائه نشده بود، پیشرفت نداشت (مقیسه، ۱۳۹۵: ۱۹۷).

## ۲. مفهوم زیبایی

هنر به معنای ایجاد اثر زیباست. تعریف زیبایی، بسیاری را به تأمل وادار نموده است. به عقیده فارابی، زیبایی هر چیز، در مقایسه با کمال نوعی آن چیز قرار دارد (فارابی، ۱۹۹۵: ۴۳) به تعبیر ابن سینا، زیبایی در یک شیء، یعنی همان طور باشد که واجب است باشد (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۳۶۸). ملاصدرا نظم، تناسب و وحدت اجزاء را به عنوان ملاک زیبایی در سماع که نوعی اجرای نمایشی است، معرفی می‌کند (صدرالدین، ۱۳۵۴: ۶۳)؛ امام خمینی ملاحظه نسبت، تقارن و تباعد نسبی اجزای یک صورت را ملاک زیبایی چهره و شمایل برمی‌شمرد (اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۹۴). توجه به عبارات بالا این نکته را نشان می‌دهد که زیبایی و کمال در هر نوعی از اشیا، متفاوت است و زیبایی هر شیء با کمالات مرتبط با آن نوع است. کمال گل در معیارهایی مانند لطافت، زیبایی، خوشبویی است و کمال خانه در نقشه و مصالح مناسب، راحتی و استحکام است. در بسیاری از اشیا هنری تعریف زیبایی به کمال رنگ، شکل و وضع خاص اجزای شیء است (فارابی، ۱۳۷۱: ۲۰۴)؛ اما این تعریف در هنرنمایشی کاربرد ندارد.

تعریف زیبایی به تأثیر آن بر مخاطب، امری است که از قرن هجدهم میلادی به بعد متداول شد. هیوم فیلسوف قرن هجدهم در مقاله‌ای با عنوان «دربارۀ ملاک ذوق» چنین نگاشت که «زیبایی، کیفیتی در خود اشیاء نیست؛ بلکه صرفاً در ذهنی وجود دارد که در مورد اعیان تأمل می‌کند... جستجوی زیبایی واقعی یا زشتی واقعی، طلبی است همان قدر بی حاصل که جستجوی شیرینی واقعی یا تلخی واقعی» (Hume, ۱۸۲۶: ۱۲۶). بنابر نظر او ذوق، توانایی درک کیفیت در یک اثر هنری است. پس از او کانت، زیبایی را امری لذت‌آور برای ذائقه و قوه‌ی داوری، فارغ از غرض، مستقل از مفهوم و با ادعای همگانی دانست (Kant ۱۹۱۴: ۷۷). اما بنابر نظر حکمای مسلمان، زیبایی امری ابژکتیو (عینی) است. آنچه که مربوط به تأثیر امر زیبا در فاعل شناسا است، مربوط به داوری و حکم استحسانی است که سلیقه و ذوق<sup>۱</sup> در آن مؤثر است. در فلسفه صدرایی، زیبایی امری آنتولوژیک<sup>۲</sup> و هستی‌مدارانه است و صفات جمالی اموری وجودی هستند (صدرالدین، ۱۳۶۸، ج ۷: ۲۳۲). امام نیز متأثر از حکمت متعالیه زیبایی را با وجود متحد می‌داند: بهاء، همان حُسن است و حُسن، همان وجود است (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۹). در میان پیروان حکمت متعالیه، تنها علامه جعفری در تعریف زیبایی متمایل به زیبایی‌شناسی معاصر است. از نظر علامه، زیبایی حقیقتی دو قطبی است که هم به ساحت فاعل شناسا (سوژه) و هم به ساحت خود شیء (ابژه) مرتبط است. قطب ابژکتیو زیبایی مانند فارابی مرتبط با کمال است «زیبایی نمودی است نگارین و شفاف که بر روی کمال کشیده شده است و کمال عبارت است از قرار گرفتن یک موضوع در مجرای بایستگی‌های مربوط به خود» (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۵۲) اما قطب سوژکتیو تحریک ذوق استحسانی و حس انبساط روان است: زیبایی و جمال حقیقتی است که موجب تحریک شهود و ذوق و یا احساس خاص زیبایی می‌گردد و یا در وضع روان آدمی انبساطی به وجود می‌آورد (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۸۰). در عبارت علامه جعفری نیز بحث تنوع بایستگی‌های مخصوص هر شیء مطرح است. آیت اله خامنه‌ای نیز به همین نکته تصریح می‌کند: زیبایی هر جایی و هر چیزی به حَسَبِ خودش است؛

<sup>۱</sup>- taste

<sup>۲</sup>- Ontological



زیبایی انسان، زیبایی باغ، زیبایی قبرستان، زیبایی هر چیزی را باید به حسّ خودش محاسبه کنیم. (خامنه‌ای، بی تا، ج ۱۰: ۴۵).

### پیشینه

درباره زیبایی شناسی قرآن کریم، تحقیقاتی انجام شده از جمله ایازی (۱۳۸۵) به مواردی مانند جذب مخاطب، اثرگذاری معنوی، هدف مندی، ساختارهندسی و هماهنگی لفظ و معنا در قرآن کریم اشاره دارد. امانی و همکاران (۱۳۸۴) بر مبنای تغییر جایگاه کلمات در جمله به بررسی نقش آن در ایجاد هیجان در شنونده و تشویق مخاطب برای ارتباط مؤثرتر پرداخته‌اند. افشار (۱۳۸۹) به تنوع هشت استعاره در جزء سی قرآن کریم اشاره داشته و آنرا از ارکان زیبایی ادبی در این جزء برمی شمرد. طاهری و حاجی اسماعیلی (۱۴۰۰) به صورتهایی از وحدت در کثرت برای خلق زیبایی در قرآن اشاره داشته و بانفی ترادف لغات، از منظر معناشناسی و تکثر معنا به بحث زیبایی شناختی در قرآن کریم پرداخته است. بهنژاد (۱۳۸۴) نیز متأثر از سید قطب (۱۳۵۹) به بررسی تصویر فنی و نمایی هنری و تناسب در آیات و نظام‌نگ کلمات به عنوان یکی از زیبایی های لفظی قرآن و تناسب الفاظ قرآنی پرداخته است. در تحقیقی دیگر از قاعده تصویرپردازی زبان عربی برای تبیین زبان تصویری قرآن کریم استفاده کرده است (موسوی لر و یاقوتی، ۱۳۹۳) در مقاله «مفاهیم زیبایی شناختی در قرآن» گستره‌ای از پدیده‌های طبیعی و معنوی را که در قرآن کریم به عنوان امر زیبا معرفی شده را اشاره می‌نماید (خرقانی، ۱۳۸۷)؛ آنچه این تحقیق را متمایز می‌کند، یافتن مؤلفه‌های زیباشناسی ادبی در منویات رهبری است.

### مؤلفه‌های زیبایی ادبی در قرآن کریم

در متن ادبی عناصر زیبایی شامل زبان، تخیل، عاطفه و محتوا است. درباره قرآن کریم هریک از این چهار محور در بیانات ایشان قابل بررسی است.

### الف: زیبایی لفظی

استفاده از الفاظ مناسب از عناصر زیبایی ادبی محسوب می‌شود. انتخاب زبان عربی در قرآن کریم نیز حکمتی دارد. «عبارات عربی از فصیح‌ترین عبارات است و ما در فارسی نمی‌توانیم یک

معادلهای دقیقی که ضمناً به این شیوایی هم باشد جایز بگذاریم.» (خامنه ای، ۱۳۹۸: ۲۱۸). ترکیب، چینش و پردازش کلمات و جملات دارای چنان ظرافتهایی است که متن قرآن را در بالاترین سطح فصاحت و بلاغت قرار داده است. این کتاب بسیاری از آرایه‌های ادبی مانند جناس و طباق، انواع مجاز، استعاره، کنایه، اشاره، تشبیه، رمز و تمثیل را در خود دارد و این موارد همگی نمونه‌هایی از اثر هنری است. «خدا این را در قالب فصیح‌ترین و زیباترین بیان هنری ریخته، که خود قرآن هم میگوید نمیتوانید مثل لفظ و ساخت هنری آن را بیاورید» (خامنه ای، ۱۳۹۲: ۶۱۵). متون ادبی اقسامی دارد که هر ادیبی در قسمی از آن تبحر دارد. مثلاً اوج کلام سعدی در مثنوی معنوی و در قالب محتوای حکمی است، اوج اشعار فردوسی در متن حماسی و رزمی و اوج شعر حافظ در غزل و سخنان عاشقانه است و قصاید او به زیبایی غزلیات او نیست. در قرآن اینطور نیست و همه بخشها آن روح زیبایی خودش را دارد، یعنی آیات عذاب به همان زیبایی آیات نعیم بهشت است. آنجا که از زهد و بی‌اعتنایی دنیا سخن می‌گوید، همان قدر زیباست که ماجرای دنبال کردن زن عزیز مصر یوسف را در اتاق خلوت بیان می‌کند؛ یعنی میدانها و صحنه‌ها و ساحتهای مختلف و مضمون، هیچ تفاوتی نمی‌کند در اینکه لفظ زیبا باشد. (خامنه ای، بی تا، ج ۱۴: ۱۰).

بنابر نظر ابن سینا انسان به لحاظ فطری، نظم، حسن تألیف و ترکیب را دوست دارد (ابن سینا، ۱۴۲۵: ۷۵) و به همین جهت، آهنگ و وزن، سبب ترویج و شهرت کلام است (ابن سینا، ۱۳۸۱: ۱۶۶). این نکته‌ای است که مقام معظم رهبری نیز عامل پذیرش قرآن معرفی می‌نماید: همین زیبایی لفظی موجب شد که آن کسانی که دل‌هایشان را قفل زده بودند و بر روی قرآن بسته بودند و حاضر نبودند مفاهیم قرآن را در هنگام نزول بفهمند و ببینند و استفاده کنند و قبول کنند (خامنه ای، بی تا، ج ۳۸: ۲۳).

تبلوز زیبایی لفظی در شعر است و از نظر امام «لسان شعر بالاترین لسان است» (امام خمینی، بی تا، ج ۱۷: ۳۱۰) و به تعبیر ابن عربی، شعر از شعور و آگاهی است (ابن عربی، بی تا، ج ۲: ۲۷۴). در فرهنگ ایرانی، شعر، عرفانی‌ترین شکل دعوت به زیبایی و بهره‌مندی از فضیلت و حکمتی بوده است که در نسبت با زیبایی بر انسان فرا می‌آید و رخ می‌دهد... معماری، خوشنویسی، نقاشی

و موسیقی و حتی صنایعی که آن‌ها را هنرهای دستی می‌خوانند، همه متأثر از آن هستند و در حالت کلی، صورتی از تحقق این شعرند (خاتمی، ۱۳۹۳: ۳۷۶-۳۷۵). بنا بر دیدگاه رهبر انقلاب، «شعر یکی از نمادهای برجسته هنر است.» (خامنه‌ای، بی تا، ج ۳۳: ۱۱) پرسشی که از زمان نزول وحی مطرح بوده آن است چه تفاوتی میان قرآن کریم و شعر است؟ آیا این کتاب الهی می‌تواند دستاورد شعری داشته باشد؟

درباره نسبت قرآن کریم و شعر چنین پاسخ داده شده است: «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ»: به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست (یس ۶۹) برای تبیین این مطلب، توجه به تعریف شعر ضروری است. فارابی و ابن سینا، تخیل برانگیزی را مقوم شعر دانسته‌اند (فارابی، ۱۳۸۱: ۶۷-۶۶؛ ابن سینا، ۱۳۸۱: ۱۶۶-۱۶۵). براساس نظر صدرالدین، شعر کلام مخیل است که تأثیر آن در نفس مخاطب ایجاد حالاتی مانند بسط و قبض، رغبت و تنفر است (صدرالدین، ۱۳۶۶، ج ۵: ۲۸۶) و شرط وزن و قافیه برای شعر لازم نیست (صدرالدین، ۱۳۶۶، ج ۵: ۲۸۴). رهبر انقلاب نیز وزن را لازمه شعر ندانسته و انواعی از «شعر سپید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۴۵۶) و شعر نو را نام می‌برد که بدون وزن و قافیه است؛ در این اشعار انسجام طولی، از قواعد شعری است (خامنه‌ای، بی تا، ج ۱۲: ۱۳). بر همین اساس امام خامنه‌ای، چنین قیاس می‌کند: قرآن شعر نیست، نثر هم نیست.. اما هم زیبایی بهترین شعر را و هم زیبایی بهترین نثر را دارد.. آنجایی که وزنی هم وجود ندارد زیبایی و لفظ قرآن، انسان را مجذوب می‌کند؛ تعبیر «مسحور» درست نیست اما باید بگوییم دل انسان را میرباید (همان، ج ۳۸: ۲۳). از موارد زیبایی زبان در قرآن، آن است که کیفیت نظم و نسق بیان قرآنی یک کیفیت ابتکاری است، نه شعر است و نه نثر است. گاهی یک وزن گونه‌ای در آن وجود دارد، اما وزنش مثل وزن شعر نیست که با آن اوزان خاص و با آن شکل و ترتیب خاص باشد. یک چیزی شبیه قافیه در آخرش هست؛ اما نه مثل قافیه شعر (همان، ج ۱۴: ۷) گرچه قرآن مقید به سجع و قافیه نیست؛ اما دارای موسیقی کلام است. موسیقی کلمات یک چیز مغفول<sup>۱</sup> عنه واقع شده و به آن توجه نمی‌شود. (همان، ج ۳۷: ۲۸۳).

ب: تخیل برانگیزی

هنر با تخیلات مخاطب سروکار دارد و به همین جهت به دنبال تمثیل، سمبل و نمادسازی است و این موجب شمول مخاطب هنری می‌شود. به تعبیر فارابی، بیشتر مردم به لحاظ فطری یا به نحو عادت، قدرت بر تعقل و تصور ذات امور ندارند و درباره این دسته از افراد، باید مبادی موجودات و مراتب آن‌ها را در نیروی خیال آنان نمودار کرد (فارابی، ۱۳۷۱: ۲۵۲-۲۵۳). بنابر نظر ملاصدرا، اهل دنیا کودک مغز بوده و از دریافت حقایق معقول محروم و به مباحث عقلی بی‌رغبت اند (صدرالمدین، ۱۳۶۸، ج ۹: ۱۳۶) به همین جهت از لذت دریافت‌های عقلی بی‌بهره و به دنبال لذت‌های خیالی هستند (همان: ۲۵). هنر این امکان را فراهم می‌سازد که با محاکات و بازنمایی مطالب مفید در خیال مخاطب، فهم آنرا تسهیل نموده و برای کسانی که از مباحث جدی‌گریزان هستند، مفید واقع شود. تفاوت محتوایی بین قرآن و شعر در بحث صدق و کذب تمثیلات است. تمامی مطالب در قرآن کریم با واقعیت منطبق است و اگر از تمثیلات استفاده شود، با تمثیلات شاعرانه متمایز است. تمثیلات و نشانه‌ها در شعرهای ادبی بیشتر پنداری و وضعی‌اند؛ اما تمثیلات قرآنی حقیقی است و با واقعیت همخوانی دارد: «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا: برای تو هیچ مثلی نمی‌آورند، مگر اینکه حق را و بهترین تفسیر را برای تو می‌آوریم. (فرقان/۳۳)

علامه طباطبائی تفاوت قرآن و شعر را چنین تبیین می‌کند:

«ننگی که متخصصین این فن دارند، که با الفاظ معانی را آرایش داده و با تخیلات شعری معانی را تزیین می‌کنند، آن هم تخیلات کاذب، که هر چه دروغش دقیق‌تر باشد، شعرش ملیح‌تر و دل‌پسندتر می‌شود. و نیز کلام خود را بر طبق آهنگ‌های موسیقی درمی‌آورند تا در گوش خوشتر آید، و چنین کاری شایسته مقام رسول خدا (ص) نیست.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۶۱).

شبهه همین عبارت را در منویات آیه الله خامنه‌ای، می‌توان مشاهده نمود:

«نظامی در همین منظومه لیلی و مجنون به پسرش خطاب می‌کند:

در شعر میبچ و در فن او                      چون اکذب اوست و احسن او

(نظامی، ۱۳۱۳: ۴۶)

می گوید سراغ شعر نروید چون که بهترین شعر، دروغترین شعر است، برای اینکه خیال پردازی و دروغ پردازی به طور طبیعی در آن وجود دارد. اما قرآن آن اوج زیبایی و هنری اش مرّ واقعیت است، یعنی در متن واقع و بدون یک ذره خیال پردازی بیان شده است و این از آن جهات معنوی اعجاز قرآن است که امکان ندارد بشر بتواند به این زیبایی دور از دروغ پردازی و خیال پردازی سخن بگوید و تمام داستانهای قرآن همین طور است! (خامنه ای، بی تا، ج ۱۴: ۱۰)

رقیقه ای از همین تفاوت را میان تمثیلات عرفانی و ادبی بر شمرده اند. یعنی تمثیلات و نشانه ها در اشعار عرفانی بیشتر پدیداری و حاصل بینش عرفانی و شهود است (فولادی، ۱۳۸۷: ۲۰۱)؛ با این نگاه، رهبر انقلاب، بسیاری از اشعار حافظ و امام خمینی را حاصل مکاشفه و بر مدار حقیقت توصیف می نماید:

بنده اکثر غزلیات حافظ را عرفانی میدانم؛ یعنی حقیقتاً او دوش دیده بود که ملائک در میخانه زدند. او مکاشفه و درکی داشت و حقیقتی را میدید که آن حقیقت با زبانهای معمولی اصلاً قابل گفتن نیست. در زبان معمولی، هر تعبیری را به کار ببرند، نمیتواند عظمت آن مفاهیم و حقایق را بیان کند، یا حتی به آن اشاره ای بکند. اشعاری که امام میسرود، با توجه به همین مفاهیم و حقایق بود (مطهری، ۱۳۹۸: ۱۶۱).

در کلام الهی به طریق اولی، تمثیلات حقیقی است. به عنوان مثال اگر خداوند اهل ضلالت را به فردی تشبیه می کند که واژگون و بر صورت حرکت می کند (ملک/۲۲)؛ باطن و حقیقت وجودی آنان را توصیف می نماید و یا اگر انفاق در راه خدا (بدون منت و ریا) را به تبدیل دانه ای به هفت خوشه و هر خوشه صد دانه تشبیه می کند (بقره/۲۶۱) این تاثیر مضاعف در انفاق، امری حقیقی است.

تا اینجا بیان شد که قرآن هم به لحاظ فرم و صورت تابع قواعد شعری نیست و هم به لحاظ عدم بکارگیری تخیلات کاذب از اشعار ادبی متمایز است؛ اما قرآن، کلامی آهنگین است و تمثیلات طبیعی و قصصی در آن جنبه حقیقی دارد.

ج: احساس برانگیزی

یکی از مشخصه های هنر، تاثیر بر احساسات است. قرآن کریم با زیبایی لفظ و آهنگ حس استحسانی را برمی انگیزاند. آهنگین بودن الفاظ طوری است که قابل اجرا با موسیقی کلامی است. نحوه تلاوت قرآن یکی از عوامل موثر بر احساس است. موسیقی، یکی از عوامل موثر بر عواطف انسانی است. به همین دلیل، بنابر نظر فارابی برخی از اقسام موسیقی، غایت اخلاقی و کارکرد اجتماعی دارند و این قسم از موسیقی، ظرفیت آن را دارد تا شنونده را به امور پسندیده مانند اندوختن حکمت و دانش ترغیب کند (فارابی، ۱۳۷۵: ۵۶۰). ابن سینا نیز در مقامات عارفان، بیان می کند که موسیقی با خواندن اشعار لطیف و پرمحتوا توسط خواننده ای با نیت پاک و صدای خوب، در جذب تخیل و وهم مخاطب به مسائل مقدس و عبور از مراتب نفس اماره به نفس مطمئنه مؤثر است (ابن سینا، ۱۳۸۱: ۳۶۰). گروه اخوان الصفا نیز اعتقاد دارند که نوعی از موسیقی «محزن» یا حزن آور در زمان تسیح و دعا، باعث رقت قلب و جاری شدن اشک و آماده کردن نفس برای پشیمانی از گناهان و اصلاح و ضمیر انسان است (بلخاری، ۱۳۸۸: ۱۴۱)؛ با توجه به ظرفیت موسیقی در تهییج احساس، تلاوت قرآن با صوت زیبا می تواند، تاثیر مضاعف داشته باشد:

وقتی شما مخاطبی دارید، مثلاً [قرائت] مجلسی میخوانید، اینجا میخواهید مخاطب را تحت تاثیر قرار بدهید؛ اینجا باید هنر بیاید وسط میدان، اینجا است که هنر بایستی نقش ایفا کند؛ مخاطب را با هنر میشود تحت تاثیر قرار داد. این تلاوتهایی که ما می شنویم و گوش میکنیم و تشویق میکنیم و تأیید میکنیم، معنایش این است؛ یعنی شما این اثر فاخر بی نظیر هنری را به شکل هنرمندانه اجرا میکنید، به شکل هنرمندانه میخوانید؛ آن وقت نتیجه این میشود که اثرش میشود چندبرابر (خامنه ای، بی تا، ج ۴۱: ۱۱).

در تلاوت آهنگین قرآن ملاحظاتی وجود دارد که بدین قرارند:

اول. نبی اکرم (ص) هشدار داده اند که از قرآن به عنوان مزار استفاده نشود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶: ۲۵۳) مزار یعنی نی. یعنی از قرآن برای ابراز آهنگ خوب و صدای خوش استفاده نکنید (خامنه ای، ۱۳۹۶: ۱۶۴-۱۶۳). قرآن را وسیله ای ایجاد یک صوت قرار بدهید؛ فقط آهنگ خواندن و آواز خواندن، لکن متنش قرآن است (همان، ۱۶۹).

دوم. تلاوت نباید بصورت غناء باشد و این بدان جهت است که در اینصورت قرآن از آن مسیر اصلی خود، از آن فایده اساسی خود دور خواهد افتاد یعنی وسیله‌ای خواهد شد برای آوازخوانی، مثل شعری که با آن آوازخوانی میکنند. این نهی، از این باب است. (همان: ۱۶۶). قرآن، مقدّس است، شیء مقدّس را شما بیابید با یک آهنگ مثلاً ابوعطا شروع کنید به خواندن و چه‌چه زدن، خلاف احترام قرآن است (همان: ۱۶۲)

سوم. تلاوت قرآن کریم با آلات لهو یا خواننده زن و یا با کیفیت شهوت‌انگیز حرام خواهد بود. بنابراین، اگر شعر حق باشد، شعر حکمت باشد، یا دعا و قرآن باشد، اگر عنوان غناء بر آن صدق کرد، مضمون این روایات خواهد بود و لازم‌هاش حرمت است. (همان: ۱۷۳-۱۷۴).

جذابیت زیبایی و آهنگ کلام در قرآن کریم مهم نیست. تلاوت هم یک وسیله‌ای است برای رسیدن به حقیقت و معارف قرآنی است (خامنه‌ای، بی تاج ۳۵: ۱۶). این جذابیت و احساس برانگیزی دریچه‌ای است تا خودمان را برسانیم به آن فضای بوستان پُربرت و پُرشکوه معارف قرآنی (همان، ج ۳۸: ۲۳)

#### د: زیبایی محتوا

در بررسی آثار هنری محتوا<sup>۱</sup> و پیام هنر، ماده<sup>۲</sup> و شکل و صورت<sup>۳</sup> هنری و زمینه هنری<sup>۴</sup> بررسی می‌شود (Freeland, ۲۰۰۱: ۱۸). زمینه اشاره به شرایط مذهبی، فرهنگی و اجتماعی است که هنر در آن خلق شده است و مسلماً در ساختار ذهنی هنرمند تأثیرگذار بوده است. تحلیل زمینه‌ای<sup>۵</sup> رویکردی تحلیلی است که در رشته‌های مختلف، از جمله تاریخ هنر به کار می‌رود. در این شیوه برای به دست آوردن یک درک جامع و عمیق در یک بافت معین، به تفسیر داده‌ها، متون یا عناصر بصری براساس تجزیه و تحلیل زمینه‌های تاریخی و فرهنگی صاحب اثر می‌پردازند (versen, ۱۹۹۱). در

<sup>۱</sup> - content

<sup>۲</sup> - material properties

<sup>۳</sup> - formal properties

<sup>۴</sup> - context

<sup>۵</sup> - Contextual analysis

هنرهای تجسمی مانند مجسمه سازی و نقاشی ماده به معنای بافت<sup>۱</sup> اثر هنری است، اما در متون ادبی و هنرهای نمایشی، ماده، محتوای هنر است. به عنوان مثال ارسطو داستان یا ترکیب بندی وقایع را مهم ترین بخش نمایشنامه تراژدی نسبت به سایر اجزا یعنی موسیقی، شخصیت پردازی و صحنه آرایی می داند (ارسطو ۱۳۸۸: ۹۲). این بدان معنا است که از نظر ارسطو، ماده و محتوای نمایشنامه مهم تر از صورت آن است. در مقایسه میان ماده و صورت قرآن کریم، زیبایی ماده و محتوا بسیار زیباتر و عمیق تر از زیبایی صورت آن است:

هر چه که لفظ قرآن زیبا است، هزار برابر - حالا من هزار را به عنوان یک حرف رائج عرض میکنم؛ شاید هزاران برابر، ما که قادر به اندازه گیری نیستیم - معنای قرآن و معارف قرآن زیباتر است (خامنه‌ای، بی تا، ج ۳۸: ۲۳)

بر اساس محتوای هنری، محققان تقسیم‌هایی از هنر را مطرح نموده‌اند. در تقسیمی هنر دینی و هنر غیردینی مطرح است (مددپور، ۱۳۸۷: ۱۰۵ و ۸۴). در تقسیم دیگری از هنر بر اساس سطح درک مخاطب، هنر توده<sup>۲</sup> یا هنر عامه‌پسند و هنر خاصه<sup>۳</sup> یا نخبه پسند پیشنهاد شده است (هاشم نژاد، ۱۳۹۲: ۱۹). نقره کار، هنر را به دو دسته رحمانی و شیطانی تقسیم می کند که اولی هدایتگر حقیقت و دومی گمراه کننده به سوی باطل است (نقره کار، ۱۳۹۲: ۹۴). علامه جعفری، هنر پیشرو را در مقابل هنر پیرو (جعفری ۱۳۷۸: ۲۵) و هنر آماتور را در مقابل هنر حرفه‌ای قرار می دهد (جعفری، ۱۳۷۸: ۴۵-۴۴). فیشر آثار هملت را به عنوان هنر فاخر مثال می آورد (Fisher, ۲۰۰۸, ۵۲۷). هنر فاخر<sup>۴</sup> در مقابل هنر نازل<sup>۵</sup> قرار دارد (Cohen, Ted, ۱۹۹۳: ۱۰۱).

امام خامنه‌ای، از هنر والا در مقابل هنر مبتذل سخن می گوید. بنابر نظر ایشان یکی از مصادیق هنر والا، هنری است که علاوه بر خلاقیت و نوآوری یا «جست نو» و بیان احساسات، تعهدی هم از ناحیه هنرمند وجود دارد و آن مسئولیت عبارت است از خدمت به دین، انقلاب، اخلاق و معرفت

<sup>۱</sup> - texture

<sup>۲</sup> - Mass- art

<sup>۳</sup> - Genuine-art

<sup>۴</sup> - High- art

<sup>۵</sup> - Low-art



(خامنه‌ای، بی تا، ج ۳۴: ۲۲). خلاقیت در هنر، نیازمند ذوق هنری است. «تا قریحه و استعداد هنری در شما نباشد، هر قدر هم که زحمت بکشید، باز همچنان در آن خَمِ اوّل باقی خواهید ماند.» (خامنه ای، بی تا، ج ۲۳: ۱۴) خلاقیت، لازمه هنر والاست؛ اما کافی نیست. لازمه هنر والا، هنرمند متعهد است. هنرمند متعهد در قبال ذوق هنری که یک موهبت الهی است، احساس مسئولیت دارد و در اثر هنری خود به اخلاق انسانی، فضیلتها و معارف والای دینی و الهی توجه دارد. خلق هنر والا، نیازمند پشتوانه فلسفی و فکری است. خاستگاه هنر والا، اندیشه والاست و این مهم با هنرمند بودن به دست نمی آید؛ بلکه نیازمند مطالعه و تفکر برای عمق دادن به اثر هنری است (همان)

در نقطه مقابل هنر والا، هنر مبتذل است که در مصارف خیلی کم ارزش و مبتذلات به کار می رود (همان، ج ۱۱: ۸۱) و به بهانه آزادی تخیل یا آزادی هنری، فضیلت سوزی و هتک اخلاق صورت می گیرد (همان، ج ۲۳: ۱۴). هنر خنثی، در میانه این طیف قرار دارد، یعنی اثر آن خنثی است.

تقسیم هنر به هنر والا در مقابل هنر مبتذل براساس معیار تاثیر آن بر حیات طیبیه است. «حیات طیبیه» تعبیر قرآنی و برگرفته از آیه «فَلَنَحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل / ۹۷) است. بنابر نظر رهبر انقلاب دستیابی به «حیات طیبیه» هدف انبیای الهی و امامان معصوم (صلوات الله علیهم) (هلودی، ۱۳۹۸: ۴۱) و هدف نهایی این انقلاب است (خامنه ای، ۱۳۹۶: ب: ۶)؛ حیات طیبیه چیست؟

به طور مجمل حیات طیبیه، دنیا و آخرت و ماده و معنا را باهم داشتن است (هلودی، ۱۳۹۵: ۸) و به نحو تفصیلی حیات طیبیه یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن و خدانشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند (همان: ۱۴). هنر براساس این معیار، سنجش می شود. براساس نظر ایشان نه تنها هنر مبتذل که حتی هنر خنثی با هدف سرگرمی صرف مناسب جامعه نیست: فیلم خنثای بی اثر بی محتوای بدون پیام، مطلقاً پخش نکنید. برنامه بی فایده بی محتوایی که فقط یک وقت و یک فاصله زمانی را پر می کند (خامنه ای، بی تا، ج ۱۲: ۳۸).

علامه جعفری، عبارت «حیات معقول» را بکار می‌گیرد که مرتبط با عبارت «سعادت عقلی» در فلسفه فارابی است. بنابر نظر ایشان هنر باید برای ارائه در جامعه غربال شود و این سانسور هنر نیست؛ بلکه نجات دادن حیات معقول انسان‌ها است (جعفری، ۱۳۷۸: ۹۰). بنابراین، ملاک سنجش هنر برای ارائه در جامعه، تاثیر آن بر حیات طیبه یا حیات معقول است.

اما قرآن کریم در این تقسیم، جزو کدامیک از هنرهاست؟  
باتوجه به اینکه قرآن کریم، علاوه بر فصاحت و بلاغت ادبی و زیبایی‌صوری دارای زیبایی محتوایی است و نسخه حیات طیبه است، هنر والا است:

قرآن کتاب حکمت است، کتاب علم است، کتاب حیات است. حیات امته‌ها و ملت‌ها در آشنائی با معارف قرآن و عمل به مقتضای این معارف و عمل به احکام قرآنی است (مختارپور قهرودی، ۱۳۹۱: ۳۹۴). اصول اسلامی و چیزهایی که پایه‌های انقلاب هستند، در تمام قرآن و از اول تا آخر ادبیات صدر اسلام و ادبیات درست اسلامی - یعنی همین روایاتی که از ائمه (ع) رسیده و نیز نهج البلاغه - موج می‌زند. (خامنه‌ای، بی‌تا، ج ۱۱: ۸۱).

قرآن کریم براساس محتوا، والاترین هنر و به تعبیر رهبر معظم، راقی‌ترین و فاخرترین حله است (خامنه‌ای، بی‌تا، ج ۱۱: ۸۱)

### جمع بندی

اثر هنری، با زیبایی و تحریک ذوق زیباشناختی، تخیل و احساس در مخاطب مرتبط است و زیبایی گاهی با نظم، تناسب و وحدت اجزاء و گاهی با کمال رنگ، شکل و وضع خاص اجزای شیء و گاهی با داشتن کمال مخصوص هر نوع تعریف می‌شود. نقطه مشترک تمام حکمای مسلمان، در این نکته است که زیبایی امری عینی و ابژکتیو است و این داوری و حکم استحسانانی است که امری سوژکتیو است و سلیقه و ذوق در آن مؤثر است.

در فلسفه صدرایی، زیبایی امری آنتولوژیک و امری وجودی است و براین اساس، پیروان حکمت متعالیه نیز زیبایی را با وجود متحد می‌دانند. در میان پیروان حکمت متعالیه، تنها علامه جعفری در تعریف زیبایی متمایل به زیبایی‌شناسی معاصر است و به قطب سوژکتیو زیبایی یعنی

تحریک ذوق استحسانی و حس انبساط روان توجه داشته است. حکمای مسلمان، معیارهای زیبایی را در درون شیء جستجو می‌کنند و برای هر نوعی از زیبایی، سنجه و معیار مخصوصی را مشخص می‌کنند. در متون ادبی عناصر زیبایی شامل زبان، تخیل، عاطفه و محتوا تعریف می‌شود و زیبایی شناسی قرآن کریم در این چهار محور در بیانات مقام معظم رهبری مطرح شده است. ایشان قرآن را از منظر زیبایی لفظی مرتبط با انتخاب زبان عربی به دلیل ظرفیتها و دقائق زبانی و انتخاب بهترین واژگان عربی برای افاده معنا و ترکیب و چینش مناسب کلمات و بکارگیری آرایه‌های ادبی دانسته و این زیبایی را مخصوص قالب حکمی یا داستانی ندانسته و سراسر قرآن را به لحاظ زیبایی یکدست معرفی می‌نماید. بهره‌گیری از تمثیلات حقیقی و قصص واقعی و نه پنداری جهت محاکات و بازنمایی حقایق عقلی در خیال مخاطب از دیگر ابزارهای هنری قرآنی است. موسیقی و آهنگ کلام که با تلاوت هنرمندانه ظرفیت تاثیر بر عواطف شنونده را مضاعف می‌نماید و محتوای بلند کلام که حاوی ژرفترین معارف و نسخه حیات طیبه انسانهاست، پشتوانه زیبایی معنوی قرآن گشته آنرا به والاترین هنر تبدیل نموده است.

## منابع

۱. ابن سینا، حسین (۱۳۸۱) الاشارات و التنبیها، تحقیق: مجتبی زارعی، قم: بوستان کتاب.
۲. ابن سینا، حسین (۱۴۰۴ق) الشفاء (المنطق، الالهیات، الرياضیات)، سعید زائد و الاب قنواتی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳. ابن سینا، حسین (۱۴۲۵) جامع البدائع، تحقیق محمد حسن اسماعیل شافعی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. ابن عربی، محی الدین (بی تا) الفتوحات المکیه (۴جلدی)، بیروت: دار صار.
۵. افلاطون، دوره آثار افلاطون (۱۳۸۰) ترجمه محمدحسن لطفی، رضا کاویانی، تهران: خوارزمی.
۶. افشار، بهروز (۱۳۸۹) زیبایی شناسی در جزء سی ام قرآن کریم، مطالعات قرآنی (فدک)، فصلنامه دین پژوهی و کتابشناسی قرآنی، دوره ۱، ش ۳، ۵۴-۳۱.
۷. اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۸۵) تقریرات فلسفه امام خمینی، ۳جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۸. امام خمینی، روح الله (بی تا) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. امانی رضا، عبادی زهرا و رضایی صدیقه (۱۳۸۴) زیبایی شناسی قرآن با تکیه بر تقدیم و تاخیر آیات قرآن همایش ملی اعجاز قرآن کریم.
۱۰. ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۵) اصول و مبانی زیبایی شناسی قرآن، پژوهشنامه قرآن و حدیث، دوره ۱، ش ۱، ۸۰-۶۵.
۱۱. بلخاری، حسن (۱۳۸۸) هندسه خیال و زیبایی (پژوهشی در آرای اخوان الصفا درباره حکمت هنر و زیبایی)، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
۱۲. بهنژاد، افسون (۱۳۸۴) وجوه زیبایی شناختی در قرآن مجید، همایش ضرورت گسترش مفاهیم قرآن کریم، ش ۱.

۱۳. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸) زیبایی و هنر ازدیدگاه اسلام، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۴. خاتمی، محمود (۱۳۹۳) پیش در آمد فلسفه ای برای هنر ایرانی، تهران: فرهنگستان هنر.
۱۵. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۲) آفتاب در مصاف: بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی: تهران: انقلاب اسلامی.
۱۶. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۶) غناء و موسیقی، تهران: فقه روز.
۱۷. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۶ب) شعار سال ۱۳۹۶، تهران: انقلاب اسلامی
۱۸. خامنه ای، سید علی (بی تا) بیانات مقام معظم رهبری، تهران: انقلاب اسلامی.
۱۹. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۸) نهج البلاغه: شرح خطبه اول در موضوع نبوت، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۰. خرقانی، حسن (۱۳۸۷) مفاهیم زیبایی شناختی در قرآن، الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، ش ۸۰، ۴۷-۱۱.
۲۱. سیدقطب، سید ابراهیم حسین شاذلی (۱۳۵۹) تصویر فنی و نمایش هنری در قرآن، ترجمه محمد علی عابدی، تهران: مرکز نشر انقلاب.
۲۲. صدرالدین، محمد (۱۳۵۴) المبدء والمعاد، تصحیح جلال الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۲۳. صدرالدین، محمد (۱۳۶۶) تفسیر القرآن الکریم (صدرا)، تحقیق: محمد خواجهوی، قم: بیدار.
۲۴. صدرالدین، محمد (۱۳۶۸) الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، قم: مصطفوی.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان ، قم: انتشارات اسلامی.

۲۶. طاهری گندمانی، محمد و حاجی اسماعیلی، محمدرضا (۱۴۰۰) بررسی زیبایی‌شناسی قرآن کریم با رویکردی بر معناشناسی و تکثر معنا، پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)، دوره ۱۱، ش ۴۳، ۱۶۰-۱۳۹.
۲۷. علوی، ثمانه؛ عابدی سرآسیا، علیرضا و علوی مقدم، مهیار (۱۳۹۶) امکان‌سنجی طرح تفسیر زیبایی‌شناختی قرآن کریم، پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، دوره ۶، ۴۸-۳۱.
۲۸. فارابی، محمد (۱۹۹۵م) آراء اهل المدینه الفاضله و مضاداتها، بیروت: مکتبه الهلال.
۲۹. فارابی، محمد (۱۳۷۱) سیاست مدنیه. ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. فارابی، محمد (۱۳۷۵) موسیقی کبیر، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۱. فارابی محمد (۱۳۸۱) احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیوچم، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۲. فولادی، علیرضا (۱۳۸۷) زبان عرفان، قم: فراگفت.
۳۳. گراهام، گوردن (۱۳۸۷) فلسفه هنرها (درآمدی بر زیبایی‌شناسی)، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.
۳۴. مددپور، محمد (۱۳۸۷) دین و سینما، تهران: سوره مهر.
۳۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳) بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۶. مختارپور قهرودی، علیرضا (۱۳۹۱) آداب روزه داری؛ احوار روزه‌داران: از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۳۷. مقیسه، محمدحسن (۱۳۹۵) امین زبان و ادب پارسی: راهکارهای علمی و عملی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره‌ی پویا و گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران: انقلاب اسلامی.

۳۸. مطهری، مهدی (۱۳۹۸) شخصیت امام خمینی «قدس سره»: پیام ها و سخنرانی ها درباره امام خمینی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

۳۹. موسوی لر، اشرف سادات و یاقوتی سپیده (۱۳۹۳) زیبایی شناسی کلام و حیانی قرآن کریم، جلوه هنر، ش ۱۲، ۱۸-۵.

۴۰. نجفی ایوکی، علی و زرکار، زهره (۱۳۹۸) زیبایی شناسی آیات مشابه در قرآن کریم، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، دوره ۷، ش ۲، ۱۵۰-۱۳۵.

۴۱. نظامی گنجوی (۱۳۱۳) لیلی و مجنون تصحیح وحید دستگردی، تهران: ارمغان.

۴۲. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۲) حکمت هنر و معماری اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

۴۳. هاشم نژاد، حسین (۱۳۹۲) زیبایی شناسی در آثار ابن سینا، شیخ اشراق و صدرالمتهلین، تهران: سمت.

۴۴. هلودی، موسی (۱۳۹۵ب) روشنائی آینده: آینده پژوهی انقلاب اسلامی در بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر انقلاب اسلامی ایران، تهران: انقلاب اسلامی.

۴۵. هلودی، موسی (۱۳۹۸) ارمغان: دستاوردهای انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، تهران: انقلاب اسلامی.

۴۶. Danto, A. C. (۱۹۶۴). "The Artworld." *The Journal of Philosophy*, ۶۱(۱۹), ۵۷۱-۵۸۴.

۴۷. Fisher, John A. (۲۰۰۸) *High Art Versus Low Art*, Edited by Bery Gaut and Dominic McIver Lopes, London: The Routledge Companion to Aesthetics.

۴۸. Freeland, Cynthia (۲۰۰۱) *But is it art? an introduction to art theory*, New York: Oxford University Press Inc.

۴۹. Goodman, N. (۱۹۷۶). *Languages of Art: An Approach to a Theory of Symbols*. Bobbs-Merrill.

۵۰. Hume, David, *philosophical works of David Hume*, vol III, London: Edinburgh, ۱۸۲۶.

۵۱. Iversen, Gudmund R. (۱۹۹۱) *contextual Analysis*, New York: SAGE Publications.

۵۲. Kant, Immanuel. *Kant's Critique of Judgement*, translated with Introduction and Notes





---

فصل دوم:

اخلاق

---

---

## «استنادات قرآنی ارزشهای اخلاقی در بیانیه گام دوم»

---

سید معصوم حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده:

بیانیه گام دوم انقلاب که توسط مقام معظم رهبری صادر شده است از چند بخش تشکیل گردید، در بخشی از بیانیه، به سرفصل‌های عمده چهل سال گذشته انقلاب اسلامی اشاره نمود و در بخش دوم، به محصول تلاش چهل سال انقلاب پرداخت و در نهایت در بخش سوم، در چند سر فصل مهم و اساسی، توصیه‌هایی به ملت ایران بخصوص جوانان داشتند، که در دومین توصیه، ایشان به یکی از مهمترین مساله تربیتی یعنی «معنویت و اخلاق» پرداخته است. رهبر انقلاب معنویت و اخلاق را جهت دهنده همه حرکت‌های اجتماعی می‌داند این مقاله که با روش توصیفی و تحلیل به موضوع پرداخته به این نتیجه دست یافت که تمام فضایل اخلاقی از قبیل، خیر خواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، شجاعت، تواضع و اعتماد به نفس که در این بیانیه نام برده شد، و همچنین ارزش‌های معنوی از قبیل، اخلاص، ایثار، توکل و ایمان تماماً برگرفته از آیات قرآن کریم است و رهبر انقلاب با الهام از آیات نورانی قرآن ملت شریف ایران بخصوص جوانان را به معنویت و فضایل اخلاقی توصیه می‌کند که عمل به آنها موجب پیشرفت و ترقی در حوزه‌های فردی و اجتماعی خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** رهبری - قرآن - بیانیه گام دوم انقلاب - ارزشهای اخلاقی، معنویت

## مقدمه

مقام معظم رهبری، به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، در بیانیه‌ای مهم و راهبردی، با تشکر از حضور گرم و دشمن‌شکن مردم غیور در راهپیمایی ۲۲ بهمن به تبیین ویژگی‌های پر افتخار در چهل سال گذشته پرداخته و به آینده ایران و نقش بی‌بدیل جوانان در برداشتن گام بزرگ دوم به سمت آرمان‌ها، خطاب به جوانان و آینده‌سازان ایران، الزامات این جهاد بزرگ را در هفت سرفصل اساسی بیان کردند.

بیانیه گام دوم انقلاب، از چند بخش تشکیل شده است، در بخش اول، سرفصل‌های عمده چهل سال گذشته انقلاب اسلامی، بیان شده است. و در بخش دوم مقام معظم رهبری، اشاره به محصول تلاش چهل ساله انقلاب، اشاره شد. و در بخش سوم، در چند سرفصل مهم و اساسی، توصیه‌هایی به ملت ایران بخصوص جوانان دارند، که دومین توصیه ایشان «معنویت و اخلاق» است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این بیانیه، در حوزه‌های مختلف، از قبیل: علم و معرفت، اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال، عزت ملی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، سخن گفته‌اند. که هر کدام از این محورها برخاسته از اصول و ارزش‌های دینی و قرآن کریم است.

رهبر انقلاب، معنویت و اخلاق را در این بیانیه، جهت دهنده همه حرکت‌های اجتماعی می‌دانند و می‌فرمایند: نبودن اخلاق حتی با برخورداری از نعمت‌های مادی، زندگی را به جهنم تبدیل می‌کند. و در جامعه هر مقدار وجدان اخلاقی رشد داشته باشد، برکات زیادی را به همراه خواهد داشت بی‌گمان این امر نیاز به جهاد و تلاش است، لذا ما در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی به دنبال بیان استنادات قرآنی، ارزش‌های اخلاقی که در بیانیه آمده هستیم.

## پیشینه

درباره بیانیه گام دوم انقلاب، کتاب‌ها و مقالات زیادی به رشته تحریر در آمده و همایش‌های مختلف برگزار شده که مجموعه مقالات به چاپ رسیده است، به عنوان نمونه:

- گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی، نویسنده سیدعباس صالحی، چاپ در نشریه، حوزه، بهار ۱۳۹۸.
- تحلیل آینده نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، اثر، زاهد قفاری، ایوب نیکو نهاد، چاپ در نشریه، دانش سیاسی، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
- جوانگرایی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تکیه بر مبانی قرآنی و روانی، اثر علی بدری، چاپ در نشریه، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۱۳۹۹.
- مبانی قرآنی و روایی راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، یدالله حاجی‌زاده، چاپ در پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، سال ۱۴۰۰.
- مبانی روایی بیانیه گام دوم انقلاب نویسنده، مجتبی میرزایی، از انتشارات عاصم سال ۱۳۹۹ و ...

اما کمتر در این نوشته‌ها به بررسی و بیان استنادات قرآنی، ارزش‌های اخلاقی که دومین محور از محورهای هفتگانه بیانیه هست پرداخت شده است.

### مفهوم‌شناسی

اخلاق، جمع «خُلُق» به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن؛ که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود؛ در مقابل «خَلْق» که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود که با چشم قابل رویت است. (زبیدی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۲۵۷- ابن منظور، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۰، ص ۸۶)

راغب اصفهانی در تعریف اخلاق می‌گوید: «اخلاق» جمع «خُلُق» و به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است. (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۵۹)

در اصطلاح علمای اخلاق، علاوه بر معنای لغوی که به صفات نفسانی پایدار اختصاص دارد، اخلاق به دو معنای دیگر نیز بکار می‌رود.

الف) تمامی صفات نفسانی که منشا کارهای پسندیده یا ناپسند می‌شوند، چه آن صفت به صورت پایدار و راسخ باشند و چه ناپایدار و زودگذر ...

ب) گاهی نیز واژه اخلاق صرفاً در مورد صفات و افعال نیک و پسندیده بکار می‌رود. مثلاً ایثارگری را صفت اخلاقی و عمل دزد را خیر اخلاقی می‌نامند. (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۱۶)

دانشمندان اسلامی و علمای اخلاق، تعاریف مختلفی برای اخلاق بیان داشتند که از مجموع تعاریف می‌توان به این تعریف دست یافت: «اخلاق، کیفیتی برای نفس آدمی است که رفتارهایی متناسب با آن از انسان بروز می‌کند».

یعنی اگر کیفیت نفس خوب باشد، کارهای خوب و اگر بد باشد کارهای بد صورت می‌گیرد. پس اخلاق به اخلاق حسنه، خوب، اخلاق رذیله و بد تقسیم می‌شود.

### معنویت و اخلاق

دومین توصیه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، توصیه به معنویت و اخلاق است. ایشان در این توصیه فرمودند: «معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است و اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلفیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی جهنم می‌آفریند». (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۱۳)

رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید: برای تحقق اخلاق در جامعه، باید جهاد و تلاش داشت، در ادامه توصیه دوم فرمود:

«... بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، سپس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند. و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند...». (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۱۴)

در قرآن کریم یکی از مهم‌ترین و زیربناترین مسأله‌ای که روی آن تکیه شده است رعایت اخلاق و تبعیت از سنت‌های اخلاقی است و بی‌توجهی به آن موجب انحطاط و رکود در جامعه خواهد شد، چنانچه می‌فرماید:

«وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا» (اسراء/۱۶)  
«هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم نخست اوامر خود را برای «مترفین» آنها (ثروتمندان مست شهوت) بیان می‌داریم سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند آنها را شدیداً در هم می‌کوبیم».

صاحب تفسیر نمونه در ذیل آیه شریفه می‌فرماید: «خداوند هرگز قبل از اتمام حجت و بیان دستوراتش کسی را مواخذه و مجازات نمی‌کند، بلکه نخست به بیان فرمانهایش می‌پردازد، اگر مردم از در اطاعت وارد شدند و آنها را پذیرا گشتند چه بهتر که سعادت دنیا و آخرتشان در آن است و اگر به فسق و مخالفت برخاستند و همه را زیر پا گذاشتند اینجاست که فرمان عذاب درباره آنها تحقق می‌پذیرد و به دنبال آن هلاکت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۵۹)

روایات اسلامی هم اخلاق را از عوامل دست‌یابی به سعادت و پیشرفت و فساد و بی‌اخلاقی عامل انحطاط، سقوط و هلاکت می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۷۴)

پیامبر گرامی اسلامی در حدیثی، یاری رساندن به یکدیگر را در کارهای خیر از موجبات سلامت، برکت و پیشرفت معرفی کرده و پیمودن مسیری غیر از این را سبب زوال نعمت‌ها و برکات برشمرده است. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۸۱)

لذا در این مقاله در قسمت اول به بررسی مستندات قرآنی فضایل اخلاقی خواهیم پرداخت و در نهایت اشاره‌ای به مستندات قرآنی معنویت خواهیم داشت.

#### ۴-۱- خیرخواهی

یکی از فضایل اخلاقی که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب به جوانان توصیه فرموده «خیرخواهی» است.

در قرآن کریم آیات متعددی درباره خیرخواهی آمده که غالب این آیات از زبان پیامبران الهی است به عنوان نمونه:

قرآن از زبان حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۶۲) «رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و خیرخواه شما هستم و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

حضرت نوح در سه مرحله دعوت خود و در هر مرحله سیصدسال طول کشید مردم را به خیر و نیکی دعوت کرد و در این مدت طولانی فقط هشتاد نفر ایمان آوردند. (مجلسی، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۲۸۲)

قرآن از زبان حضرت هود علیه السلام نقل می‌کند: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» (اعراف/۶۸) «رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و من خیرخواه امینی برای شما هستم».

همچنین خیرخواهی حضرت صالح علیه السلام (اعراف/۷۹) و حضرت شعیب علیه السلام (اعراف/۹۳) نمونه‌هایی از خیرخواهی قرآن برای مردم در جامعه است.

مقام معظم رهبری با استناد به این آیات و آیات دیگر ملت ایران بخصوص جوانان را توصیه به این صفت اخلاقی خوب می‌کند.

## ۲-۴- گذشت

در منابع دینی، «گذشت» یکی از اصول اساسی در برخورد با لغزش، معرفی شده است. قرآن کریم هم در میان آیاتی که کیفر و مجازات را برای مجرمان و گناهکاران تشریح می‌کند، گذشت و چشم‌پوشی از خطایشان را نیز به عنوان یک ارزش برتر مطرح می‌کند. به عنوان نمونه:

«مَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ...» (بقره/۷۸) «پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود مورد عفو قرار گیرد، باید از راه پسندیده پیروی کند، و (دیه را) با نیکی به عفو کننده بپردازد».

عفو و گذشت از نظر عقل و آموزه‌های وحیانی، رفتاری ارزشی و هنجار پسندیده و نیکو است.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «از بزرگترین کمالات انسانی، تجاوز (گذشت) اشخاصی است که به او بدی کردند و صفت و عفو و تجاوز، از صفات جمالیه حق تعالی است...» (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۴۵۵)

کسی که از خطای دیگری می‌گذرد، رحمت و مهر الهی را به سوی خویش جلب می‌کند. «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (نور/۲۲)

سیره انبیاء و اولیا این بوده است که هنگام پیروزی حتی الامکان گذشته‌ها را با آب عفو بشویند و دشمنان سرسخت را از این طریق به دوستان صمیمی مبدل سازند. آنها هرگز علاقه نداشتند خون را با خون بشویند و بدی را با بدی پاسخ دهند چرا که هدف آنها تربیت بود، نه انتقام (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۱۰)

عفو و گذشت، کار افرادی است که در پرتو ایمان و تقوا تربیت شده‌اند و تسلط بر نفس داشتند، کار افراد با فضیلت و پرافتخار و انسان‌های شایسته است.

مقام معظم رهبری که تربیت شده مکتب اهل بیت و قرآن هست با استناد به آیات فوق و آیات زیاد دیگر در قرآن کریم به مسأله «گذشت» تکیه نموده و در توصیه خود به جوانان و ملت شریف ایران، به این فضیلت اخلاقی اشاره نموده است.

نمونه بارز عفو و گذشت ایشان اعلام عفو عمومی برای کسانی که در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ دستگیر و زندانی شدند، می‌باشد

### ۳-۴- کمک به نیازمندان

اسلام برای مومن ارج و مقام بالایی قائل است. به اندازه‌ای که با هر نوع اظهار نیاز در برابر خلق خدا مخالفت می‌کند. و تنها مسیر پاسخگویی به نیازهای انسان مومن را توکل به خدا و توسل به اولیای خدا می‌داند.

در آموزه‌های دینی به خصوص قرآن کریم، احسان و نیکوکاری، و کمک کردن به نیازمندان سفارش زیادی شده است. چون کمک به نیازمندان، در عرصه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، معنوی و ... دارد. بیش از یکصد آیه شریفه درباره این موضوعات نازل شده است. به عنوان نمونه:



«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ  
وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ  
وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ...» (بقره/۱۷۷)

«نیکی (تنها) این است که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید. بلکه  
نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران  
ایمان آورده، مال (خود) را با تمام علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و  
واماندگان در راه و خواهندگان و بردگان، اتفاق کند.»

یکی از برکات انقلاب اسلامی ایران، توجه به نیازمندان و مستضعف جامعه است، و «جشن  
عاطفه‌ها»، «جشن نیکوکاری»، «طرح اکرام» و طرح‌های مشابه آن یکی از راه‌های توجه دادن  
مردم به این فرمان الهی است و بنابراین امیرالمومنین علی علیه السلام که فرمود: «نِعْمَ زَادُ الْمَعَادِ  
الْأِحْسَانُ إِلَى الْعِبَادِ» (واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۹۴)

(احسان و کمک به بندگان خدا، زاد و توشه مناسبی برای جهان پس از مرگ است).

در سوره مبارکه معارج دومین ویژگی اهل ایمان را کمک کردن به نیازمندان بیان می‌کند «...  
لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معارج / ۲۵-۲۴)

توجه به این نکته مهم است که انسان وقتی به نیازمندان کمک و یاری می‌رساند، این احساس و  
نیکوکاری، در نهایت به خود نیکوکار بر می‌گردد، چنانچه قرآن می‌فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ  
لِأَنْفُسِكُمْ» (اسراء / ۷) «اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید»

رهبر معظم انقلاب با توجه به اهمیت احسان و نیکوکاری، در بیان فضایل اخلاقی در بیانیه گام  
دوم انقلاب سومین فضیلت اخلاقی را «کمک به نیازمندان» بر می‌شمارد و این مسأله برگرفته از  
آیات متعدد قرآن کریم که در این مورد نازل شده است؛ می‌باشد.

مقام معظم رهبری در تمام طرح‌های احسان و نیکوکاری که در کشور برگزار می‌گردد پیش  
قدم هستند و مبالغ زیادی به آن اختصاص می‌دهند

صداقت و راستگویی از بزرگترین فضایل اخلاقی است که در تعالیم و آموزه‌های دینی جایگاه ویژه دارد و در قرآن و روایات فراوان به آن سفارش شده است.

این فضیلت انسانی - اخلاقی بارزترین مشخصه پیامبران الهی در دعوت مردم به سوی خدا است. فطرت پاک انسان ایجاب می‌کند که انسان سالم و متعادل، دل و زبانش هماهنگ باشد، ظاهر و باطنش یکی باشد و آنچه را باور دارد بر زبان جاری کند.

قرآن در سوره توبه آیه ۱۱۹ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه ۱۱۹/ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بپرهیزید و با صادقان باشند») و در آیه دیگر می‌فرماید: «هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ» (مائده ۱۱۹/ «امروز (روز قیامت) روزی است که راستی راست گویان به آنان سود می‌رساند....»)

یکی از ویژگی‌های صدیقین و راستگویان، پیروی از انبیای الهی است؛ چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حدید/۱۹) «کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده‌اند انسان‌های بسیار صادق و راستگو هستند»

یکی از مهمترین آثار راستگویی، اصلاح همه امور انسان از جمله دین و عمل او با راستگویی است، امیرالمومنین علی - علیه السلام - فرمود: «مَنْ صَدَقَ أَصْلَحَ دِيَانَتُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱ق، ص ۲۱۸) «کسی که راستگو باشد، عملش پاکیزه می‌شود»

یکی دیگر از آثار راستگویی ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل در میان مردم است. از مهمترین بزرگترین سرمایه هر جامعه و حکومت و نظام، وجود اعتماد عمومی در سطح جامعه است و از دوستی با دروغگویان بر حذر داشته، چنانچه امیرالمومنین علی - علیه السلام - فرمود: «إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكُذَّابِ....» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ج ۳۸) «از دوستی با دروغگو بپرهیز»

بنابراین راستگویی یکی از اساسی‌ترین پایه‌های «روابط اجتماعی، است، لذا اسلام در میان موضوعات مربوط به معاشرت اهمیت زیادی به مسأله راستگویی داد. به طوری که در آیات متعدد قرآن ذکر شده است.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران در بیانیه گام دوم در بند دوم آن با الهام از آیات قرآن کریم چهارمین فضیلت اخلاقی که نقش اساسی در جامعه دارد را مسأله «راستگویی» معرفی کرده و تمام ملت بخصوص جوانان عزیز را به این امر مهم توصیه فرموده است.

#### ۵-۴ - شجاعت

شجاعت از فضایل اخلاقی به معنای دلیری و دلآوری (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه شجاعت) حالتی در انسان داشته شده که شخص از اقدام به کارهای دشوار ترس به خود راه ندهد. (انوری، ۱۳۹۰، واژه شجاعت) و در مصاف با دشمن و تحمل دشواری‌ها، از قوت قلب برخوردار باشد (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۲۷۴)

شجاعت به عنوان یکی از چهار فضیلت اخلاقی برتر (حکمت، عدالت، شجاعت، و عفت) نزد علمای اخلاق (نراقی، ۱۹۶۷، ج ۱، ص ۸۵) مورد توجه آیات و روایات قرار گرفته است. یکی از ویژگی‌های پیامبر اسلام - صلی اله علیه واله وسلم - و همراهان شجاعت است چنانچه قرآن می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ...» (فتح ۲۹/ «محمد (ص) فرستاده‌ی خداست، و کسانی که با او هستند کافران سخت گیر ....»

در جای دیگر، از شرایط رسیدن به مقام نبوت را عدم ترس از غیر خدا و شجاعت در دعوت مردم به سوی خدا دانسته است و می‌فرماید: «لَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب ۳۹) (پیامبران) کسانی هستند که پیام‌های خدا را می‌رسانند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند»

شجاعت به عنوان یکی از رموز موفقیت و پیروزی مسلمانان معرفی شده است. «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (احزاب ۲۲) مومنان وقتی احزاب را دیدند گفتند این همان چیزی است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و رسولش راست گفتند و جز برای ایمان و تسلیم‌شان نیفزود»

در متون دینی برای شجاعت، مراتبی از نظر شدت و ضعف قرار داده شده است از جمله: شجاعت در میدان نبرد، شجاعت در مبارزه با نفس اماره، شجاعت در غلبه بر مشکلات زندگی، شجاعت در مبارزه با رذایل اخلاقی و شجاعت عقلی.

بخاطر اهمیت همین مسأله مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در توصیه دوم خود، در پنجمین فضیلت اخلاقی به شجاعت اشاره می‌کند و به ملت شریف و جوانان غیور توصیه به این صفت و فضیلت اخلاقی می‌نماید. این شجاعت بود که توانست در برابر تهاجمات نظامی در دوران ۸ سال دفاع مقدس سربلند و پیروز بیرون بیاید و در برابر تحریمهای ناجوانمردانه، جوانان ما با شجاعت و قدرت اول منطقه و بعضاً جهان شوند.

#### ۶-۴ - تواضع

یکی دیگر از فضایل اخلاقی که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم در توصیه دوم خودشان به آن اشاره کرده‌اند «تواضع» است. این صفت اخلاقی برگرفته از آیات و روایات هست که به عنوان نمونه به بعضی از آیات اشاره خواهد شد.

«تواضع» در اصطلاح علم اخلاق، از فضایل ارزشمند اخلاقی و به این معنا است که انسان دارای ملکه شکسته نفسی باشد به گونه‌ای که برای خود مزیتی بر دیگران نبیند و با کردار و گفتار خود دیگران را بزرگ شمرده، به آن احترام بگذارد. (نراقی، همان، ص ۲۷۹)

تواضع موجب برتری انسان می‌شود و عامل سربلندی انسان است.

محبوب‌ترین افراد در پیشگاه خداوند افراد متواضع هستند. خداوند هم در قرآن کریم سفارش می‌کند که در برابر مومنان تواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومند باشید. «أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده/ ۵۴)

و در جای دیگر می‌فرماید: «وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» «برای مومنان بال محبت خود را بگستر»

تواضع و فروتنی از مهمترین فضایل انسان به شمار می‌آید. (مکارم، همان، ص ۷۱)

« وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا » (فرقان، ۶۳) «بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می‌روند»  
تواضع هم در زندگی علمی و فرهنگی انسان اثر می‌گذارد و هم در زندگی اجتماعی و هم در رابطه انسان با خدا موثر است چرا که روح عبادت، تواضع و کلید قبولی آن فروتنی است. (مکارم شیرازی، همان، ص ۷۶)

مقام معظم رهبری با توجه به اهمیت و جایگاه تواضع در زندگی فردی و اجتماعی انسان در بیانیه گام دوم، در ششمین توصیه اخلاقی، دعوت به تواضع می‌کند، این توصیه موجب رشد علمی و فرهنگی انسان در جامعه خواهد شد. تواضع در تمام وجود رهبری نمایان است هیچگونه بزرگی بینی، تکبر و خودپسندی در وجودشان نیست، در تمام سخنرانی‌های خود بدون استثنا از امام (ره) به بزرگی و نیکی یاد می‌کند.

#### ۷-۴ - اعتماد به نفس

هفتمین و آخرین فضیلت اخلاقی که رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در توصیه دوم، جوانان و ملت شریف را به آن توصیه فرمود «اعتماد به نفس» است. این صفت هم، همانند دیگر صفات ذکر شده برگرفته از آیات قرآن است که رهبر معظم با استناد و بهره‌برداری از مضامین آیات به این مسأله اشاره نموده است.

اعتماد به نفس در پرتو آموزه‌های قرآنی به معنای تکیه بر اراده، عمل، استعدادها و توانمندی‌های خود با توکل بر خدا و استمداد از او و توجه به قابلیت‌های خدادادی عزت و کرامت انسانی و استقلال در برابر دیگران با قطع طمع و امید از آن است. (مروتی، ۱۳۹۶، ۱۰۷)

در آموزه‌های دینی، اعتماد به نفس بر مبنای تقوی و توکل بر خداوند است که باعث خود ساختگی فرد می‌شود که در برابر مشکلات تسلیم نگردد، همانگونه که خداوند می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ...» (فاطر / ۱۰)

در حقیقت، قدرتی که در دل و جان انسان ظاهر می‌شود، و او را از خصوع و تسلیم و سازش در برابر طاغیان و یاغیان باز می‌دارد. قدرتی که با داشتن آن هرگز اسیر شهوات نمی‌شود، و در

برابر هوا و هوس سر فرود نمی آورد، قدرتی که او را به مرحله نفوذ ناپذیر در برابر «زر» و «زور» ارتقا می دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۱۸، ص ۱۹۷)

بین توکل و اعتماد به نفس، رابطه ای تنگاتنگ وجود دارد، به این معنا که توکل نه تنها مغایر با اعتماد به نفس نیست بلکه موجب ایجاد و تقویت به نفس انسان می شود. چون انسان می داند آنچه که دارد از جانب خداوند است و در برابر مشکلات مأیوس نمی شود و به قدرتی مافوق قدرت اعتماد می کند و همین اعتماد به مافوق موجب اعتماد به خود می شود.

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق/۳) «هر کس به خدا توکل کند او برای وی کافی است»  
«وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (مائده /۱۱) «مومنان بر خداوند توکل می کنند.»

شهید مطهری، اعتماد به نفس را مفهومی اسلامی می داند و حس اعتماد به نفس را یکی از شیوه های تربیتی پیشوایان اسلام معرفی می کند: «اسلام کوشش و سعی بلیغی دارد که در تعلیمات خود سرنوشت انسان را وابسته به عمل او معرفی کند؛ یعنی انسان را متکی به اراده خودش بکند....» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲۵، ص ۴۵)

اعتماد به نفس، نه تنها از منظر دین پذیرفته شده، بلکه برای مردم جزء آن چه خود کرده اند نیست.

مقام معظم رهبری، با توجه به آیات و روایات که درباره اهمیت و جایگاه اعتماد به نفس وارد شده و ضرورت آن را در زندگی فردی و اجتماعی انسان تبیین نمودند، در بیانیه گام دوم انقلاب به جوانان و آینده سازان این کشور اسلامی در توصیه دوم در هفتمین فضیلت اخلاقی به اعتماد به نفس، توصیه می کند. چون با این فضیلت اخلاقی مهم است که می توان بر مشکلات فائق آمد و موانع را از سر راه برداشت.

جوانان انقلابی و تجصیل کرده و نخبه کشور با اعتماد به نفس و با توکل بر خداوند توانستند در بسیاری از مسایل از قبیل نظامی، اقتصادی و... به جایگاه مهم در دنیا دست یابند و رهبری هم به این موضوع اعتقاد واقعی دارند لذا جوانان را به آن توصیه می کنند.

در توصیه دوم، بیانیه گام دوم انقلاب، رهبری معظم توصیه به معنویت و اخلاق فرمودند: «معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است....» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۳) در این قسمت به بیان مستندات قرآنی این چهار ارزش معنوی بطور خلاصه اشاره خواهیم داشت.

### ۱-۵- اخلاص

اولین ارزش معنوی که رهبری به آن توصیه فرموده‌اند، «اخلاص» است، این توصیه برگرفته از آیات قرآن کریم است.

در آیات متعددی از قرآن، سخن از مُخْلِصِينَ (خالصان) یا مُخْلِصِينَ (خالص شوندگان) به میان آمده است و با کلمات و تغییرات گوناگون تمجید می‌کند. مانند:

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...» (بینه / ۵) «به آنها دستوری داده نشده بود جز آن که خدا را بپرستند در حالی که دین خود را خالص کنند....»

در آیه دیگر خداوند متعال همه مسلمان‌ها را مخاطب قرار داد و فرمود: «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (غافر / ۱۴) «خداوند را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید هر چند کافران ناخشنود باشند»

و در جای دیگر خداوند پیامبر خودش را مخاطب قرار داد و دستور می‌دهد: «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر / ۱۱) «بگو من مأمورم خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم.»

از این آیات و آیات دیگری که بیان آنها موجب اطاله بحث خواهد شد، بخوبی استفاده می‌شود که اخلاص اساس دین و شالوده محکم و رکن رکن آن است.

در قرآن برای اخلاص آثار متعددی اشاره شده است که به عنوان نمونه به چند اثر اشاره می‌شود.

۱- احساس امنیت (بقره / ۱۲ ت ۲۶۲ - انعام / ۸۲)

۲- پاداش مضاعف: (بقره / ۲۶۱)

### ۳- نجات از دشواری: (یوسف / ۲۴)

صاحب تفسیر نمونه در ذیل آیه ۲۴ سوره یوسف فرمودند:

قرآن مجید، نجات یوسف از گرداب خطرناک همسر عزیز مصر، را به خدا نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «ما سوء و فحشا را از یوسف برطرف ساختیم» ولی با توجه به جمله بعد که می‌گوید: «او از بندگان مخلص ما بود» این حقیقت روشن می‌شود که خداوند بندگان مخلص خود را هرگز در این لحظات بحرانی تنها نمی‌گذارد و کمکهای معنوی خود را از آنان دریغ نمی‌دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۳۷۷)

رهبر معظم انقلاب با الهام از آیات قرآن کریم در توصیه خود به ملت بخصوص جوانان در بیانیه گام دوم، به مسأله اخلاص توجه می‌دهد، چون همان گونه که از آیات الهی فهمیده شده می‌تواند هم برای فرد و هم برای جامعه اثرات مفید و سازنده داشته باشد. .  
از مهمترین عامل محبوبیت و عزیز بودن مقام معظم رهبری، مسأله اخلاص ایشان است تمام کارهایشان از روی اخلاص می‌باشد و همین مسأله موجب عزت و اقتدار ایشان در جهان است.

### ۲- ۵ - ایثار

ایثار و از خود گذشتگی از مکارم اخلاق اجتماعی در زندگی و از مهم ترین فضایل اخلاقی است.

#### ایثار و مشتقات آن

ایثار از برجسته ترین فضایل و ارزش های انسانی است که در قرآن و همچنین روایات معصومین — علیه السلام — از آن ستوده شده است، چنانچه در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره / ۲۰۷) «و برخی از مردم برای به دست آوردن خشنودی خدا جان خویش را فدا می‌کنند»

آیه شریفه درباره‌ی ایثار جانی حضرت علی - علیه السلام - است.



در آیه دیگر درباره ایثار مالی اهل بیت — علیه السلام — می فرماید: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان ۸) «غذای خویش را با آن که آن را دوست دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می خوراند».

نقش مهم و اساسی ایثار در روابط اجتماعی انسانها در طول زندگی روزمره غیر قابل انکار است. ضرورت وجود ایثار در تکامل فردی و اجتماعی بشر مورد تأیید قرار گرفت. و در فرهنگ دینی و قرآنی جایگاه فوق العاده ارزشمندی دارد.

مرحوم نراقی در تعریف ایثار می فرماید: «ایثار به معنای گذشت از خود به نفع دیگران است برترین درجات خود و خود سازی ایثار است که عبارت از بخشش مال، با وجود نیاز به آن. (نراق، ۱۳۸۴ق، ج ۲، ص ۱۶۳)

با توجه به اهمیت و جایگاه ایثار در زندگی فردی و اجتماعی، رهبر فرزانه انقلاب به این مسأله توجه داشته و در بیانیه گام دوم انقلاب در توصیه دوم خود به این ارزش معنوی، دعوت می کند و الحق، ملت و جوانان غیور کشور عزیزمان در این موضوع به احسن وجه وظیفه خود را انجام داده اند، در تمام مشکلاتی که برای جامعه پیش می آمد، از جنگ، سیل، زلزله، و .... با ایثار، جان و مال به کمک و یاری هموطنان خود اقدام می کردند.

### ۳-۵- توکل

با دقت در آیات قرآن، به خوبی روشن می شود که معنای توکل، سپردن کار به دست خدا است. تا خداوند انسان را در تمام کارها کمک نماید. و مشکلات او را برطرف سازد. خداوند در آیات قرآن با یک رشته صفات و افعالی توصیف شده که تمامی آنها گواهی می دهند که انسان باید در بن بست ها و گرفتاری ها بر او توکل کند.

کسی لیافت و شایستگی و کالت را دارد که حی و زنده، عالم و آگاه قادر و توانا، محیط و مسلط و فیض بخش باشد. تمام این اوصاف در خداوند موجود است.

ریشه واژه «توکل» در قرآن کریم ۷۰ بار تکرار شده است. که در این قسمت به بعضی از آیات اشاره می شود.

«وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» (احزاب / ۳) خداوند در این آیه شریفه، به توکل توصیه می کند و اشاره می فرماید: که خداوند به عنوان وکیل، کافی است.

«وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» (نساء / ۱۳۲) «و آن چه در آسمان ها و آن چه در زمین است، فقط برای خداست و کارسازی خدا کافی است»

به طور کلی، تمام هستی و ماسوی الله، از آن خداست. خداوند کارگزار عالم است. علامه طبرسی وکیل را به معنای حافظ، مدبر امور خلق، کفایت کننده مهمات و قیّم در تأمین رزق عباد به کار برده اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳، ۱۸۷)

توکل در زندگی فردی و اجتماعی انسان اثرات زیادی دارد. به عنوان نمونه:

۱- قدرت تصمیم گیری (نمل / ۹)

۲- شجاعت، (احزاب / ۴۸) و (یونس / ۷۱)

۳- ترک گناه و عدم سلطه شیطان بر متوکلان. (نحل / ۹۹) (یونس / ۸۵)

۴- عدم نگرانی از حوادث. (نساء / ۸۱) (توبه / ۱۲۹) (هود / ۸۸)

مقام معظم رهبری با الهام از آیات قرآن کریم و با توجه به انس با این کتاب، آرام بخش، در بیانیه گام دوم انقلاب، در توصیه دوم، ملت شریف ایران به خصوص جوانان را به این صفت مهم و ارزش معنوی که حقیقتاً برای خود فرد چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی اثرات زیادی دارد، توصیه می نماید.

جوانان ما با تمسک به این صفت در برابر تمامی دشمنان داخلی و خارجی که تمام توانشان را برای نابودی این کشور بسیج کرده بودند، ایستادند و توانستند کشور را از هر گونه گزند، محافظت نمایند.

با توکل بر ذات حضرت حق، در تمام مسائل اجتماعی وارد میدان شده و توانستند بر مشکلات پیروز شده اند.

«ایمان» تنها، یک کلمه نیست بلکه یک «باور قلبی» است، باوری که به زندگی انسان جهت می‌دهد و در چگونگی زیستن او نقش مهم دارد و محور ارزش‌گذاری برای اندیشه‌ها و عملکردهای مردم است.

امام خمینی (ره) حقیقت ایمان را علمی می‌داند که به مرتبه قلب و وجدان رسیده و همراه با اطمینان، انقیاد و خصوع باشد. (حسنی، ۱۳۸۲، ص ۸۸)

آیاتی که دلالت بر این دارند که جایگاه ایمان قلب است، مانند: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» (مجادله/۲۲) آنان کسانی هستند که خدا ایمان را در دل‌هایشان نوشته است.

«وَكَمَا يَدْخُلُ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات/۱۴) اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است.

«وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» (نحل/۱۰۶) و قلبش به ایمان اطمینان دارد.

ایمان به خداوند، تأثیرات زیادی بر فکر و روح انسان دارد که به عنوان نمونه به اختصار به دو مورد از این آثار اشاره خواهد شد.

#### الف: آرامش روحی

انسانی که ایمان به خداوند دارد، علیرغم همه مشکلات که سر راه او وجود دارد با آرامش کامل روحی بدون هیچ گونه ترس و ناراحتی تمام مشکلات را از سر راه خود برداشته و به راحتی به مقصد برسد، چنانچه در قرآن می‌فرماید:

«مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا... لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۶۲) «کسانی که

ایمان به خدا و روز قیامت دارند... هیچ ترس و ناراحتی بر آنها نیست»

فرد با ایمان، به نتیجه تلاش خود، امیدوار است. در اندیشه انسان امیدوار، جهان نسبت به تلاش و کوشش او بی تفاوت نیست، بلکه دستگاه آفرینش، حامی افرادی است که در راه حق و حقیقت تلاش می‌کنند.

«إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ» (محمد/۷) اگر خدا را یاری کنید (در راه خدا گام بردارید) خداوند

شما را یاری می‌کند.

اجر و پاداش نیکوکاران هرگز هدر نمی‌رود. «فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف/۹۰)

فرد با ایمان به کمک خداوند امیدوار است.

با توجه به آثار فراوان روحی، فکری، جسمی ایمان در زندگی فردی و اجتماعی انسان که (بیان همه آنها در این مقاله ممکن نیست) و نقش سازنده آن بخصوص در حوزه اجتماعی، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم، در دومین توصیه آن جوانان را توصیه به ایمان می‌نماید. در لوای ایمان بود که جوانان ۸ سال دفاع مقدس در برابر دشمنان تا دندان مسلح مقاومت نموده و در دوران سازندگی و در ادامه کشور عزیز را در بسیاری از موارد به خود کفایی رساندند.

### نتیجه

از مجموع آنچه در این مقاله بیان شد به این نتیجه می‌رسیم که:

بیانیه گام دوم انقلاب که به منزله سند راهبردی حرکت نظام اسلامی است، و با تمرکز بر مبانی ارزشی آن و با دقت در بیانیه گام دوم، متوجه خواهیم شد که تمام مولفه‌های آن مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم است.

از جمله توصیه‌هایی که داشته، توصیه به فضایل اخلاقی و معنویت است به عنوان نمونه در حوزه معنویت به ایثار، توکل، اخلاق و ایمان اشاره داشته و حوزه اخلاق به فضایی از قبیل خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس، اشاره نموده است. که هر کدام از این موارد برگرفته از آیات قرآن مجید است که رهبر فرزانه انقلاب با استناد به قرآن و تعالیم الهی در این بیانیه به آنها اشاره نموده است.

## منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
- ۲- نهج البلاغه، شریف رضی، محمد بن حسین، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- ۳- ابن منظور، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
- ۴- الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارمکتبه الحیاه، بیروت، بی تا
- ۵- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن تهران، ۱۳۷۱ ش.
- ۶- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و دررالکلم، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۴۰۱ ق.
- ۷- حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷.
- ۸- خمینی، سید روح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۸.
- ۹- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۷.
- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مکتبه المرتضویه الاحیاء آثار المرتضویه، تهران، بی تا.
- ۱۱- شریف مرضی، علی بن حسین، رسائل دارالقران الکریم، قم، ۱۴۰۵ ق
- ۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان العلوم القرآن، مقدمه محمد جواد بلاغی، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۳- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵.
- ۱۴- کلینی، محمد یعقوب، کافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، اسلامیة تهران، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۵- مروّتی، سهراب، بهروز، فریبا، معاشناسی واژه اعتماد به نفس در قرآن و حدیث، پژوهش نامه معارف قرآنی، دوره ۷، شماره ۲۷، ۱۳۹۵.

- ۱۶- مجلسی، محمد باقر، حياه القلوب، ناصر خسرو، ۱۳۸۴، بی جا
- ۱۷- مصباح، مجتبی، فلسفه اخلاق، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۲.
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۹- \_\_\_\_\_، اخلاق در قرآن، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۵.
- ۲۰- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (احیای تفکر اسلامی) ج ۲۵، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲۱- نراقی، مهدی، جامع السعادات، مصحح محمد کلانتر، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۷۶ م.
- ۲۲- واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، دارالحديث، چاپ اول، قم، ۱۳۷۶.

---

# شناخت مبانی و اصول اخلاق در سوره نور با روش داده بنیاد به همراه تاکیدات رهبری

---

فاطمه سعیدی<sup>۱</sup> - ربابه زینوند لرستانی<sup>۲</sup>

## چکیده

اخلاق در آموزه های وحیانی جایگاه عظیمی دارد و از جمله موضوعات مهمی است که در فرآیند جهت دهی به زندگی انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی تاثیرگذار است. اخلاق اسلامی یکی از موضوعات اصلی مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب است. مقام معظم رهبری در این بیانیه عنوان می کنند که معنویت و اخلاق جهت دهنده ی همه ی حرکتها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. با توجه به اهمیت شناخت مبانی و اصول اخلاق که سبب می شود پشتوانه ی زیرساختی نظری و عملی برای اخلاقیات به دست آید در این پژوهش، با استفاده از روش داده بنیاد به بررسی مبانی و اصول اخلاق در سوره نور همراه با تاکیدات رهبری همت گماشته شده است. نتایج حاصل از تحقیق بیان می کند: توحید، معاد و انسان شناسی سه مبنا برای اخلاق است و اصل حقوق مداری از جمله اصول اخلاقی است که در سوره نور بیان شده است.

**واژگان کلیدی:** اخلاقیات، مبانی و اصول اخلاق، سوره نور، رهبر انقلاب

---

۱ نویسنده مسئول: دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، مدرس گروه معارف دانشگاه هنر saeedi.f1397@gmail.com  
۲ دانشجوی دکتری دانشگاه خرم آباد، مدرس گروه معارف. دانشگاه جندی شاپورو دانشگاه فرهنگیان دزفول، و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک Rloretani2107@gmail.com

## ۱. مقدمه

قرآن مجید اقیانوس عظیمی است که هیچ کس نمی تواند تمام ابعاد و زوایای آن را یکجا ببیند و مورد بحث قرار دهد چرا که از نظر عمق و وسعت و گستردگی پایان ناپذیر است. بخش عظیمی از تعالیم انسان ساز این کتاب آسمانی را اخلاق تشکیل می دهد. انسان برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی بایستی الزامات اخلاقی را که در قالب بایدها و نبایدها در قرآن آمده است با اراده و اختیار خود انجام دهد.

مقام معظم رهبری تخلق به اخلاق الهی را هدف اصلی و کارهای دیگر را مقدمه برای آن می داند و چنین می فرماید: «فایده اساسی و هدف اصلی این است که انسانها متخلق به لخلق الله بشوند. تخلق به اخلاق الله مقدمه بذای کار دیگر نیست، کارهای دیگر مقدمه برای تخلق به اخلاق الله است». (بانکی پور فرد و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵)

در جای دیگری می فرمایند: معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است... معنویت و اخلاق، جهت دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند. (بیانات رهبری در بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-1397/11/22>، [index?id=41673&nt=4&year=1397&tid=1246#100942](https://www.index.ir/News/NewsDetail.aspx?tid=1246#100942))

با توجه به اینکه رسیدن به سعادت و خوب زیستن، آرزوی هر انسانی است و آدمی همواره به دنبال مجموعه‌ای از فرامین و دستورات (وظایف) است تا خوب و بد را تشخیص داده و با عمل به آنها روابط خویش را با دیگر انسان ها و محیط پیرامون خود بهبود بخشد، در این پژوهش سعی شده است با محوریت سوره نور مبانی و اصل های اخلاقی مطرح شده در این سوره مورد بررسی قرار بگیرد تا از این طریق بتوان پشتوانه‌ی نظری و عملی محکمی برای اخلاق به دست آورد.

## ۱-۱- بیان مسئله و روش پژوهش



اخلاق دینی که مبتنی بر آموزه‌های وحیانی است عامل تکامل و سعادت بشر است و برای اینکه بتوان اخلاقیات را در زندگی فردی و اجتماعی نهادینه نمود نیاز به شناخت مبانی و مباحث نظری زیر ساختی است که پایه‌ای مستحکم برای اخلاقیات فراهم گردد و از سویی با توجه به تعاملات انسانی، شناخت اصل‌های رفتاری امری ضروری برای اجرای صحیح اخلاقیات است. از آنجا که یکی از معضلات امروز جوامع، فقدان یا ضعف اخلاق متناسب با آموزه‌های قرآنی است. در این پژوهش سعی شده است مبانی و اصول اخلاقی مطرح شده در سوره نور مورد بررسی قرار گرفته شود.

روش این پژوهش، طبقه بندی و تحلیل اطلاعات به صورت "داده بنیاد" است. این روش نخستین بار توسط گلاسر<sup>۱</sup> و استراوس<sup>۲</sup> با رویکرد مفهوم سازی تئوری بنیادی، به جامعه علمی معرفی شده است.

در این روش، به مطالعه‌ی استقرائی از یک پدیده پرداخته می‌شود و در آن، پژوهشگر با مطالعه یک پدیده، اجازه می‌دهد در گذر گردآوری و تحلیل داده‌ها، تئوری حاکم بر رفتار آن پدیده آشکار شود. در این روش، ابتدا سوال پژوهش مطرح می‌شود و سپس برای پاسخ به این سوال، داده‌های اطلاعاتی گردآوری و تحلیل می‌گردد و داده‌های به دست آمده در قالب جداولی سیر تکاملی خود را طی می‌کنند. بنابر این، ابتدا نکات کلیدی داده‌ها، احصا و برای هر نکته یک "کد" معین می‌شود و سپس با مقایسه کدها، چند کد که اشاره به جنبه مشترک پدیده مورد بررسی را دارند، عنوان یک "مفهوم" به خود می‌گیرند و سپس، چند مفهوم یک مقوله و چند مقوله در قالب یک تئوری متجلی می‌گردد. (دانایی فرد، ۱۳۸۴، ۵۸-۵۹)

باتوجه به این امر، که تحقیق حاضر، در پی رسیدن مبانی و اصول اخلاقی در سوره نور است، در بین روش‌هایی که در رویکردهای کیفی مطرح است، روش داده بنیاد، به دلیل نظم منطقی و قابلیت آن در استفاده از داده‌های متنی، روش تحقیقاتی این مقاله انتخاب شده است.

<sup>۱</sup> . Barney Glaser

<sup>۲</sup> . Anselm Strauss



شکل ۱: گام های اصلی پژوهش در فرآیند خلق مبانی و اصول اخلاق در سوره نور با روش داده بنیاد

## ۲-۱- پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی های صورت گرفته تاکنون پژوهش های مختلفی درباره سوره نور انجام شده است. به طور نمونه در پژوهشی با عنوان «جایگاه حجاب در ساختار آیه ۳۱ سوره نور و پیوند آن با کل سوره» نوشته (کارگر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۹۹-۱۱۱) همسویی حجاب با دیگر احکام سوره نور در یک ساختار منسجم بررسی شده است. در پژوهشی دیگر به عنوان «بررسی دلالت آیه ۵۵ سوره نور بر رجعت از دیدگاه فریقین» نوشته (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۹۳-۱۱۴) با استفاده از روایات اثبات می کند که این آیه فراتر از مسئله مهدویت، به رجعت دلالت دارد. و در مقاله ای با عنوان: «حل یک مشکل فقهی در ترجمه آیه سوم سوره نور» نوشته (جعفری، ۱۳۸۷، ص ۱۹-۴) حکم فقهی آیه سوم را مورد بررسی قرار داده است. همچنین در پژوهشی دیگر به عنوان «نظام اخلاقی عفاف از منظر قرآن کریم بر مبنای سوره نور» نوشته (حجازی، ۱۳۹۷، ص ۶۹-۵۱) نظام اخلاقی حاکم بر این سوره در حوزه عفاف تبیین شده است.

هر چند پژوهش های حاضر هر کدام به بررسی برخی آیات و مسائل سوره نور پرداخته اند. اما هیچ کدام از آنان به صورت منسجم به بررسی مبانی و اصول اخلاق در این سوره نپرداخته اند. لذا پژوهش حاضر با استفاده از روش داده بنیاد به شناخت مبانی و اصول اخلاق با تأکید بر دیدگاه رهبری پرداخته است.

## ۲. مفهوم شناسی مبانی و اصول

### ۲-۱- مبانی

واژه «مبانی» جمع مبنا است و مبنا به معنای بنا و عمارت می باشد و همچنین، به معنای بنیان و اساس آمده است (دهخدا، ۱۳۵۲، ۳۹، ذیل واژه مبنا) و «بناء» به معنای ساختمان است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷، ص ۱۴۷) و در قرآن هم به معنای بنا و ساختمان به کار رفته است: مانند «لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الْاَلْدَىٰ بَنُوًا رَبِيَّةً فِي قُلُوبِهِمْ» (سوره توبه، آیه ۱۱۰). مبنا، شالوده و اساس است و مبانی به منزله زیرساخت و پایه مورد نظر است. در واقع مبانی در هر علمی به عنوان حقایق ثابت شده است که بر اساس آنها مباحث دیگر آن علم بنا می شود. (داودپور، ۱۳۹۰، ص ۴۹). در نتیجه مبانی، عبارت است از مباحث زیر ساختی نظری. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴، ص ۴۸) که با تغییر این مباحث بینش انسان تغییر می کند.

## ۲-۲-۲- اصول

«اصل» در لغت، ابتدا به معنای پایین ترین قسمت هر چیز به کار می رفته (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۱۵۶) و در در معنای دیگری اصول عبارت است از تکیه گاه های نظری که از عوامل موجود در حیات استخراج شده است و هم آن را به عنوان ملاک عمل باید در نظر گرفت (هوشیار، ۱۳۳۱، ص ۵۶) در واقع اصول عبارت است از اصل های کلی، عملی و ثابت که بایستی در زندگی به عنوان اصول حاکم بر اعمال و رفتار رعایت شود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۸۵)

## ۳. بررسی و تحلیل مبانی و اصول اخلاق در سوره نور

برای دستیابی به مبانی و اصول اخلاق در سوره نور در ابتدا به استخراج مفاهیم از آیات سوره و سپس به استخراج مقولات پرداخته شده است و در پایان این مبانی و اصول ذیل مقوله ی اصلی مطرح شده است.

### ۱-۳- استخراج مفاهیم اخلاقی از گزاره های سوره نور

این مرحله از پژوهش، شکلی از تحلیل محتواس است که در پی یافتن و مفهوم سازی موضوع اصول و مبانی اخلاق در سوره نور در قالب یک جدول نمود پیدا می کنند. و "مفاهیم" که عبارت

از واحدهای پایه‌ای یا خرد تحلیل هستند (دانایی فر، امامی، ۱۳۸۶: ۸۱) از متن سوره جمع آوری و کد گذاری شده است.

جدول ۱: ظهور مفاهیم اصول و مبانی اخلاقی مستخرج از سوره نور

ردیف	گزاره	کد	مفهوم
۱	[این] سوره ای است که آن را [از اُفق دانش خود] فرود آوردیم و [اجرای احکام و معارف آن را] لازم و واجب نمودیم و در آن آیاتی روشن نازل کردیم، تا متذکر و هوشیار شوید (آیه ۱)	N <sup>۹۹</sup>	عمل به دستورات الهی
۲	به زن زناکار و مرد زناکار صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، نباید شما را در [اجرای] دین خدا درباره آن دو نفر دلسوزی و مهربانی بگیرد، و باید گروهی از مؤمنان، شاهد مجازات آن دو نفر باشند. (آیه ۲)	N <sup>۱۰۱</sup>	عمل به دستورات الهی و اجرای آن شناخت قواعد اخلاقی و دینی توجه به روز قیامت
۳	مرد زناکار، جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نکند. و زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد. و این (زناشویی) بر مؤمنان حرام است. (آیه ۳)	N <sup>۱۱۰</sup>	عمل به دستورات الهی حفظ کرامت مومنین
۴	کسانی که به زنان پاک دامن و شوهردار نسبت زنا می دهند و چهار شاهد نمی آورند، پس هشتاد تازیانه به آنان بزنید و گواهی آنان را هرگز نپذیرید و آنان خود فاسقند. (آیه ۴)	N <sup>۱۱۸</sup>	دفاع از حقوق زن عمل به دستورات الهی شناخت قواعد اخلاقی

<p>دفاع از حقوق زن شناخت قواعد دینی و اخلاقی</p>	<p>N<sup>۱۱۴</sup></p>	<p>و کسانی که به همسران خود نسبت زنا دهند، و جز خودشان شاهدهی نداشته باشند، گواهی هریک از آنان چنین است که چهار مرتبه به خدا سوگند یاد کند که از راستگویان است. (آیه ۶)</p>	<p>۵</p>
<p>دفاع از حقوق زن حفظ کرامت انسانی زن کیفر الهی شناخت قواعد دینی و اخلاقی</p>	<p>N<sup>۱۲۰</sup></p>	<p>به یقین کسانی که آن تهمت [بزرگ] را [درباره یکی از همسران پیامبر به میان] آوردند، گروهی [هم دست و هم فکر] از [میان] خود شما بودند، آن را برای خود شری میندازید، بلکه آن برای شما خیر است، برای هر مردی از آنان کیفری به میزان گناهی است که مرتکب شده، و آن کس که بخش عمده آن را بر عهده گرفته است، برایش عذابی بزرگ است. (آیه ۱۱)</p>	<p>۶</p>
<p>دفاع از حریم خانواده شناخت قواعد اخلاقی</p>	<p>N<sup>۱۲۵</sup></p>	<p>چرا هنگامی که آن [تهمت بزرگ] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن به خودشان گمان نیک نبردند [که این تهمت کار اهل ایمان نیست] و نگفتند: این تهمتی آشکار [از سوی منافقان] است؟! [که می خواهند در میان اهل ایمان فتنه و آشوب و بدبینی ایجاد کنند] (آیه ۱۲)</p>	<p>۷</p>
<p>حفظ آبروی دیگران در روابط اجتماعی شناخت قواعد اخلاقی</p>	<p>N<sup>۱۳۲</sup></p>	<p>چون [که آن تهمت بزرگ را] زبان به زبان از یکدیگر می گرفتید و با دهان هایتان چیزی می گفتید که هیچ معرفت و شناختی به آن نداشتید و آن را [عملی] ناچیز و سبک می پنداشتید و در حالی که نزد خدا بزرگ بود. (آیه ۱۵)</p>	<p>۸</p>
<p>رعایت حقوق انسان ها</p>	<p>N<sup>۱۴۸</sup></p>	<p>و چرا وقتی که آن را شنیدید نگفتید: ما را نسزد [و هیچ جایز نیست] که به این تهمت بزرگ زبان بگشاییم، شگفتا! این بهتانی بزرگ است. (آیه ۱۶)</p>	<p>۹</p>

شناخت قواعد اخلاقی و پرهیز از تهمت			
کیفر اعمال زشت	N <sup>۱۴۶</sup>	کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت، و خدا [آنان را] می شناسد و شما نمی شناسید. (آیه ۱۹)	۱۰
شناخت نفس اماره در انسان رحمت الهی شنوا و دانا بودن خالق	N <sup>۱۵۳</sup>	ای مؤمنان! از گام های شیطان پیروی نکنید؛ و هر که از گام های شیطان پیروی کند [هلاک می شود] زیرا شیطان به کار بسیار زشت و عمل ناپسند فرمان می دهد؛ و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، هر گز احدی از شما [از عقاید باطل و اعمال و اخلاق ناپسند] پاک نمی شد، ولی خدا هر که را بخواهد پاک می کند؛ و خدا شنوا و داناست. (آیه ۲۱)	۱۱
رعایت حقوق انسان ها شناخت قواعد اخلاقی آمرزنده و مهربان بودن خالق	N <sup>۱۵۷</sup>	و از میان شما کسانی که دارندگان ثروت و گشایش مالی هستند، نباید سوگند یاد کنند که از انفاق مال به خویشاوندان و تهی دستان و مهاجران در راه خدا دریغ ورزند، و باید [بدی آنان را که برای شما مؤمنان توانگر سبب خودداری از انفاق شده] عفو کنند و از مجازات در گذرند؛ آیا دوست نمی دارید خدا شما را بیامرزد؟ [اگر دوست دارید، پس شما هم دیگران را مورد عفو و گذشت قرار دهید]؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (آیه ۲۲)	۱۲
حمایت از حقوق زنان کیفر تهمت به زنان پاکدامن	N <sup>۱۵۹</sup>	بی تردید کسانی که زنان عقیفه پاکدامن با ایمان را [که از شدت ایمان از بی عفتی و گناه بی خبرند] متهم به زنا کنند، در دنیا و آخرت لعنت می شوند، و برای آنان عذابی بزرگ است. (آیه ۲۳)	۱۳

حفظ کرامت زن			
حسابرسی اعمال در قیامت	N <sup>۱۶۷</sup>	[در] روزی که زبان ها و دست ها و پاهایشان بر ضد آنان به گناهای که همواره انجام می دادند، شهادت دهند. (آیه ۲۴)	۱۴
اجرای عدالت و حق در کیفر اعمال در روز قیامت شناخت حق بودن خالق	N <sup>۱۷۷</sup>	در آن روز خدا کیفر به حق آنان را به طور کامل می دهد، و خواهند دانست که خدا همان حق آشکار است. (آیه ۲۵)	۱۵
حمایت از حقوق زنان و مردان پاک دامن حفظ کرامت زن و مرد پاک دامن پاداش اعمال در قیامت بخشندگی خالق	N <sup>۱۸۴</sup>	زنان پلید برای مردان پلید و مردان پلید برای زنان پلیدند، و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک اند، این پاکان از سخنان ناروایی که [تهمت زندگان] درباره آنان می گویند، مبرا و پاک هستند، برای آنان آمرزش و رزق نیکویی است. (آیه ۲۶)	۱۶
حفظ حقوق دیگران شناخت قواعد اخلاقی در	N <sup>۱۸۳</sup>	ای اهل ایمان! به خانه هایی غیر از خانه های خودتان وارد نشوید تا آنکه اجازه بگیریید، و بر اهل آنها سلام کنید، [رعایت] این [امور اخلاقی] برای شما بهتر است، باشد که متذکر شوید. (آیه ۲۷)	۱۷

اذن ورود			
شناخت قواعد اخلاقی عالم بودن خالق	N۱۸۶	نهایتاً اگر کسی را در آنها نیافتید، پس وارد آن نشوید تا به شما اجازه دهند، و اگر به شما گویند: برگردید، پس برگردید که این برای شما پاکیزه تر است، و خدا به آنچه انجام می دهید، داناست. (آیه ۲۸)	۱۸
شناخت قواعد اخلاقی و دینی آگاه بودن خالق	N۱۹۰	به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می دهند، آگاه است. (آیه ۳۰)	۱۹
عمل به دستورات خداوند درباره نگاه کردن و حفظ پاکدامنی و پوشش در زنان شناخت قواعد اخلاقی و دینی توبه عامل رستگاری انسان	N۲۰۰	و به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را [مانند لباس های زیبا، گوشواره و گردن بند] مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیدا است [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه های خود را به روی گریبان هایشان ببندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان [هم کیش خود] شان، یا بردگان زر خریدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده لوح و کم عقل اند و نیاز شهوانی حس نمی کنند، یا کودکانی که [به سن تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی] نرسیده اند. و زنان نباید پاهایشان را [هنگام راه رفتن آن گونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت هایشان پنهان می دارند [به وسیله نامحرمان] شناخته شود. و [شما] ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید. (آیه ۳۱)	۲۰



<p>عمل به دستورات الهی رعایت قواعد اخلاقی عطا بخشی و دانا بودن خالق</p>	<p>N۲۰۵</p>	<p>مردان و زنان] بی همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست اند، خدا آنان را از فضل خود بی نیاز می کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و دانا است. (آیه ۳۲)</p>	<p>۲۱</p>
<p>حفظ پاکدامنی و رعایت کرامت نفس حفظ حقوق دیگران شناخت قواعد اخلاقی آمرزنده و مهربان بودن خالق</p>	<p>N۲۱۲</p>	<p>و کسانی که [وسیله] ازدواجی نمی یابند باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فضل خود توانگرشان سازد. و کسانی از بردگانتان که درخواست نوشتن قرارداد [برای فعالیت اقتصادی و پرداخت مبلغی به مالک خود برای آزاد شدن] دارند، اگر در آنان [برای عقد این قرارداد] شایستگی سراغ دارید با آنان قرارداد ببندید، و چیزی از مال خدا را که به شما عطا کرده است به آنان بدهید، و کنیزان خود را که می خواهند پاکدامن باشند، برای به دست آوردن متاع ناچیز و زودگذر زندگی دنیا به زنا وادار مکنید، و هر که آنان را وادار [به زنا] کند، به یقین خدا پس از مجبور شدنشان [نسبت به آنان] بسیار آمرزنده و مهربان است. (آیه ۳۳)</p>	<p>۲۲</p>
<p>شناخت صفات خالق توحید</p>	<p>N۲۵۵</p>	<p>خدا نور آسمان ها و زمین است؛ وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن، چراغ پر فروغی است، و آن چراغ در میان قندیل بلورینی است، که آن قندیل بلورین گویی ستاره تابانی است، [و آن چراغ] از [روغن] درخت زیتونی پربرکت که نه شرقی است و نه غربی افروخته می شود، [و] روغن آن [از پاکی و صافی] نزدیک است روشنی بدهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری؛ خدا هر کس را بخواهد به سوی</p>	<p>۲۳</p>

		نور خود هدایت می کند، و خدا برای مردم مثل ها می زند [تا حقایق را بفهمند] و خدا به همه چیز داناست. (آیه ۳۵)	
عمل به دستورات الهی شناخت قواعد اخلاقی (اذن ورود برای بردگانتان و کسانی که به مرز بلوغ نرسیده اند) حقوق خانواده دانا و حکیم بودن خالق	N ۲۶۸	ای اهل ایمان! باید بردگانتان و کسانی از شما که به مرز بلوغ نرسیده اند [هنگام ورود به خلوت خانه شخصی شما] سه بار [در سه زمان] از شما اجازه بگیرند، پیش از نماز صبح، و هنگام [استراحت] نیم روز که جامه هایتان را کنار می نهید، و پس از نماز عشا؛ [این زمان ها] سه زمان خلوت شماست، بعد از این سه زمان بر شما و آنان گناهی نیست [که بدون اجازه وارد شوند؛ زیرا آنان] همواره نزد شما در رفت و آمدند و با یکدیگر نشست و برخاست دارند. این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است. (آیه ۵۸)	۲۴
عمل به دستورات الهی شناخت قواعد اخلاقی (اذن ورود برای افراد بالغ) حقوق خانواده دانا و حکیم بودن خالق	N ۲۲۸	و هرگاه کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، پس باید همانند کسانی که قبلاً بالغ شده اند، (در همه وقت) اجازه (ورود) بگیرند. خداوند این گونه آیات خود را برای شما بیان می کند و خداوند دانا و حکیم است. (آیه ۵۹)	۲۵
شناخت قواعد اخلاقی و دینی	N ۲۳۸	و بر زنان و انشسته‌ای که امیدی به ازدواج ندارند، باکی نیست که پوشش خود را زمین گذارند، به شرطی که زینت خود را آشکار	۲۶

<p>حفظ حقوق زنان شنا و آگاه خالق</p>		<p>نکنند. و عفت و وزیدن برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است. (آیه ۶۰)</p>	
<p>شناخت قواعد اخلاقی و دینی اندیشیدن در آیات قرآن</p>	<p>N۲۳۴</p>	<p>بر نایینا و لنگ و بیمار و بر خودتان ایرادی نیست که بخورید از خانه‌های خود یا خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهایتان یا خانه‌های عمه‌هایتان یا خانه‌های دایی‌هایتان یا خانه‌های خاله‌هایتان یا خانه‌هایی که کلیدهایش را در اختیار دارید، یا خانه‌های دوستانتان. بر شما باکی نیست که دسته‌جمعی بخورید یا پراکنده (و تنها)، و چون وارد خانه‌ای شدید، پس بر یکدیگر سلام کنید، که تحیتی است الهی و مبارک و پسندیده. خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می‌کند، شاید که بیندیشید. (آیه ۶۱)</p>	<p>۲۷</p>
<p>عالم بودن خالق بازگشت به سوی خداوند</p>	<p>N۲۴۱</p>	<p>آگاه باش! آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای خداست. بی‌شک آنچه (از افکار و نیات) را که شما بر آن هستید، می‌داند و روزی را که به‌سوی او بازگردانده می‌شوند، (می‌داند) پس آنان را به آنچه عمل کرده‌اند آگاه می‌کند و خداوند به همه چیز آگاه است. (آیه ۶۴)</p>	<p>۲۸</p>

### ۲-۳- استخراج مقوله های اصول و مبانی اخلاقی در سوره نور

پس از مشخص شدن "مفاهیم"، که ۲۸ مورد شناسایی شده است و در حقیقت بیانگر معنای گزاره های استخراج شده در موضوع اصول و مبانی اخلاقی در سوره نور است، اقدام بعدی تشکیل "مقوله ها" است. بدین منظور، برخی مفاهیم که از قرابت معنایی برخوردار بوده و امکان گردآوری آن ها تحت یک چتر معنایی وسیع تر وجود دارد، در قالب "مقوله ها"، دسته بندی شده اند.

مفاهیم	مقولات	ردیف
عالم بودن خالق	توحید	۱
آمرزنده و مهربان بودن خالق		
بخشنندگی خالق		
عمل به دستورات الهی و اجرای حدود الهی		
حق بودن خالق		
حسابرسی اعمال	معاد	۲
پاداش اعمال در قیامت		
کیفر اعمال زشت		
توجه به روز قیامت		
بازگشت به سوی خداوند		
شناخت نفس اماره	انسان شناسی	۳
حفظ کرامت انسانی		
حفظ کرامت زن		
حق خالق	حقوق مداری	۴
حقوق دیگران		
حق نسبت به خود		
شناخت قواعد اخلاقی و دینی		
حقوق زنان		

جدول ۲: ظهور مقولات مبانی و اصول اخلاق در سوره نور

### ۳-۲-۱- تحلیل مفاهیم و مقوله های اصول و مبانی اخلاقی در سوره نور

با بررسی های صورت گرفته مشخص گردید که یکی از شاخصه های مبانی اخلاق در سوره نور، توحید است. توحید، اساسی ترین اصل همه ادیان آسمانی و روح و جان همه تعالیم انبیاست که نه فقط اعتقادات که احکام و اخلاق نیز بر محور توحید استوار است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵) عالمان شیعه معتقدند که روح توحید در اخلاق اسلامی جاری است و همه اجزای دین اگر خوب تجزیه و تحلیل شود به توحید بر می گردد. (مححص و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴۶) نظام اخلاقی اسلام بر نوعی جهان بینی مبتنی است که وجود خداوند را مبدأ و آفریننده موجودات می داند و انسان را موجودی وابسته و نیازمند به خدا معرفی می کند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۰۶) خداوند حق آشکار است و باور به توحید یکی از مبانی اخلاق اسلامی است که زیر ساخت های نظری برای بینش انسان فراهم می آورد. شناخت ویژگی های خالق در مبحث توحید، از عوامل مهم در رشد و جهت دهی به اخلاقیات است زیرا عبد در تلاش است که در مسیر تکامل خود را به صفات معبود نزدیک کند زیرا انسان دارای روح الهی و اشرف مخلوقات است در بینش توحیدی علم به اینکه خدا همه چیز را می بیند و می شنود، سبب شکل گیری بینشی پایه ای در انسان می شود و بهترین عامل بازدارنده از فحشا و منکرات است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱) در آیه ۶۴ سوره نور، سه بار بر علم خدا نسبت به اعمال انسان تکیه شده است چرا که ایمان به علم خداوند، وسیله بازدارنده از بدی هاست. (همان، ص ۲۲۰)

حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به نخستین شعار دعوت انبیا که همان نغمه ی توحید است؛ می فرماید: توحید همه چیز مکتب انبیا علیهم السلام است. توحید و معرفت خدا هم مایه ی تکامل و تعالی روح انسان است، که این هدف عالی و نهایی انبیا است، و هم طرح توحید به معنای ایجاد یک محیط الهی، یک جامعه و نظام الهی، یک نظام عادلانه، یک نظام بی طبقه، یک نظام بدون استثمار، یک نظام بدون ظلم، به معنای تشکیل یک چنین نظامی ست. (بخشی از بیانات آیت الله خامنه ای ۱۳۵۳/۱۴/۷ در مسجد امام حسن (ع) <https://farsi.khamenei.ir/speech>)

صفت دیگری که می توان بدان اشاره نمود صفت عطا بخش بودن خداوند نسبت به بندگان است عبارت «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (سوره نور، آیه ۳۲) وعده جمیل و نیکویی است که خداوند متعال داده است، مبنی بر اینکه از فقر ترسند که خدا ایشان را بی نیاز می کند و وسعت رزق می دهد، و آن را با جمله «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» تأکید کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۰) یعنی رشد و توسعه ای که خداوند نصیب بندگانش می فرماید، بر اساس علم و حکمت اوست. (قرآتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۸۲) فلذا طبق فرموده خداوند در این آیه دوری و گریز از ازدواج به خاطر فقر و درآمد کم، نشانه کم ایمانی به خداوند است. مقام معظم رهبری هم با توضیحی که ذیل همین آیه دارند می فرماید: اینکه خدای متعال میفرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» این یک وعده الهی است؛ ما باید به این وعده، مثل بقیه ی وعده های الهی که به آن وعده ها اطمینان می کنیم، اطمینان کنیم. ازدواج و تشکیل خانواده، موجب نشده و موجب نمی شود که وضع معیشتی افراد دچار تنگی و سختی بشود؛ یعنی از ناحیه ی ازدواج کسی دچار سختی معیشت نمی شود؛ بلکه ازدواج ممکن است گشایش هم ایجاد کند.

(بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان، ۱/۵/۱۳۹۳، <https://farsi.khamenei.ir/newspart->

(index?sid=۲۴&npt=۷&aya=۳۲#۵۱۵۸۸

انسان با انتخاب صحیح در ازدواج، آثار اخلاقی مفیدی را برای سلامت جامعه فراهم می کند و اعتقاد و بینش انسان به صفت عطا بخشی خداوند انسان را از حرص و طمع نجات می دهد تا بتواند با تلاش و توکل و اعتماد به صفات خالق در مسیر تکامل حرکت نماید.

عمل به دستورات خداوند و اجرای حدود الهی یکی دیگر از ثمرات بینش توحیدی در اخلاقیات است. انسان بایستی عبد خدا باشد و برده ی هوا و هوس های نفسانی نباشد و همواره به مسایل اخلاقی و انجام دستورات الهی که عامل رشد و تکامل اوست پایبند باشد. در دیدگاه رهبر انقلاب نیز توحید عبارت است از اعتقاد به خدا و عبودیت خدا.

(بیانات در چهارمین نشست اندیشه های راهبردی،

[https://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=۲۱۴۷۱](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=۲۱۴۷۱) ، ۱۳۹۱/۸/۲۲

در آیه دوم سوره نور تأکید می شود برای ریشه کن شدن معظلات اخلاقی در جامعه اجرای درست و جدی حدود الهی لازم است، به همین جهت در ابتدای سوره می فرماید: این سوره را که نازل کردیم، عمل کردن به احکامی که در آن است را واجب نمودیم، پس اگر آن حکم ایجابی باشد، عمل به آن این است که آن را بیاورند و اگر تحریمی باشد عمل به آن این است که ترک کنند و از آن اجتناب نمایند. بیان حد برای ریشه کن کردن معطل اخلاقی زنا کافی نیست بلکه برای جلوگیری از بی بندوباری و مهارگسیختگی در جامعه اسلامی معین شده است، تا جامعه در پرتو عفت عمومی، امنیت و سلامت اجتماعی حفظ شود. فلذا عامل دیگری که باعث می شود معطل اخلاقی زنا کنترل شود جلوگیری از سرایت این گناه به افراد پاک است، این زمانی محقق می شود که برخی مؤمنان شاهد اجرای حد زناکاران باشند. از این رو در ادامه آیه می فرماید: «وَلْيَشْهَدَا عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» یعنی باید جماعتی از مؤمنین ناظر و شاهد این اجراء حد باشند، تا آنان نیز عبرت گیرند، و نزدیک عمل فحشا نشوند. (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۵، صص ۱۱۵-۱۱۴) رهبری هم در درباره ی عمل به دستورات الهی می فرماید: اندیشه دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت و تعهد باشد، عمل به وجود می آورد و همان چیزی می شود که پیغمبران دنبال آن بودند. (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲،

( <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۱۸۲۳#۴۸۶۸۱> )

دومین مبنای مطرح شده در سوره نور، معاد و باور به قیامت و نظام حساب و کتاب است که در آیه ۲۴ این سوره است ذکر شده است و پشتوانه همه برنامه های عملی و اخلاقی مسایل اعتقادی است. (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۵۵) ایمان به معاد، عامل پایداری در راه راست و مبنایی قوی برای اخلاقیات است. از این رو خداوند در ادامه نهی مومنان از دلسوزی بیجا در اجرای اوامر الهی می فرماید: «إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» و عامل صلابت و قاطعیت در اجرای حدود الهی، در سایه ی ایمان به مبدأ و معاد به دست می آید. (قرائتی، قرائتی، ۱۳۸۸، ج: ۶، ص ۱۴۵)

به هر صورت ایمان به حسابرسی در روز قیامت به حکم عقل و شرع عامل مهم و سازنده ای است برای ترک اخلاق ناپسند و آراسته شدن به اخلاقیات پسندیده است. و ترس از عذاب خداوند

و امید به پاداش الهی بهترین و مؤثرترین ضمانت اجرا برای انجام افعال نیکو و پرهیز از افعال ناشایست است. (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۵)

مسئله عدالت در روز رستاخیز یکی دیگر از بینش های پایه ای است که در انسان سبب انگیزه برای حرکت به سمت نیکی و پرهیز از خطاهاست. با توجه به صفات الهی، عقل و نقل از رسیدن تمام و کمال حق به حق داران و ضایع نشدن حتی ذره ای از آن خبر می دهند. از نظر عقل، خداوند حکیم است از طرفی ظلم کار ناشایست و غیر حکیمانه است در نتیجه خداوند هیچگاه مرتکب ظلم نمی شود و عدل در مقابل ظلم است. در آیه ۲۵ سوره نور به دنبال شهادت اعضای بدن، می فرماید: «يَوْمَئِذٍ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ» یعنی خدای متعال جزای اعمالی را که به منظور تهمت به دیگران انجام داده اند، به طور کامل و تمام می دهد؛ جزایی که عین حق است و هیچ ظلمی به آنها نمی شود و آنگاه می دانند که خدا همان حق آشکار و روشن است. «وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ» (صباحی طسوجی، ۱۳۹۶، ص ۷۴-۷۳)

مقام معظم رهبری در بیاناتشان در اهمیت باور به معاد می فرماید: قضیه ی معاد، قضیه ی محاسبه، قضیه ی تمام نشدن قضایا با زوال جسم - با مرگ - است؛ این خیلی مسئله ی مهمی است؛ این که حساب و کتابی در کار است؛ «فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره». (سوره زلزال، آیه ۷) ملتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه ی عملی اش این معنا باشد؛ در زندگی اش تحول اساسی به وجود خواهد آمد. وقتی ما معتقدیم که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و همه ی اعمال محفوظ است و ما در آن زندگی واقعی - که حیوان واقعی و زندگی واقعی است؛ «ان الدار الآخرة لهي الحيوان» (سوره عنکبوت، آیه ۶۴) این اعمال را در مقابل چشمان خواهیم دید، آن وقت اینجا اگر برای تکلیف، برای وظیفه یک چیزی را از دست دادیم، احساس خسارت نمی کنیم. (بیانات در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰ - <https://farsi.khamenei.ir/newspart->

(index?tid=۱۴۲۰#۶۸۲۹۷)

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، انسان شناسی سومین مبانی اخلاق مطرح شده در سوره نور است زیرا هرگونه انسان فهم شود، دیگر امور مرتبط با او براساس آن سامان می یابد. در نگاه



اخلاق اسلامی توجه به کرامت انسان یکی از ابعاد مهم انسان شناسی است و کرامت به معنای بزرگواری، (معین، ۱۳۹۰ ج ۳، ص ۲۹۲۹). و نزهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی است؛ (جوادی آملی، ۱۳۶۹ ص ۲۳) و خدای تبارک و تعالی انسان را مفتخر به آفرینشی کریم کرده است تا در زمینه کرامت نفس به کمالات الهی دست یابد. در همین راستا امام علی (ع) می فرماید: «آن کسی که خودش (نفسش) برایش ارزشمند است، امیالش برایش پست خواهد شد. (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹) انسانی که ارزش و کرامت خود را درک کند، هرگز با تبعیت از امیالش، خود و کرامتش را پایمال نمی کند. بنابراین، هر ارزش، فضیلت و صفت اخلاقی که در راستای کرامت انسان باشد، در اخلاق اسلامی قابل قبول می باشد. دلیل مسؤل بودن انسانها در قبال یکدیگر کرامت انسانی آنهاست و یکی از آسیب های جدی کرامت انسانی، اسارت عقل انسان در خواسته های هوای نفس است. کسی که عقلش در اسارت نفس اماره و خواسته های نفسانی است، چگونه می تواند از کرامت و منزلت انسان بهره مند شود؟ بر همین اساس در آیه ۲۱ سوره نور مؤمنان را از تبعیت از گام های شیطان نهی می کند. چرا که شیطان می خواهد جامعه گرفتار فحشا و منکر شود. او برای رسیدن به هدف خود طرح و برنامه دارد، و پروژه خود را مرحله به مرحله پیش می برد، و با تلاش فراوان و وسوسه های پی در پی از طریق جنیان، انسان ها و... مؤمنان را به سستی در اعتقادات و دست کشیدن از پای بندی های اخلاقی و هرزگی در روابط انسانی فرا می خواند. (صباحی طسوجی، ۱۳۹۶، ص ۷۰)

مقام معظم رهبری ضمن هشدار دادن انسان از دشمن بودن هوای نفس می فرماید: دشمنی که در درون هر یک از افراد مسلمان و مؤمن وجود دارد و خطرناک تر از همه دشمنهاست، تمایلات نفسانی، خودخواهی ها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزشهایی است که زمینه آن را خود انسان فراهم می کند. پیغمبر با این دشمن هم سخت مبارزه کرد؛ منتها مبارزه با این دشمن، به وسیله شمشیر نیست؛ به وسیله تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است. (بیانات رهبری در خطبه های نماز <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۳۹۸۲#۹۰۷۹> جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸)

از اینرو با بینش صحیحی که نسبت به شناخت ابعاد وجودی انسان به دست می آید زیر ساختی محکم برای اخلاق اسلامی فراهم می شود.

به دلیل اهمیت به سزایی که نقش زن در خانه و اجتماع دارد در برخی آیات (۱۱ و ۲۳) پاسداشت کرامت زن مطرح شده است. این موضوع به چگونگی حضور زن در اجتماع و خانواده جهت می دهد و نوع رفتار و موضع گیری های وی را سامان می بخشد و بر تصحیح و سالم سازی ارتباط زن و مرد تأثیر می گذارد. توجه به کرامت زن روشن کننده مسیر حضور زن در اجتماع، اشتغال، فعالیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اوست. از این رو تعامل رشد یافته و سالم با شخصیت لطیف زن در خانواده و جامعه، توجهی ویژه می طلبد که باید با کرامت و شخصیت وی هماهنگ باشد و موجب تحقیرش نشود. (جلانیان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴)

رهبری هم با تأکیدات متعددی در مناسبت های مختلف درباره حفظ کرامت و هویت زن بیاناتی داشته اند از جمله: در طبیعت الهی زن، آنچنان لطافت و زیبایی و گرمای محبتی وجود دارد که می تواند هم خود را و هم محیط پیرامون خود را -چه در داخل خانه و چه در هر محیطی که باشد- به طرف معنویت، پیشرفت و علو مقامات علمی سوق دهد و پیش ببرد.

(بیانات رهبری در دیدار با اقسار مختلف مردم ۱۳۸۴/۳/۲۵)

(<https://farsi.khamenei.ir/newspart-1164#43110>)

از اینرو بایستی همواره زنان نسبت به کرامت ذاتی خود آگاه باشند تا زمینه ساز تربیت نسلی اخلاق مدار و هدفمند در خانواده و جامعه باشند.

در بخش دیگر از این پژوهش، با بررسی های صورت گرفته از جمله اصول اخلاقی که در سوره نور مطرح شده است اصل حقوق مداری است. می توان حقوق را در سه حوزه مطرح نمود ابتدا توجه به حق خالق است. که در ابتدای سوره به اطاعت از دستوراتی که در ادامه سوره آمده است تأکید می کند زیرا اساسی ترین و مبنایی ترین حق خداوند بر بندگان، حق اطاعت و فرمان برداری است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱، ص ۸۸) فلذا در آیه اول با عبارت «فَرَضْنَاهَا» رویکرد الزامات رفتاری اشاره دارد، که در قدم اول جامعه اسلامی را به عمل به احکام و راهبردهای آن

مكلف می‌کند. (صبحی طسوجی، ۱۳۹۶، ص ۴۵) بنابراین هر حقی به جعلی الهی بازگشت می‌کند، زیرا تنها اوست که مالک علی‌الاطلاق است و همه چیز از اوست و پاس داشتن حقوق - هر حقی که باشد - پاس داشتن حقی الهی است و زیر پا گذاشتن حقوق - هر حقی که باشد - بی‌حرمتی به حقی الهی است. بر این مبنا رعایت حقوق مردمان، رعایت حقوق الهی است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴ ص ۷۹)

دومین دسته از اقسام حقوق حق‌هایی است که انسان نسبت به خود دارد. مهمترین حقوق آدمی بر خودش این است که شکر وجود خود گزارد و خود را هدر ندهد. استعدادهای خود را به درستی شکوفا کند و پیوسته رو به کمال سیر نماید. آگاهی آدمی از ارزش‌های وجود خویش و استعدادهای درونی خود، زمینه‌ای اساسی برای تلاش در تربیت، تقویت، فعلیت بخشیدن به آنها و بهره‌برداری درست از وجود و توان خود در جهت کمال مطلوب است. فلذا حفظ کرامت انسانی خود و دور نگه داشتن خویش از پستی، از جمله حقوق اساسی آدمی بر خویش است که هیچ جایگزینی ندارد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱، ص ۸۹)

سومین دسته از حقوق، حفظ حقوق دیگران است. شناخت حقوق و توجه به حقوق متقابل و محور قرار گرفتن حقوق در زندگی، بنیان زندگی سالم و سعادت‌آمیز است. بسیاری از ستمگری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و رفتارهای غیر اخلاقی، از نشناختن حقوق و ناآگاهی به حقوق یکدیگر و عدم پایبندی به حقوق برمی‌خیزد. بنابراین از عوامل مهم و اساسی اصلاح رفتارها، مناسبات و کردارها، حقوق‌شناسی و پایبندی به حقوق است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱، ص ۸۲-۸۱) فلذا در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نور مؤمنان را نسبت به عملکردشان در ماجرای افک توییح کرد و آنها را با بیاناتی ترساند و از مشارکت در اتهام زنی به دیگران ترساند، و تأکید می‌کند که زیر سؤال بردن آبروی مردم را ساده‌نگیریم. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۵۶) بنابراین حریم‌داری و پروا پیشگی در عرصه اجتماعی بدین معناست که حرمت و حقوق انسان‌ها در روابط و مناسبات با یکدیگر به تمام معنا پاس داشته شود و حریم هیچ‌کس به وسیله گفتار و کرداری دریده نشود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴، ص ۹۵)

مقام معظم رهبری هم در تفسیر آیه ۱۵ سوره نور می فرمایند: به نظر من، این حادثه‌ی عظیمی در تاریخ اسلام و زمان پیامبر است که به این وسیله در محیط اسلامی، ریشه‌ی شایعه‌پراکنی در مسائل شخصی افراد - که موجب سوءظن و بدبینی نسبت به یکدیگر می‌شود و محیط و فضا را ناسالم می‌کند - کنده شد. اسلام، این‌گونه است. پس، یکی از کارهای رسول اکرم (ص) این بود که فضای جامعه را یک فضای مهربان و سرشار از مهر و محبت بسازد تا همه‌ی مردم در آن، نسبت به یکدیگر محبت بورزند و به چشم حسن ظن و خوشبینی به یکدیگر نگاه کنند. امروز هم تکلیف ما همین است.

(بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۷/۲۸،

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=۲۴&npt=۷&aya=۱۶#۴۲۶۸>)

شایان ذکر است با توجه به جایگاه والای زن در اسلام و رشد اخلاقیات توسط زنان در خانواده و جامعه، حفظ حقوق زن در آیه ۲۳ سوره نور مورد تاکید است: «إِنَّ الْأَذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» همانا کسانی که به زنان پاک‌دامن و با ایمان و بی‌خبر (از هرگونه آلودگی) و نسبت بد می‌دهند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی دورند و برایشان عذاب بزرگی است. در این آیه اشاره می‌کند که حمایت از حقوق زنان پاک‌دامن، از برنامه‌های قرآنی است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۶۸) رهبری هم در دفاع از حقوق زن می‌فرمایند: خدای متعال مرد را و زن را از جهاتی مثل هم قرار داده است؛ از لحاظ عروج به مقامات معنوی با هم تفاوتی ندارند، نمونه‌اش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)؛ از لحاظ قدرت رهبری و توانایی هدایت بشر تفاوتی ندارند، اما از لحاظ وظایف اداره‌ی زندگی تفاوت دارند، باز نمونه‌اش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها). اینهایی که از حقوق زن میخواهند دفاع کنند، به قول معروف شیپور را از سر گشادش میزنند و نمیفهمند چه بگویند و از چه چیز زن دفاع کنند، میگویند چرا زن مدیریت [نکنند]؛ مگر مدیریتها یک افتخار است برای یک انسان که دنبال این باشد که چرا مدیریتها [مخصوص مرد است]؟ اسمش را هم میگذارند عدالت جنسیتی؛ این عدالت است؟ آن کسانی که در دنیا برابری جنسیتی را مطرح میکردند و دنبال آن بودند، امروز این قدر بدبختی و

فساد از این ناحیه گریبان گیرشان شده که خودشان پشیمانند؛ البته خیلی هایشان صریحاً اقرار نمیکنند، خیلی هایشان هم با این فرهنگ بزرگ شدند، نمیفهمند چه اتفاقی دارد می افتد؛ اما اندیشمندانشان چرا، اندیشمندانشان میگویند، میفهمند، اظهار نگرانی میکنند. خدا کند این کسانی که در داخل اسم عدالت جنسیتی می آورند، مرادشان این چیزی که به عنوان برابری جنسیتی مطرح شده، نباشد.

(بیانات رهبری در دیدار با مداحان اهل بیت(ع)، ۱۳۹۵/۱۲/۲۹،

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۱۲۷۳#۶۴۴۰۰>)

شناخت قواعد اخلاقی و دینی یکی دیگر از جلوه های عملی در تحقق اصل حقوق مداری است که با شناخت و عمل نمودن به آن ها می توان زمینه ی تکامل فرد و جامعه را فراهم آورد. آیات (۲ و ۶ و ۱۱) شامل قوانینی است برای مجازات مجرمان، که یک اقدام فوری برای مقابله با معضل ناهنجاری های اخلاقی است. و آیات (۱۲، ۱۵، ۱۶، ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳) ملزوم بودن فرد به اموری مثل توبه، کوچک نشمردن گناه، ترک تهمت، ذکر خدا و حفظ ایمان، حفظ نگاه، حفظ عفت و پاکدامنی. و آیات (۵، ۱۵) که طبق نظر مفسران این آیات بیانگر محدودیت هایی برای رفتار اجتماعی فرد(قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۴۶) و رعایت قوانینی در اجتماع است. برای نمونه تفسیر آیه ۱۲ سوره نور بیان می کند مؤمنین وقتی مطلب دروغ و افک می شنوند، برحسب قاعده دینی-خبری که مخبر بدان علم ندارد و ادعایی که مدعی شاهدهی بر آن ندارد، باید محکوم به کذب کنند - حتی اگر در واقع آن خبر دروغ باشد. پس کسی که متصف به ایمان باشد باید با افراد مأمّن حسن ظن داشته باشد.(طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۵، ص ۱۳۳)

همچنین در آیات (۳۰، ۳۱) حفظ نگاه و حجاب زنان از الزامات حفظ عفاف است که چشم پاک مقدمه پاکدامنی و بی عفتی مانع رشد معنوی است.(قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۷۳) در آیات ۲۷ و ۲۸ بخشی از آداب معاشرت و دستورات اجتماعی اسلام مثل آداب ورود به حریم های خصوصی دیگران، که ارتباط نزدیکی با مسائل مربوط به حفظ عفت عمومی در حوزه خانواده ارتباط نزدیکی دارد بیان شده است(مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۲۷)

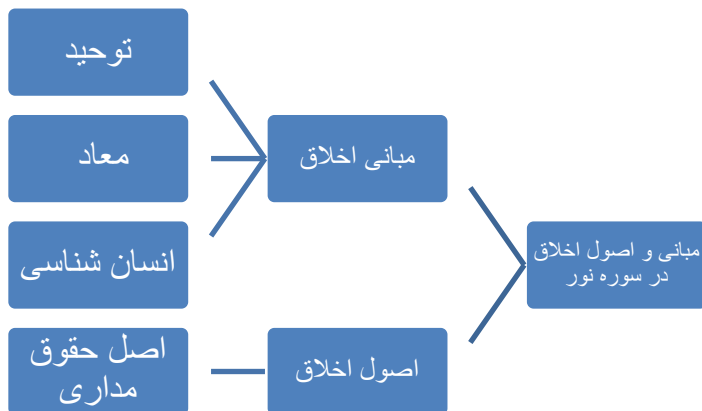
با توجه به مطالب بیان شده ایجاد بینشی پایه ای نسبت به توحید، معاد و انسان شناسی و رعایت اصل حقوق مداری می تواند پشتوانه ای محکم نظری و عملی برای اخلاقیات فراهم نماید.

### ۳-۳- استخراج مقوله ی اصلی

با توجه به تحلیل متخذ شده از منابع دینی و سخنان رهبری درباره ی مفاهیم و مقوله های اصلی این پژوهش، در این مرحله از پژوهش، از روابط فی مابین مقوله های مستخرج از سوره نور، که عبارت از توحید، معاد، انسان شناسی و حقوق مداری شرحی انتزاعی بر فرآیندی که در مقاله صورت گرفته است، ارائه می شود و مقوله محوری (دانایی فرو همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸۷) که شامل مضمون اصلی پژوهش است و به گونه ای اکتشافی از درون متن سوره نور برآمده و کلیتی را تشکیل داده که سایر مقولات بر محور آن گرد می آید (استراوس و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸) این مقوله ی اصلی عبارت از اصول و مبانی اخلاق در سوره نور که در جدول و شکل زیر نشان داده شده است:

جدول ۳: مبانی و اصول اخلاق در سوره نور

ردیف	عنوان		مقولات
۱	اصول و مبانی اخلاق در سوره نور	مبانی اخلاق	توحید
			معاد
			انسان شناسی
	اصول اخلاق	حقوق مداری	



شکل ۲: شاخص های مبانی و اصول اخلاق در سوره نور

#### ۴. نتیجه گیری:

با توجه به اهمیت محتوای سوره ی نور، برای داشتن بینان فکری قوی جهت درونی سازی مفاهیم والای این سوره لازم است به بررسی و شناخت مبانی و بینش های نظری پایه ای، مطرح شده در این سوره که عبارت از توحید، معاد و انسان شناسی است همت گماشته شود تا به سبب تغییر در بینش های اساسی انسان بتوان تغییرات رفتاری صحیح پدید آورد و رفتارهای انسان دارای ریشه های محکم و صحیح شود. از سویی با توجه به یافته های این پژوهش اصل حقوق مداری، یکی از قواعد رفتاری ثابت در زندگی انسان است که این اصل بر اساس بینش های پایه ای نسبت به توحید، معاد و انسان شناسی در انسان شکل می گیرد و شناخت مبانی و اصول اخلاق در آیات سوره ی نور منجر به درونی سازی صحیح مفاهیم والای این سوره در بینش نظری و رفتار انسان خواهد شد.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. استراوس، انسلم و کرین، جولیت، ۱۳۹۴، مبانی پژوهش کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
۳. بانکی پور فرد و احمد قماشچی، ۱۳۸۰، تهران، تربیت اسلامی.
۴. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۶۹، کرامت در قرآن، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ سوم.
۵. داودپور، مرتضی، ۱۳۹۰، درآمدی بر جامعه شناسی اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی امام خمینی.
۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۴، رخساره خورشید، تهران، دریا.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۴، ارباب امانت، تهران، دریا.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۳، سیره نبوی «منطق عملی»، تهران، دریا.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۱، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، قم، نشر معارف،
۱۰. دانایی فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی، ۱۳۸۶، استراتژی های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه پردازی داده مجله اندیشه مدیریت، بنیاد، شماره ۲
۱۱. دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۴، تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرائی: استراتژی مفهوم سازی تئوری بنیادی، مجله دانشور رفتار، شماره ۱۱.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۵۲، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالشمیه
۱۴. سید رضی، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم، نشر لقمان
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۰، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، موسسه نشر رجاء.
۱۶. صبوحی طسوجی، علی، ۱۳۹۶، فرایند تثبیت فرهنگ عفاف در جامعه، قم، ناشر مؤلف.



۱۷. فراهیدی، خلیل، ۱۴۱۰، العین، تحقیق دکتر مهدی مخزومی، قم، دارالهجره، چاپ دوم.
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۱۳۸۸، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۹. گودرزی، حمید رضا، خواص، امیر، ۱۳۹۹، معاد باوری شامل اصول و افعال اخلاقی، نشریه معرفت اخلاقی، شماره ۲۷.
۲۰. محمصص، مرضیه، بهادری، آتنا، ۱۳۹۶، (تأملی بر شرک جنسیتی در خوانش‌های زن مدارانه از قرآن) مطالعات راهبردی زنان، دوره بیستم، ش ۷۸.
۲۱. معین، محمد، ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی، تهران، سرایش.
۲۲. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۷، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، قم دارالعلم
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۱، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
۲۵. مرقاتی، سید طه، حق پرست، شعبان، شاکری، مهدی، ۱۴۰۰، (کارکرد قواعد اخلاقی در نظریه حقوقی اسلام)
- اخلاق و حیانی، شماره ۲۱
۲۶. هوشیار، محمد باقر، ۱۳۳۱، اصول آموزش و پرورش، چاپ سینا

---

## الگوپذیری از شخصیت توحیدی حضرت زینب (سلام الله علیها)

### با تاکید بر اندیشه های قرآنی مقام معظم رهبری

---

مهتری ایمانی<sup>۱</sup>

#### چکیده:

با وجود فاصله زمانی و مکانی، هنوز هم شاهدیم که بزرگان دینی قابلیت الگوپذیری دارند، زیرا آنچه در الگوپذیری باید معیار قرار گیرد امور تغییرناپذیر هستند، و از آن جایی که هر انسانی از دیدگاه اسلامی دارای دو بعد جسمانی و روحانی است و روح یا نفس همان امر تغییرناپذیر است که برخی روان‌شناسان از آن با عنوان "شخصیت" یاد می‌کنند. بنابراین الگو گرفتن از شخصیت یک فرد امکان‌پذیر است. شخصیت از اموری است که جنسیت بردار نیست، لذا همان‌طور که یک مرد می‌تواند برای سایر انسانها الگو باشد یک زن نیز از این قابلیت برخوردار است. حضرت زینب سلام الله علیها به عنوان یک انسان کامل می‌تواند الگویی برای همه انسانها باشد. ایشان به عنوان یک انسان موحد از ویژگیهایی برخوردار است که انسان معاصر با الگو گرفتن از این نوع تفکر می‌تواند بر بسیاری از مشکلات فائق آید و به کمال و رستگاری دست یابد. در این مقاله که از طریق جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است به بیان الگوگیری از این نوع تفکر با تاکید بر اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری که در بیانات و کتب ایشان ذکر شده است می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** الگوپذیری، اندیشه های قرآنی امام خامنه ای، شخصیت، تفکر توحیدی، جهان‌بینی

---

۱. استاد و پژوهشگر حوزه‌های علمیه خاوران کرج، سطح ۴ فقه خانواده جامعه الزهراء، قم، vmhryaymany@gmail.com

## مقدمه

یکی از نیازهای ضروری انسانها در مسیر بندگی و کسب کمالات الگوبرداری از روش بزرگان دینی است. نظریه‌ای در میان مردم رواج دارد مبنی بر این که بزرگان دینی به دلیل فاصله زمانی و مکانی قابلیت الگوبرداری ندارند. لذا لازم است الگوی زندگی انسان، هم‌عصر او باشد. اما باید توجه داشت، الگوبرداری در زمینه اموری است که تغییرناپذیرند چون عدالت، صداقت و... که این امور شخصیت انسان یا بعد روحانی او را تشکیل می‌دهند. شخصیت یا همان نفس انسانی امری مجرد و فارغ از زمان و مکان است. از میان بزرگان دینی علاوه بر مردان الهی، زنان بزرگی همچون وجود مقدس حضرت زینب سلام الله علیها می‌باشند که در تکامل شخصیت و بعد روحانی خود دارای عالی‌ترین درجات هستند. جنسیت و زن بودن این انسان بزرگ مانع دستیابی به کمالات نشده است. یکی از ابعاد الگوبرداری از شخصیت این بانوی بزرگوار، الگو گرفتن از نوع تفکرات ایشان است. تفکراتی که بر مبنای خدا باوری و توحید بنا شده است. ایشان بنده موحد الهی هستند که از توحید در بعد جهان بینی و ایدئولوژی برخوردار می‌باشند. تفکر توحیدی ایشان، در مرحله کلام و فکر خلاصه نشده بلکه آثار توحید و اوصاف یک انسان موحد را می‌توان در دوران مختلف زندگی ایشان از کودکی تا مرگ مشاهده نمود.

ضرورت پرداختن به این موضوع از آن جهت می‌باشد که انسان معاصر، با شناخت سیره این بانوی بزرگ و دقت و فهم عمیق در تفکر توحیدی ایشان می‌تواند ایشان را به عنوان الگوی خود قرار داده و توحید و خداپرستی را منحصر در عبادت و پذیرش لفظی و ظاهری خداوند متعال خلاصه نکند. بلکه با به کار بردن جهان بینی توحید در مرحله عمل از آثار و ثمرات این تفکر توحیدی برخوردار شود. از مهم‌ترین ثمرات آن می‌توان به عدم خوف از دیگران و دستیابی به افق دید وسیع به هستی داشتن اشاره داشت.

در رابطه با سیره عملی حضرت زینب سلام الله علیها کتابهای تاریخی نوشته شده مانند حضرت زینب از ولادت تا شهادت؛ سید کاظم قزوینی، زینب قهرمان کربلا نوشته عایشه بنت الشاطی، حضرت زینب الگوی اندیشه‌ورزی و مسئولیت‌پذیری نوشته اعظم التفاتی اشاره کرد.

همچنین مقالات فراوانی که در چندین جلد کتاب تحت عنوان همایش حضرت زینب سلام الله علیها و در نرم افزار عقیده جمع آوری شده است، اکثر نوشته ها گزارش تاریخی از زندگی و شخصیت این بانوی بزرگ می باشد و کمتر به تحلیل شخصیت ایشان پرداخته اند.

جنبه نوآوری که در این تحقیق وجود دارد نگاه جدید و دقیق به سیره فکری و رفتاری حضرت زینب سلام الله علیها از جهت اثبات قابلیت الگوپذیری از این سیره در عصر حاضر می باشد که سعی شده در تبیین الگو سازی تفکر توحیدی این بانوی بزرگوار از اندیشه های قرآنی مقام معظم رهبری استفاده و تطبیق شود.

جمع آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و با روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است.

### مفهوم شناسی:

#### الگو

الگو در زبان فارسی به معنی سرمشق و نمونه می باشد (عمید، ۱۳۹۲: ص ۵۴۲) و در زبان عربی با واژه (اسوه) ذکر شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ص ۱۴۷) در اصلاح به ویژگی گویند که به واسطه آن شخص لایق پیروی می باشد. خواه این پیروی کردن در امور پسندیده باشد یا ناپسند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۷۶)

در قرآن اسوه به معنای پیروی نیکو معرفی شده و با وصف حسنه از آن یاد شده است. کلمه اسوه سه بار در قرآن ذکر شده است که یک بار در آیه ۲۱ سوره احزاب در مورد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) " لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا" و دو بار در آیات ۴ و ۶ سوره ممتحنه در رابطه با حضرت ابراهیم (علیه السلام) و پیروان ایشان می باشد. " قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ ، لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ ."

در برخی از آیات قرآن از کلماتی که مترادف با کلمه الگو و اسوه می باشد استفاده شده است از جمله کلمه اقتدا؛ ؛ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدَهُ (انعام: ۹۰)، امام و إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ

بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره: ۱۲۴) " وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا (انبیاء: ۷۳) می باشد.

در سوره بقره آیه ۱۴۳ نیز از کلمه شهید به عنوان الگو یاد شده است: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ، وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛ و ما شما را امه معتدل قرار دادیم تا شما گواه بر مردم باشید و پیغمبر گواه بر شما امه بوده باشد) در این آیه کلمه "شهداء" به عنوان الگو معرفی شده زیرا زندگی جمعی مسلمانان تابع احکام و دستورات اجتماعی است که اگر عمل شود می تواند الگوی متعادل و جامعی برای جوامع بشری باشد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۸ ص: ۴۸۸)

#### توحید:

واژه «توحید» مصدر باب «تفعیل» و به معنای «یگانه دانستن» است. ریشه این کلمه «وحد» و به معنای انفراد است و از این رو «واحد» به چیزی اطلاق می شود که جزء ندارد. (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۳۴) واژه توحید دارای دو استعمال می باشد؛ یکی آنکه، اسم استعمال می شود به معنی یکی و بکنفر است و استعمال دوم اینکه وصف باشد یعنی یکتا و بی همتا و این استعمال بذات باری تعالی اطلاق می شود. و یا بمعنای کسیکه شریکی در خلقت ندارد (راغب، اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۸۵۸)

توحید در اصطلاح به معنای یگانگی خدا و اعتقاد به یکتایی اوست. و اینکه در مقام فکر و اندیشه، شریک و رقیبی در آفرینش جهان هستی و برقراری نظم آن، برای او قایل نشویم و در مقام عمل، جز در برابر او، برای هیچ کس و هیچ چیزی سر تعظیم فرود نیاورده و آن را سجده و پرستش ننماییم. بنابراین معنای اصلی توحید، یگانگی خدا است. لکن این یگانگی دو لازمه دارد: یکی این که خداوند شریک نداشته باشد و دیگر این که بسیط باشد، یعنی مرکب از اجزا نباشد؛ در غیر این صورت، یگانگی معنا ندارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ص ۴۸)

#### قلمرو الگوپذیری

در مورد امکان الگوپذیری از شخصیت های دینی دو نظریه مطرح است:

۱. نظریه اسوه عصری: عده‌ای قائلند، با توجه به فاصله زمانی و پیشرفت شرایط زندگی و تغییر و تحولات در سبک زندگی انسان امروزی نسبت به انسانهای گذشته این مساله امکان پذیر نیست. زیرا انسان امروزی از نیازها و شرایطی برخوردار است که انسان در عصر گذشته هیچ خبری از این شرایط نداشت در نتیجه اگر قرار باشد فردی به عنوان الگوی معاصر معرفی شود باید به دور از بعد زمان و مکان و هم‌عصر با انسان باشد. لذا هر چند این اسوه‌ها مقدس و قابل احترام اند، اما تاریخی بوده و نمی‌توانند برای بشر عصری، الگو باشند.

۲. نظریه اسوه تاریخی: نظریه انسانهای متدینی است که معتقد به قداست بزرگان دینی می‌باشند و آنها را به دور از هر عیب و نقص دانسته و بهترین انسانها در مسیر دست‌یابی به کمالات می‌شناسند. از نظر این افراد فاصله زمانی و شرایط مکانی نمی‌تواند مانع از الگو قرار دادن بزرگان دینی شود. معتقدند هر چند تفاوت زمان و لزوم روزآمد بودن زندگی امری صحیح و کاملاً درست می‌باشد، اما منافاتی با تاریخی بودن اسوه‌ها ندارد.

در توضیح این دو نظریه باید گفت: امور زندگی بر دو نوع اند: امور تغییرپذیر و امور تغییرناپذیر. اموری مانند: سبک معماری، شهرسازی، شهرنشینی، وسیله نقلیه، وسایل رفاهی، وسایل ارتباطی و مانند آن تغییر می‌کنند، اما اموری مانند صداقت، عدالت، امانتداری، عزتمندی، و مسایلی مانند هدف زندگی، معنای زندگی، شیوه مقابله با فشارهای روانی، سبک فرزندپروری و همسررداری و ده‌ها مسئله از این دست از امور تغییرناپذیر به شمار می‌روند که همیشه ثابت هستند. زمان فقط در قلمرو امور تغییرپذیر تأثیر گذاشته و موجب دگرگونی می‌گردد، اما در امور تغییرناپذیر تأثیری نخواهد گذاشت. بنابراین زمان همه چیز را تغییر نمی‌دهد. از اینجا می‌توان قلمرو الگوگیری را شناخت. الگوگیری در قلمرو امور تغییرناپذیر اتفاق می‌افتد و اسوه‌ها در این گونه امور الگو قرار می‌گیرند، نه در امور تغییرپذیر. به همین جهت الگوگیری از اسوه‌های دینی - تاریخی و پیروی از آنان، به معنای واپس‌گرایی و توقف زمان نبوده و می‌تواند در هر عصری کارایی داشته باشد. البته این امر متوقف بر معاصرسازی اسوه‌های تاریخی است. (پسندیده، ۱۳۸۷: ص ۱۰۳-۱۳۱)

آیات متعددی در قرآن وجود دارد که دلالت بر الگو قرار دادن، انبیایی چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت ابراهیم (علیه السلام) دارند. در آیه ۱۲۴ سوره بقره خداوند به حضرت ابراهیم فرمودند: "إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا" در این آیه کلمه امام به معنای اسوه و الگو می باشد که خداوند هیچ قید زمانی و مکانی برای الگو قرار دادن حضرت ابراهیم قرار ندادند.

همچنین در آیه ۱۴۳ بقره وقتی از رسول خدا و امت ایشان به عنوان الگو یاد می کنند از واژه شهید استفاده کردند و امت پیامبر را الگو برای همه انسانها قرار دادند. وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ، وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا (بقره: ۱۴۳)

براساس آیات ذکر شده، خداوند متعال انسانهای بزرگی چون انبیا را به عنوان الگو معرفی می کند و در برخی از این آیات الگوها به عنوان الگوی تمام انسانها یاد شده اند، این آیات بیانگر این نکته هستند که با وجود فاصله زمانی، مبنای قرآنی چنین است که فاصله زمانی نمی تواند مانع از الگوپذیری از این افراد گردد.

طبق نظریه قرآنی مقام معظم رهبری در معرفی الگو زمان ملاک نیست ایشان از الگوهای قرآنی متعددی از انسانها یاد می کنند که سالها پیش می زیسته اند اما هم برای عصر خود الگو بوده اند هم برای آیندگان که از آنها خیلی دور بوده اند. وقتی خدای متعال می خواهد برای انسانهای مؤمن در طول تاریخ نبوت ها در قرآن مثالی بزند، می فرماید: "وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ" (تحریم: ۱۱) در زمان موسی، این همه مؤمن بودند، این همه کسانی در راه ایمان تلاش و فداکاری کردند؛ اما آن نمونه را اسم می آورد. (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۴/۱۰/۱۳۷۰، ۲۵۳۶، <https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=2536>)

### شخصیت، معیار الگوپذیری

سوالی در این جا مطرح می شود که آیا در الگوپذیری جنسیت افراد ملاک است یا این که ملاک الگو واقع شدن شخصیت انسانهاست و چه بسا یک زن می تواند علاوه بر آن که بر زنان و هم جنان خود الگوست، الگویی برای مردان هم باشد؟

برای پاسخ به این سوال بر اساس نظر اسلام لازم است حقیقت و ماهیت انسان مورد بررسی قرار گیرد. دین اسلام، از انسان را یک موجودی دو بعدی می‌داند که علاوه بر بعد جسمانی و بدن مادی از بعد روحانی و غیرمادی به نام روح یا نفس برخوردار است. حقیقت آدمی به نفس اوست آگاهی‌ها، گرایش‌ها و اراده انسان مربوط به نفس است. نفسی که با مرگ از بدن جدا می‌شود و برای همیشه باقی می‌ماند. البته نفس برای انجام کارهای خود در این دنیا به بدن نیاز دارد و همه کارهای دنیوی زمینه‌ساز نتایجی هستند که به طور کامل در جهان دیگر ظهور پیدا می‌کنند. حقیقت انسان با تعابیر مختلفی چون قلب، صدر، شاکله، نفس، عقل و روح در قرآن و سایر متون دینی به کار رفته است. از میان این واژه‌ها کلمه «شاکله» خیلی پرکاربردتر و مرتبط به بحث شخصیت است.

قرآن کریم در آیه "قُلْ كُلٌّ يَجْعَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرْبُكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا؛ بگو هر کسی بر شاکله خویش عمل می‌کند و خدای شما به کسی که راهش از هدایت بیشتری برخوردار است داناتر است" (اسرا: ۸۴) عمل انسان را مبتنی بر چیزی می‌داند که آن را شاکله می‌نامد به عبارت دیگر منشا اعمال آدمی شاکله اوست.

شاکله دارای معانی متعدد است: نیت، خلق و خوی، حاجت و نیاز، مذهب و طریق، هیئت و ساخت، از آنجا که تمامی موارد فوق زیربنای رفتارهای انسان قرار می‌گیرند، می‌توان گفت که شاکله بر تمامی معانی فوق تطبیق می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۳: ص ۱۴)

بنابراین شاکله هیئت و ساخت روانی است و یک مجموعه واحدی است که نیت از آن برمی‌خیزد، خلق و خوی حاصل آن است، مذهب بر اساس آن پذیرفته شده و خود موجد شکل‌پذیری آن می‌شود و بالاخره نیازها در بروز و ظهور خود متأثر از آن هستند. (حسینی، ۱۳۹۶: ص ۲۶-۲۷)

برای شکل‌گیری شخصیت شرایطی نیاز است، مهم‌ترین شرایط در شکل‌گیری شخصیت را می‌توان در سه مساله وراثت، تربیت و محیط ذکر کرد. (فضل الله، ۱۳۷۸: ص ۳۲۱)

وجود این شرایط سه‌گانه در زندگی حضرت زینب (سلام الله علیها) تاثیر به‌سزایی در شکل‌گیری شخصیت ایشان داشته است. از نظر وراثت دارای اجداد پاک و طاهر و پدر و مادری



معصوم، و در محیطی از طهارت و معنویت پا به عرصه وجود گذاشتند و در دامان پاک‌ترین انسان تربیت شدند.

به همین مناسبت وقتی مقام معظم رهبری، حضرت زینب سلام الله علیها را به عنوان الگوی همه انسانها معرفی می‌کند، به ویژگی‌هایی شخصیتی ایشان اشاره می‌کند و علت این که ایشان را الگوی زنان می‌دانند، چون زنها در مسائل خاص زنانه نیاز به الگو دارند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: "حضرت زینب سلام الله علیها برای زنان ما یک الگوست. نه این که فقط زنان باید از حضرت زینب یاد بگیرند؛ چون شخصیتی مثل زینب کبری سلام الله علیها، با این عظمت و برجستگی، مال یک جنس و قشر خاص نیست. او الگوست تا همه‌ی برجستگان دنیا از وی درس بگیرند. شخصیت‌های بزرگ، قهرمانهای تاریخی، دانشمندان برجسته و همه‌ی رهبران جوامع بشری باید از زینب کبری درس بگیرند. شخصیت او بالاتر از این حرفهاست. لکن علت این که آن بزرگوار را به عنوان اسوه‌ی زن مطرح می‌کنند، این است که همه‌ی انسانها احتیاج دارند به این که در رفتارهای معمولی خود، یک شاخص و یک الگو در مقابل چشمشان باشد. زینب کبری هم زن بوده است. زن مسلمان، به یک الگو و یک نمونه‌ی برجسته احتیاج دارد. زن مسلمان اگر بخواهد موازین اخلاقی، موازین عاطفی و انسانی، موضوع جنسیت زن بودن - که محور خانواده است - و موضوع آرمانگرایی را با هم ملاحظه کند و همه‌ی اینها را با دیدگاه اسلامی مورد توجه قرار دهد، احتیاج به یک الگو و نمونه‌ی مجسم و شاخص دارد که به او نگاه کند و در مجموع رفتارها، خود را با او تطبیق دهد و به او نزدیک کند." (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران ۱۳۷۴/۷/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۱۱۹>)

### جنسیت و الگوپذیری

مقام معظم رهبری در تبیین مساله جنسیت و نگاه اسلام به زن چنین می‌فرماید: "نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه‌ی دو است؛ نگاه اول و درجه‌ی یک، حیث انسانیت است که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. زمینه‌ی مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خب، شما ببینید در تقرب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب،

مثل حضرت مریم هستند؛ رتبه شان، رتبه های فوق تصور امثال ماهاست... جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا میکند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد." (بیانات در سومین نشست اندیشه های راهبرد ۱۴/۱۰/۱۳۹۰)

(<https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=۱۸۴۵۳>)

از جمله آیاتی که در قرآن به این مساله اشاره دارد آیه ۱۲۴ سوره نساء می باشد که خداوند صریحا اشاره دارند که هر انسانی عمل صالح انجام دهد پاداش آن را می بند چه زن باشد یا مرد " وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظَلَّمُونَ نَقِيرًا"؛ و هر زن و مردی که کار شایسته کند و بخدا ایمان داشته باشند به بهشت داخل می شوند و مقدار رشته خرمایی باو ستم نکنند (نساء: ۱۲۴)

ایشان در توجه به تفاوت های زیستی و جنسیتی اشاره می کنند: تفاوت های دو جنس در نقش ها و قالب ها نیز مورد توجه است. نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است؛ در مسئله انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعداد های فراوان فکری و علمی هیچ تفاوتی نیست، اما قالبها دو قالب است: یک قالب برای یک کار و یک صنف کار است، یک قالب برای یک کار دیگر است؛ البته کارهای مشترکی هم وجود دارد. (بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور ۱۳۰/۱۰/۱۳۹۰)

(<https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=۲۶۱۵۵>)

در آیات متعددی از قرآن به مساله تساوی زن و مرد در کسب مقامات عالیه و رسدن به حیات طیبه اشاره شده است. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس کار نیکی بنماید خواه مرد باشد و خواه زن و بخدا ایمان داشته باشد ما او را زندگانی پاکیزه می بخشیم و اجری نیکوتر از عملی که کرده باو عطا خواهیم نمود (نحل: ۹۷)

طبق دیدگاه مقام معظم رهبری، اسلام به زن شخصیت می دهد در اسلام وقتی برای مومن نمونه می خواهند مشخص بکنند، نمونه زن معین می کنند. " وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَرِيَمَ

أَبْنَتَ عِمْرَانَ أَلْتِي أَحْصَنْتَ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَاتِينِ؛ و برای مؤمنین زن فرعون را خداوند مثل زد هنگامی که گفت پروردگارا تو خانه‌ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردار او رها کن و از طایفه ستمکاران نجات بخش. و یاد کن مریم دختر عمران را که اندام خود را از فساد و زنا نگاهداشت ما در او از روح خود بدمیدیم و مریم کلمات پروردگار را تصدیق کرد و باور داشت کتب آسمانی او را و از بندگان مطیع خدا بو (تحریم: ۱۲-۱۱)

زن نه براساس جنسیت بلکه براساس شخصیت انسانی می‌تواند از عظمت و مقامی برخوردار شود که بسیاری از مردان به رتبه او نرسند. ایشان از حضرت زینب سلام‌الله علیها چنین یاد می‌کنند: زینب کبری (سلام الله علیها) توانست به همه‌ی تاریخ و همه‌ی جهان نشان بدهد ظرفیت روحی و عقلی عظیم جنس زن را؛ این خیلی مهم است. به کوری چشم آن کسانی که چه در آن زمان، چه در دوره‌ی ما هر کدام به نحوی جنس زن را تحقیر میکردند و میکنند، زینب کبری توانست نشان بدهد علو مرتبه‌ی زن و عظمت قدرت روحی و عقلانی و معنوی زن را. زینب کبری، دو نکته را نشان داد: یک نکته اینکه زن میتواند اقیانوس عظیمی باشد از صبر و تحمل؛ دوم اینکه زن میتواند قله‌ی بلندی باشد از خردمندی و تدبیر؛ اینها را عملاً زینب کبری (سلام الله علیها) نشان داد؛ نه فقط به آن عده‌ای که در کوفه و شام بودند؛ به تاریخ نشان داد، به همه‌ی بشر نشان داد (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت زینب(س) و روز پرستار ۱۳۹۹/۹/۳۰)

(<https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=۴۶۹۶۳>)

### **جلوه‌های توحیدی حضرت زینب (سلام الله علیها)**

یکی از ویژگیهای الگوپذیری از شخصیت حضرت زینب سلام الله علیها، تفکر توحیدی ایشان است. برای بررسی شخصیت توحیدی این بانوی بزرگ براساس اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری در زمینه توحید، لازم است به دو مطلب توجه شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۱۴۲)

#### **۱. آگاهی از تعهدات توحید**

پذیرش توحید و باور به این مساله که خداوند قدرت مطلق و تنها وجود شایسته پرستش است به دنبال خود تعدات و مسئولیت‌هایی را برای فرد موحد به دنبال دارد. برای فهم این مطالب لازم است توحید از دو دیدگاه بررسی شود. توحید در جهان بینی اسلام و توحید در ایدئولوژی اسلام.

### الف: توحید در جهان بینی اسلام

منظور از جهان بینی یعنی برداشت یک انسان، یک مکتب، یک آیین از جهان. جهان بینی اسلام از این عالم این است که همه هستی بنده و وابسته به یک قدرت بسیار عظیم است، ماورای همه پدیده‌ها یک حقیقتی است از همه بالاتر که همه این پدیده‌های عالم ساخته و پرداخته قدرت اوست. اسم آن قدرت بالاتر خداست.

این دست قدرتمند که نامش الله است به همه صفات نیک و نیکی آفرین به طور اصیل و ذاتی متصف است یعنی دارای دانش و قدرت و حیات و اراده است و این صفات او از جایی گرفته نشده، ذرات عالم وابسته اویند، همه چیز در هر لحظه برای ماندن و بودن محتاج او و محتاج قدرت و اراده‌ی اوست.

در سیره زندگی و تفکرات اعتقادی حضرت زینب سلام الله علیها این نوع جهان بینی چنان محسوس است که تاریخ حتی از دوران کودکی این بانوی بزرگوار چنین شهادت می‌دهد: (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۱۴۴-۱۴۶)

زینب سلام الله علیها در کودکی در دامن پدر می‌نشست و حضرت علی علیه السلام با مهربانی به او علم دین آموزش می‌داد آنگاه که فرمود نور دیده! بگو یک! چون گفت. فرمود: بگو دو تا! زینب ساکت شد، فرمود: صحبت کن نور دیده من! عرض کرد: پدر عزیزم! زبانی که به گفتن "یک" گردش کرد چگونه کلمه دو تا را بر زبان آورد؟ حضرت علی علیه السلام او را به سینه چسباند و بوسید. (محللاتی، ۱۳۴۹: ج ۳، ص ۵۴)

روایت بیانگر نگرش توحیدی حضرت زینب سلام الله علیها نسبت به وحدانیت خداوند است که با وجود سن کمی که داشتند اما در اثر تربیت الهی و توحیدی والدین پاکشان، حتی در لفظ قائل به شریک قرار دادن برای خدا نشدند. زبانی که به یک باز شد به تعبیری یعنی انسانی که به

فهم توحیدی رسید و طعم وحدانیت و قدرت مطلقه الهی را چشید، کسی را غیر از خدا نمی بیند که بخواهد از او یاد کند. او هر چه می بیند خداست و فقط از او یاد می کند.. به عبارتی می توان این تفکر حضرت زینب سلام الله علیها را طبق بیان مقام معظم رهبری چنین تحلیل کرد که "لا اله الا الله" یعنی هیچ معبودی به جز او نیست. منظور از اله یعنی هر چه در وجود انسان و در زندگی انسان، بی قید و شرط دستش باز باشد و حکومت و تحکم کند او اله است. منظور این است که هیچ معبودی جز خدا، اله واقعی و حقیقی نیست.

در جهان بینی توحیدی طبق تفکرات مقام معظم رهبری باید توجه داشت که باور به توحید به این معناست که هستی به دو صف تقسیم می شود. یک صف خدا و صف دیگر همه موجودات هستی. حتی اگر ارزشمندترین و کامل ترین موجود عالم رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد. ایشان با تاکید بر این آیه قرآن " مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ؛ کیست که در مقابل او شفاعت کند جز به اذن او " (بقره، ۲۵۵) این حقیقت را بیان می کنند که تمام موجودات قابلیت شفاعت و کمک به مخلوقات را ندارند و تنها خداست که دادرس همه مخلوقات است و اگر همه انبیاء و ائمه توان شفاعت دارند به اذن الهی و به دلیل ارتباط با این وجود مطلق است.

علت این که کفار برای خدا قائل به فرزند می شدند، می خواستند بگویند در میان مخلوقات عالم یک نفر هست که نسبتش با خدا، نسبت بنده بودن نیست. بلکه فرزند او و آقازاده است نه غلام. یهودی ها می گفتند عزیر ابن الله است و مسیحی ها می گفتند: عیسی و کفار هم می گفتند لات و منات و عزی. نفی عقیده فاسد به معنی نفی یک رگه فساد است در جامعه بشری. و اعتقاد به این که خدا ولد دارد اعتقاد به حد واسط بین خدا و بشر است. این تفکر بهانه ای است برای اینکه بندگان علاوه بر این که بنده خدا می شوند بنده دیگری هم بشوند. (خامنه ای، ۱۳۹۲: ص ۱۴۹-۱۵۳)

تفکر توحیدی و خداوند را علت و حقیقت هر چیزی دانستن سبب می شود که انسان نسبت به اغیار هیچگونه وابستگی و دل بستگی نداشته باشد که از آن در تعابیر اسلامی به عنوان زهد یاد می کنند.

یکی از ثمرات جهان بینی توحیدی در زندگی حضرت زینب سلام الله علیها، زندگی بر پایه زهد است. این نوع زندگی فقط منحصر به زندگی در منزل پدری نبود، بلکه حتی بعد از ازدواج با این که با یکی از ثروتمندترین افراد قبیله اش ازدواج کرده بود اما این مساله مانع از آن نشد که پا روی اعتقادات و روش اصلی زندگی خود بگذارد.

حضرت زینب سلام الله علیها در خانه شوهرش عبدالله بن جعفر با آن که می دانست همسرش ثروتمند است و دارای اموال بسیار و خدمتکاران زیادی است و بدین جهت زنان اشرافی قبایل و عشایر در خانه او بسیار جمع می شدند حق این بود که کارهای خانه را به خدمتکار واگذار کند اما با کمال عزت کارهای خانه را انجام می داد. خانه ی عبدالله بن جعفر پس از منزل خلفا و امرا در درجه ی اول عظمت و شرافت بود و کسانی در خانه ی او جمع می شدند و برای خدمت حاضر بودند. حضرت زینب برای رضای خدا از همه چیز صرف نظر کرد و از مال و جاه و جلال دنیوی و حتی از شوهر با رضای او و اولاد خود و زندگی چشم پوشید و به برادرش پیوست و از او جدا نشد و در کنار او و با کمک او دین خدا را نصرت دادند و نفس خود را در این راه خوار و پست و ذلیل کردند تا مانند مادر به مقام عالی رسیدند.

در زهد حضرت زینب سلام الله علیها همین بس که وقتی یزید بن معاویه خواست خاندان نبوت را که به اسارت تا شام آورده بود به مدینه بفرستد و حس کرد مردم درباره قتل حسین علیه السلام غضبناک گشته اند و به ویژه قضیه اسارت که بیشتر موجب نفرت مردم شده بود از عاقبت امر بیمناک شد نزد خود اندیشه ها کرد که شاید جبران ماجرای گذشته را بنماید بر همین اساس امر کرد مبلغ هنگفت پول طلا نقره و اموال و اثاثیه قیمتی و جواهرات گرانبها حاضر کنند تا بر ذریه و اسیران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل مصائب آنها بیخشد وقتی اهل بیت علیهم السلام را حاضر نمود و عذرخواهی کرد از حضرت زینب سلام الله علیها خواهش کرد که این اموال را قبول نماید گفت: "یا زینب! یا ام کلثوم! خدی هذه الاموال عوضا عن الحسين واحسبی کان مات" این اموال را بگیر و گمان کن حسین مرده است آنگاه زینب سلام الله علیها فرمود: "یا یزید! ما اقسى قلبك تقتل اخي و تعطيني المال و الله لا کان ذلك ابدا" قلب بسیار سیاهی داری که

در مقابل قتل حسین علیه السلام مال دنیا به ما می‌دهی به خدا قسم که هرگز قبول نکنم (التفاتی، ۱۳۹۱: ص ۱۰۶)

فراز و نشیب و سختی‌ها و راحتی‌ها در زندگی این بانوی بزرگوار هیچ‌گاه سبب نشد نگاه و روش او در زندگی تغییر کند. مصداق بارز آیه قرآن که "لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛ تا اندوهگین و دلتنگ نشوید بر آنچه از دست شما رفته است. و آنچه بشما داده شده دلشاد نگردید. خداوند دوست نمی‌دارد هیچ متکبر خود ستایی را (حدید: ۲۳)

انسان امروزی با الگو گرفتن از سیره توحیدی حضرت زینب سلام الله علیها، راه نجاتی به روی خود باز کند. او به دلیل تعلقات و وابستگی‌هایی که به دنیا و اهل آن دارد و در اثر این وابستگی‌ها حاضر است حتی رفتاری برخلاف اعتقاد و باورش داشته باشد، نگاه دیگران و قضاوت و رضایت غیر را بر رضایت خداوند ترجیح می‌دهد و چون نمی‌تواند رضایت غیر را کسب کند در ناآرامی و اضطراب‌ها و تنش‌ها به سر می‌برد. و حال آنکه راضی کردن خلائق کار سختی است. بلکه باید به جای رضایت قلوب اغیار، آن هم اغیاری که با خدا در جنگ و تضادند، تلاش کرد زندگی را بر مدار عدم وابستگی و دلبستگی اغیار اداره کرد. که در این صورت خداوند متعال قلبها را به سوی انسان متمایل خواهد کرد.

### **ب: توحید در ایدئولوژی اسلام**

با توجه به این که جهان‌بینی مقدمه است برای بینش اسلامی نسبت به این که جهان و عالم وجود را مستقل از خدا نمی‌داند. این بینش برای هر انسان موحدی، خط سیری در زندگی معین می‌کند که از آن تعبیر به توحید در ایدئولوژی می‌کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۱۶۱-۱۶۷)

ایشان تاکید دارند در تعریف و پاسخ به چیستی توحید، توحید را طوری مطرح کنید که دانستن و ندانستن آن حیاتی و تعیین‌کننده است. زمانی توحید و خداپرستی حیاتی است که توحید را به خاطر آثارش و به خاطر آنچه بر توحید مترتب می‌شود مطرح کنند. توحیدی که اسلام به آن دعوت می‌کند بالاتر از حد یک پاسخ به یک سوال و استفهام است. توحید اسلامی الهامی است

در زمینه حکومت، در زمینه روابط اجتماعی، سیر جامعه، تکالیف مردم، مسئولیت انسانها در برابر خدا، در برابر یکدیگر و در برابر جامعه. خدا یک است و دو نیست یعنی تمام آنچه در اختیار داری از ثروت، که برای تو و دیگران است، برای خداست. شما عاریت داران و ودیعه دارانی بیش نیستید. (خامنه ای، ۱۳۹۲: ص ۱۷۵-۱۷۸)

## ۲. توحید آگاهانه:

توحید و باور داشتن به وجود خداوند باید بر اساس آگاهی و تفکر دقیق باشد، خداوند متعال پرستش هایی که بر اساس تقلیدهای کور کوانه یا متعصبانه است را مورد توبیخ قرار می دهد. "وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ؛ و چون به ایشان گفته شود آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید می گویند: نه، ما تنها آن را پیروی می کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم آیا اگر پدران ایشان عقل نمی داشتند و هیچ چیز نمی فهمیدند و راه بجایی نمی بردند باز هم پیرویشان می کردند؟" (بقره: ۱۷۰)

حضرت زینب سلام الله علیها نمونه بارز انسان موحدی که در پذیرش توحید، به دور از تقلید از دیگران و با نگاهی متفکرانه قائل به وحدانیت خدا بودند. ماجرای از دوران کودکی ایشان نقل شده است که زینب سلام الله علیها در کودکی در دامن پدر می نشست و حضرت علی علیه السلام با مهربانی به او علم دین آموزش می داد آنگاه که فرمود نور دیده! بگو یک! چون گفت. فرمود: بگو دو تا! زینب ساکت شد، فرمود: صحبت کن نور دیده من! عرض کرد: پدر عزیزم! زبانی که به گفتن "یک" گردش کرد چگونه کلمه دو تا را بر زبان آورد؟ حضرت علی علیه السلام او را به سینه چسباند و بوسید. (محللاتی، ۱۳۴۹: ج ۳، ص ۵۴)

روایت بیانگر نگرش توحیدی حضرت زینب سلام الله علیها نسبت به وحدانیت خداوند است که با وجود سن کمی که داشتند اما در اثر تربیت الهی و توحیدی والدین پاکشان، حتی در لفظ قائل به شریک قرار دادن برای خدا نشدند. زبانی که به یک باز شد به تعبیری یعنی انسانی که به فهم توحیدی رسید و طعم وحدانیت و قدرت مطلقه الهی را چشید، کسی را غیر از خدا نمی بیند که بخواهد از او یاد کند.



## تعهدات تفکر توحیدی در زندگی

از نظر مقام معظم رهبری، توحید علاوه بر یک بینش و برداشت از یک واقعیت، یک شناخت عمل‌زا و زندگی‌ساز است. اگر قبول کنیم توحید، عقیده‌ای است که متضمن تعهد و مسئولیتی است، باید این مسئولیت‌ها و حدود و قلمرو آن را شناخت. تعهد توحید منحصر در فرد نیست بلکه شامل جامعه هم می‌شود.

به بیانی تعهدی که توحید به یک جامعه موحد می‌دهد شامل مهم‌ترین، کلی‌ترین، بزرگ‌ترین، اولی‌ترین، اساسی‌ترین مسائل یک جامعه است. توحید مانند یک قطعنامه‌ای است که دارای موادی است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین مفاد و تعهدات تفکر توحیدی در دو نکته خلاصه می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۱۹۲-۱۹۳)

### ۱. نفی عبودیت غیرخدا

طبق اندیشه مقام معظم رهبری، توحید دارای قطعنامه است که دارای موادی است. اولین ماده قطعنامه توحیدی این است که انسانها حق ندارند هیچ کس و هیچ چیز جز خدا را عبودیت و اطاعت کنند. " أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ ای فرزندان آدم شیطان را عبودیت نکنید" (یس: ۶۰)

زیرا عبادت غیرخدا، منافی است با آن هدفی که خدا برای آن هدف انسان را خلق کرده است. یعنی منافی با تکامل انسان است.

توحید فقط عبارت نیست از اعتقاد به خدا؛ توحید عبارت است از اعتقاد به خدا، و کفر به طاغوت؛ عبودیت خدا، و عدم عبودیت غیر خدا؛ «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...» (آل عمران: ۶۴) نمی‌گوید «لا نُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا» - البته یک جایی هم «احدًا» دارد، اما اینجا اعم از آن است - می‌فرماید: «و لا نشرك به شيئا»؛ هیچ چیزی را شریک خدا قرار ندهید. یعنی شما اگر از عادات بی‌دلیل پیروی کنید، این برخلاف توحید است؛ از انسانها پیروی کنید، همین جور است؛ از نظامهای اجتماعی پیروی کنید، همین جور است - آنجائی که به اراده‌ی الهی منتهی نشود - همه‌ی اینها شرک به خداست، و توحید عبارت است از

اعراض از این شرک. «فمن یکفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی»؛ (بقره آیه ۲۵۶) کفر به طاغوت وجود دارد، بعدش هم ایمان به خدا. خب، این معنایش همان آزادی است. یعنی شما از همه ی قیود، غیر از عبودیت خدا، آزادید. (بیانات در چهارمین نشست اندیشه های راهبردی ۲۳/۸/۱۳۹۱ ۲۱۴۷۱-۲۳/۸/۱۳۹۱) (<https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=۲۱۴۷۱>)

بر مبنای اندیشه مقام معظم رهبری سرپیچی کردن از هوای نفس، شرط توحیداست، پس در عمل، دو وظیفه وجود دارد: یکی اطاعت از خدای متعال و عبودیت پروردگار عالم، و دوم سرپیچی از اطاعت «انداد الله» (بقره: ۲۲) هر آن چیزی که می خواهد در قبال حکمروایی خدا، بر انسان حکمروایی کند. ذهن انسان فوراً به سمت این قدرتهای مادی و استکباری می رود؛ البته اینها مصادیقش هستند؛ اما یک مصداق بسیار نزدیکتر دارد و آن، هوای نفس ماست. شرط توحید، سرپیچی کردن و عدم اطاعت از هوای نفس است. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۲/۹/۳۷۹) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۳۹>)

یکی از ثمرات تفکر توحیدی حضرت زینب اهمیت دادن به عبادت خدای تعالی است. ایشان در طول عمر خود همواره پایبند و عامل به این سنت رسول خدا بودند تا جایی که در سخت ترین شرایط و دیدن بزرگ ترین مصیبت ها، این سیره و سنت نیکو را ترک نگفتند.

از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمود عمه ام زینب الله علیها با تمام مصیبت هایی که بر ما وارد شده بعد از کربلا تا شام هیچگاه نوافل خود را ترک نکرد. (محللاتی، ص ۲۹)

در جای دیگری می فرماید: همانا عمه ام زینب سلام الله علیها همه نماز های واجب و مستحب خود را در طول مسیر ها از کوفه به شام ایستاده می خواند و در بعضی از منازل نشسته می خواند و این بخاطر گرسنگی و ضعف او بود زیرا سه شب بود که غذایش را بین اطفال تقسیم می کرد زیرا آن مردمان سنگ دل شبانه روز یک قرص نان بیشتر نمی دادند (محللاتی، ص ۳۰)

اما نکته قابل توجه در اندیشه مقام معظم رهبری این است که؛ منظور از عبادت، گاهی به این معناست که فردی را مقدس بدانیم مثل بت هایی که در طول تاریخ پرستش می کردند. اما گاه

عبادت به معنی اطاعت هر کسی به صورت مستقل و بدون هیچ قید و شرطی. اطاعت غیر خدا، عبادت اوست و توحید خالص می گوید منحصر از خدا اطاعت کند.

این نکته در زندگی حضرت زینب سلام الله علیها آنچنان عیان است که در تمام دوران حیاتشان خود را عبد و مطیع کسی قرار نداده و بالاتر از آن در جایی که اطاعت از بنده همان اطاعت از خداست، با کمال خضوع و تواضع خود را تحت فرمان ولی امر خود قرار می دادند.

عین همین کار را زینب کبری سلام الله علیها کرد؛ در حالی که زینب کبری سلام الله علیها، رهبر این حرکت هم نبود. اما رهبر آن حرکت از او خواست و او هم بی قید و شرط، اطاعت کرد: تصمیم گرفت، به راه افتاد، و همه چیز - حتی خانواده - را رها کرد. عجیب این است! حضرت زینب، خانه و شوهر و زندگی و همه چیز را برای انجام این تکلیف بزرگ و فداکارانه که حیات اسلام به آن وابسته بود و بایستی انجام می گرفت، رها کرد. اینها، آن شاخصهای برجسته اند. زن مسلمان، همه‌ی وظایف مهم زن را می تواند در عرض هم انجام دهد؛ و همه را از زینب کبری سلام الله علیها یاد بگیرد. هم طهارت و تقوا را - که بزرگترین خصوصیت یک زن است - و هم عزت و کبریای مخصوص زنان را در وادی ایمان و تقوا. در روایات است که تکبیر از همه کس بد است مگر از زن در مقابل مرد بیگانه. زن باید حالت کبریا داشته باشد و نباید حالت خضوع و تسلیم بر او مستولی شود. این هم نمونه‌ی بزرگ دیگر، که زینب کبراست. زن مسلمان، از هر طرف که ملاحظه کند، زینب کبری را شاخص می بیند. زینب کبری از لحاظ علمی، یک عالمه‌ی معروف به علم در جامعه‌ی اسلامی آن روز بود (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران ۱۳۷۴/۷/۱۲) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۱۱۹>

## ۲. نفی طبقات اجتماعی

دومین تعهد توحید، نفی طبقات اجتماعی است. جامعه توحیدی یک جامعه بی طبقه است و گروه‌های انسانی در آن بر حسب مزایا و حقوق از یکدیگر جدا نشدند و همه انسانها زیر یک سقف حقوقی زندگی می کنند. همه در یک مسیر و با یک نوع امکانات و حقوق زندگی و حرکت می کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۲۱۰-۲۱۴)

اختلافات طبقاتی یعنی یک عده محکومند به این که محرومیت بکشند و رنج ببرند و عده ای دیگر برخوردار و بهره مند باشند.

خالق و معبود و مدبر امور همگان خداست، این یک حرف اسلامی است زیرا اگر ما قائل به دو خدا شویم اولین تاثیر این است که دو گروه در اجتماع به وجود می آیند. اما وقتی یک خدایی هستیم یعنی مردم جامعه هم یک صنفند و یک گروه.

یکی از تلاش های فراوانی که حضرت زینب (سلام الله علیها) در طول عمر خویش خصوصا در واقعه عاشورا و بعد از آن داشت مبارزه با تفکر طبقات اجتماعی بود.

خطبه هایی که در دفاع از حقانیت اسلام و ظلم ستیزی داشتند. ایستادگی در برابر عده ای دنیا زده و دنیا طلب که با انباشتن ثروت مردم مظلوم برای خود، کاخ ها و قدرتهای کذایی به دست آورده بودند. و این قدرت واهی چنان آنان را مغرور ساخته بود که در برابر حجت خدا و دین اسلام قدم علم کرده بودند و از هیچ گونه ظلم و ستمی دریغ نورزیده بودند.

### تأثیرات روانی توحید

داشتن تفکر توحیدی طبق بیانات قرآنی مقام معظم رهبری دارای تاثیرات روانی بر فرد است. (خامنه ای، ۱۳۹۲: ص ۲۲۶-۲۲۹)

#### ۱. برخورداری از وسعت افق دید

انسان موحد دارای وسعت افق دید می شود از تنگ نظری ها و کوتاه بینی ها آسوده است. آدم موحد افق دیدش در مسائل مادی و نیازهای مادی خلاصه نمی شود.

یکی از ویژگیهای بارز حضرت زینب سلام الله علیها که از ثمرات زندگی موحدانه ایشان است برخورداری از وسعت افق دید داشتن در تمام مسائل است. اما متأسفانه اکثر توصیفات در شخصیت ایشان منحصر به امور مقطعی است. رهبر بزرگ انقلاب در مورد این بعد شخصیتی حضرت زینب می فرماید: تلاش حضرت زینب سلام الله علیها فقط این نیست که از امام بیماری در کربلا حراست و پرستاری کرده است. حضرت زینب از روح کلی اسلام و جامعه آن روز مسلمین پرستاری کرد؛ پرستاری بزرگ او آن جاست. حضرت زینب در مقابل یک دنیا بدی، ظلم، بی انصافی، حیوان صفتی

و قساوت، یک تنه ایستاد. و با این ایستادگی، توانست از روح کلی اسلام حراست و پرستاری کند. همچنان که می گوئیم امام حسین علیه السلام اسلام را حفظ کرد، می توانیم دقیقاً ادعا کنیم که حضرت زینب سلام الله علیها هم با ایستادگی خود، اسلام را حفظ کرد. این ایستادگی، یک رمز و راز و یک عامل اصلی است. (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران ۱۳۸۰/۵/۳ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۷۵>)

در آن ساعتهای بحرانی که قوی ترین انسان ها نمی توانند بفهمند چه باید بکنند او فهمید و امام خود را پشتیبانی کرد و او را برای شهید شدن تجهیز نمود. بعد از شهادت حسین بن علی علیه السلام هم که دنیا ظلمانی شد و دل ها و جان ها و آفاق عالم تاریک گردید این زن بزرگ یک نوری شد و درخشید زینب سلام الله علیها به جایی رسید که فقط بالا ترین انسان های تاریخ بشریت یعنی پیامبران می توانند به آنجا برسند (خامنه ای، ۱۳۹۵: ص ۱۶۶)

انسان امروزی با الگو گرفتن از این شخصیت عظیم، از حصار در خود تنیدن و نگاه فردی به حقیقت توحیدی و عبودیت بیرون می آید و علاوه بر این که در سایه عبودیت شرایط نجات را برای خود فراهم می کند، نمی تواند و نمی خواهد که کل هستی از این نجات بی بهره بمانند. تمام دغدغه و نگرانی اش نجات تمام بشریت و راهیابی همه انسانها به حق و حقیقت است. هدف او همان هدف خدا و اولیای خدا خواهد شد و فکر او اعتلای کلمه توحید در سراسر هستی خواهد شد.

## ۲. ترس نداشتن از غیرخدا

تفکر توحیدی ریشه ترس را در انسان موحد می خشکاند "فلاتخافوهم و خافون؛ خداوند می فرماید: ریشه ترس از دیگران را دل خود بخشکانید و از من بترسید. (آل عمران: ۱۷۵)

کسی که از خدا ترسید از هیچ کس نمی ترسد. ترس است که دنیا و آخرت را از انسان سلب می کند مثلاً ترس از فقر مانع انفاق می شود، ترس از مبتلا شدن به ناراحتی و گرفتاری باعث می شود دست به جنایات بزند و مرتکب ذلت و خواری شود.

رهبر بزرگوار از این ویژگی شجاعانه حضرت زینب چنین یاد می‌کنند: در سخت‌ترین شرایط جنگ و اسارت، شجاعانه وارد شد و با اتکا به ایمان به قدرت الهی، حق را فریاد زد و به جرئت می‌توان گفت که اگر زینب کبری و امام سجاد شجاعانه و با اقتدار «مجاهدت نکرده بودند، نگفته بودند، تبیین نکرده بودند، حقایق را افشا نکرده بودند... واقعه عاشورا تا امروز جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی‌ماند.» (بیانات در دیدار اقدار مختلف مردم ۱۳۶۸/۶/۲۹)

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۸۶>)

ایشان از چنان شجاعتی برخوردار بودند که با اهل کوفه چنین سخن می‌گفتند: «یا اهل الکوفه، یا اهل الغدر و الختل»؛ ای خدعه‌گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل بیت هستید؛ اما در امتحان اینجور کم آوردید، در فتنه اینجور کوری نشان دادید. «هل فیکم الّا الصّلف و العجب و الشّنف و الکذب و ملق الاماء و غمز الاعداء»؛ شما رفتارتان، زیانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید... با این بیان قوی، با این کلمات رسا، آن هم در آن شرائط دشوار، اینگونه صحبت میکرد. اینجور نبود که یک عده مستمع جلوی حضرت زینب نشسته باشند، گوش فرا داده باشند، او هم مثل یک خطیبی برای اینها خطبه بخواند؛ نه، یک عده دشمن، نیزه‌داران دشمن دور و برشان را گرفته‌اند؛ یک عده هم مردم مختلف‌الحال حضور داشتند... حضرت زینب کبری با این عده‌ی ناهمگون و غیر قابل اعتماد مواجه است، اما اینجور محکم حرف می‌زند. این زن است که الگوست؛ الگو برای همه‌ی مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم. انقلاب نبوی و انقلاب علوی را آسیب‌شناسی میکند؛ می‌گوید شماها نتوانستید در فتنه، حق را تشخیص بدهید؛ نتوانستید به وظیفه‌تان عمل کنید؛ نتیجه این شد که جگر گوشه‌ی پیغمبر سرش بر روی نیزه رفت. عظمت زینب را اینجا میشود فهمید (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور ۱۳۸۹/۲/۱)

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۹۲۱۸>)

**نتیجه‌گیری**

در الگو پذیری از تفکر توحیدی حضرت زینب کبری سلام الله علیها، باید توجه داشت فاصله زمانی و تغییر و تحولات عالم دنیا نمی تواند مانع الگو پذیری شود. در حقیقت آنچه سبب الگو شدن یک انسان برای سایر انسانهاست، هم عصری نیست. بلکه ملاک حقیقی الگو شدن از نظر اسلام شخصیت و شاکله انسانی است.

از طرفی جنسیت، ملاک الگو شدن، نیست. بلکه شخصیت افراد که در تعابیر اسلامی از آن به روح یا نفس یاد می کنند ملاک است. از نظر اسلام حقیقت وجودی و ماهیت انسانها یک چیز است و هیچ موجودی بر دیگری برتری ندارد مگر به کمال نفس.

حضرت زینب سلام الله علیها با تلاش در به کمال رساندن شخصیت وجودی خود نمونه کامل یک الگو است. یکی از عرصه های الگو گیری از این انسان کامل در عرصه تفکر توحیدی است. جهان بینی توحیدی این بانوی بزرگ اسلام و به کار گیری این تفکر در مرحله عمل از ایشان شخصیتی با عزت و بصیرت وسیع ساخته که برای همه انسانها تا ابد الگو می باشند. انسان معاصر با آگاهی از سیره آن بزرگوار و به کار گیری این تفکرات در مرحله عمل بر حل بسیاری از مشکلات خود فائق می شود و مسیر کمال را طی می کند.

## منابع

۱. ابن منظور، جمال الدین، ۱۴۱۴ ه. ق، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، چ ۳
۲. التفاتی، اعظم و همکاران، ۱۳۹۱، حضرت زینب سلام الله علیها الگوی اندیشه ورزی و مسئولیت پذیری، همیاران جوان، چ ۱
۳. پسندیده، عباس، ۱۳۸۸، "معاصر سازی اسوه های دینی"، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۱، ش ۴۲
۳. حسینی، محمد، ۱۳۹۶، روانشناسی شخصیت از دیدگاه اسلام و غرب، قرآن صاعد، چ ۱
۴. خامنه ای، علی، ۱۳۹۵، آفتاب در مصاف (علل و ابعاد حادثه عاشورا برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای)، تهران انقلاب اسلامی، چ ۸
۵. خامنه ای، علی، ۱۳۹۰، زن و بازیابی هویت حقیقی [گزیده ی بیانات] حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای، به کوشش محسن کربلایی نظر، تهران، انقلاب اسلامی، چ ۲
۶. خامنه ای، علی، ۱۳۹۲، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، موسسه ایمان جهادی، چ ۲۹
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، چ ۲
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ه. ق، مفردات الفاظ القرآن، لبنان، دارالعلم
۹. عمید، حسن، ۱۳۹۲، فرهنگ فارسی عمید، تهران، فرهنگ نما، چ ۲
۱۰. فضل الله، محمد حسین، ۱۳۷۸، دریچه ای به دنیای جوانان، تهران، نشر گستر
۱۱. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱ ه. ش، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چ ۶
۱۲. محلاتی، ذبیح الله، ۱۳۴۹، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب السلامیه، چ ۱
۱۳. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۹، خداشناسی (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن ۱)، تحقیق و بازنگاری امیررضا اشرفی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۱۴. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، ۱۳۷۸، قم، دارالکتب الاسلامیه، چ ۳۶



۱۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای

(مدظله العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی - <https://farsi.khamenei.ir/others->

.note?id=۵۰۸۳۵

---

## خواب غفلت در دعای هشتم صحیفه سجادیه با تاکید بر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله)

---

لیلا پرون<sup>۱</sup>

### چکیده

غفلت از عوامل محرومیت انسان از سعادت در دنیا و آخرت و به طور کلی به معنی فراموشی و عدم توجه است. غفلت زیاد، حالتی را در انسان به وجود می‌آورد که شخص با وجود حضور مطلوب متوجه آن نیست. پس انسان باید خیلی به این رذیله اخلاقی توجه کند چرا که منشا خود فراموشی، دوری از هدف خلقت انسان و زمینه ساز بسیاری از گناهان است. از این رو موضوع این مقاله خواب غفلت در دعای هشتم صحیفه سجادیه با تاکید بر اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای (مدظله) است. جمع آوری اطلاعات و داده‌ها در آن به روش کتابخانه‌ای می‌باشد. مقام معظم رهبری با نگاه قرآنی، غفلت را درد بزرگ بشریت می‌داند. و اینکه انسان با رویگردانی از یاد خدای متعال، غرق در مظاهر دنیوی شده و کمتر به مرگ و زندگی اخروی فکر می‌کند و همین باعث غفلت انسان شده است. انسان باید با ذکر خداوند و انس با قرآن رابطه خود را با خدا زیاد کند و با یادآوری نعمت‌ها، شکرگذار خداوند باشد یعنی زمینه‌ای را فراهم کند که انسان به مراقبت و تقوی بپردازد و زیاد به مرگ و قیامت فکر کند. لذا با این دستوره‌های الهی که در آیات و روایات آمده و بزرگان دین به آنها سفارش کرده‌اند می‌توان خواب غفلت را درمان کرد.

**واژگان کلیدی:** غفلت، خواب، اندیشه قرآنی، آیت الله خامنه‌ای.

## مقدمه

از جمله رذایل اخلاقی که در آیات و روایات مورد نکوهش قرار گرفته، غفلت است. غفلت به عدم توجه و تذکر نسبت به چیزی و ترک آن معنا شده است. برای انسان هیچ دشمنی بزرگتر از غفلت نیست. زیرا در کلام الهی عامل هدر رفتن سرمایه‌ی عمر انسان ذکر شده است. از طرفی یکی از راهکارهای دشمن برای فریب دادن جوانان مسلمان امروزی غفلت و بی‌توجهی به مسائل در هر موقعیتی و شرایطی می‌باشد. از این رو آگاه شدن از عواملی که موجب غفلت می‌شوند و راهکارهای مقابله با آن اهمیت زیادی دارد و تحقیق در این باره ضروری است.

در رابطه با غفلت و موارد پیرامون آن از گذشته تا به امروز تحقیقات بسیاری شده است. از جمله تحقیقاتی که در دهه اخیر به تازگی نوشته شده، کتاب خواب غفلت آقای منوچهر علی پور چاپ سال ۱۳۹۶ است که در آن با آوردن حکایت و پندها درباره غفلت سعی کرده مردم را از پیامدهای غفلت آگاه کند.

در سال ۱۳۹۸ پایان نامه‌ای با موضوع غفلت و راههای مقابله با آن در صحیفه سجادیه توسط فاطمه گلستان ارائه شده است که به بررسی مفهوم غفلت، انواع علل و عوامل ایجاد غفلت و راه درمان آن از منظر امام سجاد (علیه السلام) پرداخته است. در این پایان نامه از منظر دیدگاه علمای امروزی بسیار کم پرداخته شده است.

و مقالات فراوانی به غفلت و ابعاد مختلف آن از منظر آیات و روایات نگاشته شده است مانند: مقاله آقای فاضل جلالی نوبری با عنوان ترسیم راهکارهای عملی و نقشه راه غفلت زدایی از انسان آخرت گرا در دنیا از دیدگاه حضرت امیر (علیه السلام) در نهج البلاغه است که در مجله مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی در شماره ۴۱ چاپ شده است و او غفلت را از منظر امام علی (علیه السلام) مورد بررسی قرار داده است.

بنابراین محققین فراوانی موضوع غفلت و ابعاد آن را مورد توجه قرار داده‌اند. ولی تحقیق و پژوهشی در این رابطه از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله) نگاشته نشده است. لذا در تحقیق حاضر با توجه به اهمیت مسئله، مفهوم غفلت، انواع آن و عوامل و درمان غفلت در دعای هشتم

صحیفه سجادیه با تاکید بر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله) مورد بررسی قرار گرفته است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و پردازش آن به صورت توصیفی است.

از جمله رذایل اخلاقی که در آیات و روایات مکرر انسان را به آن تذکر می‌دهند غفلت و بیدار شدن از خواب غفلت می‌باشد. امام سجاد (علیه السلام) در دعای هشتم صحیفه سجادیه می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هِيَجَانِ الْحَرِصِ، وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ، وَ غَلْبَةِ الْحَسَدِ، وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ، وَ قَلَّةِ الْقَنَاعَةِ، وَ شَكَاةِ الْخُلُقِ، وَ إِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ، وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَةِ، وَ مُتَابَعَةِ الْهَوَى، وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَى، وَ سِنَّةِ الْأَعْقَلَةِ،» (علی بن الحسین، ۱۳۸۰، دعای ۸، ص ۷۴)

بار خدایا به تو پناه می‌آورم از طغیان آز و تندوی خشم و چیرگی حسد و سستی صبر و کمی قناعت و بدی اخلاق و زیاده‌روی در شهوت و پافشاری در عصیان و پیروی هوا و هوس و مخالفت با هدایت و خواب غفلت.

اکنون در این مقاله به خواب غفلتی که امام سجاد (علیه السلام) از آن به خدا پناه می‌برد را از نگاه قرآنی مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای (مدظله) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## الف - معناشناسی کلمه سِنَّةِ الْأَعْقَلَةِ:

### ۱- کلمه سِنَّةِ در لغت و اصطلاح:

در مجمع البحرین کلمه السُّنَّةُ: به معنی چرت و سنگینی سر پیش از خواب و سنگینی چشم است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۲۵)

و در فرهنگ فارسی به حالتی توأم با آسایش و آرامش که بر اثر از کار بازماندن حواس ظاهر در انسان و حیوان پدید آید معنا شده است. (معین، ۱۳۸۴، ص ۴۲۳)

در نتیجه " سِنَّةِ " در لغت به سست شدن بدن هر جاندار در احوال خواب می‌گویند.

و در اصطلاح به معنای چُرت و نقطه مقابل ذکر و توجه و هوشیاری است. علامه طباطبایی می‌فرماید: کله سنه، به معنای خواب سبک و بقول ما «چرت»؛ یا به عبارتی نوم یعنی خواب عادی و معمولی است. (طباطبائی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۵۰۶)

## ۲- کلمه اَلْغَفْلَةُ در لغت و اصطلاح:

راغب اصفهانی کلمه غفلت را اینگونه معنا کرده است؛ غفلت آن سهوی است که از کمی حفظ و کمی توجه عارض شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۰۹)

و در کتاب التحقیق، غفلت به معنای عدم توجه و تذکر است. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۲۴۶)

و در زبان فارسی به معانی مختلفی همچون فراموش کردن، سهو، بی‌خبری، نادانی، بی‌توجهی، بی‌پروایی، سهل‌انگاری، بی‌اعتنایی و سستی آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۱۴۷۷۴)

پس غفلت چنانکه گفته شد عدم توجه و تذکر است. آیت الله خامنه‌ای (مدظله) درباره معنای غفلت می‌فرماید: «غفلت در اصطلاح به عدم توجه، فراموشی و حرکت بدون بصیرت است.»

(بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران - ۱۳۶۹/۱/۱۰ - <https://khl.ink/f/۲۲۸۶>) و کلمه مقابل آن را ذکر و تقوا یعنی به یاد بودن، به هوش بودن و متوجه بودن، دائم مراقب خود

بودن بیان کرده است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی - ۱۳۷۳/۱/۱ - <https://khl.ink/f/۲۷۰۸>) - (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی

تهران - ۱۳۷۵/۱۰/۲۸ - <https://khl.ink/f/۲۸۲۳>)

بنابراین مجموع این دو کلمه سنه غفلت یعنی انسان نسبت به چیزی بی‌تفاوت باشد و آن را ترک بکند حتی اگر یک لحظه هم باشد.

## ب- اهمیت و انواع غفلت

### ۱- اهمیت خواب غفلت

با توجه به تذکرات قرآنی که درباره غفلت بیان شده است و کلام ائمه اطهار (علیهم السلام) که از خواب غفلت به خدا پناه برده اند از موارد مهم اخلاقی - تربیتی است که باید به آن توجه

کرد. از طرفی خواب غفلت باعث فراموشی و به خواب رفتن فهم و اندیشه انسان و هدر رفتن سرمایه عمر انسان می شود. از این رو خواب غفلت رذیله‌ای بسیار پستی است که انسان را به سقوط می کشاند؛ و به قول قرآن کریم، انسان را به پستی می کشاند که حتی از حیوان هم پایین تر باشد؛ «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف، آیه ۱۷۹).

حقیقاً کثیری از جن و انس را برای جهنم آفریدیم؛ اینان قلب دارند، ولی حقایق را نمی فهمند؛ و چشم دارند، ولی نمی بینند. که سرانجام نافرمانی خدا چیست؛ و گوش دارند ولی نمی شنوند؛ - و خود را به کری می زنند- اینان همچون چهارپایان بلکه گمراه ترند؛ آنها غافلند.

با توجه به آیه قرآنی انسان اگر غفلت داشته باشد معنایش این است به همان اندازه نمی فهمد و نمی بیند و نمی شنود پس نباید حتی به اندازه سنه (چرت کوچک) غفلت داشته باشد و باید به خدا پناه برد.

امام سجاد (علیه السلام) در موارد متعددی در دعاهای خود از خواب غفلت به درگاه خداوند دعا می کنند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحَرِصِ... وَ سِنَّةِ الْغَفْلَةِ؛ بار خدایا! به تو پناه می آورم از طغیان آز و تندی خشم.... و خواب غفلت». (علی بن الحسین، ۱۳۸۰، دعای ۸، ص ۷۴)

و در دعایی دیگر می فرماید: «اللَّهُمَّ ... أَيْقِظْنَا عَنْ سِنَّةِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ...؛ بار خدایا! از خواب غفلتی که به سبب آن به شیطان روی آورده باشیم، بیدارمان گردان. (علی بن الحسین، ۱۳۸۰، دعای ۱۷، ص ۱۱۲)

علمای بزرگ اسلام با توجه به کلام الهی و سخنان اهل بیت (علیهم السلام) نیز از این رذیله خطر ناک به خداوند پناه برده و درباره اهمیت آن نکاتی را توصیه کرده اند؛ آیت الله خامنه‌ای (مدظله) در این باره می فرمایند: در دعای «اللَّهُمَّ فَاهِدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَ ارزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۵، ص ۳۸۹) به غفلت اشاره شده است. غفلت بزرگ‌ترین آسیب و دشمن انسان است؛ اولین دشمنی است که انسان‌ها را در مقابل دیگر دشمنان به خاک می نشاند، و در ادامه می فرماید: غفلت می تواند از مسیر و هدف،

دشمن، فرصت و وظیفه امروزی باشد. و نتیجه‌ی آن دور شدن از خداوند، هدف و سعادت است. «  
وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ». بنابراین غفلت خطر بزرگی برای سعادت انسان است؛ البته باید توجه کرد که خداوند در وجود همه‌ی انسان‌ها فطرت خدا جویی، عقل و بصیرت را قرار داده است و این یک امر فطری است به همین دلیل از هیچ کس غفلت یا بی‌توجهی پذیرفته نیست. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با معلمان و فرهنگیان - ۱۳۹۴/۲/۱۶ - <https://khl.ink/f/۵۱۱۶۹>)  
بنابراین انسان با یک دشمن پنهان و مروز مواجهه است که باید به وجود و پیامدهای آن اهمیت دهد و توجه داشته باشد که در مسیر و دام آن گرفتار نشود.

## ۲- انواع غفلت

بر اساس آیات قرآن غفلت چند نوع است ولی به طور کلی دو نوع غفلت نام برده شده است، غفلت گاهی عذر مقبول است و گاهی عذر مذموم است و عذر نیست.  
در صورتی که علت غفلت، عدم اتمام حجت باشد؛ عذر مقبول است، به عبارتی زمانی که قومی یک انذار کننده نداشته باشند که آنها را هدایت کند در این صورت خداوند غفلت آنها را می‌پذیرد و آنها را عذاب نمی‌کند. «ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ» (انعام، آیه ۱۳۱)؛ یعنی؛ انذار و ارسال رسل برای آن بود که خدا قریه‌ها را روی ظلمی که در حال غفلت می‌کنند هلاک نمی‌کند.

ولی در صورتی که علت غفلت، عدم دقت خود شخص باشد؛ مذموم است و عذر نیست. همان طور که در سوره اعراف، آیه ۱۷۹ در بخش اهمیت خواب غفلت به آن اشاره شد..

لذا غفلت و خواب غفلت بعد از اتمام حجت پذیرفته نیست و مورد مذمت قرار گرفته است.

در روایات نیز درباره مذمت غفلت احادیث زیادی بیان شده است: امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ غَفَلَ عَنِ حَوَادِثِ الْأَيَّامِ أَيْقَظَهُ الْحِمَامُ» هر که از حوادث روزگار غافل شود، دست تقدیر مرگ او را [از خواب غفلت] بیدار کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۶۵)

و در خطبه ۲۲۳ نهج البلاغه، بند سوم آن، در ابتدا با طرح چند سؤال به انسان درباره خواب غفلت هشدار می‌دهد: «ای انسان چه چیز تو را در مقابل پروردگارت مغرور کرده؟ آیا درد تو

درمان ندارد یا این خوابت بیداری ندارد. چرا آن گونه که به دیگران رحم می‌کنی به خودت رحم نمی‌کنی؟» و سپس در عبارتی کوتاه بی‌خبران را هشدار می‌دهد که با بیداری و هوشیاری و تصمیم و عزم راسخ از خواب غفلت برخیزند، و تا وقت نگذشته برای نجات خویش از چنگال معاصی که آتش خشم و غضب الهی را بر می‌افروزد، کاری نکنند و با یاد خداوند و اطاعت از او انس بگیرند.. ( شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، خطبه ۲۲۳، ص ۳۴۴)

رهبر معظم انقلاب نیز به سه نوع غفلت اشاره کرده است:

الف: غفلت از قرآن

قرآن ذکر است یاد آور انسان است اگر از قرآن غفلت کردیم ارتباط با خدا را قطع خواهیم کرد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت کنندگان مسابقات قرآن - ۱۳۹۰/۴/۱۴ - <https://khl.ink/f/۱۲۸۶۶>)

ب: غفلت از باور به مفاهیم قرآنی

غفلت از باور به مفاهیم قرآنی و اعتراف به آنچه که خدای متعال به ما در قرآن کریم وعده کرده است. وعده‌های الهی را باید باور کنیم. اگر وعده‌های الهی را باور کردیم، آن وقت راه به سوی عزت، وحدت و اقتدار در مقابل امت اسلامی باز خواهد شد، امت اسلام از عقب ماندگی نجات پیدا خواهد کرد. (همان).

ج: غفلت از دنیا

از دنیا غفلت کردن یعنی از مواهب حیات و مواهب زندگی غفلت کردن و به آن بی‌اعتنائی کردن؛ اقبال به مسائل اخروی و دینی، و بی‌توجهی به مواهب عالم حیات و استعدادهایی که خدای متعال در این عالم قرار داده است؛ این هم یکی از انحرافهاست. «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُمْ تَبَوَّأُوا لِنَفْسِهِمْ» (هود، آیه ۶۱) خدا شما را به آبادی زمین مأمور کرده است. آبادی یعنی استعدادهای بی‌پایانی که در عالم ماده وجود دارد را یکی یکی کشف کنند و آنها را در معرض استفاده‌ی انسان قرار دهند و انسان را به این وسیله به جلو هدایت کنند. اگر انسان در زندگی شخصی خود، مواهب حیات و نیازهای مادی را دست کم بگیرد و مورد بی‌اعتنائی قرار



بدهد؛ این هم در اسلام گفته نشده و خواسته نشده است؛ بلکه عکسش را به مردم سفارش کرده است. « وَقَالَ ع لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِأَخْرِيَّتِهِ وَلَا أَخْرِيَّتَهُ لِدُنْيَاهُ ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۲۱). اگر آخرت را به خاطر دنیا ترک کردید در این امتحان مردودید؛ اگر دنیا را هم به خاطر آخرت ترک کردید در این امتحان مردودید. این خیلی مهم است. (بیانات رهبر در دیدار استادان و دانشجویان کردستان - ۱۳۸۸/۲/۲۷ - <https://khl.ink/f/۶۹۱۷>)

بنابراین خداوند در کلام نورانی قرآن، غفلت و انواع آن را مذمت و تذکر داده‌اند و ائمه اطهار (علیهم السلام) و علماء دین اسلام از آن به خداوند پناه می‌برند.

### ج) عوامل غفلت:

در کلام الهی از انسان به عنوان «خلیفه الله» نام برده شده است؛ « وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً » (بقره/ آیه ۳۰)؛ یعنی انسان دارای استعدادهایی است که می‌تواند به این مقام والایی برسد، اما گاهی انسان از استعدادهای خود استفاده نمی‌کند. به عبارتی اعمال و رفتار خود را بدون دقت انجام می‌دهد و نسبت به حقایق دنیا و آخرت توجهی ندارد به نوعی دچار خواب غفلت می‌شود. از آنجا که خواب غفلت باعث هرگونه بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به سرنوشت و سعادت دنیا و آخرت انسان را شامل می‌شود لازم است به عوامل مهمی که باعث خواب غفلت می‌شود آگاه شود.

با توجه به آیات زیادی که خداوند درباره غفلت فرموده است؛ حضرت آیت الله خامنه‌ای با استناد به این آیات به چند عامل مهم غفلت اشاره کرده است.

### ۱- روی گردانی از یاد خدا

از منظر کلام الهی یکی از عوامل مهمی که باعث غفلت می‌شود روی گردانی از یاد خداست؛ «لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا» (جن، آیه ۱۷)، تا در این باره آنان را بیازماییم و هر کس از یاد پروردگار خود دل برگرداند، وی را در قید عذاب (روز) افزون در آورد. بزرگان دین می‌گویند چه عذابی دردناکتر از غرق در مادیات و دچار خواب غفلت شدن می‌تواند باشد. چرا که یکی از اسباب مهم امتحان الهی، نعمت فراوان است، آزمایش به وسیله «نعمت»

از آزمایش به وسیله «عذاب» سخت‌تر و پیچیده‌تر است، زیرا طبیعت فراوانی نعمت، سستی و تبلی و غفلت و غرق شدن در لذت‌ها و شهوات است، و این درست چیزی است که انسان را از خدا دور می‌سازد و میدان را برای فعالیت شیطان آماده و انسان را دچار غفلت می‌کند تنها کسانی می‌توانند از عوارض نامطلوب فراوانی نعمت در امان بمانند که بطور دائم به یاد خداوند باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۳۰۳)

خداوند در سوره منافقون، به یک نمونه از عوامل غافل شدن و روی گردانی از خدا به صورت جزیی پرداخته است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تَلٰهٰكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَلٰمَ أَوْلَادِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ». (منافقون / آیه ۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید، [زنهار] اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگرداند، البته کسانی که در اثر توجه به امور دنیا از یاد خدا غافل می‌شوند، آنها، همان زیانکاران هستند. خداوند در این آیه می‌فرماید: ای اهل ایمان متوجه و مراقب باشید که اموال و اولاد که زینت زندگی دنیا هستند، قلب شما را اشغال نکنند بطوری که از یاد و ذکر خدا غافل شوید و از ایمان به جز گفتار بی‌کردار و ادعای بدون تصدیق قلبی چیزی برایتان نماند، و این امر خسارتی آشکار است. چون که سرمایه عمر و نفس خود را از کف داده‌اند و به جای هدایت ضلالت را خریده‌اند. (طباطبائی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۵۵)

رهبر انقلاب در باره غفلت و روی گردانی از خدا این گونه می‌فرماید: رها کردن دل به جاذبه‌ها و مغناطیس‌های مادی که به سرعت و آسانی قابل جذب است بسیار خطرناک است و همین‌ها انسان را از یاد خدا دور می‌کند؛ دل را دچار خودشیفتگی، غرور و غفلت می‌کند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار استادان و دانشجویان کردستان - ۱۳۸۸/۲/۲۷ - <https://khl.in/kf/6917>) پس روی گردانی از خدا باعث بی‌توجهی یا خواب غفلت در انسان می‌شود.

## ۲- فراموش کردن خدا

دومین عامل که مکرر در قرآن آمده است فراموش کردن خداست؛ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ» (حشر، آیه ۱۹)

و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کرده اند و او (نیز) آنان را دچار خود فراموشی کرد، آنان همان بدکاران هستند.

علاوه بر کلام خداوند، ائمه اطهار (علیهم السلام) به این موضوع اشاره کرده اند: امام سجاد (علیه السلام) در دعای سی و چهارم صحیفه سجادیه به این نکته پرداخته «... وَلَا تَسْمِنَا الْعَفْلَةَ عَنَّكَ، اِنَّا اِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَ مِنْ الدُّنُوبِ تَائِبُونَ؟ (خداوندا) ما را به غافل ماندن از خودت گرفتار مکن که اشتیاق ما به سوی توست.» (علی بن الحسین، ۱۳۸۰، دعای ۳۴، ص ۲۰۱)

در اصل کسی که خدا را فراموش کند، اهداف حکیمانه‌ی خدا در مورد آفرینش انسان را فراموش خواهد کرد و هر که هدف خلقتش را فراموش کند بی‌هدف و بی‌قانون، غرق در شهوات می‌شود لذا اهداف و عملکردش سلیقه‌ای و مطابق تمایلات خودش می‌شود. چنین فردی رهبران الهی و راه الهی را فراموش می‌کند، دنبال هر طاغوتی می‌رود، در میان صدها راه دیگر گنج شده و به بی‌راهه می‌رود دوستان ناباب او را به بازی می‌گیرند در نتیجه دچار غفلت می‌شود و عمر، سرمایه و استعدادش را هدر می‌دهد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۵۶۲)

لذا انسان باید در تمامی لحظات توجه داشته باشد که از یاد خدا غافل نشود چرا که شهوت نفس و دوستان ناباب در کمین او هستند و با کوچکترین بی‌توجهی به خواب غفلت گرفتار می‌شود و سرمایه‌های خود را از دست خواهد داد.

رهبر انقلاب اسلامی درباره غفلت از خدا می‌فرماید: انسان‌ها بر اثر غفلت از خدای متعال - که روح هستی و حقیقت هستی است - و از حقیقت خود غافل می‌شوند؛ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ» (حشر، آیه ۱۹). امروز درد بزرگ بشریت این است. انسانها با غفلت از خدای متعال، از خودشان هم غافل شده‌اند. حقیقت انسان، نیازها و اهداف خلقت انسان در زندگی مادی به کلی از یاد رفته است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران حج - ۱۳۸۳/۹/۳ - <https://khl.in/k/3264>)

پس انسان همیشه باید توجه داشته باشد که این خطر بزرگ غفلت، ریشه در فراموش کردن خداوند دارد.

### ۳- فراموش کردن روز حساب و حسرت در آن روز

با توجه به آیات و روایات فراوانی که در مورد قیامت و حسابرسی آن روز وارد شده است بعضی از انسان‌ها نسبت به این مسئله بی‌اهمیت بوده و همین زمینه فراموشی و خواب غفلت را در او به وجود می‌آورد. خداوند در سوره ص، خطاب به حضرت داوود می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَصْلُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص، آیه ۲۶). در حقیقت، کسانی که از راه خدا به در می‌روند، به سزای آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت؛ حال که ما تو را خلیفه خود کردیم پس تو بین مردم به حق حکم کن و در داوری میان آنها از هوای نفست پیروی مکن که هوای نفس، تو را از راه خدا که همان سبیل حق است گمراه می‌کند. و در مقام تعلیل این نهی می‌فرماید: پیروی از هوای نفس و گمراهی از راه خدا باعث می‌شود انسان از روز حساب غافل شود و فراموش کردن و بی‌اعتنایی به روز قیامت هم عذابی شدید به دنبال خواهد داشت. (طباطبائی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۲۹۴)

بنابراین هیچ گمراهی و معصیتی جدا از فراموش کردن روز حساب نیست، و ریشه همه معاصی غفلت از یاد قیامت است.

امام سجاد (علیه السلام) در دعای پنجاه و سوم صحیفه سجادیه نیز به این نکته اشاره کرده است و می‌فرماید: «يَا غَفَلْتِي عَمَّا يُرَادُ بِي، اَي وَايَ بَرِّبِي تَوْجِهِي وَغَفَلْتِ مَن نَسَبْتِ بِي بِأَنَّهُ كَانَ فِي رِزْقِي وَ قِيَامَتِي مِنْ خَوَاسِئِي» (علی بن الحسین، ۱۳۸۰، دعای ۵۳، ص ۳۲۳)

لذا انسان باید با درس گرفتن از آیات و روایات در تمام عمر خود به حسابرسی اعمال در قیامت توجه داشته باشد. چرا که با فراموش شدن روز حساب و قیامت، انسان دچار گرفتاری سخت در روز قیامت خواهد شد. حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: اگر انسان از ساعت عمر خود استفاده نکند روزی مایه‌ی حسرتش خواهد شد و به آیه ۳۹ سوره مریم اشاره می‌کنند: «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»؛ آنان را از روز حسرت بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می‌یابد! و آنها در غفلت مانده‌اند و ایمان نمی‌آورند! یعنی در میانه‌ی غفلت و ناپاوری، فرصت‌ها از دست می‌رود، این غفلت مایه‌ی حسرت خواهد شد. آن وقت هم

دیگر گذشته است؛ «اذ قضی الأمر»؛ آن روز انسان متوجه می شود که دیگر نمی شود فایده ای برای او ندارد و نمی تواند کاری انجام دهد.

و در ادامه با پرداختن به سخن مرحوم آقای میرزا جواد آقای ملکی (رضوان الله علیه) در کتاب شریف «مراقبات» در مورد ساعات شب ليله القدر به توضیح غفلت می پردازند و می فرماید: «فاعلم یقیناً انک ان غفلت عن مثل هذه الکرامه و ضیعتها باهمالک»؛ اگر انسان غفلت کند، این فرصتها را از دست بدهد، و رأیت یوم القیامه مانال منها المجتهدون». وقتی روز قیامت اعمال انسان ها را حاضر می کنند در آنجا صورت ملکوتی اعمال انسان ها حضور می یابد، آنگاه می بینید همین عملی که می توانسته انجام بدهد و نداده است در آن روز، از آن ثواب محروم است. «ابتلیت بحسره یوم الحسره»؛ در این زمان و حالات است که انسان دچار حسرت می شود؛ «التي تصغر عندها نار الجحیم و العذاب الالیم»؛ این حسرت آنقدر سخت است، که مثل سرب گداخته در درون انسان سرازیر می شود. «فتنادی فی ذلك الیوم مع الخاسرین النادمین» «یا حسرتاً علی ما فرطت فی جنب الله» (زمر، آیه ۵۶)؛ آن زمان می گوید: افسوس بر من، از کوتاهی هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم، آن روز دیگر پشیمانی هم فایده ای ندارد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام - ۱۳۹۱/۵/۳ - <https://khl.ink/f/۲۰۵۲۴>)

با توضیحاتی که خداوند و ائمه اطهار (علیهم السلام) درباره حسابرسی روز قیامت فرموده اند انسان باید قبل از هر کاری به روز قیامت و پاسخگویی اعمال در آن روز توجه بسیاری داشته باشد و بداند که روز قیامت نمی تواند هیچ عمل بدی را جبران نماید و از طرفی عذاب های سختی برای فردی که روز قیامت را فراموش کرده و در هوای نفسانی خود فرو رفته، آماده شده است که بسیار شدیدتر از آتش جهنم است.

#### ۴- فراموش کردن مرگ:

قرآن کریم در آیات متعددی از مرگ سخن گفته و اشاره کرده است که یکی از عوامل مهم غفلت در انسان، فراموش کردن مرگ است؛ خداوند در این باره می فرماید: «الْقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَ كَفَبَصْرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق/آیه ۲۲)؛ به او می گویند واقعا که از این

حال سخت در غفلت بودی، ولی ما پرده‌ات را از جلوی چشمانت برداشتیم و دیده‌ات امروز تیز است.

طبق کلام الهی پرده‌های جهان ماده، آمال و آرزوها، عشق و علاقه به دنیا، زن و فرزند و مال و مقام، هوسهای سرکش و حسادت‌ها، تعصب و جهل و لجاجت به انسان اجازه نمی‌دهد که امروز - فرا رسیدن مرگ - را از همان زمان بنگرد، با این که نشانه‌های معاد و رستاخیز روشن بود و دلایل آن آشکار! امروز یعنی با فرا رسیدن مرگ و رفتن به قیامت با اینکه گرد و غبار غفلت فرو نشسته، حجاب‌های جهل و تعصب و لجاج کنار رفته، پرده‌های شهوات و آمال و آرزوها دریده شده، آنچه در پرده غیب پوشیده بوده ظاهر گشته است دیده‌ات باز شده و از خواب غفلت بیدار شده ای. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص ۲۷۵)

خداوند مکرر درباره عمر محدود انسان در دنیا و آشکار شدن اعمال انسان بعد از مرگ تذکر داده است و به انسان سفارش کرده است که همیشه به یاد مرگ باشد و در این دنیا از خواب غفلت بیدار شود به آینده ای جاویدان بعد از مرگ فکر کند.

رهبر انقلاب (مد ظله) با توجه به کلام نورانی قرآن درباره یاد مرگ و خواب غفلت می‌فرماید: مشکلات عمده‌ی انسان‌ها به خاطر رغبت در دنیا از مال و ثروت و تجمل و زیبایی‌ها و قدرت و اعتبار و مانند این‌ها است؛ رغبت به این دنیا به این مظاهر دنیوی است که انسان را می‌لغزاند البته این مظاهر دنیا بد نیستند؛ «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»، (کهف، آیه ۴۶)؛ هیچ کسی برای داشتن مال یا داشتن فرزندان و خانواده و از این قبیل تویخ نشده است؛ بلکه آن چیزی که [به ما] ضرر می‌زند میل افراطی و شدید به این مظاهر است؛ اشکال عمده‌ی ما انسان‌های ضعیف در زندگی دنیا، عشق و رغبت زیادی به دنیا است؛ انسان زمانی که غرق در مظاهر دنیوی شود کمتر به مرگ و زندگی اخروی فکر می‌کند و همین باعث غفلت انسان نسبت به قیامت و روز حسابرسی می‌شود. (بیانات مقام معظم رهبریدر دیدار با کارگزاران نظام - ۱۳۸۶/۶/۳۱ - <https://khl.ink/f/۲۳۴۰۲>)

پس انسان اگر به دیده عبرت در آیات الهی بنگرد خواهد دانست که فراموشی مرگ باعث می‌شود انسان در خواب غفلت فرو رود.

## د) درمان غفلت

### ۱- ذکر خدا:

از جمله راهکارهای الهی درمان غفلت، ذکر خداست؛ «إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادُّرُّ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا» (کهف، آیه ۲۲)؛ مگر آن که خدا بخواهد و چون فراموش کردی، پروردگارت را باز به یاد آور و بگو امید که پروردگار مرا به حقایقی بهتر و علمی برتر، هدایت کند.

انسان مؤمن همیشه باید در پی بهتر کردن رابطه اش با خدای خویش باشد. یکی از راههای ارتباطی بین انسان و پروردگار متعال، ذکر و یاد خداست یاد خدا جایگاه ویژه‌ای در میان آسمان و زمین دارد.

قرآن کریم در سوره اسرا آیه ۴۴ می‌فرماید: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»؛ آسمان‌های هفت گانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیزی نیست مگر آن که با ستایش او را تسبیح می‌گوید، و لکن شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید.

و این نشان از اهمیت ذکر و یاد خدای رحمان را روشن می‌سازد؛ یعنی همه عالم دائم در یاد او هستند و او را تسبیح و تقدیس می‌کنند؛ اگر ما نیز دائم تسبیح گوی او باشیم در جریان عمومی عالم شرکت داشته‌ایم کمتر دچار غفلت می‌شویم و اگر غافل شویم زیان کرده‌ایم.

رهبر معظم له در این باره به آیه ۴۱ سوره احزاب اشاره می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»، قرآن بعد از تشکیل جامعه‌ی ایمانی و بعد از جنگ بدر و احد و جنگهای متعدد به مسلمانها خطاب می‌کند که: «اذكروا الله ذكرا كثيرا»؛ خدا را ذکر کثیر کنید. ذکر به معنی یاد و در مقابل غفلت و نسیان است. به عبارتی وقتی انسان غرق در حوادث و پيشامدهای گوناگون می‌شود از مطلب اصلی غفلت می‌کند. و در ادامه با ذکر حدیثی از ابی عبدالله می‌فرماید: «عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: ما من شیءٍ إلَّا و له حدٌّ ینتهی إلیه»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، جلد ۲، ص ۴۹۸). همه‌ی فرائض و احکام الهی حدی دارند، که وقتی به آن حد رسیدند، تکلیف تمام می‌شوند، مانند

ماه رمضان که تمام می شود، این فریضه به مرز خودش می رسد؛ «و شهر رمضان فمن صامه فهو حده»؛ زکات، خمس و حج نیز اینگونه هستند والحجّ فمن حجّ فهو حده»؛ اما ذکر خدا اینگونه نیست حد ندارد؛ «الّا الذّکر فانّ الله عزّ و جلّ لن یرض منه بالقلیل و لم یجعل له حدّاً ینتهی الیه»؛ خدا به ذکرِ قلیل راضی نشده است؛ حدی برای آن قرار نداده است که بشود به آن حد رسید. و در پایان می فرماید: عمل، فکر و عقاید، خلیات و صفات انسان می تواند ظلمانی باشد، و برعکس؛ می تواند نورانی باشد؛ زمانی که دنیا طلبی بر ملتی غالب شود این ظلمات است؛ لذا حرکت، جهت و هدف هم ظلماتی می شود. اما زمانی که، معنویت، انسانیت، فضائل اخلاقی بر ملتی غالب شود، هدف ها نورانی می شود. اسلام و قرآن، انسان را به این جهت دعوت می کنند. از این رو ذکر خدا انسان را از خواب غفلت و فرو رفتن در ظلمات نجات می دهد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام - ۱۳۸۶/۶/۳۱ - ۳۴۰۲ - <https://khl.ink/f/3402>)

لذا طبق آیات و روایات انسان باید سعی کند در همه حال ذکر خدا را داشته باشد. اما در پاره‌ای از مواقع انسان ممکن است در حالتی باشد که از یاد خدا شرم کند. در یکی از مناجات‌ها حضرت موسی (علیه السلام) به خدا عرض می کند «یا رَبِّ إِنِّي أَكُونُ فِي حَالٍ أُجَلِّكَ أَنْ أَذْكَرَكَ فِيهَا»

پروردگارا، گاهی من در حالت‌هایی هستم که تو را بزرگ می دارم و شرم می کنم از اینکه در آن حال تو را یاد کنم.

از جانب خداوند متعال چنین خطاب رسید: «يَا مُوسَى اذْكَرْنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ»؛ ای موسی، در هر حالی [که هستی] مرا یاد کن. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۹۷)

اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر این موضوع تاکید کرده اند. امام سجاد (علیه السلام) در دعای بیستم صحیفه سجادیه، فراز بیست و نهم می فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ بَنِيهِ لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ» خدایا مرا متوجه کن در زمانهای غفلت با یاد خودت متوجه کن. (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۰، دعای ۲۰، ص ۱۵۵)



رهبر انقلاب در این رابطه می‌فرماید: یاد خدا با تضرع، پشتوانه‌ی همه‌ی خیرات و همه‌ی برکاتی است که انسان می‌تواند در این مهلت زندگی به دست بیاورد. یاد خدا نباید فقط اختصاص به دوران‌های سخت داشته باشد بلکه انسان باید زمانی که دغدغه و نگرانی مادی هم ندارد، یاد خدا را در دل نگه دارد. خدای متعال در قرآن، مکرر به انسان‌ها تذکر می‌دهد که چرا وقتی دچار سختی می‌شوید، توجه پیدا می‌کنید؛ وقتی شدت برطرف شد، غفلت پیدا می‌کنید. «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» (عنکبوت/آیه ۶۲) هنگامی که بر سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند)؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می‌شوند»

و در سوره‌ی مبارکه‌ی یونس آیه ۱۲، نیز این موضوع بیان شده است؛ «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زِينٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» هنگامی که به انسان زیان (و ناراحتی) رسد، ما را در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است، می‌خواند؛ اما هنگامی که ناراحتی را از او برطرف ساختیم، چنان می‌رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده بود، نخوانده است! این گونه برای اسرافکاران، اعمالشان زینت داده شده است که زشتی این عمل را درک نمی‌کنند»

رهبر معظم له می‌فرماید انسان وقتی دچار سختی است، دعا و تضرع می‌کند؛ اما وقتی مشکل برطرف شد، به گونه‌ای رفتار می‌کند که گویا از خدا و اهل بیت (علیهم السلام) چیزی نخواسته و عنایتی به او نشده است این غفلت محض است. لذا در همه حال باید رابطه‌ی قلبی بین انسان و خدا وجود داشته باشد؛ این ضامن حرکت تکاملی و تعالی انسان است؛ که می‌تواند انسان را به آن هدف اصلی آفرینش برساند اگر این توجه به خدا باشد، ناامیدی، بازگشت به عقب و توقف در عرصه‌های گوناگون حیات وجود ندارد. (بیانات مقام معظم‌هبری در دیدار با مسئولان نظام -

پس بهترین درمان غفلت ذکر خداست. به عبارتی یاد و ذکر خدا روح را نورانی و پاک می کند انسان در پرتو این نورانیت، به بینش و بصیرت الهی مجهز می گردد از این رو حقایق را دریافت می کند که از خواب غفلت رهایی یابد.

## ۲- انس با قرآن:

امروزه انسان در معرض حملات روحی و روانی قرار دارد و نگرانی‌های فراوانی او را احاطه کرده است از طرفی وحشت‌تنبهایی در همه حال انسان را تنها نمی گذارد. از این رو به شدت نیازمند انیس و مونس است که در کنار او آرامش یابد. قرآن کریم مونس است که در شرایط عادی و نیز در بحران‌ها و سختی‌های زندگی می تواند بهترین همدم انسان باشد؛ و او را از خواب غفلت بیدار کند؛ «كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ. فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرَهُ» (مدثر، آیات ۵۴-۵۵) چنین نیست، قرآن، در حقیقت، پند و یادآوری است، تا هر که خواهد از آن پند گیرد.

در این آیه به نکته مهم، یادآوری به انسان به وسیله قرآن کریم بیان شده است و این یادآوری باعث آگاهی انسان به حقایق و دوری از باطل می شود در حقیقت انسان را از غفلت دور می کند. امام سجّاد (علیه السلام) بر این مطلب تاکید کرده است و می فرماید: «لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِي؛ اگر همه مردم ما بین مشرق و مغرب بمیرند و هیچ موجودی بر روی زمین زنده نماند و من تنها باشم، وقتی قرآن با من باشد، هرگز از تنهایی وحشت نمی کنم. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۰۲)

وقتی انسانی با دوستی مانند قرآن مونس و همنشین شود هرگز دچار خواب غفلت نخواهد شد چون که قرآن نور و هدایت است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «همانا این قرآن کتابی است که در آن جایگاه نور هدایت و چراغ‌های شب تار است. پس شخص تیزبین باید که در آن دقت کند و برای پرتوش نظر خویش را بگشاید، زیرا که اندیشیدن زندگانی دل بینا است، چنانچه آن که جوایب روشنی است در تاریکی‌ها به سبب نور راه پیماید. (وسائل شیعیه، ج ۲، ص ۱۷۰)

بنابراین طبق آیات و روایات قرآن بهترین عامل بیداری انسان در دنیا است و انسان باید همیشه با آن انس داشته باشد.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: یکی از نام‌های مبارک قرآن «ذکر» است. در قرآن کریم، در چند آیه، «ذکر» به کار برده شده و مراد، قرآن است؛ «وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ» (انبیاء، آیه ۵۰) یا «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حشر، آیه ۹)؛ قرآن ذکر است و این معنای مصدری قرآن است؛ ذکر وسیله‌ی ارتباط و به معنی یاد است؛ از این رو قرآن، ما را به یاد می‌آورد. به عبارتی در نهایت یادآوری است. انسان برای به فعلیت رساندن باطن عالی‌رتبه‌ای که خداوند به او عطا کرده است باید با خدا ارتباط برقرار کند و از او یاد کند؛ بهترین وسیله ارتباط کلام الهی خود خدا، قرآن است لذا اگر این ارتباط را فراموش کند و یادی از خدا نکند، غفلت حاصل خواهد شد. (بیانات مقام معظم رهبری در محفل انس با قرآن کریم - ۱۴۰۱/۱/۱۴ - <https://khl.ink/f/۴۹۹۸۳>)

لذا برای رهایی از خواب غفلت بهترین روش انس با قرآن است.

### ۳- یاد آوری نعمت‌ها

خداوند بخشنده، نعمت‌های فراوانی به انسان عطا کرده است. توجه کردن به نعمت‌های الهی موجب می‌گردد انسان به حمد و ثنای پروردگار بپردازد و از خداوند یاد کند. اما غفلت و فراموشی آفت بزرگی است که زمینه را برای ناسپاسی فراهم می‌سازد از این رو یاد نعمت‌های خدا بر مؤمنان لازم است زیرا هم نوعی شکر است، هم غرور و غفلت را از انسان دور می‌نماید و هم عشق انسان را به پروردگار می‌افزاید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أُنْزِلُوا إِلَيْكُمْ فَأَيَّدِيَهُمْ فَأَيَّدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (مائده، آیه ۱۱)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خداوند را بر خودتان یاد کنید، آنگاه که جمعی (از دشمنان) قصد داشتند به سوی شما دست تعدی دراز کنند (و شما را نابود سازند)، اما خداوند دست آنان را از شما کوتاه کرد و از خدا بترسید و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل کنند.

مفسران در تفسیر این آیه می‌فرمایند: دفع خطرات دشمن، مانند غفلت از نعمت‌های خداست. «فَكْفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ»؛ به عبارتی انسان با با تقوا و توکل و ایمان، لطف خدا را به خود جلب و خطر دشمنان را دفع می‌کند؛ «فَكْفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» همان گونه

که به خاطر گناه، خداوند دشمن را بر انسان مسلط می‌کند، توجّه به خدا هم موجب دفع دشمنان است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۵۳)

لذا اگر انسان می‌خواهد که از دست دشمن قسم خورده خود یعنی شیطان رهایی یابد وجودش را خواب غفلت در بر نگیرد. یکی از بهترین راه‌ها یاد کردن نعمت‌های الهی و شکرگزاری و سپاس از خداوند است.

رهبر انقلاب نیز به یادآوری نعمت‌ها و شکرگذاری پرداخته است ایشان می‌فرمایند: خدا نعمتی به انسان می‌دهد، اما انسان از دهنده‌ی نعمت و از اصل نعمت غافل می‌شود و تصور می‌کند که این خود اوست که توانسته این نعمت، این موقعیت و این فرصت را به دست آورد؛ یا به اصل نعمت توجه نمی‌کند غفلت کردن از اصل نعمت، چیزی است که خیلی از انسان‌ها دچارش هستیم؛ یا به نعمت خدا مغرور شدن، که غرور ملازم با سقوط است و وقتی انسان غرور پیدا کرد، ساقط می‌شود؛ این‌ها کفران نعمت است. لذا انسان باید از دهنده نعمت و اصل نعمت غافل نشود و همیشه شکرگذار باشد شکر، چند پایه‌ی اصلی دارد: اول، شناختن نعمت و توجه پیدا کردن به آن است. خود شکر، یک نعمت است. وقتی انسان خدا را شکر می‌کند، این شکر موجب ذکر می‌شود؛ خود شکر انسان را ذاکر می‌کند. انسان را متوجه خدا می‌کند؛ وقتی انسان شکر می‌کنید، نعمت را می‌شناسد و موقعیت را درک می‌کند؛ امکانی را که خدا در اختیار شما گذاشته است، به یاد می‌آورد. (بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه - ۱۳۹۸/۱۰/۲۷ - <https://khl.ink/f/44695>)

بنابراین یادآوری نعمت‌ها و شکر آن باعث بیداری انسان از خواب غفلت می‌شود.

#### ۴- یاد مرگ و قیامت:

خداوند روح انسان را جاودانه قرار داده است و انسان با مرگ به سوی جهان آخرت می‌رود. به همین خاطر انسان نباید این سیر و مسافرت آخرت را نادیده بگیرد و لازم است در این دنیا خود را برای سرای جاودانه آماده کند و از خواب غفلت بیدار شود تا مرگ او فرا نرسیده است؛ «أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ»؛ هر جا باشید، مرگ شما را در می‌یابد. (نساء، آیه ۷۸)

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ بدانید، خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند! ما آیات خود را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید. (حدید، آیه ۱۷)

خداوند در آیات بسیاری به یاد مرگ و روز قیامت برای بیدار شدن انسان از غفلت اشاره کرده است؛ «وَقِيلَ الْيَوْمَ نَسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ». (جاثیه، آیه ۳۴)

خداوند در این آیه می‌فرماید و به آنان گفته شود: امروز ما شما را به فراموشی می‌سپاریم، همان گونه که شما دیدار امروزتان را به فراموشی سپردید، جایگاه شما آتش است و برای شما هیچ یاورى نیست.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان درباره این آیه می‌فرماید: واژه «نسی» کنایه از اعراض و بی‌توجهی است در قیامت به کفار و مجرمان خطاب می‌شود، امروز ما به شما توجهی نمی‌کنیم همانطور که شما در دنیا از یاد خدا و قیامت بی‌توجه بودید پس در قیامت هیچ یاورى نخواهید داشت تا عذابتان را تخفیف دهد، خداوند اینگونه آنان را به حال خود وامی‌گذارد. (طباطبایی، ۱۳۸۸، جلد ۱۸، ص ۲۷۵)

با این تذکر و تنبیهی که خداوند در این آیه به آن اشاره کرده انسان باید از خواب غفلت بیدار شود و با یاد مرگ و روز قیامت خود را برای آخرت آماده کند. و به این مسئله توجه داشته باشد وقتی که انسان در تمامی لحظات عمرش به یاد خداوند و قیامت باشد خداوند نیز یاد آخرت را در وجود او زنده نگه می‌دارد و این سبب می‌شود چنین شخصی به معرفتی دست پیدا خواهد کرد که راه حقیقت الهی را تشخیص دهد و نسبت به حیات دنیا و زینت آن جاهلانه رفتار نکند.

از نظر رهبر معظم انقلاب، انسان بهتر است یاد مرگ را در ذهن خود افزایش بدهد؛ «فَأِنَّهُ لَمْ يُكْثِرْ ذِكْرَهُ إِنْسَانٌ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا»؛ هیچ انسانی نیست که یاد مرگ در او زیاد باشد مگر اینکه نسبت به دنیا بی‌ربط شود لذا یکی از راه‌های علاج غفلت ذِکْرُ الْمَوْتِ، «أَكْثَرُ ذِكْرِ الْمَوْتِ»، ذکر

موت است؛ (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان نظام - ۱۳۹۴/۴/۲ -

<https://khl.ink/f/۳۰۰۶۹>)

اگر انسان مرگ را یاد کند. از خواب غفلت بیدار می‌شود و به فکر آخرت و قیامت خواهد بود؛ قیامت واقعه‌ی عظیمی است. انسان باید از قیامت بترسد و همیشه آن را در ذهن خود داشته باشد و به ذکر آیه شریفه می‌پردازد: «يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ». (شوری، آیه ۱۸). کفار قریش به پیغمبر می‌گفتند: قیامت و جهنمی که ما را از آن میترسانی، کجاست؟ قرآن می‌فرماید: «والَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا»؛ کسانی که ایمان دارند، از قیامت بیمناکند. قیامت حقیقتاً این‌گونه است. باید از قیامت ترسید، و همیشه از آن یاد کرد؛ قیامت، روز عرضه شدن بر خداست؛ «و عرضوا علی ربک صفًا». انسان با حقیقت باطن خود و ملکات راسخه‌ی نفس در مقابل خدای متعال آشکار می‌شود دیگر هیچ پرده پوشی وجود ندارد؛ خود انسان خودش را محکوم می‌کند. روز جزا، روز پاسخگویی انسان در مقابل خدای متعال است؛ اگر انسان بخواهد راه درست را پیدا کند باید به فکر قیامت و محاسبه‌ی الهی باشد. (بیانات مقام معظم رهبری، سی

روز - سی گفتار - ۱۳۹۰/۶/۳ - <https://khl.ink/f/۱۷۰۸۰>)

بنابراین یاد مرگ و قیامت یکی از راهکارهای قرآنی است که به انسان تذکر می‌دهد همواره به یاد نعمتهای بهشتی و عذاب‌های جهنمی باشد، به این نکته توجه داشته باشد که تمام اعمالش به زودی در قیامت محاسبه خواهد شد. لذا انسان سعی می‌کند هدف اصلی در این دنیا را فراموش نکند، دلبسته به حیات زودگذر دنیوی نشود، خود را برای آن سفر ابدی آماده سازد. در نتیجه یاد مرگ و قیامت باعث دوری از غفلت و بیدار شدن انسان می‌شود.

## ۵- تقوا

یکی از توصیه‌های مهمی که خداوند در قرآن مدام آن را به انسان یادآوری می‌کند تا از غفلت‌های یابد سفارش به تقوا بوده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر تقوای الهی پیشه کنید، خداوند برایتان فرقانی (قوه‌ی شناخت حق از باطلی) قرار می‌دهد. یعنی دیده بصیرت می‌دهد تا به انسان بتواند راه حق را از باطل

تشخیص دهد. تقوی در اصل به معنی حفظ و نگهداری نفس است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل واژه «وقی») یعنی انسان تمام دستورات خداوند را انجام دهد و از آنچه خداوند نهی کرده است پرهیز کند. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: تقوای الهی داروی بیماری‌های دل انسان است که سبب بینایی قلب‌ها، شفای امراض جسمانی، اصلاح فساد جان‌ها، پاکیزگی از آلودگی ارواح، جلای نایبایی چشم‌ها، امنیت در برابر اضطراب‌ها و روشنایی تیرگی‌های وجود انسان می‌شود. (شریف الرضی، خطبه ۱۹۸، ص ۳۱۲).

با توجه به کلام الهی و سخنان اهل بیت (علیهم السلام)، تقوا باعث دوری نفس انسان از گناه می‌شود به عبارتی وقتی انسان تقوا را رعایت کند و از محرّمات الهی دوری کند خداوند نیز برکات الهی از جمله بیداری از غفلت را به او عطا می‌کند تا وقتی که نا آگاهانه در محیط گناه قرار می‌گیرد گناه نکند.

رهبر معظم له نیز با توجه به آیات الهی برای درمان غفلت، مسلمانان را به رعایت تقوا سفارش و تشویق کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: خیلی از لغزشهایی که از انسان انجام می‌دهد، بر اثر عدم مراقبت انسان از نفس است. انسان بسیاری از گناهان را با قصد قبلی انجام نمی‌دهد؛ بلکه غفلت می‌کند. انسان اگر مراقب رفتار و اعمال خود در همه حالات باشد بسیاری از خطاها و گناهان بزرگ و کوچک را انجام نمی‌دهد. و در ادامه توضیح می‌دهد؛ اگر فردی مراقب دل خود باشد، حسد، بدخواهی، کینه، بخل، طمع به مال دنیا و غیره در دل او رسوخ نمی‌کند. از این رو امکان انجام دادن گناه از او بسیار کم می‌شود. لذا این مراقبت و تقوا، مادر همه‌ی نیکی‌هاست؛ وقتی انسان از نفس خود مراقبت کند، فکر او بیکار نمی‌ماند؛ دل هم به راه کج نمی‌رود؛ جوارح و اعضای نیز خطا و لغزش پیدا نمی‌کند یا کم پیدا می‌کند لذا دنیا و آخرت زیر سایه‌ی تقواست؛ این درس امیرالمؤمنین است؛ «أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي هِيَ الزَّادُ وَبِهَا الْمَعَادُ زَادٌ مُبْلَغٌ وَمَعَادٌ مُنْجِحٌ دَعَا إِلَيْهَا أَسْمَعُ دَاعٍ وَوَعَاهَا خَيْرٌ وَأَعِمْ دَاعِيَهَا وَفَارِزٌ وَأَعِيهَا عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مُحَارِمَةٌ وَالزَّمَّتْ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتُهُ حَتَّى أَسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ وَ...» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۱۴، ص ۱۵۴). (پند و اندرز به مردم) امروز ما به این درس نیاز داریم؛ نه فقط امروز، بلکه همیشه

نیازمندیم. تا از غفلت دوری کنیم. (بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه - ۲۸ / ۵ / ۱۳۸۴ -

<https://khl.ink/f/۳۳۰۲>

بنابراین خداوند حکیم تقوا را وسیله ی رستگاری و بیداری انسان از غفلت قرار داده است و راهکارها ی رسیدن به آن را به مسلمانان معرفی نموده است. تا انسان نسبت به طاعت اوامر الهی و ترک معصیت آگاهی پیدا کند و بتواند با رعایت تقوا راه حق را از باطل تشخیص دهند و از خواب غفلت بیدار شود .

### نتیجه گیری

یکی از رذایل اخلاقی که در آیات و روایات به آن تذکر داده شده غفلت است رهبر معظم انقلاب نیز با استناد بر آنها به آفت بزرگ غفلت و بیداری از خواب غفلت توصیه ها و توضیحاتی بیان کرده اند . با توجه به کلام الهی و سخن بزرگان که در این زمینه گفته اند. ریشه همه گناهان انسان، غفلت است ما باید به سه نوع غفلت؛ غفلت از قرآن ، غفلت از باورها و مفاهیم قرآنی و غفلت از دنیا توجه کنیم. امروز درد بزرگ بشریت خواب غفلت است. انسان ها با رویگردانی از یاد خدا از خودشان هم غافل شده‌اند. به عبارتی با فراموش کردن خدا از حقیقت انسان و اهداف خلقت دور می شوند و کسانی که هدف خلقت را فراموش کنند با بی‌هدفی، غرق در شهوات می شوند. پیروی از هوای نفس و شهوات باعث می شود انسان از مرگ و روز حساب غافل شود. بنابراین هیچ گمراهی و معصیتی جدا از فراموش کردن روز حساب نیست، پس انسان اگر عاقلانه در آیات الهی بنگرد خواهد توانست با ذکر و یاد خدا و همچنین انس با قرآن از غفلت نجات یابد. زیرا ذکر وسیله ی ارتباط است و قرآن در نهایت یادآوری خداوند و نعمت های الهی است. از طرفی شناختن نعمت و توجه پیدا کردن باعث شکر گزاری انسان می شود. وقتی انسان خدا را شکر کند، خود شکر، انسان را ذاکر و متوجه خدا می کند؛ کم کم انسان به فکر مرگ و روز حساب می افتد هیچ انسانی نیست که یاد مرگ در او زیاد باشد مگر اینکه نسبت به دنیا بی رغبت می شود و آن زمان تقوا را رعایت می کند عاقبت نیک، در سایه ی این مراقبت و تقوی به دست می آید.



انسان با ذکر، تقوی و شکرگزاری خدا، خطر خواب غفلت را دفع و این زذیله اخلاقی را درمان می‌کند. در اصل این مسیر و راهکارهای الهی ضامن حرکت تکاملی و تعالی انسان است.

## منابع و مأخذ :

- ۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، نشر دارالعلم، چاپ: اول.
- ۲- طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، نشر مرتضوی، چاپ: سوم.
- ۳- مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، قاهره، چاپ: سوم.
- ۴- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، نشر: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
- ۵- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الأنوار، بیروت، نشر: الاسلامیه، چاپ: دوم.
- ۶- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، تهران، نشر: الإسلامیه، چاپ: چهارم.
- ۷- علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، ۱۳۷۶، الصحیفه السجادیه، قم، نشر: نوید اسلام، چاپ: اول.
- ۸- شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم، نشر: هجرت، چاپ: اول.
- ۹- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غررالحکم ودرر الکلم محقق و مصحح: رجائی، مهدی، ناشر: دار الکتب الإسلامی، تهران، چاپ دوم.
- ۱۰- طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۸۸، المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات: دفتر انتشارات اسلامی-وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ ۲۸.
- ۱۱- مجلسی، محمد باقر، ۱۳۸۸، حلیه المتقین، قم، نشر: مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم.
- ۱۲- معین محمد، ۱۳۸۴، فرهنگ لغت، تهران، نشر ساحل، چاپ سوم.
- ۱۳- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا، ۱۳۸۶، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم احمد علی بابایی، دارالکتب اسلامیه تهران، چاپ اول.
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه (دهخدا)، تهران: دانشگاه تهران.

۱۶- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.  
https://farsi.khamenei.ir -/۱۱/۶/۱۴۰۱

---

## راهکارهای ایجاد حضور قلب در نماز در اندیشه‌های رهبری

---

فاطمه رشیدی<sup>۱</sup> - محمدحسین محمدی<sup>۲</sup>

### چکیده:

عبادت، هدف آفرینش انسان ها و وسیله رسیدن انسان هابه قرب الهی است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات-۵۶) و غرض این بوده که خلق، عابد خدا باشند، نه اینکه خداوند معبود خلق باشد، چون فرموده "الایعبدون" یعنی: تا آنکه مرا پرستند، و فرموده: تا من پرستش شوم یا تا من معبودشان باشم و نماز به عنوان بهترین عبادت و متعالی ترین ذکر در دین اسلام است که مقبولیت سایر عبادات منوط به قبولی و کمال نماز است و حضور قلب در نماز از شرایط کمال نماز و مقبولیت نماز به شمار می آید. حضور قلب به معنای توجه قلبی به خداوند است یعنی انسان از آنچه که می گوید و در ذهنش جاری می شود غافل نباشد و در حال نماز خود را در مقابل یگانه معبود جهان هستی ببیند. لذا با کشف راهکارهای ایجاد حضور قلب در نماز می توان نمازی مقبول و با آثار و برکات فراوان مشاهده کرد که مصداق «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت-۴۵) باشد. ضرورت این بحث آنجا روشن خواهد شد که نماز می تواند در همه اعمال انسان چه فردی و چه اجتماعی تاثیر گذار باشد، نمازی که با حضور قلب خوانده شود روح انسان را با نیازهای ذاتی او آشنا می کند و ریشه ی کبر و فخر را از درون او می خشکاند. این نوشتار به روش کتابخانه ای و جمع آوری مطالب از طریق سایت ها تلاش دارد راهکارهای ایجاد حضور قلب در نماز را در بیانات رهبری تحلیل و توصیف نماید. نتایج این مقاله نشان می دهد از دیدگاه مقام معظم رهبری، حضور قلب در نماز منجر می شود انسان مهار ذهن خود را محکم بچسبید که این طرف و آن طرف نرود و دل او رقیق شود و صفای باطنی و نورانیت و حالت نیاز پیدا کند به طوری که قبل از نماز فرد با بعد از نمازش متفاوت باشد و این نماز برای او معراج المومن خواهد بود ان شاء الله.

**کلیدواژه‌ها:** حضور قلب در نماز، نماز در اندیشه های رهبری، راهکارهای حضور قلب، شرایط

کمال نماز، نماز مقبول

---

۱ دانشجویارشد مدرسی معارف قرآن و حدیث، دانشگاه معارف. frshydy۷۱۹@gmail.com

۲ استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه. mhmtafsir@yahoo.com

## مقدمه

نماز به عنوان متعالی ترین عبادت، شرط قبولی دیگر اعمال است. نمازی موجب قبولی سایر عبادات می شود که خود آن نیز مقبول حق واقع شده باشد. طبق روایات متعدد، شرط قبولی نماز، اقبال قلب و توجه باطنی انسان به خداست و اگر نماز بدون حضور قلب خوانده شود از درجه اعتبار ساقط می شود.

حضور قلب یعنی هنگام نماز، قلب فقط نزد نماز باشد نه مشغول به امر دیگری که او را از نماز غافل کند. لذا انسان باید در وقت عبادت، زبان و قلبش هماهنگ باشد و گرنه با غفلت و نسیان قلب به هیچ وجه اعمال خیر در روح انسان اثر نمی گذارند.

همانطور که پیامبر اکرم فرمودند: «وقتی نماز گزار قلبش را در نماز همراه بدنش حاضر نکند، خداوند به نماز نظر نمی کند.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۳۵۱)  
وقتی حضور قلب در نماز وجود نداشته باشد نمازی که باید نهی کننده از فحشا و منکرو وسیله عروج مومن و تقرب انسان پرهیز کار باشد، برای او حاصلی ندارد و اثری از نماز در زندگی فرد دیده نمی شود.

همانگونه که نماز بدون رعایت احکام و شرایط، باطل است مراعات نکردن آداب باطنی و قلبی نماز نیز موجب عدم پذیرش نماز است.

از قرآن کریم استفاده می شود که نماز درامت های پیشین هم بوده همه پیامبران از حضرت آدم تا حضرت خاتم نماز می خوانند اما از چگونگی آن اطلاعی در دست نیست. بحث از حضور قلب در نماز نیز از زمان پیدایش نماز مطرح است و کتاب هایی در بحث عوامل ایجاد حضور قلب، موانع حضور قلب و..... نوشته شده از جمله: آداب الصلاه از امام خمینی، اسرار الصلاه از ملکی تبریزی، صلاه الخاشعین از دستغیب، اسرار الصلاه از جوادی آملی، این است نقش عبادت از محمد باقر صدر....

مقاله حاضر در صدد آن است که به روش کتابخانه ای و جمع آوری مطالب از طریق سایت ها راهکارهای ایجاد حضور قلب در نماز را در بیانات رهبری تحلیل و توصیف کند.

## مفهوم شناسی

### مفهوم حضور قلب

مقصود از حضور قلب در نماز این است که قلب را خالی گرداند از غیر چیزی که با آن تکلم می نماید یعنی دلش و فکرش مشغول نماز باشد و حواسش متوجه کلمات و هرگاه دید فکرش جای دیگری سیر میکند توجه به نماز کند.

### معنای لغوی حضور قلب

حضور قلب: اطمینان خاطر (شهید ثانی، ۱۴۰۰ ق، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۵)، احساس وجود خدا در همه جا (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷ ش، ج ۳ ص ۳۱۳)، فارغ ساختن دل از غیر کاری که به آن مشغول است (نراقی، ۱۳۷۸ ش، ص ۸۴۴).

### معنای اصطلاحی حضور قلب

عبارت حضور قلب از دو کلمه حضور و قلب تشکیل شده است.

کلمه حضور، مصدر و از ریشه حضر می باشد، به معنای آوردن یا حاضر کردن یا حاضر بودن چیزی، و ضد کلمه غیاب به کار می رود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۹۶ - احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۵)

کلمه قلب نیز به معنای لطیفه ای است ربانی و روحانی که با قلب جسمانی تعلق و ارتباط معنوی دارد و گاهی از آن تعبیر به دل و گاهی تعبیر به نفس و گاهی تعبیر به روح و گاهی هم تعبیر به انسان می شود و همین دل است که درک کننده اشیاء و عالم و عارف به معنی و اسماء است. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۴۸)

و مراد از حضور قلب خالی بودن دل از غیر نماز و حضور دل نزد افعال و اقوال آن است. در این صورت است که فعل و قول مقرون به علم بوده و چنین نخواهد بود که انسان عملی از اعمال نماز را بجا آورد در حالیکه فکرش به جای دیگری مشغول است و اگر چنین باشد حضور قلب حاصل شده است. (ملکی تبریزی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۹)

## مفهوم نماز

نماز، فعلی عبادی است به منظور دعا و نیز تعظیم الهی انجام می شود و یکی از مشترکات ادیان الهی است، هرچند شکل و نحوه انجام آن در ادیان مختلف متفاوت است، نماز در قرآن با واژه صلاه مشخص شده است در واقع نماز واژه ای فارسی است که ایرانیان برای واژه صلاه عربی به کار بردند.

## معنای لغوی نماز

عبادت، پرستش (محمد معین، ۱۳۸۲)، پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت (عمید، ۱۳۶۳)

## معنای اصطلاحی نماز

نماز واژه ای است که در زبان اوستایی از ریشه «نمه» به معنای میل و گرایش، کرنش، خم شدن، درود و ستایش است (بهرامی، ۱۳۶۹، ص ۸۳۰) وجود واژه نماز، هم در اوستا و هم در متون مقدس هندی، مانند رامایانه گواه آن است که اولاً این واژه متعلق به اقوام آریایی بوده و از قدمت بسیاری برخوردار است و ثانیاً اینکه اصطلاح نماز خطاب به خداوند و به منظور تکریم و پرستش به کار می رفته است. این به جهت ریشه تاریخی این کلمه بود، اما نماز در فارسی امروز ترجمه واژه صلاه در عربی است و به همان معنا اراده می شود. صلاه نیز مصدری است بروزن «فَعَلَهُ» که قبل از اسلام به معنای دعا به کار می رفت اما بعد این معنا به عملی مخصوص تعلق یافت که باتکییره الاحرام آغاز و باتسلیم در برابر خداوند پایان می پذیرد. و نماز را به علت دعاهایی که در آن است صلوه نامیده اند (زبیدی، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۶۰۷) «وَالصَّلَاةُ الَّتِي هِيَ الْعِبَادَةُ الْمَخْصُوصَةُ اَصْلُهَا الدُّعَاءُ سُمِّيَتْ هَذِهِ الْعِبَادَةُ بِهَا كَتَسْمِيَةِ الشَّيْءِ بِاسْمِ بَعْضِ مَا يَتَّصِفُ بِهِ». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴، ص ۲۹۳).

بنابراین چون نماز مشتمل بر کمک خواهی از خداست آن را صلاه نامیده اند چرا که انسان با استعانت از خداوند و نماز نرم و انعطاف پذیر می گردد.

## اهمیت حضور قلب در نماز از منظر آیات و روایات

اهمیت خشوع و حضور قلب در نماز در آیات و روایات بسیار است از جمله آنها فرموده خداوند: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه ۱۴) نماز را برای یاد من بپا دار. اَقِم فعل امر است و ظهور در وجوب دارد لذا کسی که در همه نمازش غافل و بی توجه است چگونه می تواند نماز را برای یاد و ذکر خداوند بپا دارد. و همچنین آیه «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» (نساء ۴۲) تابانید که (در نماز) چه می گوئید. این آیه نیز بیانگر نهی از ورود به نماز است در حالیکه غرق در مقاصد و سوسه ها و افکار دنیوی هستید. و نیز می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (ماعون ۵ و ۴) وای بر نماز گزاران، آنان که از نماز خود غافل اند. خدای متعال در این آیه نماز گزارانی را که در نمازهای خود حضور قلب ندارند و دچار غفلت می شوند، نکوهش می کند، نه کسانی را که به کلی نماز را ترک می کنند.

رسول اکرم (ص) می فرماید: «اعبد الله كأنك تراه فان لم تكن تراه فانه يراك» (دیلمی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲۸) خدای را پرستش کن آنسان که گویی او را می بینی اگر تو او را نمی بینی بی تردید او تو را می بیند. و همچنین فرمودند: «وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَّا يَحْضُرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۱۰۶) خداوند نماز بنده ای که قلبش با بدنش همراه نیست را قبول نمی کند.

فرمایش امام باقر (ع) نیز در اهمیت نماز و حضور قلب در نماز اینچنین است: «ان اول ما يحاسب به العبد الصلاه فان قبلت قبل ما سواها ان الصلاه اذا ارتفعت في وقتها الى صاحبها وهي بيضاء مشرقة، تقول: حفظتني حفظك الله واذا اذتفعت في غير وقتها بغير حدودها رجعت الى صاحبها وهي وسوداء مظلمة تقول ضيعتني ضيعك الله» (طوسی، ۱۴۰۶ش، ج ۲، ص ۲۳۹) (نخستین چیزی که در قیامت از بنده محاسبه می شود نماز است اگر نماز پذیرفته شود دیگر عبادت هائیز پذیرفته می شود. اگر نماز در وقت خود به آسمان بالا رود به سوی صاحبش برمی گردد در حالی که سفید و نورانی و می گوید: تو آداب مرا رعایت کردی خداوند تورا مراعات کند و اگر در غیر وقت خود و بدون آداب و شرایط بالا رود به سوی صاحبش برمی گردد در حالی که تیره و تار است و می گوید: تو مرا تباه ساختی خداوند تورا تباه سازد.)



از آیات و روایاتی که به اختصار نقل کردیم استفاده می شود که قبولی نماز مشروط به توجه قلبی به خداوند و روی گرداندن از غیر اوست و چون قبولی نماز موجب قبولی سایر اعمال است اهمیت حضور قلب در نماز به خوبی روشن می شود.

### اهمیت حضور قلب در نماز از دیدگاه علماء

شهید ثانی درباره توجه و مراقبت و فروتنی و حضور قلب در نماز میگوید: «در تمام حالات قیام (در نماز) به یاد آور که زیر نظر و مراقبت حضرت احدیت هستی، تصور کن که مرد شایسته ای از خویشاوندانت تو را زیر نظر دارد و میخواهی که او تو را به نیکی بشناسد پس همه اعضا و جوارحت را به خضوع و خشوع و میداری و مراقب رفتار خود میشوی زیرا بنده ضعیفی تو را مبیند که میخواهی او، تو را به نیکی و صالح بشناسد. اگر به خاطر مراقبت و مواظبت بنده ای ناتوان رفتار خود را تغییر میدهی پس چگونه است که همواره تحت مراقبت و مواظبت خدای قاهر و قادر هستی و مواظب خویش نمیشی؟! پس خود را سرزنش کن و بگو: ای نفس! چگونه ادعای خداشناسی میکنی در حالی که برای نگاه بنده ای مسکین و ناتوان حیا میکنی و از نگاه خدای متعال حیا نمیکنی؟ آن بنده مسکین هیچ قدرتی بر جلب منفعت یا دفع ضرر از تو ندارد ولی این خدای قادر و قاهر، خالق و موالی توست. همه خیرها به دست اوست و دفع همه شرها به وسیله اوست. از محضر رسول اکرم پرسیدند: چگونه باید از خداوند حیا کرد؟ حضرت فرمودند: از او حیا میکنی چنان که از مرد شایسته ای از قوم خود حیا میکنی (شهید ثانی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۴-۱۲۵).

علامه مهدی نراقی درباره اینکه حضور قلب، مقصود اصلی نماز است، میگوید: «غرض اصلی از عبادات و طاعات، پالایش نفس و روشن و صاف کردن جان است، پس هر عملی که تأثیر آن در صفا دادن و شفاف ساختن دل بیشتر باشد، برتر است. وشکی نیست که آنچه موجب صفا و جلای نفس و تجرد و زدودگی آن از کدورتها میشود جز با حضور قلب نیست، و خود حرکات ظاهری چندان مدخلیتی در صفای دل ندارند، و چگونه حضور قلب و خشوع، روح نماز نباشد و کمال نماز به آن بسته نباشد و حال آنکه نماز گزار در نماز ودعای خود در مقام مناجات با

پروردگار است؟ بدون تردید سخنی که از روی غفلت سرزند، مناجات نیست. و همچنین کلام، آشکار ساختن آن چیزی است که در ضمیر آدمی است، و این جز با حاضر بودن دل ممکن نیست. پس کسی که با دل غافل می‌گوید: «اهدنا الصراط المستقیم» خواستار چیست؟ و نیز شک نیست که مقصود از قرائت و اذکار، همانا ثنا و حمد و تضرع و دعاست، و مخاطب خدای تعالی است، پس هرگاه دل بنده با پرده غفلت پوشیده باشد و او را نبیند و مشاهده نکند، بلکه از مخاطب خود غافل باشد، و زبان خویش به حکم عادت بجنابند، چقدر از مقصود دور است؟ نمازی که برای پاک و روشن ساختن دل و تجدید یاد خدا و رسوخ ایمان تشریح شده است! این حکم قرائت و ذکر است (بدیعی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴)

### اکسیر نماز

طبق فرمایش رهبرانقلاب، امام خامنه‌ای، نماز با حضور قلب مانند اکسیر، دل انسان را عوض می‌کند. اکسیر، ماده‌ی کیمیایی است که مس را طلا می‌کند، در صورتی که این نماز با توجه (توجه به معنا) باشد دل ما اگر از مس هم باشد اکسیر نماز آن را به طلا تبدیل می‌کند. (امام خامنه‌ای، بیانات دردیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش آموزان، ۱۳۸۶/۲/۱۹، ۲۳۰۵۹، <https://khl.ink/f/۲۳۰۵۹>)

نمازی که آب حیات نامیده شده و هر روز انسان پنج وعده جسم و روح خود را با آن شستشو می‌دهد و در آیات و روایات تاکید زیادی بر آن شده و آن را جزو بهترین اعمال می‌دانند زمانی این آثار بر او مترتب می‌شود و برکات آن داخل بر زندگی فرد می‌شود که این نماز، نمازی با توجه باشد یعنی فرد بداند که در مقابل خالق هستی ایستاده است و با او حرف می‌زند از آنجاکه توجه قلبی داشتن در نماز باعث قبولی نماز می‌شود شیطان کمر همت بسته است که ذهن مسلمان را هنگام نماز خواندن از توجه به خالق هستی دور کند لذا باید به دنبال راهی برای تقویت عوامل حضور قلب در نماز باشیم تا از این عمل برتر محروم نشویم.

در هر دوره از زندگی، معصومی وجود دارد که احکام الهی و شیوه صحیح انجام آنها را به مردم می‌آموزد در دوره غیبت این امر به عالمان واجد شرایط واگذار شده است و مسلمانان این دوره از زندگی برای حفظ نماز خود و انجام آن به بهترین نحو (حضور قلب) باید به سخنان کسی که اعلم

است (ولی فقیه) گوش فرادهند از این رو ما برآنیم که به بررسی راهکارهای ایجاد حضور قلب در نماز دربیانات مقام معظم رهبری بپردازیم و با بیان موارد آن و تحلیل آنها به نمازی با حضور قلب دست یابیم.

## راهکارهای ایجاد حضور قلب در نماز دربیانات مقام معظم رهبری

### ۱- انجام مستحبات نماز

مقصداصلی از نماز، یاد حق است و حقیقت نماز بدون توجه دل به سوی حق حاصل نمی شود. حضور قلب بعد از تحصیل معرفت و ایمان به خدا، به قلب فارغ لازم دارد. یعنی قلبی که فارغ از محبت دنیا و مشغولیت های فکری و اموری بیهوده و لغو باشد.

اگر نفس آدمی تا قبل از گفتن تکبیره الاحرام مشغول این امور باشد، به سختی می تواند هنگام نماز متوجه خدا گردد یکی از راههای توجه به خدا و داشتن قلبی فارغ از مشغولیت ها، انجام کارهایی است که واجب نیستند اما مستحب اند. مثلا در روایات برای حالات مختلف نماز یک خصوصیتی را گذاشته اند که مستحب اند مثلا در وقت سجده به کجا نگاه کنید در وقت رکوع به کجا نگاه کنید بعضی روایات گفته اند چشمتان را ببندید بعضی روایات آورده اند به جلو نگاه کنید این حالات که از مستحبات است می تواند به توجه انسان در نماز کمک کند (امام خامنه ای، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز، ۱۳۸۷/۸/۲۹، ۴۴۹۰، <https://khl.ink/f/4490>) یا مواردی دیگر که در کلام مقام معظم رهبری آمده است:

### ۱-۱ انجام نوافل

از بعضی از اخبار استفاده می شود که اگر در نماز (فریضه) نقص و خللی باشد بواسطه نوافل تکمیل می گردد یعنی در واقع نوافل مکمل و جبران کننده نواقص فرایض اند و سبب تقرب بنده به خدا می شوند.

همانطور که در حدیث قدسی آمده است خداوند می فرماید: (پیوسته بنده بسبب نوافل به من تقرب می جوید تا اینکه او را دوست می دارم وقتی او را دوست داشتم من زبان گوینا، گوش شنوا، چشم بینا و دست توانای او هستم). (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۰۱) لذا از آنجا که اکثر انسان ها

مشغولیت فکری و دنیوی دارند و نمی‌توانند نمازی با حضور قلب کامل داشته باشند، خداوند نوافل را دوبرابر نماز قرار داد تا بواسطه آنها نقص نماز واجب جبران گردد همانطور که در فرمایش مقام معظم رهبری آمده است ایشان برای کسب حضور قلب در نماز تاکید بر انجام نوافل مخصوصا نافله ی نماز های صبح و مغرب را دارند. (امام خامنه ای، بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۴/۶/۱۳۷۴، ۲۷۶۳، <https://khl.ink/f/>)

و در تاکید نوافل در روایات داریم:

وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَنَا أَسْمَعُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي كَثِيرُ السَّهْوِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ وَ هَلْ يَسْلَمُ مِنْهُ أَحَدٌ فَقُلْتُ مَا أَظُنُّ أَحَدًا أَكْثَرَ سَهْوًا مِنِّي فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ الْعَبْدَ يُرْفَعُ لَهُ ثَلَاثُ صَلَاتِهِ وَ نِصْفُهَا وَ ثَلَاثَةٌ أَرْبَاعِهَا وَ أَقَلُّ وَ أَكْثَرُ عَلَى قَدْرِ سَهْوِهِ فِيهَا لَكِنَّهُ يَتَمُّ لَهُ مِنَ النَّوَافِلِ قَالَ فَقَالَ لَهُ أَبُو بصيرٍ مَا أَرَى النَّوَافِلَ يَنْبَغِي أَنْ تُتْرَكَ عَلَى حَالٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَجَلٌ لَأَ. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۶۳)

از این حدیث می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که از سویی پذیرفته شدن کامل نمازهای واجب، وابسته به انجام نافله است و از سوی دیگر، پذیرش همه اعمال منوط به پذیرفته شدن نماز است.

### ۱\_۲ خواندن نماز اول وقت به جماعت و در مسجد

وقت شناسی و اهمیت دادن به وقت نماز یکی از راههای تعظیم امر خدا و یکی از اسباب حضور قلب است که در روایات فراوان بر آن تاکید شده است. طبق روایتی از امام صادق علیه السلام بندگان خدا برای عبادت خدا و نماز باید خود را فارغ کنند که شامل فراغت وقت نیز می‌شود فراغت وقت یعنی انسان در شبانه روز یک وقت معینی را به نماز و عبادت اختصاص دهد که بهترین وقت، نماز اول وقت است و در هنگام نماز مشغول کار دیگری نشود این توجه یکی از اسباب حضور قلب است اما اگر نماز را یک امر مهم نداند، وقت نماز کارهای دیگر را مهم می‌بیند و نماز

را با عجله و بدون رعایت آداب می خوانند. چنین نمازی که بدون توجه است مورد قبول حق واقع نمی شود.

واز آنجا که برای متمرکز کردن ذهن و توجه به خداوند در نماز نیازمند مکان و شرایط مناسبی است که موجبات حواس پرتی را فراهم نکند مثلاً فردی که باتلویزیون روشن نماز بخواند یا مکانی که حاوی عکس هایی است که حواس را پرت می کند یا ذهن او مشغول امور خانه شود، در آخر نماز، فراموش می کند که چند رکعت خوانده است.

از این رو نماز خواندن فرد به جماعت و آن هم در مسجد می تواند قسمتی از این مشکلات را حل کند زیرا فرد با افراد دیگر مشغول به عبادت معبود است و آشفتگی ذهنی او کمتر می شود زیرا اطراف او و متمرکز او بر نماز است و در نماز جماعت اموری همچون مراقبت از تعداد رکعات نماز به دیگران محول شده و دل یکسره متوجه معبود می باشد و همچنین مکانی را برای نماز انتخاب کرده است که مختص به عبادت خالق است و او را از امور دنیوی دور می کند.

هر کار درست و نیکی باید هر چه زودتر انجام شود مثل عبادات مثل نماز اول وقت که در تاخیر آنها آفاتی است و همچنین انسان باید در وقت نماز به روح نماز توجه کند روح نماز عبارت است از: ارتباط با خدا، آشناسدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح و پالایش کردن ذهن از وسوسه ها.

نماز را باید با توجه و اول وقت خواند، کیفیت یافتن نماز بدین معناست که نماز، با حال و حضور ادا شود، نماز گزار به نماز با چشم «میعاد ملاقات با خدا» بنگرد و در آن، با خدای خود سخن بگوید و خود را در حضور او ببیند یعنی مصداق واقعی حضور قلب در نماز. نمازی با حال و حضور ادا می شود که همراه با جماعت باشد اینگونه شور و اشتیاق بیشتری در فرد ایجاد می شود (امام خامنه ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بیست و دومین اجلاس سراسری نماز، ۱۳/۶/۱۳۹۲، <https://khl.ink/f/۲۳۷۶۴>) همانطور که در روایات تاکید زیادی بر نماز جماعت شده است:

حَمَادٌ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفُضَيْلِ قَالَا قُلْنَا لَهُ : الصَّلَوَاتُ فِي جَمَاعَةٍ فَرِيضَةٌ هِيَ فَقَالَ الصَّلَوَاتُ فَرِيضَةٌ وَ لَيْسَ الْجَمَاعَةُ بِمَقْرُوْضٍ فِي الصَّلَاةِ كُلِّهَا وَ لَكِنَّهَا سُنَّةٌ وَ مَنْ تَرَكَهَا رَغْبَةً عَنْهَا وَ عَنْ جَمَاعَةٍ الْمُؤْمِنِيْنَ مَنْ غَيَّرَ عَلَيْهِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۷۲)

به حضرت عرض کردیم آیا نماز را به جماعت گزاردن واجب است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: اصل نماز واجب است ولی به جماعت گزاردنش واجب نیست، ولی مستحب است و چنان به این مستحب تاکید شده که اگر کسی بدون عذر و از روی بی‌اعتنایی به جماعت و اجتماع مومنان آن را ترک کند، گویی اصلاً نماز نخوانده است.

## ۲- تمرین برای حضور قلب در نماز

کسب حضور قلب مانند کسب یک مهارت نیاز به تلاش دارد و توقع حصول یکباره آن در هر شرایطی دور از واقعیت است حضور قلب از آداب باطنی نماز است و بدون تلاش و تمرین برای برطرف کردن اسباب حواس پرتی ممکن نیست همانطور که در روایات آمده است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنَّهُمَا قَالَا: إِنَّمَا لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ مِنْهَا فَإِنْ أَوْهَمَهَا كُلَّهَا أَوْ غَفَلَ عَنْ أَدَائِهَا لَفَتْ فَضْرِبَ بِهَا وَجْهَ صَاحِبِهَا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۶۳)

(بهره تو از نماز به مقداری است که در آن توجه داشته باشی. اگر نماز گزار همه نماز را با خیالات بگذراند، یا از آداب آن غفلت ورزد، چنین نمازی درهم پیچیده و به صورت صاحبش زده می‌شود.) بعضی از افراد نماز را روخوانی می‌کنند مانند نوشته‌ای آماده که نیاز به دقت ندارد و آن را مرور می‌کنند اما فقط به زبان و از دل عبور نمی‌دهند و به محتوای کلمات توجهی ندارند در واقع ظاهر نمازشان زیباست اما باطن آن پرنقص و بی‌روح است زیرا فرد تلاشی برای بهتر شدن نمازش و توجه قلبی در نمازش نکرده است و نمازی که بدون دقت در معنا و محتوایش باشد در واقع بدون حضور قلب باشد نمازی مقبول واقع نخواهد شد.

از آنجا که میزان قبولی نماز بستگی به به میزان توجه انسان در نماز دارد همانگونه که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا از نماز انسان، نصفش، ثلثش، ربعش یا خمسش بالا برده می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۴، ص ۲۳۸) آن مقداری از نماز که توجه قلبی داشته باشد بالا برده می‌شود

پس انسان باید همواره در تلاش باشد برای اینکه افسار ذهن را در نماز بگیرد تا نمازی مقبول داشته باشد که این کار جز با تمرین و تلاش شدنی نیست زیرا توجه قلبی به خداوند امر بسیار نفیسی است که بهای سنگینی دارد و ما باید بهای آن را بپردازیم.

مثلا برای تحصیل حضور قلب علاوه بر درخواست از خداوند «رب اجعلنی مقیم الصلاه و من ذریتی» و توسل، نیاز به مراقبت مستمر و تلاش و تمرین دارد و همچنین خشوع و خضوع در مقابل خداوند، توجه به عظمت بی نهایت او و درک حقارت خویش یا بهتر است انسان قبل از شروع نماز فکر خود را از امور مادی و آنچه باعث حواس پرتی او می شود منصرف کند یا اگر می خواهد به تنهایی نماز بخواند جایی نماز بخواند که خالی از سرو صدا و تصاویری باشد که جلب نظر می کند و اگر می خواهد به جماعت بخواند به گونه ای باشد که چیزی مزاحم ارتباط او با خدا نشود.

حضور قلب می تواند تمرینی در دوری انسان از مطامع دنیوی باشد چون دوری از مطامع مادی، از مراتب مهم حضور قلب است علاوه بر آن انسان باید تمرین کند از امور لغو و بیهوده دوری کند تا در وقت نماز مشغولیت فکری برایش درست نشود همانطور که در آیات آغازین سوره مومنون آمده است:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳)

بی تردید مؤمنان رستگار شدند. (۱) آنان که در نمازشان [به ظاهر] فروتن [و به باطن با حضور

قلب] اند. (۲) و آنان که از [هر گفتار و کردار] بیهوده و بی فایده روی گردانند، (۳)

در فرمایش مقام معظم رهبری نیز داریم: حضور قلب و توجه، کاری است که به تمرین احتیاج دارد. کسانی که این کارها را کرده اند و بلدند، به ما یاد می دهند که انسان باید در حال نماز، خود را در حضور یک مخاطب عالی شان و عالی مقام که خالق هستی است «لِلَّهِ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (زمر ۶۲) «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (رعد ۱۶) و مالک همه وجود انسان است «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (آل عمران ۱۰۹)، احساس کند. هر مقدار از نماز که توانست این حالت را داشته باشد، به تعبیر روایات این نماز، نماز مقبول است

و آن خاصیت و اثر را خواهد بخشید و دیگر آثار نماز بر این مترتب می‌شود. (امام خامنه‌ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست اندرکاران ستاد اقامه نماز، ۲۷/۶/۱۳۸۵، ۱۴۱۹، <https://khl.ink/f/۱۴۱۹>)

### ۳- دانستن معنای کلمات

همه عبادات از جمله نماز دارای اسراری است آنچه در نماز معیار است حضور قلب انسان است همانطور که نبی اکرم فرمودند: «دو نفر از امت من در ظاهر مثل هم نماز می‌خواندند رکوع و سجده آن دو دقیقا شبیه هم است ولی تفاوت نماز آن دو از زمین تا آسمان است.» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۲۲). و معیار حضور قلب آن است که نماز گزار در نماز به خداوند توجه داشته باشد یکی از این راهها توجه به معنای کلماتی است که بر زبان جاری می‌کنیم. اگر قبل از هر عبارت نماز، معنای آن را در ذهن تداعی کنید و سپس الفاظ عربی آن را بیان کنید خواهید دید که نمازتان نمازی بی روح نخواهد بود به ویژه اگر علاوه بر توجه به معنای لغوی عبارات نماز به معنای کاربردی آنها نیز توجه کنید مثلا با گفتن عبارت الحمد لله رب العالمین یاد نعمت‌های الهی و لطف بی‌کران خداوند باشید در این صورت نماز بالذات بیشتری خوانده می‌شود.

همچنان که خداوند در آیه ۴۳ سوره نسا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» از عبارت (حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ) برمی‌آید که در نماز تنها اذکار و حرکات کافی نیست بلکه توجه و شعور لازم است و عبادات آگاهانه، از ارزش بالایی برخوردار نیست اگرچه تکلیف را ساقط می‌کند.

اذکاری که در نماز می‌خوانیم مفاهیمی دارند اما توجه قلبی ماورای الفاظ و مفاهیم است و از مقوله علم حضوری و شهودی است اما خداوند قدرتی را به انسان داده است که می‌تواند همراه با گفتن اذکار نماز، معنای آنها را نیز تصور کند و در دل خود به خداوند توجه پیدا کند که گاهی همین توجه به مفاهیم اذکار نماز و تمرکز در آنها باعث ایجاد توجه قلبی به خداوند می‌شود.

اگر مدتی برای توجه به معانی نماز تمرین کنیم رفته رفته این کار در انسان عادت و ملکه می‌شود و می‌تواند استفاده شایسته تری از نماز بکند و خداوند نیز این توان را به او می‌دهد که بتواند



همه انگیزه‌ها و رفتارهایی که با آن انس گرفته بود را یکجا تصور کند از این رو توجه مکرر به معانی نماز ما را در رسیدن به حضور قلب و تمرکز و درک مقام عبودیت کمک می‌کند.

توصیه‌های رهبر انقلاب در تاثیر «دانستن معنای کلمات در نماز» بر حضور قلب:

همین نمازی را که در شبانه روز پنج نوبت می‌خوانید، با توجه بخوانید. اگر ترجمه‌ی نماز را بلدید، سعی کنید در حال نماز تمرکز پیدا کنید. این تمرکز، امر بسیار مهمی است؛ تا آنچه را بر زبان جاری می‌کنید «حتی تعلموا ماتقولون»؛ بفهمید چه می‌گویید. آیه‌ی قرآن است دیگر. می‌گوید که مست مشغول نماز نشوید - «لا تقربوا الصلاة وانتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون» تا بفهمید چه می‌گویید. مشغول حرف زدن با خدا باشید؛ این، تمرکز می‌خواهد. حواس ما پرت می‌شود. غالباً در حال نماز، ذهنمان به جاهای دیگر می‌رود. باید در حال نماز، تمرکزی در خودمان ایجاد کنیم. اگر این تمرکز پیدا شد، قدم بعدش حضور قلب است. من عرض کنم به شما؛ پاداشی که خدا برای حفظ تمرکز و توجه به شما می‌دهد، حضور قلب است. اگر شما توانستید کلمات و عبارات نماز را با توجه به معانی‌اش بیان کنید، خدا پاداشی چنین نقد در دستتان می‌گذارد و آن پاداش این است که بعد از لحظاتی، در شما حضور قلب پیدا خواهد شد. به خدا توجه پیدا می‌کنید و دلتان رقیق می‌شود. گاهی اشکتان جاری می‌شود. حالت نیاز در شما پیدا می‌شود، و این، پاداش آن مجاهدتی است که می‌کنید، و مهار ذهن را محکم می‌چسبید که این طرف و آن طرف نرود. (امام خامنه‌ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱/۵/۱۹، <https://khl.ink/f/19020>)

توجه بکنید که در حال نماز، اگر متوجه خودتان و کاری که از شما سر می‌زنند، باشید، قطعاً بعد از نماز شما، با قبل از نماز شما متفاوت خواهد بود. شرطش همین است که توجه کنید در حال نماز، مشغول چه کاری هستید. بهترش این است که اذکار نماز را بفهمید؛ کار بسیار آسانی است. اگر این توجه حاصل بشود و یاد خدا در نماز تأمین گردد - که «و لذكر الله اکبر» - این نماز برای شما «معراج المؤمن» خواهد بود و شما را عروج خواهد داد. عروج، همین است که شما در باطن خودتان، صفا و لطافت و نورانیت بیشتری را بعد از نماز احساس میکنید. (امام خامنه‌ای، بیانات مقام

معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز یازدهم ماه رمضان)، ۱۳۶۹/۱/۱۸،  
(<https://khl.ink/f/۲۲۸۸>)

همه آحاد نماز گزار باید سعی کنند که نماز را با توجه به معانی کلمات بخوانند، یعنی در نماز با خدای عزیز و رحیم سخن بگویند. این است آن سرچشمه فیضی که جان نماز گزار را سیراب می کند. البته این حقیقت نباید دستاویزی برای نفس بهانه گیر باشد که اگر توفیق چنین توجه و حضوری نیافت، نماز را ترک کنند. نماز در هر صورت واجب و فریضه است و تارک نماز بزرگترین فرصت ارتباط با خداوند سبحان را از دست می دهد.

لازم است دست اندر کاران، اوراقی شامل ترجمه نماز در همه سطوح، فراهم و میلیونها نسخه از آن را در همه جا منتشر کنند. به هر کسی باید این امکان را بدهید که معانی کلمات نماز را بفهمد. (امام خامنه ای، پیام به هشتمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۷۷/۶/۱۸، ۲۹۰۲، <https://khl.ink/f/۲۹۰۲>)

البته کسانی که عربی نخوانده اند و معنای این جملات را نمی دانند، اگر در حال نماز همین اندازه توجه پیدا کنند که با خدا حرف می زنند و به یاد خدا باشند، این هم بهره خوبی است؛ ولی سعی کنید که معنای نماز را بدانید. یاد گرفتن معنای نماز، کار خیلی آسانی است؛ خیلی زود می توانید ترجمه این چند جمله را یاد بگیرید. نماز را با توجه به معنای آن بخوانید. این نماز است که «قربان کلّ تقی» خواهد بود. نماز نزدیک کننده انسان به خداست اما نزدیک کننده انسان باتقوا. (امام خامنه ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز سی ام ماه رمضان) ۱۳۶۹/۲/۶، <https://www.leader.ir/fa/content/۱۵۰۲۰>)

#### ۴\_ نماز خواندن با اخلاص نه از روی ریا

اخلاص مهم ترین ادب، بلکه شرط عبادت است. زیرا نماز، خود خانه اخلاص و دوری از کبر است «الصَّلَاةُ بَيْتُ الْإِخْلَاصِ وَتَنْزِيهِ عَنِ الْكِبْرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۸۳) و بدون آن، نه تنها عبادت باطل است، بلکه شرک و دوری از خداوند است (کهف ۱۱۰) و قبول شدن نماز در پیشگاه خداوند، متوقف بر آن است که نیت انسان، خالص باشد و واقعا قصد تقرب به خداوند را داشته باشد تا نماز او موجب رشد، کمال و نزدیک شدن به خداوند شود.

نماز یعنی فرصت حضور در پیشگاه نور آسمان ها و زمین ،نماز یعنی کامل ترین پاسخ به عالی ترین نیاز لذا باید به خود تلقین کرد که دل انسان آشیانه دو محبوب و دلبر نیست وقتی دنیا محبوب واقعی انسان شد دیگر خدا و معنویات در این دل جایی ندارد.

انسان در حال نماز در مقابل کسی می ایستد که حل تمام مشکلات به دست اوست، کسی بزرگتر از او نیست و در تمام دنیا، تک است حال با این وجود شما به نماز بایستید اما نمازی که خالصانه نباشد، فقط برای معبود نباشد بلکه بخاطر عوامل دیگر هم باشد قطعاً این نماز، نماز مقبولی واقع نخواهد شد و از این جهت که نماز گزار دل خود را برای معبود خالص نکرده است نمی تواند در نماز حضور قلب داشته باشد.

سزاوار است که باطن بنده هنگام به جا آوردن ارکان ظاهری بندگی، مثل رکوع و سجده همراه با ظاهرش باشد و گفته شده: «خداوند به چهره و جسم و اعمالتان نمی نگرند، بلکه به قلب و نیتان نگاه می کند.» چنانچه قول و فعل نماز گزار یکی نباشد، آن عمل لغو و بیهوده است.

«نمازی که انسان می خواند، اگر به قصد تقرب به خدا بخواند، توجهش به خدا باشد، با اخلاص نماز بخواند، این بالاترین عبادتهاست؛ اگر همین نماز را برای ریا بخواند، این نماز میشود معصیت و خود آن نماز، می شود گناه. ریا، گناه کبیره است؛ مصداقش هم می شود همان نمازی که از روی ریا خوانده شد.» (امام خامنه ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی، ۱۳۸۷/۶/۵، ۳۶۸۵، <https://khl.ink/f/۳۶۸۵>)

رحمت خدا بر مرحوم شیخ محمد بهاری که در یکی از نوشته هایشان می گویند که دعا و ذکر و شاید نماز، وقتی بی توجه تکرار می شود، قساوت می آورد! نماز می خوانیم، نماز مایه قساوت. چرا؟ چون در حال نماز حضور قلب نداریم، توجه نداریم. پس این نماز یا با توجه است، که مایه رقت و قرب و لطافت و صفاست؛ یا نماز بی توجه است، که آن وقت به گفته ی ایشان مایه ی قساوت قلب است. (امام خامنه ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران حج،

(<https://hajj.ir/fa/۱۱۴۹۱>، ۱۳۸۷/۸/۱۵)

## ۵- عادت به خوب نماز خواندن در جوانی و سبک نشمردن نماز

یکی از عوامل حواس پرتی در نماز، توجه به امور خارجی و محیط اطراف است. همچنین نماز با عجله نمی‌تواند ارتباط ما را با محبوب به طور صحیح برقرار کند. چون آنچه موجب عجله در نماز است، همان موجب حواس پرتی است. و از مهم‌ترین عوامل عدم تمرکز در نماز، گناه است. آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: جهان، جهان تاثیر و تاثر است. همان طوری که «انَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» است، «انَّ الْفَحْشَاءَ» هم، «تَنْهَى عَنِ الصَّلَاةِ» است. ممکن نیست که نماز جلوی فحشا را بگیرد ولی فحشا اثر منفی در نماز نگذارد یا نمی‌گذارد انسان نماز بخواند یا اگر هم نماز بخواند، فقط برای ادای تکلیف است.

بهترین زمان برای ترک عوامل حواس پرتی و عادت به خوب نماز خواندن، بهار جوانی است. در جوانی است که می‌توان به راحتی عادت‌های بد را تغییر داد و عادت‌های خوب را برای خود ملکه کرد و گرنه اگر فردی سی سال یا چهل سال عادت به تند نماز خواندن داشته باشد یا توجهی به افعال و اذکار نماز نداشته باشد دیگر در زمان میانسالی یا پیری به سختی می‌تواند این عادات را ترک کند و نمازی با حضور قلب بخواند. لذا بهتر است انسان از دوره نوجوانی و جوانی خود را مقید به خواندن نمازی با توجه کند و روز به روز این نماز را بهتر و باشکوه‌تر از قبل بجا آورد و بداند که سبک شمردن نماز در روایات ما بسیار مذمت شده است. اگر جوان ما به اینگونه نماز خواندن عادت کند قطعاً مصداق «انَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» خواهد شد و از گناه نیز دوری خواهد کرد ان شاء الله.

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه تأکید بسیاری دارند:

جوان‌ها اگر از حالا عادت کنند به نماز خوب، وقتی به سن ماها رسیدند، نماز خوب خواندن برایشان دیگر مشکل نیست. در سنین ما آدمی که عادت نکرده باشد به نماز خوب، نماز خوب خواندن ممکن است، اما مشکل است. برای آنکه از جوانی عادت کرده به اینکه خوب نماز بخواند؛ یعنی نماز با توجه - نماز خوب معنایش نماز با صدای خوش و قرائت خوب نیست؛ یعنی نماز با توجه، با حضور قلب؛ قلبش در محضر پروردگار حاضر باشد؛ از دل و با دل حرف بزند -

آن وقت این سجیه او میشود و دیگر برایش زحمت ندارد؛ تا آخر عمر همینجور خوب نماز میخواند. (امام خامنه ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز، ۲۹ / ۸ / ۱۳۸۷، <https://khl.ink/f/4490>)

امام صادق (ع) در بیماری رحلت به وصیّ شان می فرمایند که: «لیس منی من استخفّ بالصّلوة»؛ از ما نیست کسی که نماز را سبک بشمارد. استخفاف یعنی سبک شمردن، کم اهمیت شمردن. حالا این نماز با همه این خصوصیات، با همه این فضائل، چقدر از انسان وقت می گیرد؟ نماز واجب ما - این هفده رکعت - اگر انسان بخواهد با دقت و با قدری ملاحظه بخواند، فرض کنید سی و چهار دقیقه وقت میگیرد، و آلا کمتر وقت خواهد گرفت. ما گاهی اوقات میشود که پای تلویزیون در انتظار برنامه ای که مورد علاقه ماست نشستیم و قبل از آن، دائم تبلیغات، تبلیغات، تبلیغات - بیست دقیقه، پانزده دقیقه - که هیچ کدام هم به درد ما نمی خورد، می نشینیم گوش می کنیم و بیست دقیقه وقتمان را از دست می دهیم، برای خاطر آن برنامه ای که می خواهیم. بیست دقیقه های زندگی ما اینجوری است. منتظر تاکسی می شویم، منتظر اتوبوس می شویم، منتظر رفیقمان می شویم که بیاید جائی برویم، منتظر استاد می شویم که سر کلاس دیر کرده، منتظر منبری می شویم که دیر به مجلس رسیده؛ همه اینها - ده دقیقه، پانزده دقیقه، بیست دقیقه - به هدر میرود. خوب، این بیست دقیقه و بیست و پنج دقیقه و سی دقیقه را برای نماز - این عمل راقی، این عمل بزرگ - مصرف کردن مگر چقدر اهمیت دارد. (امام خامنه ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز، ۲۹ / ۸ / ۱۳۸۷، <https://khl.ink/f/4490>)

## نتایج

از آیات و روایاتی که آورده شد استفاده می شود که قبولی نماز مشروط به حضور قلب و توجه قلبی به خداوند و دوری از هر آنچه غیر خداست و از طرفی قبولی سایر اعمال منوط به قبولی نماز است لذا اهمیت توجه قلبی در نماز به خوبی روشن می شود.

مراد از حضور قلب در نماز یعنی خالی بودن دل و ذهن انسان از غیر خدا و اینکه تمام توجه انسان به سمت معبودش باشد که برای تحقق حضور قلب در نماز لازم است راهکارهای ایجاد حضور قلب در نماز را دانست.

در این مقاله به راهکارهای ایجاد حضور قلب در نماز از منظر مقام معظم رهبری پرداخته شد. انجام مستحبات به خصوص نوافل، خواندن نماز اول وقت، خواندن نماز در مسجد و به جماعت، تلاش و تمرین برای ایجاد حضور قلب در نماز، عادت به خوب نماز خواندن در جوانی و سبک نشمردن نماز، دانستن معنای کلمات و توجه به معانی کلمات در نماز و از روی اخلاص نماز خواندن مواردی بودند که رهبر معظم انقلاب در طول چند سال اخیر در سخنرانی‌های مختلف از آنها به عنوان راههای ایجاد حضور قلب در نماز اشاره کرده است.

اگر نماز با همه شرایطش و با حضور قلب خوانده شود اینجاست که نماز اقامه شده، دارای آثار و برکات فردی و اجتماعی می‌باشد.

## منابع و ماخذ

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ق، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، قم، دار سیدالشهدا، چاپ اول.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع.
۳. احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، معجم مقائیس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. اداره آموزش و پرورش استان کرمان، ۱۳۸۵، درس هایی از نماز، کرمان، نسیم حیات، چاپ اول.
۵. البرزی، مجید، ۱۳۹۴، عوامل موثر در حضور قلب در نماز، نشریه گام اول، سال سوم، شماره سه.
۶. باقری، وحید، ۱۳۹۴، آثار و برکات حضور قلب در نماز از منظر آیات و روایات و کلام بزرگان دین، نشریه سخن جامعه، سال چهارم، شماره پنج.
۷. بهرامی، احسان، ۱۳۶۹، فرهنگ واژه های اوستا، نیشابور، نشر بلخ، چاپ اول.
۸. تالهی همدانی، محمد هادی، ۱۳۹۸، نماز معراج مومن، همدان، اقلیم دانش، چاپ اول.
۹. جابری، محمد علی، ۱۳۹۹، بررسی تقابل شیطان با نماز، قم، کتاب جمکران، چاپ هفتم.
۱۰. جابری، محمد علی، ۱۳۹۷، نماز و زندگی، قم، همای غدیر، چاپ دوم.
۱۱. جعفر بن محمد (شهید ثانی)، ۱۴۰۰ق، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، بیروت، اعلمی، چاپ اول.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول.
۱۳. دیانت، محمدرضا، وحیدی، علی اکبر، ۱۳۹۷، تفسیر آیات نماز (جلد دوم)، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ اول.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، چاپ اول.
۱۵. زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
۱۶. ساجدی، ابوالفضل، کوشا، غلام حیدر، ۱۳۹۵، نماز و آسیب‌های اجتماعی، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ اول.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، قم، انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.
۱۹. عجمی، هادی، ۱۳۹۲، مفتاح (درسنامه عمومی معارف نماز)، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ اول.
۲۰. عمید، حسن، ۱۳۶۳، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، چاپ ششم.
۲۱. فیض کاشانی، محسن، ۱۳۸۲ق، المحجّه البیضاء فی احیاء الاحیاء، قم، جامعه مدرسین.
۲۲. قرائتی، محسن، ۱۳۹۹، قرآن و نماز، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ اول.
۲۳. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۸، قرآن کریم، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم.
۲۴. کفیل، محمد ابراهیم، ۱۳۹۲، راه‌های تکمیل نماز، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ اول.
۲۵. کفیل، محمد ابراهیم، ۱۳۹۴، تکمیل، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ ششم.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۸. محمد معین، ۱۳۸۲، فرهنگ معین، تهران، زرین، چاپ سوم.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۳، به سوی تو، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۳۰. ملکی تبریزی، جواد، ۱۳۹۷، المراقبات، سمیرا ستاری، تهران، سالار الموتی، چاپ اول.



۳۱. نراقی، احمد، ۱۳۷۸، معراج السعاده، قم، انتشارات هجرت، چاپ ششم.
۳۲. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، موسسه آل البيت، چاپ اول.
۳۳. هاشمی شاهرودی، سیدمحمد، ۱۳۸۲، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليهم السلام، تهران، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی، چاپ اول.

۳۴. <https://farsi.khamenei.ir/>

۳۵. <https://dana.ir/amp/117107/10-%D8%AA%D9%88%D8%B5%DB%8C%D9%87-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%85-%D9%85%D8%B9%D8%BA%D9%85-%D8%B1%D9%87%D8%A8%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%AD%D8%B6%D9%88%D8%B1-%D9%82%D9%84%D8%A8-%D8%AF%D8%B1-%D9%86%D9%80%D8%A7%D8%B2>

---

# مبانی، مؤلفه و شاخص‌های اصل تکامل‌پذیری انسان با تکیه بر اندیشه امام خامنه‌ای (مدّ ظله العالی)

---

سید سجاد غلامی<sup>۱</sup> - ابوالفضل حاجی حیدری<sup>۲</sup>

## چکیده:

تکامل انسان از جمله مسائل مهم دین و علم است که هر کدام از زاویه نگاه خود بدان پرداخته‌اند. بررسی حقیقت انسان و چگونگی تکامل او از جمله مسائل قرآن کریم و فلسفه اسلامی است که توسط دانشمندان در رویاروی با نگاه علمی مورد واکاوی قرار گرفته است. این تحقیق هدفش احصاء مبانی، مؤلفه و شاخص‌های اصل تکامل‌پذیری انسان از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی) است و تلاش دارد با تحلیل گفتمان و رویکرد استنباطی و به صورت تمام، بیانات معظم له را با روش توصیفی - تحلیلی بررسی نموده و آن موارد را احصاء نماید. بعد از بررسی، واکاوی و تحلیل بیانات و مکتوبات امام خامنه‌ای چنین نتیجه گرفته می‌شود که مبنای اصل تکامل‌پذیری انسان در اندیشه معظم له بر اساس مبنای انسان اسلام محور است که خود دارای سه مؤلفه «تربیت‌پذیر بودن انسان»؛ «استعداد بی‌پایان انسان» و «تکامل بر اساس اخلاق اسلامی» است. این سه مؤلفه دارای شخص‌هایی است که مجموع آنان اصل تکامل‌پذیری را در اندیشه معظم له تشکیل می‌دهد. این دیدگاه بر خلاف دیدگاه انسان محوری اومانیستی که تنها به جنبه جسمی انسان توجه داشته است و دنبال مبدأ خلقتی آن بوده است، به جنبه روحی و حقیقی انسان توجه داشته است. در ورای چنین ابعادی است که بحث تکامل‌پذیری انسان را از زاویه دید ایشان با دیگر دانشمندان مجزا کرده است. از سوی دیگر ایشان تکامل‌پذیری انسان را با آن مؤلفه و شاخص‌ها در منصف ظهور دنیا امروز بیان داشته است.

**کلیدواژه‌ها:** انسان، تکامل‌پذیری، اندیشه امام خامنه‌ای، مبنا، اصل، مؤلفه.

---

۱ - استادیار گروه الهیات دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول): s.gholami@yu.ac.ir

۲ - دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران.

## ۱. مقدمه

در تعالیم ادیان آسمانی و به ویژه دین اسلام، محوری‌ترین موضوع پس از مسأله خدا، پرداختن به مسأله «انسان» است؛ زیرا هدف از خلقت جهان و ارسال رسول، رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی انسان است؛ از میان همه مباحث مطرح شده در خصوص انسان، مهم‌ترین موضوعی که توجه اندیشمندان مسلمان را به خود جلب کرده است، بحث تکامل انسان است که در اسلام یک اصل اساسی انسان‌شناسی است و در بسیاری از افکار، نظریات، اعمال و آداب اسلامی، وضع گردیده است. اصطلاح دیگری که غرض تکامل انسان در آن نهفته است، واژه «رشد» است. رشد عبارت است از رسیدن به واقع، اهتدای فطری، تام و تمام به توحید و سایر معارف حقه؛ «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ» (انبیاء / ۵۱). خداوند سوگند می‌خورد که ما به ابراهیم دادیم آنچه را که وی مستعد و لایق آن بود و آن عبارت بود از رشد و رسیدنش به واقع و ما او را از پیش می‌شناختیم (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴/۴۱۸). انسان از مخلوقاتی است که بر خلاف دیگر موجودات، مستعد تکامل‌پذیری و تربیت است و تأثیر تربیت را نمی‌توان منکر شد، هر کمالی در گرو رشد و تکامل است و هر تکاملی در گرو تربیت است. حقایق جهان هستی این را تأیید می‌کند که هر تکاملی در عالم ظاهر می‌شود، هزاران راه تربیت رفته و صدها هزار شرایط برایش آماده کرده‌اند؛ مانند شرایط محیطی و زیستی رشد و تکامل یک درخت تا زمانی که به ثمر بنشیند. انسان نیز محصور اراده تکوینی و تشریعی ذات اقدس اله است و در این دایره می‌تواند تکامل پیدا کند. مقاله حاضر در صدد است تا با روش تحلیلی-توصیفی، اصل تکامل‌پذیری انسان را در اندیشه امام خامنه‌ای مورد تبیین و بررسی قرار دهد؛ لذا در صدد است تا از این رهگذر به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

۱. دیدگاه امام خامنه‌ای در خصوص تکامل‌پذیری انسان چیست؟
  ۲. مبانی، مؤلفه و شاخص‌های اصل تکامل‌پذیری در اندیشه امام خامنه‌ای چیست؟
- برای نیل به این مقصود، کوشیده شده است که نخست به بحث تکامل‌پذیری انسان پرداخته شود و از رهگذر این دلالت، براساس نظریه تکامل‌پذیری انسان در اسلام، مبانی، مؤلفه و

شاخص‌های آن را در اندیشه امام خامنه‌ای مورد واکاوی قرار گیرد. پیش‌فرض این مسئله است که در اسلام یکی از اصل‌هایی که در بحث انسان‌شناسی وجود دارد، تکامل‌پذیری است که مبنای آن انسان‌شناسی اسلامی - وحیانی است که دارای مؤلفه و شاخص‌هایی است.. روش این پژوهش در گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و در استناد به داده‌ها، اسنادی و در تجزیه و تحلیل، شیوه تحلیل محتوای کیفی (از نوع توصیفی - تحلیلی) است.

## ۲. پیشینه تحقیق

در خصوص مسئله تکامل‌پذیری، دانشمندان و عالمان بسیاری با توجه به تعریف تکامل‌پذیری تحقیق و تدوین کرده‌اند؛ از جمله می‌توان به مقالاتی چون: «فرضیه تکامل و انسان متعالی»، نوشته محمد تقی سهرابی فر اشاره کرد. در این مقاله نویسنده ضمن نقد کلی و نیز نقد شمول فرضیه بر انسان، نسبت این فرضیه با ساحت متعالی انسان را می‌سنجد و نشان می‌دهد این فرضیه با فرض صحت، منافاتی با ساحت متعالی انسان ندارد. مقاله «تکامل انسان در قرآن و یاسین» نوشته مصطفی سلیمانی است که در این اثر نویسنده، سیر تکامل انسان با توجه به آیات سوره یاسین در قرآن کریم به مراحل مختلف رشد انسان از مبدأ و ابتدای خلقت انسان و مسأله پیدایش انسان را به ترتیب در طی مراحل مختلف بیان داشته است. از خلقت نوع اولیه انسان تا تولد او از نطفه و دیگر مراحل انسان را با توجه به آیات سوره یاسین مورد بررسی قرار داده است. مقاله «بازخوانی حقیقت تکامل انسان در قرآن بر اساس اندیشه‌های صدرالمألهین» نویسنده مهدیه علوی فر؛ عبدالحمید فلاح نژاد؛ در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با توجه به مبانی ملاصدرا، به تبیین اسباب و عوامل تکامل انسان پرداخته و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که نهایت تکامل انسان در ورود به مقام عقل بالفعل و فنای فی الله از طریق حرکات ذاتی و تبدلات جوهری امکان‌پذیر است. مصداق بار یافتن به مراحل‌اعلای تکامل، امام و خلیفه الهی بر روی زمین است. مقاله «تکامل انسان - مقایسه یک نظریه اسلامی با نظریه ای در روانشناسی انسان گرا»؛ محمد محسن جلالی تهرانی، هدف این مقاله این است که حوزه مشترکی راجع به کمال انسان به وجود آورد. از دیدگاه روانشناسی نظریات انسان‌گرایانه «ابراهام مزلو» در مورد «خود شکوفایی» مورد بررسی قرار خواهد

گرفت، همچنین از دیدگاههای اسلامی، نظریه مرحوم سید محمدحسین حسینی طهرانی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. در این ارزیابی، نظرات مشترک، مشخص شده و سوء تعبیرها رفع خواهد گردید؛ همچنین نظرات مخالف این دو مکتب که جای بحث و گفتگو دارند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. « تکامل در آفرینش انسان از نگاه اندیشمندان معاصر؛ با محوریت نقد کتاب «خلقت انسان»، اثر محمد صفیر جبرئیلی است، در این مقاله، نویسنده دیدگاه کتاب یداله سبحانی را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

این مقالات معنای تکامل پذیری انسان را از زاویه دورن دینی مورد بررسی قرار داده است و معنایی همجوار با معنای رشد و تربیت برای آن بیان کرده است؛ بر خلاف تعریفی که دانش زیست‌شناسی به واسطه فرضیه تکامل. لامارکیسم، داروینیسم، نئوداروینیسم و باورمندان به تکامل ژنتیک همچون داو کینز، پرداخته‌اند؛ تکامل پذیری در اسلام معنایی سواى این معنای معهود را در بردارد. با توجه به چنین معنایی، تا کنون مقاله‌ای که به شکل دقیق مبانی، مؤلفه و شاخص‌های اصل تکامل‌پذیری را مورد بررسی و تبیین قرار بدهد، نیست و این مقاله درصدد است تا مسئله حاضر را در دیدگاه امام خامنه‌ای مورد تبیین و بررسی قرار دهد.

### ۳. انسان‌شناسی در دیدگاه امام خامنه‌ای

از ارکان اصلی منظومه فکری و اجتماعی مقام معظم رهبری انسان‌شناسی اسلامی است. در اندیشه ایشان پنج رکن اصلی که جهان‌بینی ایشان را تشکیل می‌دهد، وجود دارد که عبارت است از: ۱- توحید، ۲- تکریم انسان (انسان محوری)، ۳- تداوم حیات بعد از مرگ؛ ۴- استعداد بی‌پایان انسان؛ ۵- حاکمیت حق و اصلاح در عالم.

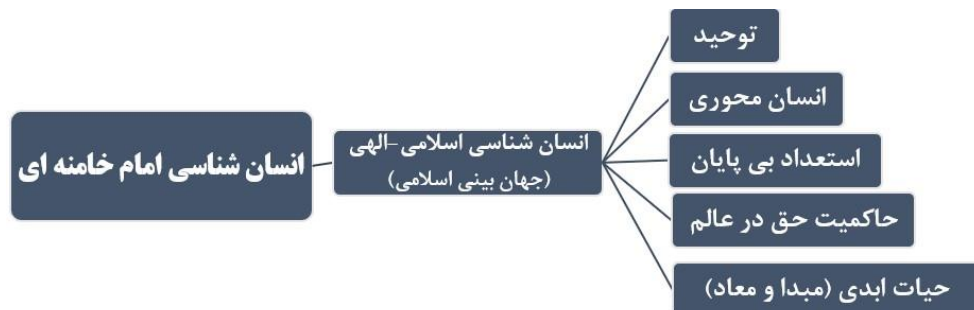
توحید که رکن اصلی است در گفتار معظم له بسیار گسترده به کار رفته است؛ ایشان با اعتقاد به اینکه این ترکیب پیچیده و بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بی‌نهایت و توصیف‌ناپذیر را که این ترکیب عجیب و پیچیده را به وجود آورده است، ذات واحد مقتدر لایزالی است که ادیان به او «خدا» می‌گویند؛ نام می‌برد.

توحید، رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی اسلامی است. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://khl.ink/f/۳۰۳۹>، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷/۴/۲۱، <https://khl.ink/f/۲۸۹۵>) در محور نظام فکری شیعه، مسائل مهمی همچون صفات حق تعالی، مسئله نبوت و فروع آن، مسئله عدل، مسئله امامت و مسائل مربوط به تکلیف و قیامت و غیرها، همه و همه، متفرعات مسئله صانع و توحید باری تعالی و مبتنی بر آن است. (پیام به کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۳۷۲/۱/۲۸، <https://khl.ink/f/۲۶۶۲>) دومین رکن در بیانات معظم له، تکریم انسان است؛ انسان محوری. تمام هستی بر دایره مدار انسان می‌چرخد، چنانچه آیه ۲۰ سوره لقمان « أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً »<sup>۱</sup> بر این قضیه صحه گذاشته است و همه اینها را مسخر انسان دانسته است؛ یعنی انسان بالقوه به گونه‌ای ساخته شده است که تمامی این چرخ و فلک در تسخیر انسان و برای انسان آفریده شده است؛ این برتری هم از جهت تکوینی است و هم تشریحی بشر است. (بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://khl.ink/f/۳۰۳۹>) سومین رکن مسئله تداوم حیات بعد از مرگ است؛ به اعتقاد وی انسان و زندگی او با مردن نابود و تمام نمی‌شود، بعد از مرگ وارد مرحله جدیدی می‌شود که همانا مسئله حساب و کتاب و قیامت و این طور چیزها است. (بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://khl.ink/f/۳۰۳۹>؛ بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰، <https://khl.ink/f/۲۷۷۲>)

استعداد بی‌پایان انسان چهارمین رکن از ارکان پنج‌گانه در بیانات معظم له است که برای تعالی و رسیدن به انسان کامل در آن وجود دارد. ایشان انسان را موجودی با استعداد می‌داند که توانایی بالا رفتن به آخرین نقطه تعالی در حیات ممکنات را دارد؛ اما برای دیگر موجودات این امکان را نمی‌داند. (بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲،

۱ - ترجمه: آیا ندیده‌اید که خداوند آنچه را در آسمان‌ها و در زمین است برای شما رام کرد و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را بر شما تمام کرد؟. گرامرودی

https://khl.ink/f/۳۰۳۹) انسان در جهان بینی اسلام، آن موجودی است که در او استعداد های فراوانی نهفته است. این انسان می تواند در میدان های علم و دانش و کشف رمزها و حقایق خلقت تا بی نهایت پیش برود، می تواند از فرشتگان بالاتر برود، در سیر مراتب معنوی و مراحل روحی می تواند تا بی نهایت پیش برود، می تواند از فرشتگان بالاتر برود، از لحاظ انواع و اقسام قدرتمندی ها می تواند به اوج قله قدرت برسد که این مهم در گرو عبودیت خدا است. عبودیت خداوند، راه ها را در مقابل انسان باز خواهد کرد و در غیر این صورت، بال های او بسته خواهد شد و از پرواز باز خواهد ماند؛ در همه رشته ها، حتی علم و دانش هم با توحید در سر راه انسان قرار می گیرد. (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹، ۱۴۸۸/۲۱/۱۹) در نهایت ایشان جریان عالم را به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح می داند؛ نهایت این عالم را نهایت غلبه حق و صلاح بیان کرده است. وی هدف و غایت بعثت انبیاء را همین رکن معرفی کرده است و بیان داشته است که همه انبیاء و اولیاء آمده اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی ای سوق دهند که وقتی وارد آن شدند، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش را بروز کند که آن در زمان ولی عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد. (بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲، ۳۰۳۹) https://khl.ink/f/۳۰۳۹) جان کلام معظم له در بحث اهمیت و جایگاه انسان شناسی این است که انسان شناسی جزئی از جهان بینی اسلامی است و جزئی از دین است؛ چه اینکه دین در آغاز، یک جهان بینی، یک معرفت و یک شناخت است؛ شناخت نسبت به این عالم، نسبت به انسان، نسبت به مسئولیت، نسبت به مسیر راه و هدف، مجموعه این معرفت ها پایه دین است. (بیانات در دیدار با طلاب خارجی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۳،



نگاه اسلام به انسان، محور بودن انسان در اسلام معنای وسیعی دارد، ایشان انسان اسلامی را با انسانی که در فلسفه‌های مادی غرب و پوزیتیویسم قرن نوزده و اینها مطرح است، بکلی متفاوت و تعریف این دو انسان را یکی ندانسته است. بر این اساس محور بودن انسان هم در اسلام با محور بودن انسان در آن مکاتب مادی بکلی متفاوت است. (در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، <https://khl.ink/f/۱۰۶۴۴>، ۱۳۸۹/۹/۱۰)

مراد از انسان محوری اسلامی در اندیشه معظم له عبارت است از اینکه، همه‌ی مسائلی که مورد بحث واقع می‌شود، اعم از: مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی امنیت، مسئله‌ی رفاه، مسئله‌ی عبادت، برای این است که فرد انسان سعادت‌مند شود. در نگاه ایشان مسئله‌ی سعادت و مسئله‌ی عقبی متعلق به فرد است؛ نه به این معنا که انسان از حال دیگران غافل باشد، برای آنها کار نکند؛ نه، «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) امام خامنه‌ای در خصوص تفسیر این آیه به روایتی از ائمه اشاره می‌کند و بیان داشته است که معنای این جمله را از امام پرسیدند، فرمود: تأویل اعظم آن این است که تو کسی را هدایت کنی». بر اساس این روایت ایشان وظیفه انسان را هدایت بیان داشته و در نهایت آن چیزی که از نگاه اسلام برای انسان مطرح است و اهم است، معظم له نجات انسان را مهمترین وظیفه انسان بیان کرده است. وی نجات نوع انسان‌ها را در این دیده است که به وظایفمان عمل کنیم؛ که البته آن وقت وظایف اجتماعی، استقرار عدالت، ایجاد حکومت حق، مبارزه‌ی با ظلم، مبارزه‌ی با فساد، اینها همه را جزو مقدمات همان نجات بیا داشته است. (اصل نجات خود، همه چیز مقدمه). (همان)



به عبارت دیگر جامعه‌ی اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. معظم له در ادامه در تبیین این نوع از انسانی بیان داشته است: اینکه در قرآن کریم هست که «لِیَقُومِ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) - که به عنوان هدف انبیا ذکر شده - قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد. انسان موجودی است مکلف، مختار و مواجه با هدایت الهی - «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ. وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ. وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد: ۸-۱۰) - میتواند هدایت را انتخاب کند، میتواند ضلالت را انتخاب کند. انسان موجودی است متعهد، برای خود، برای جامعه، برای اهل. آن وقت با این نگاه، مردم‌سالاری علاوه بر اینکه برای مردم یک حق است، یک تکلیف هم میشود؛ یعنی همه‌ی مردم در امر حکومت جامعه مسئولند. نمی‌شود گفت که آقا به من مربوط نیست؛ نه، صلاح و فساد کشور، حکومت، اینها به یکایک انسانها مرتبط است؛ یعنی انسان در مقابل آن متعهد است. این هم یکی از آن عناصر اصلی است که بایستی در دیدگاه اسلام مورد ملاحظه قرار بگیرد و در این الگو رعایت شود (در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰/۹/۱۳۸۹، ۱۰۶۴۴/۱۰۶۴۴/۱۰) (<https://khl.ink/f/10644>)

#### ۴. نظریه تکامل‌پذیر بودن انسان (اصل تکامل‌پذیری انسان)

اصطلاح «نظریه تکامل» از جمله مباحثی است که وقتی صحبت از آن می‌شود، گاهی با نظریه تکامل داروین یا نظری لامارک همراه و مورد نظر است؛ اما این اصطلاح اغلب به معنای وسیع‌تری به کار می‌رود. لری لاودن<sup>۱</sup> در این مورد می‌گوید:

.... اصطلاح «نظریه تکامل» به هیچ نظریه واحدی ارجاع نمی‌دهد، بلکه به خانواده‌ای از آموزه‌ها ارجاع می‌دهد که به طور تاریخی و مفهومی به هم مربوط هستند و همه آنها از این فرض بهره می‌برند که گونه‌های آلی، خطوط نسبی مشترکی دارند. (لاودن، ص ۷۱-۷۲؛ بیکران بهشت، حامد، ۱۳۹۷: ص ۱۷۶)

با این فرض می‌توان گفت که نظریه تکامل‌پذیر بودن انسان بر اساس دین اسلام چهارده قرن پیش نیز معنایی سوای دیگر معنایی که دانشمندان غرب بیان داشته‌اند، آورده است. در قرآن کریم،

<sup>۱</sup> - Larry Laudan

اصطلاح تکامل به کار نرفته بلکه از مترادف‌های آن، یعنی اصطلاح‌های اکمال و تکمیل استفاده شده است. واژه «اکمال» از باب افعال، دلالت بر دفعه و یکبارگی دارد و «تکمیل» از باب تفعیل، بر تدریج دلالت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/ ۲۸۹). راغب در مورد معنی کمال می‌نویسد: «کمال هر چیزی عبارت است از اینکه غرض از آن چیز حاصل بشود» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۲: ۷۲۶)، «آن غرضی که خدا انسان را بدان جهت خلق کرده... در اینکه راه سعادت حقیقی خود را سریع‌تر طی کند و سعادت حقیقی بشر نزدیکی به خدای سبحان است که آن هم با عبودیت و خضوع در برابر پروردگار حاصل می‌شود، آری خدای تعالی می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/ ۵۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/ ۲۹۰). در آیات متعددی، از خلقت انسان سخن گفته و پرده از رازهای وجودی او برداشته است. اندیشمندان مسلمان در خصوص نظریه تکامل بر اساس تحول افراد نوع واحد با نظمی طبیعی یا فطری مبتنی بر حرکت جوهری غایت الهی سخن گفته‌اند و آن را از سنخ علوم تجربیدی اثبات کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۷/ ۸۸)؛ به عبارت دیگر وجود انسان مرکب از دو بعد جسمانی و روحانی است، لذا درک حقیقت تکامل وی مستلزم پرداختن به نحوه وجود این دو بعد از مراتب اخس تا اعلی مراتب- وجود است. امام خامنه‌ای مراحل تکامل جسم و نفس انسان را به مدد وحی الهی و بر اساس سیر تربیت‌پذیر بودن انسان، استعداد بی‌پایان و تکامل بر اساس اخلاق اسلامی بیان داشته است.<sup>۱</sup> همانگونه که جسم در سیر تطوری خود دارای مراتبی است، روح نیز دارای مراتب اشد و اضعف است. قرآن کریم هدف از آفرینش را کمال و رشد روح انسان می‌داند و اموری را که در تکامل روح انسان مؤثر است به او معرفی می‌کند. امام موسی بن جعفر (ع) فرمودند: خداوند سبحان جن و انس را آفرید تا او را بندگی کنند و نیافرید تا او را نافرمانی کنند؛ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/ ۵۶). بنابراین زمینه رشد و کمال برای هر کسی میسر گشته است؛ «فیسر کل لما خلق له»، پس وای بر کسی که راهی را برگزیند که او را از هدف دور سازد؛ «فویل لمن استحَبَّ العمی علی الهدی» (حویزی، ۱۴۱۵: ۵/ ۱۳۲). انسان از مخلوقات است که بر خلاف دیگر موجودات، مستعد

تکامل پذیری و تربیت است و تأثیر تربیت را نمی‌توان منکر شد، هر کمالی در گرو رشد و تکامل است و هر تکاملی در گرو تربیت است. حقایق جهان هستی این را تأیید می‌کند که هر تکاملی در عالم ظاهر می‌شود، هزاران راه تربیت رفته و صدها هزار شرایط برایش آماده کرده‌اند؛ مانند شرایط محیطی و زیستی رشد و تکامل یک درخت تا زمانی که به ثمر بنشیند. انسان نیز محصور اراده تکوینی و تشریحی ذات اقدس اله است و در این دایره می‌تواند تکامل پیدا کند. هر چند در وهله اول مسئله اصلی برای بسیاری از متفکران غرب این است که آیا انسان موجودی است دارای خصوصیت تکامل پذیری است یا اینکه بر اثر حوادث و نظم طبیعی جهان بدون در گرو بودن اراده فقط سیر دارد و به تکاملیت نمی‌رسد؟ امام خامنه‌ای در خصوص تکامل پذیر بودن انسان، دیدگاه اسلام را بیان و بدان قائل است. ایشان بر این اعتقاد است که اگر ما به احکام اسلامی عمل بکنیم، اگر جامعه‌ی اسلامی، ایمان اسلامی را همراه با عمل به مقررات و قوانین الهی تعقیب بکند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که بشریت در طول تاریخ به دنبال آن بوده است. یعنی آسایش و رفاه مادی همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی. (سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زایران حضرت رضا (ع)، ۱/۲۹، ۱۳۷۰، <https://khl.ink/f/۲۴۴۴>) بر اساس منظومه فکری معظم له تکامل پذیری انسان در گرو عمل به مقررات و قوانین الهی است که این مهم نتیجه رشد و کمالیت را برای نوع انسان همراه دارد از مهمترین مؤلفه‌های تکامل پذیری در منظومه فکری می‌توان به تربیت پذیر بودن انسان، استعداد بی‌پایان انسان و تکامل بر اساس اخلاق اسلامی اشاره کرد:



#### ۲.۴ مؤلفه تربیت‌پذیر بودن انسان

تربیت در نظر مقام معظم رهبری، یعنی شکوفایی استعدادها و به معنای شدن و به شکل خاصی درآمدن و یک هویت درست و مطلوب پیدا کردن است. این دیدگاه معنای وسیعی را در بر می‌گیرد که شامل بروز سلامت جسمی و فکری علمی اخلاقی و دینی است که قصد شده تا در مسیر کمال رشد و نمو داده شود، یعنی اهداف تربیتی دارای گستردگی خاصی است که همه استعدادهای بشری از جمله؛ تربیت اخلاقی و رشد معنوی و رشد علمی را شامل می‌شود و تربیت به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی است که آن شیء کمال خود را باز می‌یابد. (بیانات مصاحبه با مجله آینده سازان مصاحبه‌ها جلد ۴، ۲۱/۷/۱۳۶۵) (tebyan.net) ایشان همچنین بیان داشته‌اند، تربیت انسان همانند تربیت یک نهال یا یک بوته گل است که رشد و نمو داده می‌شود تا برگ و بار پیدا کند و ضمن اینکه خود این نهاد یا بوته از لحاظ ظاهری و جسمی و زیبایی شکل کامل خود را پیدا می‌کند میوه‌اش هم باید میوه سالم و شیرین باشد (بیانات مصاحبه با مجله آینده سازان مصاحبه‌ها جلد ۴، ۲۱/۷/۱۳۶۵) (tebyan.net). ایشان تربیت انسان را طوری می‌داند که اگر چیزی را فرا گرفت و در اعماق جانش رسوخ داد جزو طبیعت او می‌شود و مثل غرائز و خصوصیات طبیعی در وجودش باقی می‌ماند و تاثیر می‌گذارد، انسان یک حالت فراگیر و

استعداد بی‌نهایت برای رشد و نمو خود دارد؛ البته این استعداد در مورد جسم پایانی دارد، اما در مورد معلومات و روحيات و اخلاقیات بی‌پایان است و انسان نمی‌تواند آن را درک کند (بیانات مصاحبه با مجله آینده سازان مصاحبه ها جلد ۴، ۱۳۶۵/۷/۲۱ (tebyan.net) از مهمترین شاخص‌های تربیت پذیری می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:



#### ۱.۱.۴ تدریجی بودن

هیچ فردی نمی‌تواند در مدت کوتاهی دوران کودکی را سپری کند به نوجوانی قدم بگذارد و به طور جهشی به مراحل بعدی سنی برسد. پختگی در هر مرحله ضمانت تربیت صحیح در مرحله بعدی است؛ البته پیداست که تربیت انسان‌ها کار تدریجی است، کار دفعی نیست. پیامبر در تمام مدت ۲۳ سال تلاش می‌رد که این پایه‌های تربیتی استوار و محکم شود و ریشه بدواند؛ اما این مدت ۲۳ سال برای اینکه بتواند مردمی را که درست بر ضد این خصوصیات بار آمده‌اند، متحوّل کند، زمان خیلی کم است، اما به تدریج حضرت خاتم توانست افرادی را مطابق با قرآن تربیت کند که این خود بیانگر تدریجی بودن تربیت است. (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۷/۲/۱۸، <https://khl.ink/f/۲۸۸۶>)

#### ۲.۱.۴ مستمر بودن

انسان تا پایان عمر رشد می‌کند و با اینکه رشد طبیعی در دوره جوانی به پایان می‌رسد، ولی رشد اکتسابی یا تربیت تا آخر زندگی ادامه می‌یابد، در تربیت تعطیلی و توقف روا نیست و فراغت از تربیت، معنا ندارد. (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۴۵۴) رهبر انقلاب پیامبر را مبعوث به تربیت مستمر مستمر مردم می‌داند که قرآن در این باره می‌فرماید یقیناً خدا بر آنان پیامبری از

خودشان برانگیخت که آیا تو را بر آنان می‌خواند و از آلودگی‌های فکری و روحی پاکشان می‌کند ایشان به این نکته اشاره دارند که انسان‌ها باید هم آموزش داده شوند و هم تزکیه شوند تا این کره خاکی و جامع بزرگ بشری بتواند مثل یک خانواده سالم راه کمال را طی کند و از خیرات این عالم بهره‌مند شود این اقدام بزرگ تعلیم و تربیت را تا آن حدی که امکانات زمان اجازه می‌داد پیامبران پیش بردند اما دین خاتم و نبی خاتم باید این حرکت عظیم الهی را ابدیت بخشد چون پیامبر دیگری مبعوث نخواهد شد تا بشر را به سرمنزل نهایی خود برساند چگونه می‌شود بشریت را به آن سرمنزل نهایی نزدیک رد آن وقتی که این تربیت مستمر باشد باید تعلیم و تربیت مستمری از موضع حکومت و قدرت سیاسی آن هم قدرت سیاسی کسی مثل پیامبر یعنی معصوم این جامعه بشری را به تدریج پیش برد و تربیت کند و ناهنجاری‌ها را در میان آنها کاهش دهد تا بشریت بتواند به آن نقطه ای که شروع زندگی سعادت‌مندانانه همه انسان‌هاست که ما آن دوره را دوره حضرت ولی عصر ارواحنا فدا می‌دانیم برسد. (بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، <https://khl.ink/f/۳۰۵۶>، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴)

#### ۳.۱.۴ تغییرپذیر بودن انسان

یکی از شاخص‌های تکاملی انسان در منظومه فکری رهبری، تغییر و تحول‌پذیر بودن انسان است. ایشان در شرح دعای تحویل سال «اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک» (مفاتیح الجنان: دعای تحویل سال) به این نکته اشاره کرده است که تغییر و تحول، یکی از بزرگترین اسرار حرکت تکاملی انسان است که اسلام به آن امر کرده و دستور داده است و این تغییر و تحول مخصوص تعداد خاصی نیست و کسی خیال نکند که تغییر حال، از آن کسانی است که طبق معیارهای اسلامی، دچار بدحالی‌اند! حتی کسانی که حال و اخلاق نیکی دارند، چون بهترین نیستند، از خدا می‌خواهند که به سمت بهترین حرکت کنند؛ همچنین بیان داشته‌اند که ما، هر که هستیم، هر جا هستیم و در هر مرتبه‌ای از دانش، معرفت، کمال و اخلاق انسانی قرار داریم، باید از خدا بخواهیم که حالمان را نیکوتر کند و ما را به سمت کامل‌تر شدن پیش برد. (پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳، ۱/۱/۱۳۷۳، <https://khl.ink/f/۲۷۰۸>) ایشان در خصوص تغییرپذیر بودن انسان اشاره به

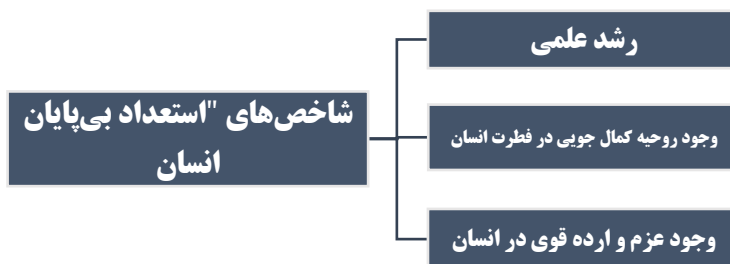
تغییرپذیر بودن خلیقات ارثی انسان کرده است و تأکید داشته است همه می‌توانند خلیقات ارثی را تغییر داده و عوض کنند. به عنوان نمونه ایشان اشاره به تنبلی ذاتی، حرص ذاتی، بخل ارثی، حسد ارثی و لجبازی ارثی کرده و بیان داشته است که همه این خلیقات ارثی قابل تغییر هستند و می‌شود آنها را تغییر داد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی سوم رمضان ۱۴۱۵، ۱۴/۱۱/۱۳۷۳، <https://khl.ink/f/۲۷۳۹>)

#### ۲.۴ مؤلفه استعداد بی پایان انسان

در منظومه فکری امام خامنه‌ای، استعداد بی‌پایان انسان از جمله مؤلفه‌های اصل تکامل‌پذیری انسان برشمرده می‌شود که برای تعالی و رسیدن به انسان کامل در آن وجود دارد. ایشان انسان را موجودی با استعداد می‌داند که توانایی بالا رفتن به آخرین نقطه تعالی در حیات ممکنات را دارد؛ اما برای دیگر موجودات این امکان را نمی‌داند. (بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲/۹/۱۳۷۹، ۳۰۳۹، <https://khl.ink/f/۳۰۳۹>)

انسان در جهان‌بینی اسلام، آن موجودی است که در او استعدادهای فراوانی نهفته است. این انسان می‌تواند در میدان‌های علم و دانش و کشف رمزها و حقایق خلقت تا بی‌نهایت پیش برود، می‌تواند از فرشتگان بالاتر برود، در سیر مراتب معنوی و مراحل روحی می‌تواند تا بی‌نهایت پیش برود، می‌تواند از فرشتگان بالاتر برود، از لحاظ انواع و اقسام قدرتمندی‌ها می‌تواند به اوج قله قدرت برسد که این مهم در گرو عبودیت خدا است. عبودیت خداوند، راه‌ها را در مقابل انسان باز خواهد کرد و در غیر اینصورت، بال‌های او بسته خواهد شد و از پرواز باز خواهد ماند؛ در همه رشته‌ها، حتی علم و دانش هم با توحید در سر راه انسان قرار می‌گیرد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۹/۱۰/۱۳۶۵، ۲۱۴۸۸، <https://khl.ink/f/۲۱۴۸۸>). در توضیح این مطلب که انسان می‌تواند با این استعداد تا آخرین نقطه تعالی حیات ممکنات بالا رود اما بقیه موجود امکان را ندارند به آیه شریفه «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم» (تین: ۴) اشاره کرده است و معنای احسن تقویم را تفسیر کرده است. ایشان بیان داشته‌اند که احسن تقویم معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که مثلاً سرش با دستش با چشمش باطنش تناسب دارد؛ در بهترین اندازه گیری

انسان را آفریده‌ایم، یعنی آن اندازه‌گیری است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد؛ تا آنجا می‌رود که در عالم وجود سقفی بالاتر از آن نیست. (بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲، ۳۰۳۹، <https://khl.ink/f/3039>) از مهمترین شاخص‌های "استعداد بی‌پایان انسان" در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛ البته قابل توجه است که موارد بیان شده تمامی مواردی است که راقم این سطور بدان رسیده است؛ شاید موارد دیگری نیز باشد که مغفول مانده است:



#### ۲.۴.۴ وجود عزم و اراده قوی در انسان

شاید بتوان گفت یکی از شاخص‌های مهم استعداد بی‌پایان انسان؛ وجود عزم و اراده قوی در انسان است. رهبر انقلاب بر این باور است که نقش اصلی در تربیت به اراده و تصمیم خود انسان وابسته است و اگر ایمان به اراده انسانی در کنار اعتقاد و ایمان به اطمینان به کمک الهی واقع شود بزرگترین مشکلات به آسانی حل می‌شود در این باره می‌فرمایند که من به نقش انسان و اراده و قدرت انسانی ایمان زیادی دارم. (بیانات در مراسم بیعت وزیر کشور و معاونان و استانداران، ۱۳۶۸/۳/۱۹، ۲۰۸۳، <https://khl.ink/f/2083>)

#### ۲.۴.۴ وجود روحیه کمال جویی در فطرت انسان

حقیقت این است که زندگی انسان وقتی معنا پیدا می‌کند که در راه کمال صرف شود. کسی که هدف کمال را دنبال نکند و سرمایه ارزشمند حیات و عمر را در همین مدتی که در اختیار دارد، صرف خوشگذرانی کند، زندگی را ضایع کرده است. (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۴۴۵) رهبر انقلاب در این باره نظر به این دارد که اساس اندیشه اسلامی در یک جامعه اسلامی



برای انسان کامل شدن می باشد این بزرگترین نعمت الهی برای انسان از او را برای رسیدن به کمال آماده می کند. (بیانات در دیدار گروه کثیری از بازاریان، اصناف و روستاییان کشور، ۱۳۶۸/۴/۱۲، <https://khl.ink/f/۲۱۲۸>)

#### ۳.۲.۴.۴.۴ ارشد علمی

معظم له یکی از شاخص‌های استعداد بی پایان را رشد علمی بیان می کند و علت را در استعدادی که در این نوع بشر نهفته هست بیان می کند. ایشان بیان داشته است که: «الحمد لله ما همه چیز داریم؛ اگر بخواهید رشد کنید، همه چیز داریم؛ هم علم، هم استعداد، هم توانایی و هم ادب. بحمد الله هیچ احتیاج نداریم». (بیانات در دیدار جمعی از قاریان، ۱۳۷۱/۱۲/۱۷، <https://khl.ink/f/۱۷۲۰>)

#### ۳.۴ مؤلفه تکامل براساس اخلاق اسلامی

علم اخلاق در تعریفی جامع عبارت است از دانشی از انواع صفات خوب و بد و چگونگی اکتساب صفات خوب و بد و زدودن صفات بد و موضوع آن عبارت است از صفات خوب و بد، از آن جهت که مرتبط با افعال اختیاری انسان بوده و برای او قابل اکتساب یا اجتناب، اند و علمی که در آن ضمن آشنایی با انواع فضایل و رذایل اخلاقی، راه‌های اکتساب و آراستگی به خوبی‌ها و اجتناب و پیراستگی از بدی‌ها را تعلیم می دهد. (مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، ص ۱۸) امام خامنه‌ای نیز اخلاق را حالات و کیفیت تعریف می کند که در روح و اندیشه وجود دارد و به عمل انسان شکل می دهد، (درس اخلاق، ۱۳۶۱/۴/۲۵) ایشان با تفکیک علم اخلاق و اخلاق از هم، به تعیین مراد خود از اخلاق در مباحث نظام اخلاقی پرداخته و خطاب به عناصر اصلی و موثر بر پیشرفت اخلاق در جامعه یعنی معلمان و سیاستگذاران توجه به موضوع و نصیحت از یک طرف و استفاده از زمینه‌ها و ظرفیت‌های قانونی برای ایجاد اخلاق اسلامی در جامعه و توسعه و ترویج آن از طرف دیگر را مورد تاکید قرار می دهند و معتقدند، اخلاق علم نیست که کسی بگوید و یاد بگیرد، اخلاق عمل قائم به جسم نیست که انسان جسم خودش را وادار کند به یک عملی، اخلاق قائم به نفس انسان است، کیفیت نفسانی است، عمل نفسانی است و این دشوارترین کارهاست.

بیانات در دیدار با طلاب عازم جبهه، ۱۳۶۶/۸/۲۹، <https://khl.ink/f/۳۸۰۲۶>، اخلاق یکی از ابعاد سه‌گانه دین و هدف اساسی بعثت رسول گرامی اسلام معرفی شده است؛ یعنی «اُنّی بعثت لاتمم مکارم اخلاق» تلاش برای تهذیب و تزکیه مردمان و آراستگی آنان به صفات و فضایل اخلاقی و معنوی از اصلی‌ترین وظایف انبیا و اولیا خدا و حاکمان رهبران دینی است. (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۴۱۱-۴۱۰)

قانون اساسی یکی از اصلی‌ترین وظایف و اهداف نظام اسلامی و حکومت دینی را توسعه اخلاق و معنویت در جامعه می‌داند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و نقش و وظیفه راهبری و سیاست‌گذاری کلان در راستای دستیابی به اهداف نظام اسلامی را بر عهده ولی فقیه قرار داده است. (همان) از سوی دیگر مقام معظم رهبری حقیقت و مقصد اصلی دین را تهذیب اخلاق جامعه و تصحیح فرهنگ آن می‌داند و بدون دستیابی به این تحول امین حاکمیت دین و حکومت دین را بی‌معنا بلکه دروغ می‌پندارند. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۴/۱/۲۳، <https://khl.ink/f/۲۱۷۷۴>) از مهمترین شاخص‌های «تکامل بر اساس اخلاق اسلامی» در منظومه فکری رهبری می‌توان به جدول ذیل اشاره کرد:



امام خامنه‌ای اخلاق اسلامی را رکن اساسی تکامل انسان و تربیت انسان معرفی کرده و اخلاق و عمل را رکن اساسی تربیت اسلامی می‌داند که انسان مسلمان بایستی در هر سه بعد تربیت، دانش و عمل کار کند. (خبرگزاری ایکتا، شهریور ۱۳۸۶، خبر شماره ۱۶۲۶۷۵) در زمان حاضر فقط درس خواندن برای مسلمانان کافی نیست؛ بلکه ایشان بر خورداری از اخلاق و تهذیب نفس را در کنار درس امری لازم می‌داند (بیانات در مدرسه عالی شهید مطهری به مناسبت میلاد پیامبر (ص)، ۱۳۶۳/۹/۲۰) و اخلاق را یک هنجار صحیح روحی می‌داند که باید از استاد به شاگرد منتقل کند. (بیانات در دیدار با مدرسان دانشگاه‌های تربیت معلم، ۱۳۶۱/۸/۱۶)

#### ۱.۳.۴ دوری جستن از عوامل گناه

یکی از اهداف اخلاق تربیت اسلامی دوری جستن از عوامل گناه است به دلیل اینکه هر گناه اثر تاریک کننده و کدورت آوری بر دل آدمی باقی می‌گذارد و در نتیجه میل و رغبت به کارهای نیک و خدایی کاهش می‌گیرد و رغبت به گناهان دیگر افزایش می‌یابد. (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۴۶۱) با دوری جستن از عوامل گناه، انسان به عبادت و بندگی و تقوایی می‌رسد که وجدان مذهبی انسان را پرورش می‌دهد. میل و رغبت به کار نیک را افزون می‌کند و از میل و رغبت به شر و فساد و گناه می‌کاهد؛ یعنی تیرگی‌ها نه ناشی از گناهان را از زایل می‌گرداند و میل به خیر و نیکی را جایگزین آن می‌سازد. (بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰، <https://khl.ink/f/2772>) مقام معظم رهبری بر این اساس پرهیز از گناه و فراموش نشدن یا خدا در رفتارهای معمولی را موجب نورانیت دل‌های مؤمنین می‌داند. (بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰، <https://khl.ink/f/2772>)

#### ۲.۳.۴ پرورش فضیلت جویی

پرورش فضیلت جویی که به عنوان یکی از اهداف تربیت در اسلام معرفی شده است، به معنی هدایت و دستگیری انسان در شناختن فضیلت‌ها و ردیلت‌ها، تقویت گرایش به فضایل و زدودن موانع این گرایش است و هدف‌های کلی زیر نیز در جهت دستیابی به هدف مذکور می‌باشد:

- پرورش روحیه مراقبت از رفتار خود و ضبط نفس و حسابرسی خویش.

- تقویت میل به کسب فضائل و مکارم اخلاقی و پیراستن نفس از رذائل اخلاقی
- شناخت نفس و اعتقاد به کرامت انسان و سرمایه‌های وجودی او. (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۴۶۱)

فضائل یک فرد مسلمان را رهبر انقلاب فراگرفتن خوب، انضباط خوب، آمادگی همیشگی و اخلاص و صفا و نورانیت معنوی می‌داند و فرصت جوانی را برای آراسته شدن به این فضایل بزرگ باید مغتنم شمرد و با کسب فضایل معنوی که برای یک انسان فداکار مومن یک انسان سربلند در مقابل خدا و خلق لازم است، می‌توان بنده شایسته برای خدا شد. این خود پرورش فضیلت‌جویی است که از اساس اهداف اخلاقی به شمار می‌آید. (بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشکده افسری امام علی (ع)، ۱۳۸۷/۷/۲۸، ۴۰۳، <https://khl.ink/f/403>)

#### ۳.۳.۴ حرکت برای خدا و خدمت به مردم

در زندگی روزمره هرکس می‌تواند در جهت هدف الهی یا غیر الهی حرکت کند و این حرکت باعث سعادت و شقاوت او می‌شود. توحید عملی و توحید در عبادت یعنی یگانه رستی، به عبارت دیگر در جهت پرستش حقوق یگانه شدن. آن کسی که هواهای نفسانی خود را جهت حرکت و ایده آن و قبله معنوی خود قرار بدهد، آنها را پرستش کرده است. (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۴۶۳) آیا کسی که هوای نفسش را معبود خود گرفته دیدی؟ آیا تو هم می‌توانی کارساز او باشی که او را به میل خود به راه راست هدایت کنی؟<sup>۱</sup> رهبر انقلاب محور حرکت انقلاب اسلامی را خدمت به قشرهای محروم ملت و جهت ارتباط با خدا می‌داند (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۴/۸، <https://khl.ink/f/2118>) که این خود می‌تواند یکی دیگر از اهداف اخلاقی به شمار آیند.

#### ۴.۳.۴ کنترل امیال و غرایز

در انسان غرایزی وجود دارد که گاهی دچار افراط و تفریط می‌شود، که اگر بخواهیم جامعه را از لوٹ گناه پاک سازیم و یا وجود خویش را از آلودگی گناه حفظ کنیم، باید غرایز و تمایلات

۱- «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا»؛ فرقان: ۴۳

نفسانی را کنترل و تعدیل کنیم که اگر کنترل و تعدیل نشود به افراط و تفریط کشانده می‌شود و سرچشمه این گناهان بسیار خواهد شد. (خسر و پناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۴۶۳) مقام معظم رهبری اذعان بدین دارد که هر انسانی در درون خود یک نفس سرکش دارد که اگر مراقبش باشد، انسان در عرصه اجتماعی و فردی به هلاکت نخواهد افتاد و رفتار او کنترل نفس انسانی‌اش مایه پیشرفت وی خواهد شد. (بیانات در دیدار با شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس سراسری اجلاس نماز، ۱۳۸۷/۸/۲۹، ۴۴۹۰/f/khl.ink/https://)

#### ۵.۳.۴ خودسازی

در تربیت اسلامی خودسازی به معنای شناخت معارف، ایجاد ملکات و انجام افعالی است که کمال شناخته شده برای «خود» را پدید می‌آورند. درک خودسازی؛ وابستگی کامل به شناخت از ماهیت «خود» و کمال مطلوب آن را دارد؛ پس خودشناسی مقدمه اجتناب‌ناپذیر «خودسازی» است. «خود» آن‌چنان که با کمک درون‌بینی شناخته شد، مجموعه‌ای از توانایی‌ها و گرایش‌ها است که کمال آن قرب خداوند است. این کمال از طریق اصلاح روابط مختلف انسان به دست می‌آید؛ بنابراین خودسازی مجموعه اعمالی است که برای اصلاح رابطه خود انجام می‌دهیم تا به قرب خدا نایل شویم. دسته‌ای از این اعمال، کسب شناخت‌های ضروری برای تقرب به خداوند است و دسته‌ای دیگر، عمل به وظایف اخلاقی و تکالیف شرعی است. (خسر و پناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۸: ج ۱، ۴۶۴) رهبر انقلاب تهذیب نفس و خودسازی و جهاد در راه تطهیر و پاکیزگی را بزرگتر از هر جهادی می‌داند و اشاره دارد که همه انبیا الهی آمدند تا انسان را بسازند و از دست منیت‌ها و شرّ و سوسه‌ای درونی نجات دهند. (بیانات در دیدار با خانواده شهدا، ۱۳۷۰/۷/۱۷، ۲۵۰۰/f/khl.ink/https://)

همچنین ایشان خودسازی را به عنوان محور معنویت فردی دانسته است که دارای ابعاد گوناگونی است، خودسازی اخلاقی تنها یکی از جنبه‌های آن را تشکیل می‌دهد، جنبه‌های دیگر خودسازی عبارت است از؛ خودسازی از لحاظ علمی و فکری؛ خودسازی از لحاظ نیروی جسمانی؛ خودسازی از لحاظ اصلاح اخلاق خصوصی؛ از لحاظ معرفت دینی و عمل‌بینی؛

خودسازی از لحاظ کسب تجربه برای ساختن این کشور و.... که همه موارد بیان شده در اندیشه معظم له از جنبه‌های مختلف خودسازی محسوب می‌شود. (بیانات در دیدار مردم استان بوشهر،  
(<https://khl.ink/f/۲۵۴۰،۱۳۷۰/۱۰/۱۱>)

### ۶.۳.۴ رسیدن به تقوا

مفهوم تقوا در اسلام به معنای مراقبت دائمی انسان از حرکت خود و از مسیر و انگیزه‌های خود می‌باشد (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۸: ج ۱، ۴۶۴). امام خامنه‌ای هر انسانی را که دنبال دنیا یا برای پیروزی در میدان‌های جهانی و یا جلب رضای خدا باشد، در هر حال ملزم به رعایت تقوای الهی می‌داند، بیان می‌دارد که تقوا یک ارزش اسلامی به معنای مطلق می‌باشد (بیانات در دیدار با اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد امام (ره) ۱۳۷۸/۳/۹) و عالم فاقد تقوا و وجدان، خطرناک‌تر از هر دشمنی است. (بیانات در دیدار با آزادگان، ۱۳۶۹/۷/۱۱، <https://khl.ink/f/۲۳۶۳،۱۳۶۹/۷/۱۱>) رهبر معظم انقلاب در عرصه تربیت، توصیه به پاکیزه نگه داشتن جان‌ها دارد که با دوری از گناه و باز ذکر و توجه به خداوند این دل‌ها را به سمت خدا سوق دهند. تقوا در درجه اول، اجتناب از گناهان و در مرحله بعد انجام واجبات و پرداختن به نوافل است؛ بنابراین علم و تقوا دو پایه اصلی برای پیشبرد برای اهداف تربیتی است (بیانات در دیدار با طلاب و اساتید مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۲، <https://khl.ink/f/۱۱۳۸،۱۳۸۳/۳/۲۲>)

### ۷.۳.۴ خشکاندن ریشه‌های بد اخلاقی

رهبر انقلاب ارزش‌های اخلاقی را در اسلام بدین معنا می‌داند که روح فضیلت و پرهیزگاری و وارستگی و بردباری و دوری از حرص و آز و دنیا طلبی و دیگر خصلت‌های اخلاقی در جامعه رواج پیدا کند و به صورت ارزش اصلی درآید. (پیام به مناسبت اربعین رحلت امام (ره)، ۱۳۶۸/۴/۲۳، <https://khl.ink/f/۲۱۴۱،۱۳۶۸/۴/۲۳>) لذا با توجه به این هدف، بیان می‌دارد که یک عالم باید علمش را به عملش توأم سازد تا بدین ترتیب کبر و غرور از خود و دیگر اقشار مردم بیرون برود تا جامعه بتواند بسیاری از ریشه‌های بد اخلاقی و فکری را ریشه کن سازد. (بیانات در دیدار با مسئولین نهضت سوادآموزی، ۱۳۶۵/۱۰/۱۸)

### ۸.۳.۴ شناخت و التزام به معروف و منکر

شناخت معروف و منکر و التزام به آن، پرورش روحیه حساس بودن نسبت به وقایع جاری در جامعه و پرهیز از بی تفاوتی و بی قیدی در مسائل موجود اجتماعی است. مؤمنین در جامعه اسلامی، نباید از کنار کج روی‌ها و انحرافات که از جانب دیگر اعضای جامعه مشاهده می‌کنند، بی تفاوت بگذارند، بلکه تا حد امکان و وظایف خویش، باید در جهت نفی و زدودن این انحرافات بکوشند و در همین راستاست که در اسلام، تأکید زیادی بر امر به معروف و نهی از منکر و احقاق حق مظلوم و مقابله با ظالم و امور اجتماعی دیگر صورت گرفته است؛ (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۴۶۶-۴۶۷) « وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ » (آل عمران: ۱۰۴) رهبر انقلاب امر به معروف و نهی از منکر را تضمین کننده حیات طیبه در نظام اسلامی و وظیفه همه آحاد اجتماع مسلمانان می‌داند که وظیفه امر کردن به کار خوب و نهی کردن از کار بد را برای خود قائل باشند (بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت فرارسیدن سالروز ۱۹ دی ماه؛ ۱۳۶۸/۱۰/۱۹، <https://khl.ink/f/۲۲۴۷>)

### ۹.۳.۴ پابندی به رعایت حقوق دیگران

محور تربیت اجتماعی را سلسله‌ای از حقوق و وظایف و مسئولیت‌های مربوط به زندگی در میان جوامع و جامعه می‌توان دانست. به این معنی که افراد و گروه‌هایی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، نسبت به هم حقوقی دارند و مسئولیت‌ها و وظایفی نیز در ارتباط با یکدیگر بر عهده آنهاست. حقوق پدر و مادر، برادران، خواهران همسایگان، معلمان، متعلمان، خویشان و دوستان رهبران و حاکمان و .... را می‌توان از جمله حقوقی دانست که بر عهده انسان و ناشی از زندگی اجتماعی اوست. (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۴۶۷) رهبر معظم انقلاب رعایت حقوق دیگران و رعایت تقوا و پرهیزگاری اجتماعی را به عنوان یک هدف اصلی برای تربیت اجتماعی برمی‌شمارد و نظر بدین دارد که همه ملت اسلامی به خصوص جوانان در کنار حفظ پاکدامنی و تلاش و رعایت تقوا باید امانت‌داری و رعایت اخلاق و حقوق اجتماعی را در وجود خود پرورش دهند. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۷/۷/۲۸)

## ۵. نتیجه

اندیشه انسان‌شناسی امام خامنه‌ای بر مبنای انسان اسلام محور است که خود دارای اصل‌هایی است، از جمله این اصول، اصل تکامل‌پذیری انسان است که دارای سه مؤلفه با عنوان استعداد بی‌پایان انسان؛ تربیت‌پذیر بودن انسان و تکامل بر اساس اخلاق اسلامی است که هر کدام دارای شاخص‌هایی بود. شاخص‌های تربیت‌پذیر بودن انسان، عبارت است از تدریجی بودن انسان، بدین معنا که انسان تدریجاً تربیت می‌شود، همانگونه که پیامبر (ص) طی ۲۳ سال تدریجی مردم را تربیت می‌کرد؛ شاخص دیگر تربیت‌پذیری مستمر بودن تربیت انسان است، مداومت و مستمر بودن بر تربیت لازمه اصلی امر تربیت انسان است؛ چرا که بدون استمرار بر امر تربیت، انسان به غایت کمالی خود نزدیک نمی‌شود. شاخص مهم دیگری که در امر تربیت‌پذیری انسان معظم له بیان داشته‌اند، تغییرپذیر بودن انسان است؛ این شاخص در سیر تکاملی انسان به کمال نهایی رکن اساسی است؛ چرا که انسان را از وضعیت فعلی خود می‌رهاند و چنین نویدی به او می‌دهد که بتواند به کمال خود لحظه به لحظه نزدیک شود. در ادامه مدل خورشیدی مبانی، مؤلفه و شاخص‌های اصل تکامل‌پذیری انسان را در انیسه امام خامنه‌ای ارائه می‌شود:



نمودار احصاء شده از بیانات امام خامنه‌ای در اصل تکامل‌پذیری انسان



## منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، مصحح حسین استاد ولی، مترجم موسوی دامغانی، تهران، انتشارات قربانی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- ۱- ارشد ریاحی، علی (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر در تکامل نفس انسانی از دیدگاه ملاصدرا». خردنامه صدر. شماره ۵۵، ص ۶۶-۷۰.
  - ۲- بیکران بهشت، حامد، (۱۳۹۷)، هستی شناسی نظریه تکامل: رویکردی تحلیلی-تاریخی به مدل‌های انتزاعی تکامل؛ موردکاوی تکامل فرهنگی، تاریخ علم، ۱۹۹-۱۷۳ ص، پاییز و زمستان ۲، شماره ۱۶
  - ۳- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر انسان به انسان. محقق محمدحسین الهی زاده. قم: اسراء.
  - ۴- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق) تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
  - ۵- خامنه‌ای، سید علی، بیانات: سایت درسترس؛ <https://farsi.khamenei.ir>
  - ۶- خامنه‌ای، سید علی، مکتوبات: سایت درسترس؛ <https://farsi.khamenei.ir>
  - ۷- خسروپناه، عبدالحسین و همکاران، (۱۳۹۸)، منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ پنجم.
  - ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۲). مفردات ألفاظ القرآن. قم: ذوی القربی.
  - ۹- سهرابی فر، محمد تقی، (۱۳۹۷)، فرضیه تکامل و انسان متعالی، انسان پژوهی دینی، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ - شماره ۴۰، (از صفحه ۷۹-۹۹)
  - ۱۰- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان. قم: اسماعیلیان.

- ۱۱ - علوی فر، مهدیه؛ فلاح نژاد، عبدالحمید، (۱۳۹۷)، بازخوانی حقیقت تکامل انسان در قرآن بر اساس اندیشه‌های صدرالمثلهین، حکمت صدرایی بهار و تابستان ۱۳۹۷، سال ششم - شماره ۱۲، (از صفحه ۱۷۱-۱۸۴)

---

# گستره و مبانی قرآنی مدارا در اندیشه دفاعی و سیره‌ی حکومت‌داری

## امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

---

فاطمه اباذرپور<sup>۱</sup>

### چکیده:

اندیشه دفاعی، یک نوع دور‌اندیشی و آینده‌نگری عمیق است که در قالب طرح‌ها و برنامه‌های مختلف برای تامین منافع مردم در زمینه‌های مختلف برای حال و آینده ارائه می‌شود و بر اساس آن سیره خاص حکومت‌داری شکل می‌گیرد. این برنامه غالباً توسط حاکم که در حکومت اسلامی همان مقام «ولایت فقیه» است، تبیین می‌گردد یکی از صفاتی که جایگاهی خاص در این رویکرد دارد، مدارا است. این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و شیوه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی گستره و مبانی قرآنی مدارا در اندیشه و سیره‌ی رهبری پرداخته است. حاصل آن که مدارا در اندیشه و سیره‌ی رهبری از جایگاه ویژه‌ای در اخلاق فردی و اجتماعی بر اساس آموزه‌های قرآن برخوردار بوده، و هم‌پای عقلانیت دارای ارزش و اعتبار است. مدارا باید به دور از هرگونه افراط و تفریط، و در برخورد با سطوح مختلف از مدارا با دوستان، مدارا در میان اغشار و دولتمردان، مدارا با غیرمسلمانان از شرایع تا مدارا در مراحل مختلف با منافقان، کفار و دشمنان داخلی و خارجی با توجه به مراتب هر یک از گروه‌ها رعایت شود.

**کلیدواژه‌ها:** اندیشه دفاعی، سیره‌ی حکومتی، امام خامنه‌ای، جایگاه مدارا، مبانی مدارا،

گستره مدارا.

---

۱. طلبه سطح ۴ موسسه آموزش عالی تخصصی حضرت خدیجه (س) بابل، همکار پژوهش موسسه آموزش عالی تخصصی حضرت خدیجه (س) بابل، ۰۹۱۱۷۷۳۷۵۵۱، g.abazarpour@chmail.ir

## ۱. مقدمه

همه مکاتب، شرایع، آیین و قوانین، اعم از الهی و بشری، تعالیم و دستوراتی در جنبه جنگ و دفاع، جهت حفظ و بقاء موجودیت خود، ارائه می‌دهند. دین اسلام نیز به عنوان یک مکتب جامع و کامل، دارای یک سیستم در امور دفاعی است. قرآن کریم دفاع را حق مشروع انسان در برابر ظلم، تجاوز معرفی، و جنگ را یک وسیله دفاع مجاز می‌داند: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۱۹۰)

دفاع و راهبردهای دفاعی یکی از مهمترین عناصر بقای ملت‌ها و ایامت‌ها است. تامین امنیت به عنوان یکی از ضروریات انکارناپذیر، و از اقدامات مهم استراتژیست‌ها در جایگاه نظر و اجرا توسط مدیران و مجریان این بخش است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اثرگذارترین و بازیگران اصلی منطقه در جهت حفظ امنیت پایدار خود از این امر مستثنی نیست. اصول دفاعی غالباً از سوی رهبران ارشد کشورهای به عنوان استراتژیست و راهبرد نظام سیاسی اتخاذ می‌شود. دیدگاه دفاعی رهبران هر جامعه تشکیل‌دهنده‌ی مبانی دفاعی آن جامعه است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اثرگذارترین کشور و بازیگران اصلی منطقه در جهت حفظ امنیت پایدار خود از این امر مستثنی نیست. در نظام جمهوری اسلامی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به عنوان فرماندهی کل قوا کشور نقشی برجسته در تدوین اصول و راهبردهای دفاعی کشور دارد. از این رو شناخت اندیشه‌ها، راهبردهای دفاعی و سیره‌ی عملی ایشان بر مبنای قرآن در این خصوص، روشن‌کننده‌ی مبانی دفاعی اسلام و نظام اسلامی است. این شناخت به ویژه در مساله دفاع از حریم ایران و اسلام، دارای ارزش و اهمیت بالایی برای عموم مردم و به خصوص اندیشمندان جامعه اسلامی در جهت ساختن تمدن اسلامی است. مسلماً اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حوزه دفاعی، برگرفته از تعالیم حیات بخش اسلام و آموزه‌های قرآن کریم است.

این گونه تدابیر جزیی از پدافند غیر عامل‌اند، مجموعه اقدامات غیر مسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقا پایداری ملی و تسهیل مدیریت

بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌شود که به عنوان یکی از موثرترین و پایدارترین روش‌های دفاع در مقابل تهدیدات، همواره مد نظر اکثر کشورهای جهان قرار داشته است. (لطفی مرزناکی، رحمان. دارابی، مسعود، ۱۳۹۷، ص ۳۷)، توجه به این اقدامات در دفاع توانمندساز در زمینه‌های سیاست داخلی و خارجی، بسیار اهمیت دارد. نقش صفات و ویژگی‌های اخلاقی رهبر به عنوان مساله دفاعی در مقابله با دشمنان اثرگذار است از جمله گستره‌ی مدارا و محدوده برخورد در مساله دفاع از کشور و یا امت اسلامی بر مبنای قرآنی است. زیرا برخی از مسلمانان به سبب عدم فهم دقیق و عمیق از معارف اسلامی پیرامون مدارا، دچار افراط و تفریط شده و گاه در مسائل روز اعتراضاتی را نسبت به ساحت رهبری در میزان مدارا دارند.

در این تحقیق به اندیشه‌های دفاعی و سیره‌ی عملی رهبر جمهوری اسلامی ایران به عنوان فرماندهی کل قوا، و مبانی قرآنی آن در زمینه مدارا پرداخته می‌شود. چرا که الگوی مطلوب دفاعی از کشور و جامعه اسلامی از اندیشه دفاعی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و سیره‌ی عملی ایشان بر مبنای قرآنی است که ارزش و اعتبار دارد.

در زمینه مدارا تحقیقاتی از جمله «رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و استراتژی ایشان در برابر خط نفاق» نوشته محمدقدیر دانش ۱۳۷۸؛ «معرفت مدارا با مخالفان مذهبی از دیدگاه فقه اسلامی» نوشته سید صادق حسینی ۱۳۹۱؛ «خشونت و مدارا» نوشته علی اکبر رشاد، ۱۳۷۹؛ «قهر و مدارا در حکومت علوی» نوشته احمد حیدری ۱۳۷۹؛ «سیره نبوی صلی الله علیه و اله در برخورد با خطاکاران» نوشته محمود خرم آبادی ۱۳۹۸؛ «بررسی تحمل و مدارا در رهبری سازمان با تکیه بر دیدگاه نهج البلاغه» نوشته علی نصر اصفهانی، علی و طالب حاجیان، مهدی کریمی و سید مرتضی رضوانی ۱۳۹۱؛ «الگوی مطلوب سیاستگذاری مدارا در جمهوری اسلامی ایران» نوشته ابراهیم برزگر و مصطفی بیات ۱۳۹۵؛ «شرایط و قلمرو مدارا در قرآن و سنت» نوشته سیده فاطمه طباطبائی و اعظم عسکری خانامانی ۱۳۹۸؛ «مبانی و پیامدهای مدارا در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) از سیدعباس رضوی و یوسف فتحی اولی به صورت عام انجام شد اما تحقیقی خاص درباره مدارا و مبنای قرآنی آن در اندیشه دفاعی رهبری و سیره‌ی عملی ایشان صورت نگرفته است.

برای پاسخ به مسأله گستره و میزان مدارا در اندیشه رهبری و مبنای قرآنی آن، مفهوم دفاع، انواع دفاع، مدارا و جایگاه پدافند غیر عامل مشخص و سپس اندیشه‌ی دفاعی امام خامنه‌ای بر اساس بیانات و رفتار ایشان از این منظر بررسی، و مبنای قرآنی آن تبیین می‌شود.

## ۲. مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث اصلی، نیاز است تا برخی مفاهیم بررسی گردد تا معنای درست واژه‌ها تبیین شده و از خلط مباحث جلوگیری گردد.

### ۱-۲. مفهوم دفاع

دفاع از ریشه «دفع» و به معنای «منع» است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۲۵) دفاع در واقع، حمایت کردن از شخص، و یا دفع بدی و آزاری دیگری از خود است. حفظ وطن و ناموس و حقوق خود را از دستبرد دشمن نیز نوعی دفاع است (عمید، ۱۳۵۱، ص ۴۸۲) بطور کلی دفاع به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که انسان برای حفظ و حراست از حیات، اعتقادات، سرزمین و... خود در برابر خطراتی که او را تهدید می‌کند، انجام می‌دهد. دفاع در انسان امری ذاتی، فطری و عقلانی است و هر انسانی حق دارد در مواقع احساس خطر به دفاع از جان، مال، ناموس، سرزمین و اعتقادات خود بپردازد (ریاضی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۴۹)

دفاع انواع مختلفی دارد که شامل دفاع از حیات شخص خود و یا ملتی و قومی، دفاع از مال، دفاع از استقلال و آزادی، گاهی نیز دفاع از ناموس و شرف انسان است، که همه این اقسام دفاع، مشروع و عقلانی و حتی ضروری و واجب هستند. برخی انواع دفاع، ارزنده‌تر و مقدم‌تر می‌باشد، دفاع از دین و مکتب که ضامن حیات معنوی و مادی و بقای یک امت است برتر و والاتر از هر نوع دفاع دیگر است (لطفی و دارابی، ۱۳۹۷، ص ۳۷) هر چند شناخته‌ترین نوع دفاع در مقابله نظامی است اما امروزه به دلیل شرایط روز، و نحوه‌ی تغییر شکل جنگ دشمن ترکیبی، دفاع در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی و حتی بهداشتی نیز مطرح است. بنابراین امروزه جنبه دفاعی در هر زمینه‌ای است که دشمن از آن برای نفوذ و نابودی انسان‌ها استفاده کند.

## ۲-۳. مفهوم اندیشه دفاعی

اندیشه یا تفکر دفاعی، یک نوع دور اندیشی، آینده‌نگری و روشن‌بینی عمیقی است که در قالب طرح‌ها و برنامه‌های دقیق راهبردی موجب تأمین منافع ملی کشور در زمینه‌های مختلف در حال و آینده می‌شود. اندیشه دفاعی شامل اصول، آئین، خط‌مشی کلی و افکار و عقاید نظامی یک کشور می‌باشد که در واقع تعیین‌کننده مسیر حرکت و خطوط راهنمای راهبرد دفاعی آن جامعه است (لطفی و مسعود دارابی، ۱۳۹۷، ص ۵۷) به این ترتیب مقام معظم رهبری، تعیین‌کننده چارچوب کلی دکترین دفاعی در کشور، و برجسته‌ترین مقام در این زمینه است.

مقصود از اصول نظری، مبنای فکری و ریشه‌ی اصلی تفکر و جهان‌بینی امام خامنه‌ای (مد ظله) درباره‌ی هویت، ماهیت، چرایی موضوعات در نظام اسلامی است. مبانی اندیشه‌ی دفاعی امام خامنه‌ای (مد ظله) برگرفته از مبانی نظری مکتب اسلام ناب محمدی (ص) است که زیرساخت پایدار همه ابعاد نظام اسلامی و نهادهای آن از جمله در دفاع است (خامنه‌ای، جعفری، ۱۳۹۵، ص ۴۱) «این نظام، بر محور تفکرات اسلامی بنا شده و بایستی بر محور مقررات و بینش‌های اسلامی اداره بشود» بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۶۸/۹/۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۲۸> مهم‌ترین اصول در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای شامل: اصالت صلح، جهاد، عزت و کرامت انسانی، ارزش‌های انسانی است (لطفی و دارابی، ۱۳۹۷، ص ۶۶)

اندیشه دفاعی مانند سایر مقوله‌ها، زمینه‌مند و تحت تأثیر شرایط محیطی قرار دارد و بسیار واضح است که در خلاء شکل نمی‌گیرد و همبسته با تغییر، تحولات و دگرگونی بسترها، متحول می‌شود (ریاضی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۷۳) کارکردهای اندیشه دفاعی شامل: دستاوردهای اولیه از ایدئولوژی، فلسفه و علم دفاعی، دستاوردهای ثانویه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی، و دستاوردهای نهایی شامل سیاست دفاعی یک کشور است (لطفی مرزناکی و مسعود دارابی، ۱۳۹۷، ص ۵۸)

ویژگی‌های اندیشه‌ی دفاعی نیز شامل اتکای به ایمان الهی (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶، ۵۷۰۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۵۷۰۳>)، داشتن ماهیت دفاعی، نه تهاجمی (مراسم نظامی مشترک نیروهای مسلح ۱۳۸۷/۲/۱۲، ۳۸۰۱، <https://www.leader.ir/fa/content/۳۸۰۱>)، خدمتگذاری برای مردم (مراسم نظامی مشترک نیروهای مسلح مستقر در استان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۳، <https://www.leader.ir/fa/content/۵۲۷۵>) است (خامنه‌ای، جعفری، ۱۳۹۵، ص ۴۷)

## ۲-۴. مفهوم پدافند غیر عامل

پدافند غیر عامل، مجموعه اقدامات که مستلزم بکارگیری ابزار غیر جنگی است که با اجرای آن می‌توان از خسارات مالی به تجهیزات و تلفات انسانی در آینده جلوگیری، و یا کاهش داد که شامل مواردی چون اختفا، پوشش، فریب، استحکامات و ایمن سازی، اعلام خبر و پراکنده سازی است (موحدی نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۲)

امام خامنه‌ای با ارزش مند دانستن پدافند غیر عامل معتقدند وزراء و مسئولین دولتی باید به آن اهتمام و در همه جا با جدیت دنبال کنند، با اهمیت آشنا باشد و باید تدابیر کارساز در باب پدافند غیر عامل، عملی شود (بازدید از نمایشگاه تحقیقات و جهاد خودکفایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۶/۳۰، ۲۹۴۲، <https://www.leader.ir/fa/content/۲۹۴۲>) امروزه با توجه به جنگ ترکیبی دشمن، کاربرد و شناخت پدافند غیر عامل و انواع آن برای بکارگیری در جهت دفاع، اهمیت بیشتری می‌یابد.

## ۲-۵. مدارا

مدارا به معنای نرمی کردن، ملاطفت نمودن، مهربانی (معین، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۷۰۲) و رفتار کردن به حسن خلق است (عمید، ۱۳۵۱، ص ۹۵۰) چنانکه رهبری عقیده دارد که مدارا به معنای ظاهر سازی نیست، بلکه داشتن ملاطفت است (حدیث اخلاق و ویژگی‌های رفتار عاقلانه، ۲۴/۲/۱۳۹۶، <https://www.leader.ir/fa/content/۱۸۲۲۵>) و از قول پیامبر (ص) نقل کردند که من با مؤمنین



رفیقم، رفق و مدارا می‌کنم؛ شفیقم، یعنی مهربانم» (حدیث اخلاق: راحتی مؤمن هنگام جان دادن ، ۲۸ / ۲ / ۱۳۹۴ ، ۱۴۱۲۳ / <https://www.leader.ir/fa/content/> ایشان از مدارای امام علی (ع) مثال می‌زنند و حتی تحمل جنگ‌ها را نوعی مدارا می‌دانند که امیرالمؤمنین سه جنگ را در دوران حدود پنج سال حکومت خود تحمل کردند» (خطبه های نماز جمعه تهران، ۲۰ / ۶ / ۱۳۸۸ ، <https://www.leader.ir/fa/content/5867>)

به عقیده برخی در مفهوم مدارا، پرهیز و احتیاط نهفته است از این رو کاربرد آن درباره مخالفان و دشمنان است بر خلاف رفق که غالباً درباره موافقان و دوستان بکار می‌رود (افتخاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۴) مدارا و تساهل دینی یعنی در امر دینداری می‌توان به حداقل تکیه کرد این امر برخلاف مدارای ناپسند است که از سر ضعف و زبونی (افتخاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۱)، که جلوه‌ای از نفاق و تظاهر است (افتخاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۸۷) بنابراین مدارا به معنای مماشات نیست، ممکن است کسی قاطع باشد اما با دیگران مماشات کند، چنانکه ممکن است کسی در عقاید خود بسیار محکم باشد و عقاید طرف مقابل را مطلقاً باطل بداند اما در عین حال با سعه صدر، اندیشه‌ی رقیب را تحمل کند (رشاد، ۱۳۷۹، ص ۳۸۶-۴۰۵) چنانکه قرآن دستور به برخورد مدارامحورانه با عقاید دیگران برای شنیدن و پاسخ متقابل را می‌دهد:

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ..» (توبه / ۶)

مدارا رفتار منطقی و نرم همراه با خلق خوش و کرداری دلشسین با موافقان و مخالفان، اعم از داخلی و خارجی است. تحقق مدارا، به حفظ اصول و ارزش‌های دینی، عدم ظالم‌پروری، عدم تقابل با اجرای حدود الهی، رعایت حقوق دیگران و نیز حفظ عزت انسانی وابسته است. (طباطبائی و عسکری، ۱۳۹۸، ص ۶۳) به این ترتیب شاخصهای مدارا عبارتند از: پذیرش اشتباه دیگران، توهین نکردن، احترام به آزادی، عدالت اجتماعی و مدنیت، تحمل عقائد مخالف، عدم استفاده از زور و اجبار در حد امکان، داشتن رفتار مناسب با دیگران، عدم استفاده از خشونت و تندخویی، توجه به عدالت، نفوذ در دلها با خوش رفتاری و خوش خلقی. تواضع و فروتنی، حلم، بردباری و صبر، نرمی

و مدارا کردن (نصر اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳) قلمرو مدارا در اسلام از مدارای خداوند با انسان‌ها آغاز شده، و تا مدارای سیاسی (مدارا با مشرکان، منافقان و منتقدان)، مدارای اجتماعی (مدارا با اهل کتاب، قومیت‌ها و ملیت‌ها، مذاهب اسلامی) تا مدارای اخلاقی در خانواده گسترده‌گی دارد (طباطبائی و عسکری، ۱۳۹۸، ص ۶۳)

شرط اول در مدارا کردن با مخالفان در به رسمیت شناختن حقوق انسانی و آزادی‌های فرد مخالف در عین حال عمل در حوزه وظایف و اختیارات خود است. و شرط دیگر آنکه مخالفان، کسانی هستند که تنها عقیده‌ای مخالف داشته و آن را بیان و ابراز می‌کنند اما مرتکب جرمی نشده‌اند (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۲۴-۵۳)

## ۲-۶. اهمیت مدارا:

مدارا عامل موفقیت در تبلیغ دین است اگر آموزه‌های دینی خشن باشد یقیناً آسیب‌زا است (افتخاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۸) در اهمیت و ضرورت مدارای با مردم همین بس که رسول اکرم (ص) آن را در کنار انجام فرایض برمی‌شمرد: «أَمْرُنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرُنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۷) مدارا عامل بازدارنده از شتابزدگی و خودسری در تصمیمات است (افتخاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۱) بنیادی‌ترین دستور اخلاقی اجتماعی قرآن در مدارا و برخورد نیکو با همه مردم است: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف/۱۹۹) رهبری نیز حیات طیبه را در معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان می‌داند (دیدار جمعی از دانشجویان و نمایندگان تشکلهای دانشجویی، ۱۶/۵/۱۳۹۱، <https://www.leader.ir/fa/content/۹۶۰۹>) مدارا کردن و تحمل داشتن از جمله توصیه‌ها، همراه با مسأله‌ی حفظ اصول و روحیه‌ی آرمانگرایی است (دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۵/۲/۱۳۸۶، <https://www.leader.ir/fa/content/۳۰۴۰>).

## ۳. جایگاه و گستره‌ی مدارا

مدارا به معنای رفتار منطقی و نرم‌خویی و خوش‌خلقی با مخالفان در ساحت‌های مختلف سیاسی و عقیدتی، سرلوحه و شعار دین مبین اسلام، بالاخص مذهب تشیع است. تأکید بر کرامت

ذاتی انسان و حقوق اولیه بشری، کلیت حکمت مدارا به عنوان یک قانده فقهی و اصل اولی در رفتار با مخالفان عقیدتی بالاخص مذهبی، مورد تصریح قرار گرفته است. (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۲۴-۵۳) در حوزه شرع مقدس به عنوان یک فضیلت اخلاقی و شیوه رفتاری در حوزه فردی و اجتماعی مطرح است (برزگر و بیات، ۱۳۹۵، ص ۲۷) به علت آنکه مدارا به عنوان اصل اخلاقی مسلم عقلانی است از دیدگاه فقه اسلامی کارها باید همراه با عقلانیت و مدارا، بدون افراط و پرخاشگری باشد. مدارا دارای مراتب و مراحل است که شامل فروبردن خشم، گذشت و نیکی کردن تا مرحله برخورد شدید است که باید با توجه به شرایط در هر سطحی رعایت گردد و برای دستیابی به آن نیاز به تقویت ایمان، مقابله با خشم، توجه به آثار مثبت و منفی در رعایت حدود و تمرین است. در ذیل به تبیین جایگاه و گستره‌ی مدارا از منظر رهبری که بر اساس آموزه‌های روز اسلام است پرداخته می‌شود.

### ۱-۳. جایگاه مدارا در اندیشه دفاعی و سیره‌ی عملی رهبری

مدارا کردن، روحیه‌ای بالا نیاز دارد (افتخاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۵) که در توان هر کسی نیست و باید برای کسب آن ظرفیت و صبر داشت اما همه افراد می‌توانند با اراده و تلاش آن را به دست آورند. در اندیشه رهبری، مدارا امری همه شمول است و همه در جایگاه انسانی خود ملزم به رفتار مدارا مدارانه در تذکرات خود به یکدیگر هستند (بازدید از دانشگاه شهید بهشتی، <https://www.leader.ir/fa/content/۲۴۳۵>، ۱۳۸۲/۲/۲۲) جایگاه مدارا تا حدی است که در کنار عقلانیت قرار دارد و شرط اصلی گفتگوها در عقلانیت محوری، دوری از هرگونه افراط و تفریط، به همراه مدارا است (دیدار جمعی از دانشجویان و نمایندگان تشکلهای دانشجویی، ۱۳۹۱/۵/۱۶، <https://www.leader.ir/fa/content/۹۶۰۹>) نرم خوئی از صفاتی است که قرآن به آن توصیه می‌کند: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ... وَفُؤَلُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره/۸۳)

آیه‌الله خامنه‌ای، مدارا را سنتی از سیره‌ی رسول اکرم (ص) می‌داند و همگان را به خوش‌رویی و مدارا دعوت می‌کنند (بیانات در دیدار علما و روحانیون استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۱۹، <https://www.leader.ir/fa/speech/۹۹۰۵>) تاسی ایشان از سیره رسول اکرم

(ص) تا حدی است که حتی در برخورد با معترضان در محیط دانشگاه، نیروها را به تواضع و مدارای سیاسی فرا می‌خوانند (دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵، <https://www.leader.ir/fa/content/۳۰۴۰>) و آن را پشتوانه امنیت کشور و خنثی کننده‌ی ترفندهای دشمنان می‌دانند (پیام تشکر و قدردانی رهبر معظم انقلاب از حضور حماسی ملت در انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۹۲/۳/۲۵، <https://www.leader.ir/fa/content/۱۰۸۰۱>) رفق و مدارا را لازمه حکومت اسلامی و از آراستگی آن دانسته و معتقدند لازمه پرورش انسان‌ها، حکومتی متصف به رفق و مدارا است (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶، <https://www.leader.ir/fa/speech/۱۸۹۲>) هر چند بر اساس آیات باید بر اساس عدالت و متناسب با آن برخورد کرد: « وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ » (نحل/۱۲۶) اما باز هم قرآن به صبر دعوت و مدارا کردن را بهترین راهکار می‌داند: « وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا » (فرقان/۶۳)

آیه‌الله خامنه‌ای در ارزش و اهمیت رفق و مدارا ضمن اشاره به فراوانی روایات در این باره، عقیده دارند که حکومت بدون مدارا امکان‌پذیر نخواهد بود (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸، <https://www.leader.ir/fa/speech/۸۱۲۰>) و در توصیه به دست‌اندرکاران کار تبلیغ در راستای مدارا با سطوح مختلف از جوان و نوجوان و ... استفاده از زبان و ابزارهای متناسب با هر گروه را که جزیی از مدارا بر اساس شرایط حال و زمان مخاطب است از اقتضاعات کار می‌دانند (دیدار تعدادی از مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۱/۱۰/۲۸، <https://www.leader.ir/fa/content/۲۶۲۵۰>) که بیانگر مدارای حال و شرایط هر دسته از افراد در کارهای تبلیغی و ارزش و اهمیت دادن به آنها از منظر ایشان است. هر چند مدارا نکردن با ظالم، همدلی با مظلوم و کمک برای گرفتن حق مظلوم از ظالم، از امور مهم در زندگی است (دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی (علیه‌السلام)، ۱۳۸۷/۴/۲۶، <https://www.leader.ir/fa/speech/۳۹۵۷>) اما در آموزه‌های قرآن حتی در تبلیغ اولیه نسبت به فردی

چون فرعون که ادعای خدایی دارد به حضرت موسی (ع) فرمان به مدارا و نرم خوئی داده می‌شود:  
« اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا... » (طه/۴۳-۴۴)

به این ترتیب در اندیشه و سیره رهبری مدارا، جایگاهی والا دارد و جزئی جدا نشدنی از انسان دین‌دار بر اساس آموزه‌های اسلامی است. امری که در قرآن و روایات، مصادیق بسیار دارد و در دستورات رهبری نیز به همه توصیه شده و از صفات لازم مبلغان و بخصوص از صفات لازم برای رهبر امت اسلامی است که باید در کنار عقل و زیر نظر آن، به دور از هر گونه افراط ظالم‌پرورانه و تفریط عقده‌آور مورد توجه قرار گیرد تا در پرتو آن رشد انسان‌ها در جامعه اسلامی شکل گیرد.

### ۲-۳. گستره‌ی مدارا در اندیشه دفاعی و سیره‌ی رهبری

تحمل و مدارا یکی از کارآمدترین ابزار در هدایت و رهبری سازمان و جامعه است که در اداره‌ی سازمان و روابط اجتماعی تأثیر بسیار مهمی دارد به گونه‌ای که خداوند یکی از دلایل موفقیت پیامبر اسلام را نرم خوئی و مدارا با مردم معرفی می‌کند (آل عمران/ ۱۵۹) فلسفه اصلی مدارا در اسلام مشخص می‌کند که هدف از تحمل و مدارا، تربیت نیروها و نزدیک کردن آنان به یکدیگر و ایجاد فضای صمیمی و محبت‌آمیز است به گونه‌ای که همه افراد در جهت اهداف و ارزشهای سازمانی حرکت کنند (نصر اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳) گستره‌ی مدارا در سیره معصومان از جمله رسول خدا (ص) که اسوه مسلمانان است به سه صورت: گذشت و مهربانی در خطا و عمل ناشایست در حق خود، عفو همراه با جبران خسارت وارد شده به فرد آسیب دیده در مورد دیگران، و هنگام تعرض و بی‌حرمتی به حریم الهی و اسلام، علاوه بر اظهار ناراحتی، برخورد با تمام قوا با شخص خاطی برای درس عبرت دیگران بود (خرم آبادی، ۱۳۹۸، ص ۳۵-۴۵) این شیوه در اندیشه و سیره‌ی رهبری نیز متبلور است ایشان در دیدارها درباره رفتارهای توهین‌آمیز نسبت به خود، توصیه به سکوت و صبر دارند و خط قرمز را اسلام، ایران و مصالح مردم می‌دانند (دیدار هزاران تن از اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۸/۴/۲۱، <https://www.leader.ir/fa/content/1781>) نسبت افراد دیگر در ایجاد خسارت‌ها مانند مفسدان اقتصادی، دستور به برخورد عادلانه می‌دهند. توصیه به تکریم نسبت به شهدا و خانواده آنها دارند (دیدار مسؤولان و مدیران کل بنیاد شهید انقلاب اسلامی سراسر

کشور، ۱۳۷۸/۱۱/۹، <https://www.leader.ir/fa/content/1863> و نسبت به توهین به کشور، و... واکنش نشان داده و گاه خواهان برخورد شدید متناسب با ناقضان امنیت در داخل و خارج کشور) دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۸۱/۷/۱۴، <https://www.leader.ir/fa/content/2320> هستند.

تعاملات را در آموزه‌های اسلام در محور مسائل بین‌المللی، تعامل با برادران مسلمان، رفتار مروت‌آمیز با غیرمسلمانان و برخورد شدید با دشمن مهاجم معرفی می‌کنند (دیدار میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴/۳/۱۷، <https://www.leader.ir/fa/content/1135>) اما بطور کلی قلمرو مدارا در اندیشه دفاعی و رفتاری رهبری با توجه به زمان و شرایط روز، در حیطه‌های ذیل قابل بحث است.

### ۲.۳.۱. مدارا با دوستان

مدارا موجب جذب دل‌ها است یکی از عوامل موفقیت رسول اکرم (ص) در قرآن کریم، مدارا و مهربانی است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران/۱۵۹) جذب و حفظ دوستان از مسائل مهم در زندگی مسلمانان است و بسیاری از دستورات اسلام مانند نماز جماعت برای ایجاد هم‌دلی و دوستی در میان مسلمانان است. در توصیه‌های رهبری توجه به این اصل مهم آمده است که با کسانی که با شما دوست هستند مدارا کنید. ایشان مدارا را رفتاری با ملاحظت می‌دانند (حدیث اخلاق و ویژگی‌های رفتار عاقلانه، ۱۳۹۶/۲/۲۴، <https://www.leader.ir/fa/content/18225>) از صفات برجسته در رفتار با دوستان و آشنایان، مهربانی و مدارا است و صرف دوستی موجب بی‌نیازی در مناسبات رفتاری و صفات نیک اخلاقی نیست. هر چند مدارا با دوستان به اندازه‌ای است که موجب سوء استفاده آنها نشود و به دنبال خود ضرر و ظلم به اشخاص دیگر را در پی نداشته باشد.

محدوده این دسته از مدارا از خود شخص در انجام مستحبات (نهج البلاغه، نامه ۶۹) شروع می‌شود و تا روابط سالم با کشورهای غیرمسلمانی است که بر اساس روابط دوستانه به اصول و

مقدسات اسلام احترام می‌گذارند (دیدار سفرای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، ۱۳۶۸/۱/۱۹، <https://www.leader.ir/fa/content/۳>)

نمونه توجه دوستانه و دلسوزانه رهبری در توجه به احوالات افراد مانند جوانان و دانشجویان اروپا (پیام، ۱۴۰۰/۱۲/۲۱)، ورزشکاران (پیام، ۱۴۰۰/۷/۱۹؛ ۱۴۰۰/۷/۱۲) و دلداری ایشان نسبت به علما (پیام، ۱۴۰۱/۲/۲۶)، شعرا (پیام، ۱۴۰۱/۷/۱۶)، مردم (پیام، ۱۴۰۱/۳/۵)، اجلاس‌ها (پیام، ۱۴۰۰/۷/۴)، قدردانی از افراد مانند دریانوردان (پیام، ۱۴۰۰/۶/۲۰) ... حتی تحولات و اتفاقات کشورهای دوست دیگر مانند حوادث افغانستان (پیام، ۱۴۰۰/۷/۱۷؛ ۱۳۷۶/۹/۲۰)، مسلمانان جهان در حج (پیام، ۱۴۰۰/۵/۲۷)، و... قابل مشاهده است.

### ۲.۲.۳ مدارا در میان دولتمردان و کارگزاران نظام

مدارا در میان مسئولین از امور لازم و ضروری برای تعامل در کارها و رفتار با مردم است رهبری عقیده دارند که مجلس و دولت باید به یکدیگر کمک کنند و سازگاری و مدارا و همراهی داشته باشند (دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸، <https://www.leader.ir/fa/content/۸۱۲۰>) این روابط باید بر اساس قانون و شرع، و به دور از هرگونه توهین، تهمت و نسبت ناروا باشد (دیدار فرمانده، معاونان و فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۸۲/۷/۱۲، <https://www.leader.ir/fa/content/۲۴۷۶>) تا حدی که از شاخصه‌های حکومت الهی، اتکای بر محبت، ارتباط و رفق و مدارا است (نماز جمعه تاسوعای حسینی، ۱۳۷۹/۱/۲۶، <https://www.leader.ir/fa/content/۱۸۹۲>) بنابراین دولتمردان باید برای اداره‌ی کشور و پیشبرد امور جامعه مجلس، بنا را بر مباحثات، مدارا و روح همکاری با دولت بگذارد. قانونگذار و دولت نیز باید با هم بر اساس تساهل، مدارا همکاری کنند (دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۴/۳، <https://www.leader.ir/fa/content/۵۶۲۸>) تا بتوانند با هم برای پیشبرد بهتر کشور برنامه‌ریزی کرده و کارها را به صورت هماهنگ و منسجم‌تری پیگیری کنند.

میزان مدارا در میان کارگزاران و مسئولین کشور تا حدی است که به آنها اجازه سوء استفاده از جایگاه داده نشود و منجر به بی‌عدالتی نشود (بیانیه راهبردی در چهلمین سالروز پیروزی انقلاب

اسلامی، ۲۴ / ۱۱ / ۱۳۹۷، <https://www.leader.ir/fa/content/۲۲۷۳۴>) بخصوص در جایی که برای نظام اسلامی خطر آفرین باشد همانطور که رهبر انقلاب در قضیه بنی‌صدر در جایی که حس می‌کنند امکان ضربه به نظام وجود دارد صراحتاً در موضع دفاع از نظام اسلامی به نقد بنی‌صدر و دلایل بی‌کفایتی ایشان می‌پردازند و جایگاهی برای مدارا در این مرحله برای دولتمردان قائل نیستند. بر مبنای اینکه این مدارا تا رعایت حدود عدل و احسان است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...» (نحل/۹۰) پس نهایت گذشت تا زمانی است که موجب ضرر به جامعه مسلمانان و منافع کشور نباشد.

بخصوص در زمینه فساد به دلیل نفوذ تدریجی بودن و مخفی ماندن، از جمله بدترین آنها فساد اداری هشدار می‌دهند این نوع فساد را بسیار کشنده می‌دانند تاحدی که ضمن بیان مظاهر آن، خواستار برخورد جدی با فساد اداری و برخورد بی‌ملاحظه با فساد مالی هستند و هیچ مجوزی برای تبعیض نمی‌دهند (دیدار مدیران و مسؤولان اجرایی، ۱۳۷۹/۵/۷، <https://www.leader.ir/fa/content/۱۹۵۴>) در نگاه ایشان حد مدارا تا میدان ندادن به ویژه خواران و فریبگران اقتصادی است (بیانیه راهبردی در چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، ۲۴ / ۱۱ / ۱۳۹۷، <https://www.leader.ir/fa/content/۲۲۷۳۴>)

حتی در برخورد با تخلفات نیروی انتظامی و قضات (انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای به ریاست قوه قضائیه، ۱۴۰۰/۴/۱۰، <https://www.leader.ir/fa/content/۲۵۰۶۳>)، قاطع برخورد کرده و در حوادثی که احتمال خطا و یا تخلف نیروها وجود دارد، ضمن توجه به مساله اصلی متهمان و یا محکومان و عدم غفلت از حکم آنها، دستور به رسیدگی می‌دهند (دیدار هزاران نفر از دانشجویان، ۱۳۸۸/۶/۴، <https://www.leader.ir/fa/content/۵۷۹۳>) برخورد خداپسندانه نیروی انتظامی را برخورد مهربانانه و عطفانه همراه با باطن مستحکم و با صلابت در مرز قانون می‌دانند (دیدار فرمانده، معاونان و فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۸۲/۷/۱۲، <https://www.leader.ir/fa/content/۲۴۷۶>) در نظر ایشان نیروی انتظامی ضمن حضور مقتدرانه، بجهت تامین امنیت اخلاقی (مراسم فارغ‌التحصیلی و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه علوم



انتظامی، ۱۳۸۳/۷/۱۵، <https://www.leader.ir/fa/content/۲۶۳۹>) در صورت تخلف مصون نخواهد بود و باید پاسخگو باشد از جمله در حوادث کوی دانشگاه دستور به مقابله و برخورد با متخلفان (دیدار عده‌ای از دانشجویان مجروح حادثه کوی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸/۵/۵، <https://www.leader.ir/fa/content/۱۷۸۵>) در هر سطح و رده‌ای می‌دهند و خواهان برخورد قاطع و بدون هیچ ملاحظه‌ای، بخصوص با افراد منتسب به دستگاه قضا هستند (دیدار مسئولان عالی رتبه قوه قضائیه، ۱۳۷۲/۴/۱، <https://www.leader.ir/fa/content/۸۶۷>)

بنابراین مدارا هم در میان دولتمردان و هم در برخورد با کم‌کاری یا تخلفات آنها دارای حد و اندازه‌ای است که در صورت ایجاد ضرر به جامعه، نیاز به برخورد است و هیچ گروهی از کارکنان از آن مستثنی نیستند. بلکه همه با توجه به مسئولیت‌هایی که دارند نیاز به مدارا دارند و هر کس با توجه به جایگاه خود نیاز به مدارا با دیگر نهادها دارد و در صورت تخلف نیز مورد برخورد قرار می‌گیرد.

### ۳.۲.۳ مدارا در میان همه اقشار

مدارا کردن، حلال بسیاری از مشکلات و مناقشات است بسیاری از کشمکشها با گذشت و مدارا قابل رفع اند (دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۹ /۳/ ۲، <https://www.leader.ir/fa/content/۲۹۳>) و نیازی به کاربرد خشونت آمیز برای آنها نیست بلکه می‌توان با تعامل و حفظ آرامش به گفتگو و رفع خصومت‌ها پرداخت. در مناظرات برای رفع شبهات نیز باید صبور بود و مدارا کرد تا بتوان در کمال آرامش برخورد و پاسخگویی مسائل بود. چنانکه قرآن، به مدارا و تساهل حتی در امور به ظاهر کوچک اجتماعی نسبت به زن و شوهر حتی بعد طلاق توجه دارد که حال و وضع طرف مقابل را رعایت کنند این توصیه به مدارا هم نسبت به زن در آیه اطلاق، و نسبت به مرد در آیه ۷ طلاق آمده است. سیره‌ای که به پیامبر در قرآن توصیه شده که با زنان خویش در نهایت مدارا برخورد کند و به ایشان حق انتخاب دهد (احزاب/۲۸)

در برخورد حضرت یوسف (ع) با برادران در آیه ۹۰ سوره یوسف، نمونه‌ی مدارا با اعضای خانواده قابل مشاهده است توجه به این مدارا نه تنها در میان اعضای خانواده بلکه بین قشرهای و

سطوح مختلف از روابط بین افراد در جامعه تا سطح حکومتی در قرآن مورد توجه قرار گرفته است. بیشترین آیات قرآن در سیره‌ی پیامبران در گفتار و رفتار حضرت موسی (س) ذکر شده است. ایشان بارها در مقابل بهانه‌ها و خواسته‌های نابجای مختلف بنی‌اسرائیل از علما (بقره/۵۵) تا مردم عادی (بقره/۶۷) صبر و مدارا داشتند. این مدارا به نهایت در قرآن قابل مشاهده است تا حدی که حتی با گناهکاران نیز امید عفو می‌دهد و می‌فرماید که برخی کارها موجب بخشش گناهان و عفو الهی است (مائده/۱۲) همانطور که قرآن دستور به آموزش حدود الهی برای انذار قوم دارد (توبه/۱۲۲) اما مدارا تا حدی است که قرآن حتی به فراریان از جنگ نیز دل‌داری داده و از در مهر و محبت آنها را درباره بی‌ارزشی دنیا موعظه و برای جنگ آماده می‌کند (نساء/۷۷)

آیه الله خامنه‌ای هر ساله به مناسبت‌های مختلف از اعیاد اسلامی، در راستای رافت و مدارای اسلامی، بسیاری از زندانیان خوشرفتار را مشمول مدارا و عفو اسلامی قرار می‌دهند (عفو محکومان نظامی بمناسبت سالروز فتح خرمشهر، ۱۳۸۴/۳/۴، ۲۷۴۰، <https://www.leader.ir/fa/content/2740>)

### ۴.۲.۳ مدارا با (مخالفان مذهبی) پیروان مذاهب

قلمرو مدارا از جهتی خارج از محدوده کشوری و شامل همه اقشار و پیروان شرایع الهی است نرم‌خویی با پیروان ادیان الهی در دستورات الهی وجود دارد. قرآن درباره مجادله با اهل کتاب می‌فرماید که با ایشان به روش درست و با یادآوری اشتراکات بحث کرده (عنکبوت/۴۶) و به اسلام دعوت کنید (آل عمران/۶۴)

آیه‌الله خامنه‌ای در یکی از دیدارها با اشاره به راه‌های مشابه در ادیان الهی برای نجات انسانها از رنجهای تاریخی، بر لزوم شناسایی نقاط مشترک و نزدیک ادیان در زمینه‌های مختلف تأکید دارند (دیدار کاردینال کریستوفر شومبرن اسقف اعظم اتریش، ۱۳۷۹/۱۲/۳، <https://www.leader.ir/fa/content/2083>) همچنانکه سیره‌ی پیامبران در قرآن سرشار از مدارا با پیروان ادیان مختلف برای توجه دادن به حقیقت و فهم راه درست است همانند روش حضرت ابراهیم (س) که اسوه‌ی قرآنی است (ممتحنه/۴) در برخورد با پرستندگان اجرام آسمانی، از همراهی با ایشان تا دادن آگاهی به آنها است (انعام/۷۶ و ۷۷) سیره بزرگان از جمله مناظرات امام رضا (ع)،

به وضوح بیانگر مدارا با پیروان ادیان و شرایع دیگر است. اما نهایت این تحمل و مدارا از منظر آموزه‌های قرآن تا زمانی است که به تکذیب آیات الهی نرسد: «فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف/۱۳۶)

چنانکه نهایت مدارا در برخورد با مرتدین است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (محمد/۲۵) تا زمانی که اظهار کفر خود را علنی اعلام نکنند تا زمان مرگ بر همین حال خواهند بود و حکمی ندارند (بقره/۲۱۷) در غیر این صورت باید با آنها برخورد شود: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ...» (بقره/۵۴) و هیچ بخششی شامل حال آنها نخواهد بود و دیگر مورد بخشش قرار نمی‌گیرد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أزدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» (نساء/۱۳۷)

اسلام کسی را به پذیرفتن دین مجبور نمی‌کند و نیک زیستی را با ناهمکیشان، چه دیندار باشند و چه بی دین، به گونه واقعی و گسترده آن، پذیرفته است. اگر کافران و مشرکان با مومنان سر جنگ نداشته باشند و حقوق آنان را نادیده نگیرند، مومنان نیز حق هیچ گونه برخورد ناخوشایند با آنان را ندارند. حتی در صورت جنگ نیز، قرآن کریم به مومنان فرمان می‌دهد که از اندازه نگه‌دارند (سیاح، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱-۲۰۲) توصیه اولیه با صاحبان مذاهب اسلامی نیز در اتحاد و عدم دشمنی با محوریت کتاب خدا و سنت نبی اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) و شریعت اسلامی است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۷/۱۹، <https://www.leader.ir/fa/content/176>) این امر محدود به دایره اسلام نیست بلکه می‌فرماید که ما به همه‌ی پیامبران ایمان و عشق و می‌ورزیم: «لا نفرق بین احمد من رسله» (دیدار آقای خاتمی رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۷۹/۶/۷، <https://www.leader.ir/fa/content/1966>)

درباره پیروان آیین‌های غیر الهی آمده است که اگر پرداخت جزیه را پذیرفتند آنها را رها کنید البته این حکم تا زمانی است که با مسلمین وارد جنگ نشوند در صورت دشمنی، مسلمانان وظیفه دارند که با آنها پیکار کنند، آنها را به حق دعوت و با سعی و تلاش بسیار، حقیقت دین را به ایشان

عرضه کنند تا آرام آرام، نقص عقیده خویش و کمال اسلام را دریابند (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۱۴) رهبر معظم انقلاب اسلامی حتی در سخنانی به همایش جهانی زرتشتیان ایران، ضمن تاکید حرکت‌های وحدت آفرین فرمودند که ملت ایران فراتر از مرزهای عقیدتی به وظایف خود عمل می‌کند و آحاد مردم اعم از مسلمان، مسیحی، زرتشتی و یهودی دست در دست یکدیگر به کار و تلاش مشغولند (دیدار جمعی از شرکت کنندگان در ششمین همایش جهانی زرتشتیان، ۱۳۷۵/۳/۳۱، ۱۲۹۷) (<https://www.leader.ir/fa/content/1297>) تاکید دارند که امروز «تقریب» یک هدف فوری، یک غرض الهی و یک فکر حیاتی است که باید پیگیری شود... امروز دنیای اسلام نیازمند این تقریب است... که حداقل آن تاکید بر مشترکات است (دیدار اعضای شورای عالی بین المللی مجمع تقریب بین المذاهب اسلامی، ۱۳۷۰/۷/۱، ۵۶۸) (<https://www.leader.ir/fa/content/568>) بر همین اساس، حد این مدارا تا زمانی است که فرد به پیروی از آنها کشیده نشود چرا که بر اساس قرآن در این مرحله منجر موجب رسیدن به کفر می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا قَرِيبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران/۱۰۰)

### ۵.۲.۳ مدارا با منافقان و مخالفان در کشور

موضع اصلی پیامبر در برابر منافقان، عفو و مدارا بود هر چند در مواقع ضرورت، از خشونت نیز بهره می‌گرفتند. پیامبر (ص) با منافقان، که دشمنان داخلی حکومت و جامعه اسلامی بودند، به عنوان یک پدیده روانی و اجتماعی برخورد کردند و موضع سیاسی و نظامی در برابر آنان نگرفتند. آن حضرت تدابیری اندیشیدند که آنان در جامعه اسلامی منزوی و کم‌تأثیر شوند و در نتیجه، مسلمانان از خیانتها و نیرنگ‌های آنان مصون بمانند (دانش، ۱۳۷۸، ص ۱۱-۲۴)

رهبری نیز با تاسی از سیره قرآنی رسول اکرم (ص) با منافقان و مخالفان مدارا می‌کردند و از مدارا به عنوان صفت نیک افراد مومنی یاد می‌کنند. رهبر معظم با یادآوری چگونگی برخورد امام با دولت موقت، مخالفین لایحه قصاص و گروهک منافقین، مدارا را اولین گام در برخورد امام خمینی (ره) دانستند (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۰ /۶/ ۱۳۸۸، ۵۸۶۷) (<https://www.leader.ir/fa/content/5867>) امام حتی با چپها و مارکسیست‌ها و مانند آنها در راستای

مدارای مرحله‌ای با تمام سطوح، تساهل می‌کردند(دیدار روسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۲۰/۸/۱۳۹۴، <https://www.leader.ir/fa/content/۱۳۸۵۵>) امری که رهبر انقلاب آن را مورد تایید و پذیرش قرار داده و به عنوان عملی مقبول پذیرفته و الگو قرار می‌دهند. به صورتی که ابتدا برای جذب مخالفان با آنها مدارا می‌کنند و پس از یاس از جذب، برای دفع شر آنها اقدام می‌کنند. چنانکه در دوران مختلف از حوادث و درگیری‌ها بعد از امام (ره)، رهبر انقلاب رفتاری مدارامحورانه داشتند. ایشان در فتنه ۸۸ بارها و بارها به نصیحت افراد در سطوح مختلف پرداختند(دیدار آقای میرحسین موسوی با رهبر معظم انقلاب اسلامی، <https://www.leader.ir/fa/content/۵۰۸۵>، ۲۵/۳/۱۳۸۸) و سعی در آگاه سازی قبل از هرگونه برخورد داشتند. ایشان از نیروهای تحت امر خود نیز خواستار رفتار عدالت‌محورانه همراه با صبر و مدارا شدند(دیدار رئیس و مسئولان قوه قضاییه، ۷/۴/۱۳۸۸، <https://www.leader.ir/fa/content/۵۶۴۲>) بارها در فتنه‌ها با دعوت به آرامش(دیدار آقای میرحسین موسوی با رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۲۵/۳/۱۳۸۸، <https://www.leader.ir/fa/content/۵۰۸۵>) به گروه‌های مختلف فرصت بازشناسی حقیقت حوادث را دادند و تلاش کردند تا مردم آگاه و ناآگاه صف خود را از هم جدا کنند. و کمک کردند تا ماهیت و چهره واقعی مخالفان، آشکار و خود مردم، خواهان برخورد با عوامل فتنه‌ها شوند تا بهانه‌ای برای مخالفت جامعه در برخورد با مخالفان نماند. رویش دوبرابری (دیدار کارگردان، هنرمندان، ۹/۱۰/۱۳۸۸، <https://www.leader.ir/fa/content/۶۱۷۵>) نسبت به ریزش‌ها، حاصل این مدارا کردن‌ها است.

عکس‌العمل سریع در برخورد با نیروهای مردمی موجب می‌شود که حجت تمام نشود و افراد جاهل فرصت کافی برای آگاهی و نجات از گمراهی نداشته باشند در نتیجه آمار ریزش افراد که سرمایه‌های انسانی کشورند بالا رود. این مدارا تا حدی است که افراد به مرحله آگاهی برسند چنانکه قرآن می‌فرماید که زمان این مدارا تا انتخاب آگاهانه است و پس از روشن شدن راه درست از گمراهی دیگر بهانه‌ای پذیرفتنی نیست(بقره/ ۲۵۶-۲۵۷). بر همین اساس رهبر انقلاب هم در فتنه‌ها فرصت لازم برای جدایی صف افراد در کسب آگاهی را می‌دادند.

خداوند متعال با وجود توطئه و تخریب منافقان، راه مدارا و رحمت و مهربانی می‌گشاید و دعوت به توبه و بازگشت به نیکی می‌کند: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ...» (نساء / ۶۱)؛ زیرا هدایت و سعادت این دسته از انسان‌ها نیز هدف خلقت الهی است (طباطبایی و عسکری، ۱۳۹۸، ص ۷۴)

### ۶.۲.۳ مدارا با کفار و دشمنان خارجی

روابط سالم میان کشورهای منطقه، لازم است و رفتارها میان کشورهای منطقه باید بر اساس متانت و مدارا باشد همانطور که جمهوری اسلامی ایران همواره با کشورهای منطقه با شرح صدر برخورد کرده است (دیدار امیر کویت با رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳/۳/۱۲، <https://www.leader.ir/fa/content/11910>) برخورد قرآن با کفار در مرحله اولیه در دعوت با نرمی و لطافت است (کافرون، ۱-۶) اما در مراحل قدرت اسلام در خصوص کفاری که دشمنی ندارند و فقط در عقیده خود کافرند، موضع قرآن در داشتن روابط متعادل و امر به مدارا است (افتخاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۲) باید توجه داشت که در مسائل خارجی حفظ حاکمیت در اولویت قرار دارد حتی درباره‌ی کشورهای که گوش به فرمان نیستند نیز مدارا در درجه اول است (مراسم بزرگداشت بیست و پنجمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳/۳/۱۴، <https://www.leader.ir/fa/content/11930>) در خطبه ۵۳ نهج البلاغه امام علی (ع) توصیه می‌کنند که تا حد ممکن با ملاحظه رضای الهی با دشمن در صلح باشید تا درگیری در جنگ بی‌مورد موجب از بین رفتن آسایش و امنیت کشور مردم نشود.

بیان و سیره‌ی رهبر انقلاب، نهایت مدارا در برخورد با دشمنان خارجی است ایشان مانعی برای مدارا با جبهه حق یا جبهه ناحق نمی‌بینند حتی ممکن است جبهه ناحق نیز مورد مدارا قرار گیرد (محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۶/۳/۶، <https://www.leader.ir/fa/content/118355>) چنانکه فرمودند بعد از انقلاب، این ملت و نظام جمهوری اسلامی، حتی با دشمنان خارجی چون آمریکا نهایت مدارا را بکار برد (دیدار هزاران تن از دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۷/۸/۱۲، <https://www.leader.ir/fa/content/11681>) البته نباید در مدارا زیاده‌روی کرد در دیدگاه رهبری

ارتباطات دیپلماسی باید بر اساس استقلال و عزت اجتماعی باشد (مظفری، بی تا، ص ۳۸۳) و در مقابل تهدیدهای دشمنان باید به عقل و منطق در تصمیم گیری‌ها و حرکات توجه شود (مظفری، بی تا، ص ۳۱۱) سیره ایشان همان سیره پیغمبر اکرم (ص) است که تا نهایت امکان با مخالفان مدارا می‌کرد؛ بدون مقدمه و دلیل، سراغ دشمنان نمی‌رفت اما هنگامی که می‌دیدند مدارا نتیجه ندارد، آنها را مجازات می‌کرد (خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۸ / ۲ / ۱۳۸۰، <https://www.leader.ir/fa/content/16088>) بخصوص اگر مطلب در مورد مقدسات باشد چنانکه ایشان ضمن تایید و حمایت از برخورد شدید امام خمینی (ره) در صدور حکم اعدام برای اهانت‌کننده به ساحت رسول اکرم (ص) آن را بیانگر موضع قاطع و شجاعانه ایشان دانستند (دیدار سفرای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، ۱۳۶۸/۱/۱۹، <https://www.leader.ir/fa/content/3>)

مدارا یک استراتژی دفاعی است که برای خود حد و حدودی دارد. چنانکه رهبری می‌فرماید در دوره‌ای با برخی جریان مدارا می‌شود و تقسیماتی بین افراد صورت می‌گیرد که برخی را مشمول مدارا می‌کند و برخی را از این دایره خارج می‌سازد (مراسم بزرگداشت بیست و پنجمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۴ / ۳ / ۱۳۹۳، <https://www.leader.ir/fa/content/11930>) پس ممکن است در زمانی این افراد از مدارا خارج شوند و یا گاه با مشخص بودن خطوط فاصل میان دو جبهه باشد (دیدار مقامات و مسؤولان عالی‌رتبه کشوری و لشکری، ۴ / ۱۰ / ۱۳۷۸، <https://www.leader.ir/fa/content/1800>) چنانکه در جای دیگر از زیاده روی در مدارا، نهی و از نمونه‌های از تاریخ به عنوان شاهد بر نتیجه سازش و مدارای نابجا ذکر می‌کنند (دیدار فرماندهان، مسئولان و جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹، <https://www.leader.ir/fa/content/11458>) افرادی که در دوره‌ای مبارزه کردند اما غفلت و سازش آنها موجب شکستشان در جنگ شد.

ایشان بر سیره‌ی حکومتی مدارا محورانه تاکید دارند تا حدی که تحمیل، زورگویی و باج را در پی نداشته باشد (اقامه نماز جمعه تهران، ۲۸ / ۵ / ۱۳۸۴، <https://www.leader.ir/fa/content/2778>)

عقیده دارند که مدارا راهبردی هوشمندانه است و هر ارگانی که هوشیارانه با شعار اصلاح و مدارا حرکت کرد، به رشد و بلوغ، و آینده بهتر خواهد رسید (دیدار علما، مسؤلان، کارگزاران و مدیران نظام، ۱۹ / ۴ / ۱۳۷۹، ۱۹۴۲) (<https://www.leader.ir/fa/content/1942>) مدارا با مخالفان و دشمنان از ویژگی سلوک سیاسی امام علی (ع) است که با دشمنان نیز با منطق و استدلال برخورد می‌کند و تا حد ممکن در حوادث با تسامح برخورد کرده تا جاهل از غیر جاهل جدا شود و در نهایت با قاطعیت مقابل دشمنان می‌ایستند (نماز جمعه تهران، ۲۰ / ۶ / ۱۳۸۸، ۵۸۶۷) (<https://www.leader.ir/fa/content/5867>).

گاهی در مرحله اولیه و ضعف حکومت اسلامی، باید بر تکذیب و آزار دشمنان صبور بود و مدارا کرد تا زمانی که زمان مناسب فرا برسد: «وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلَيَّ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ آتَاهُمْ نَصْرُنَا...» (انعام/۳۴) باید دانست که پیروزی قطعی است سخت بودن تحمل آنها در جایی است که جایی برای برگشت آنها وجود ندارد (انعام/۳۵) در این مرحله جایگاهی برای مدارا با آنها نیست.

بنابراین مدارا، اصلی اساسی و اولیه در شکل روابط با کفار و کشورهای معاند با جمهوری اسلامی در اندیشه رهبری است که دارای مراحل، و حد و حدود معینی است طبعاً میزان مدارا با کشورهای غیر مسلمان با کشورهای مخالف نظام متفاوت و دارای سطوح مختلف دفاعی است. در تعالیم الهی در برخورد اولیه برای جذب افراد غیر مسلمان توصیه به مهربانی شد که از آن به مولفه القلوب تعبیر می‌شود (توبه/۶۰) حتی برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام در منابع مالی اسلامی، منبعی تعریف شده و جایگاهی در فقه برای جذب در نظر گرفته شد تا بتوان تا حد ممکن و نهایت مدارا با این افراد برخورد و آنها را به دین دعوت کرد. البته باید توجه کرد که نباید این مدارا به گونه‌ای باشد که موجب خیالات واهی شود (هود/۱۰).

قرآن برای مقابله با دشمنان با توجه به شرایط نیز مراتبی از مدارا دارد در مرحله ضعف اسلام بر اساس سوره کافرون که از سوره‌های مکی است باید دین خود را حفظ کرد و گاه باید به ملحدان مهلت داد: «إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا... اَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (فصلت/۴۰) در



مراحلی دستور داده شد که در صورت استهزای آیات الهی، از آنان اعراض کنید: «...أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ...» (نساء/۱۴۰) و از آزار آنها در گذرید: «وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعُوا أَهْلَهُمْ...» (احزاب/۴۸) اما در مراحل قدرت باید با دشمنان مذاکره و پس از قدرت کامل و اتمام حجت، مقابله کرد: «لَنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنْ تَغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَأِجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلا قَلِيلًا» (احزاب/۶۰) اما حتی در این مرحله نیز در مدارا با توبه کنندگان واقعی باز است تا زمانی که به دنبال فتنه نباشند و واقعا قصد آگاهی از حقیقت و رفع جهل خود را داشته باشند: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه/۶)

در نامه به مالک اشتر آمده که پس از صلح در مرحله بعد در عین وفاداری به پیمان، باید دوران دیش و مراقب غافلگیری دشمن باشید (نهج البلاغه/ نامه ۵۳) هر چند باید در عین مدارا در پیمان بستن مراقب فریبکاری دشمن بود و در قرارداد محکم کاری کرد و راهی برای تسلط آنها باقی نگذاشت: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱) دشمن همیشه در کمین هست و باید مراقب دشمن بود (نساء/۱۰۲)

تساهل و مدارا چیزی است که خمیر مایه دین اسلام را تشکیل می دهد مگر در مواردی که معنویت فرد یا جامعه به خطر بیافتد (برزگر و بیات، ۱۳۹۵، ص ۲۷) اما در برخورد با دشمنان قسم خورده که هیچگاه دست از دشمنی بر نمی دارند بر اساس تاسی به قرآن باید با شدت برخورد کرد همانطور که به رسول اکرم (ص) دستور داده شد که با آنها به شدت برخورد کند: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲)

البته برخورد شدید نباید به صورت صفت اخلاقی فرد در آید بلکه در عین حال باید تعادل حفظ شود و متوجه رفتار مهربانانه با دوستان بود: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (فتح/۲۹) دقت در حفظ تعادل بین دوست و دشمن و توجه به ملکات اخلاقی است. همانطور که در بیانات رهبری و سیره‌ی عملی ایشان دیده می شود که با دشمنان بسیار شدید

برخورد می‌کنند اما در عین حال با غیر دشمنان برخورد صمیمانه دارند. چنانکه در دیدار با واسطه ژاپنی ترامپ (دیدار نخست وزیر ژاپن و هیئت همراه، ۱۳۹۸/۳/۲۳، <https://www.leader.ir/fa/content/۲۳۰۹۳>) در عین اینکه به دشمن کوچکترین بهایی برای طرح ندادند و حاضر به پاسخ به نامه آنها نشدند بلکه حتی به نامه ایشان اعتنا نکردند در برابر برخورد مزورانه دشمن با شدت عمل برخورد کردند اما در عین حال حتی با نماینده ژاپنی ایشان نیز با متانت برخورد کردند: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ...» (تحریم/۹) نه تنها دستور به جهاد در این مرحله داده می‌شود بلکه خدای متعال وعده نصرت و یاری نیز می‌دهد: «فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم/۴۷) و گرنه کسانی که علاوه بر عقاید خویش، اقدام به اخلال در نظم یا امنیت اجتماعی نموده و سبب ایجاد هرج و مرج می‌شوند، مشمول اصل کلی مدارا با مخالفان نمی‌باشند. (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۲۴-۵۳)

#### ۴. نتیجه

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌عنوان تاثیرگذارترین عالم دینی - مقام ولایت فقیه - در جهان تشیع در عصر حاضر مطرح‌اند. بررسی نقطه نظرات ایشان در موضوع «مدارا» ارزشمند، و تبیین مرزهای این صفت در اندیشه‌ی دفاعی ایشان در شناخت صحیح از فرهنگ سیاسی تشیع اهمیتی عمده دارد.

مدارا در اندیشه دفاعی رهبری، جایگاه ویژه در کنار عقلانیت دارد و اصل اولی در برخوردها است. مدارا در اندیشه ایشان وسیله‌ای دفاعی است که با رعایت حد و مرزها موجب جذب دل‌های دوستان و همیاری مردم و مسئولین تا فرصت جذب افراد ناآگاه و منافقان و مخالفان داخلی و خارجی در کشمکش‌ها است که باید به‌عنوان یک راهبرد دفاعی در پدافند غیر عامل مد نظر قرار گیرد.

## منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. نهج البلاغه، شریف رضی، محمد بن حسین، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۲، ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام، مترجم: مستفید، حمید رضا و غفاری، علی اکبر، تهران: نشر صدوق،
۴. افتخاری، صفر، مدارا و قاطعیت رسول اکرم ص در قرآن کریم، رشت: کتاب مبین ۱۳۸۹
۵. برزگر، ابراهیم؛ بیات، مصطفی، الگوی مطلوب سیاستگذاری مدارا در جمهوری اسلامی ایران، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵، شماره ۳۵ (ص ۲۷ تا ۴۶)
۶. حسینی، سید صادق، مدارا با مخالفان مذهبی از دیدگاه فقه اسلامی، جبل المتین، سال اول، ۱۳۹۱، پیش شماره دوم، (ص ۲۴-۵۳)
۷. خامنه‌ای، علی، درآمدی بر دفاع در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، گردآورنده: جعفری، اصغر؛ متقی، ابراهیم؛ حسین خانی، نورالله؛ قربانی، سعید؛ لطفی مرزناکی، رحمان، تهران: انتشارات دفاع، ۱۳۹۵
۸. خرم آبادی، محمود، سیره نبوی صلی الله علیه و اله در برخورد با خطاکاران، مبلغان، ۱۳۹۸، شماره ۲۴۲، (ص ۳۵ تا ۴۵)
۹. دانش، محمدقدیر، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و استراتژی ایشان در برابر خط نفاق، معرفت، ۱۳۸۷، شماره ۱۲۹، (ص ۱۱-۲۴)
۱۰. رشاد، علی اکبر، خشونت و مدارا، کتاب نقد، ۱۳۷۹، شماره ۱۴ و ۱۵، (ص ۳۸۶ تا ۴۰۵)
۱۱. رضوی، عباس؛ فتحی، یوسف، «مدارا با شهروندان در اندیشه و سیرت امام خمینی»، فصلنامه حوزه، دوره ۳۱، شماره ۱۷۲، ۱۳۹۳

۱۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ ۲، ۱۴۰۹ ق
۱۳. قربانی، سعید؛ ریاضی، وحید، دفاع آینده‌نگر در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ناظر: رحمان لطفی مرزناکی، تهران: انتشارات دفاع، ۱۳۹۹
۱۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: جاویدان، چاپ ۶، ۱۳۵۱
۱۵. سیاح، حسین، ۱۳۸۸، اسلام و گونه همزیستی با ناهمکیشان، آئینه معرفت، شماره ۲۱، ص (۱۷۱-۲۰۲)
۱۶. طباطبایی، سیده فاطمه؛ عسکری خانامانی، اعظم، شرایط و قلمرو مدارا در قرآن و سنت، معرفت، شماره ۲۵۶، ۱۳۹۸ (۶۳-۷۴)
۱۷. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق / مصحح: حسینی اشکوری، احمد، تهران: مرتضوی، چاپ ۳، ۱۳۷۵ ش
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- الإسلامیة)، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ ۴، ۱۴۰۷ ق
۱۹. لطفی مرزناکی، رحمان؛ دارابی، مسعود، دفاع دانش‌نویان در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران: انتشارات دفاع، ۱۳۹۷
۲۰. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: نامن، چاپ ۲، ۱۳۸۶
۲۱. مظفری، آیت، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، تهران: زمزم هدایت، بی تا
۲۲. نصر اصفهانی، علی؛ حاجیان، طالب؛ کریمی، مهدی؛ رضوانی، سید مرتضی؛ بررسی تحمل و مدارا در رهبری سازمان با تکیه بر دیدگاه نهج البلاغه؛ مدیریت اسلامی، ۱۳۹۱، شماره ۸۵، (ص ۱۱۳ تا ۱۳۰)
۲۳. سایت رهبری <https://www.leader.ir>.

---

## مبانی قرآنی رشد اخلاقی در اندیشه امام خامنه‌ای (دام‌ظله)

---

جواد مصلحی<sup>۱</sup> - سیدمحمد علوی‌زاده<sup>۲</sup>

### چکیده:

در علم روان‌شناسی به تغییر و تحولات انسان در طول زندگی، رشد گفته می‌شود که در رشته روان‌شناسی رشد مورد مطالعه قرار می‌گیرد. همچنین قرآن کریم که خودش را هدایت‌کننده به سوی رشد معرفی می‌کند، موضوعاتی از قبیل مراحل مختلف زندگی انسان و ابعاد و عوامل مختلف تکامل و رشد او را بیان می‌کند. امام خامنه‌ای هم متأثر از قرآن کریم در فرمایشات و آثار مکتوبشان، اشارات، توصیه‌ها و تأکیدات فراوانی نسبت به جنبه‌های مختلف رشد از جمله «رشد اخلاقی» دارند. هدف این تحقیق آن است که در راستای معرفی شخصیت علمی و قرآنی مقام معظم رهبری، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و تحلیلی به معرفی استنادات و مبانی قرآنی فرمایشات ایشان در مورد عوامل و لوازم رشد اخلاقی بپردازد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است امام خامنه‌ای در مورد جوانب مختلف رشد اخلاقی به کرات بحث نموده و رهنمون‌هایی را ارائه نموده است که همگی الهام گرفته از آیات قرآن کریم می‌باشد. به عنوان مثال در اندیشه قرآنی ایشان توجه به خدا، مراجعه به تعالیم انبیاء، فرمان‌برداری از تکالیف شرعی، نصیحت، حرکت بر اساس فطرت، استفاده از فرصت جوانی، وجود حکومت اسلامی و محیط مناسب از جمله عوامل و لوازم رشد اخلاقی است.

**کلیدواژه‌ها:** مبانی، اخلاق، رشد اخلاقی، قرآن، امام خامنه‌ای.

---

۱. دکترای قرآن و روان‌شناسی و عضو گروه قرآن و علوم، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی‌العالمیه، استادیار

Javad\_moslehi@miu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد ارتباطات و تبلیغ از دانشگاه قرآن و حدیث، سطح ۴ فقه و اصول حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری قرآن و

روان‌شناسی جامعه المصطفی‌العالمیه (نویسنده مسئول) alavizade@mail.ir

## مقدمه

رشد اخلاقی از مسائل مورد توجه افراد و ملل با ادیان و آیین‌های متفاوت بوده و هست چرا که در حیات مادی و معنوی انسان، زندگی فردی و اجتماعی نقش بسزایی دارد و سعادت بخش زندگی دنیوی و اخروی اوست. مقام معظم رهبری با الهام از آیات قرآن کریم می‌فرماید: «جامعه‌ای که تزکیه شده باشد، مردمش نفس خود را اصلاح کرده باشند، به خودشان پرداخته باشند، رذایل اخلاقی را از خودشان دور کرده باشند، دورویی و دروغ و فریب و حرص و طمع و بخل و بقیه رذایل انسانی را از خودشان جدا کرده و زدوده باشند، این‌طور جامعه‌ای، هم به سعادت اخروی و هم جلوتر از آن، به سعادت دنیوی دست خواهد یافت... هم زندگی در این عالم - اگر بخواهد به سعادت برسد - محتاج تزکیه است و هم درجات اخروی و معنوی، متوقف بر تزکیه است. فلاح انسان - یعنی دست یافتن انسان به مقصد اعلی - وابسته به تزکیه است «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى، وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (اعلی، ۱۴ و ۱۵) کسی که تزکیه بکند، فلاح و رستگاری را به دست آورده است» (سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>).

رشد اخلاقی لوازم و عواملی دارد که بدون شناخت و فراهم بودن آنها، حصول رشد اخلاقی ناممکن است. یکی از اهداف و کارکردهای اصلی قرآن ارائه راه‌های مطمئن و قابل اعتماد برای رشد همه‌جانبه انسان از جمله در رشد اخلاقی است. حضرت امام خامنه‌ای متأثر از قرآن کریم تأکید ویژه‌ای بر رشد اخلاقی آحاد ملت دارند. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب به ملت ایران به خصوص جوانان توصیه می‌کنند که به دنبال رشد «معنویت و اخلاق» باشند، چرا که از منظر ایشان معنویت و اخلاق معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ که بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، محیط زندگی را جهنم می‌کند (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://khl.ink/f/۴۱۶۷۳>). راه حل ایشان برای

حل این مشکل و رشد معنوی و اخلاقی مردم تزکیه است. از این رو به کرات در مورد ابعاد مختلف رشد اخلاقی از جمله عوامل و لوازم آن نکات نابی را ایراد فرموده‌اند.

از این رو از باب جهاد تبیین و کمک به رشد اخلاقی افراد جامعه و در راستای معرفی شخصیت قرآنی مقام معظم رهبری در این تحقیق در پی آن است که پس از مفهوم‌شناسی و بیان پیشینه موضوع، بیانات مقام معظم رهبری در مورد عوامل و لوازم رشد اخلاقی را نقل نموده و مستندات قرآنی آن‌ها را هم بیان نماید.

داده‌های این تحقیق، به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و به روش توصیفی و تحلیلی پردازش می‌شود.

نوآوری این مقاله از این جهت است که در عین بین‌رشته‌ای بودن، تنها مقاله‌ای است که به بیان مستندات و مبانی قرآنی عوامل رشد اخلاقی در فرمایشات و آثار مقام معظم رهبری می‌پردازد.

## مفهوم‌شناسی

### رشد

رشد در لغت فارسی به معنای در راه هدایت بودن، به راه راست شدن، هدایت، صلاح (معین، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۴۵) پیشرفت، پرورش، ترقی، نشو و نما (دهخدا، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۱۴۷۴) است. رشد در اصل کلمه‌ای عربی و به معنای صاف بودن مسیر است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۹۸) گفته می‌شود که رشد در مقابل و نقیض کلمات غیّ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ج ۱، ص ۳۵۴؛ خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، ج ۶، ص ۲۴۲) و ضلال (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۳، ص ۱۷۵) یا گمراهی است. از این رو رشد به راه یافتن به مقصد، در مسیر صحیح بودن یا رسیدن به واقع معنا شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۳، ص ۱۷۵؛ خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، ج ۶، ص ۲۴۲).

در قرآن واژه رشد به معنی رشد جسمانی نیست (شاکر، ۱۳۷۸: ص ۶۴) بلکه فقط در مورد امور معنوی به کار می‌رود. (فیروزمهر، ۱۳۹۹: ص ۱۰) چون کلمه رشد و مشتقات آن مثل یرشدون، راشدون، مرشد، رشاد که حدود ۱۹ بار در قرآن آمده است؛ فقط در مقابل واژه‌هایی مثل غیّ، ضر و شر به کار رفته است. که همگی امور غیر جسمانی هستند.

رشد در اصطلاح روان‌شناسی مترادف با تحول است که منظور از آن تغییرات منظم و سازگارانه‌ای است که از لحظه بستن نطفه تا هنگام مرگ در فرد اتفاق می‌افتد. (سیف، ۱۳۹۵: ص ۷۶) در علم روان‌شناسی رشد انسان را از جهات مختلفی می‌توان مورد بررسی قرار داد از جمله، رشد جسمانی، رشد شخصیت، رشد اجتماعی، رشد شناختی، رشد عاطفی، رشد گویایی و رشد اخلاقی.

### رشد اخلاقی

رشد اخلاقی مرکب از دو واژه رشد و اخلاق است. اخلاق کلمه‌ای عربی و جمع خُلُق یا خُلُق (نفیسی، بی تا: ج ۱، ص ۱۳۶) به معنی طبیعت (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۱۰، ص ۸۶) خوی، سرشت، (دهخدا، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۱۰۴) سیرت، عادت (معین، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۶۳۵) است. اخلاق در اصطلاح اندیشمندان اسلامی عبارت است از «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و تفکر از آدمی صادر شود». اخلاق یا ذاتی است و یا اکتسابی که با تفکر و تلاش و تکرار و تمرین به دست می‌آید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۶۷، ص ۳۷۲).

مقام معظم رهبری در بیان معنی اخلاق می‌فرمایند: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند». (بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹، <https://khl.ink/f/۷۴۳۰>)

روانشناسان در مبحث رشد اخلاقی به مطالعه تحول انسان از حیث نگرش‌ها و رفتار اخلاقی می‌پردازند (سیف، ۱۴۰۱: ج ۱، ص ۲۷۹). روان‌شناسانی که رشد اخلاقی را مطالعه می‌کنند یکی از این سه دیدگاه را دارند. بعضی روان‌شناسان خیلی به استدلال پشت رفتار اخلاقی علاقه‌مند هستند. (نظریه شناختی مثل پیاژه و کلبرگ) گروه دیگری فکر می‌کنند جنبه‌های عاطفی و هیجان‌هایی که سائق رفتار اخلاقی‌اند (نظریه تحلیل روانی مثل فروید و کوچانسکا) مهم‌ترند و گروهی دیگر بر خود رفتار اخلاقی تمرکز دارند (نظریه رفتار اجتماعی مانند باندورا) (لطف‌آبادی، ۱۴۰۱: ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۵). از منظر روان‌شناسی اسلامی رشد اخلاقی عبارت است از رشد



انسان در جنبه‌هایی از شناخت، رفتار و عواطف که به کمال انسان در زندگی شخصی، اجتماعی و در رابطه خدای متعال مربوط می‌شود و ویژگی مهم آن این است که تنها افعال اختیاری فرد، به این علت که با کمال ارتباط دارد، موضوع بحث قرار می‌گیرد (زارعان و همکاران، ۱۳۸۳: ص ۱۰۶۳).

از مقام معظم رهبری ایشان مقصود از تزکیه مردم در سوره جمعه آیه ۲ که یکی از وظایف اصلی انبیاست (جمعه: ۲) همان رشد اخلاقی دادن مردم است (بیانات در سالروز عید سعید مبعث، <https://khl.ink/f/۷۴۳۵>، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹).

### پیشینه

نزدیک‌ترین آثار به موضوع این تحقیق کتاب «تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری» است که به کوشش امیرحسین بانکی‌پور فرد و احمد قماشچی در انتشارات تربیت اسلامی تهران به سال ۱۳۸۰ چاپ شده است. در این کتاب گرچه نامی از اصطلاح رشد اخلاقی برده نشده است اما نکات مفیدی در این موضوع دارد. رویکرد این کتاب بین‌رشته‌ای روان‌شناسی و قرآنی نیست و موضوعش اعم از تعلیم و تربیت و در بحث تربیتی هم اعم از مباحث اخلاقی و غیر اخلاقی است. نویسندگان مذکور کتاب دیگری دارند با عنوان «کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری» که در آن به موضوع تربیت اخلاقی هم پرداخته شده است اما رویکرد قرآنی و روان‌شناسی ندارد و موضوعش اعم است.

همچنین کتاب «تربیت انسانی تمدن اسلامی»، منظومه بیانات تربیتی رهبر انقلاب، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، برای مجموعه‌های فرهنگی است که به کوشش وحید حسنی هنزایی در انتشارات شهید کاظمی به سال ۱۴۰۰ منتشر شده است. این کتاب اهداف تربیتی و ارزش‌های محوری و راهبردی کلان تربیت در کلام رهبر انقلاب اسلامی را استخراج کرده است که برای مسئولان فرهنگی و تربیتی بسیار راهگشا است، اما موضوع این اثر هم اعم از تربیت و رشد اخلاقی است و مانند دو اثر قبلی رویکرد بین‌رشته‌ای روان‌شناسی و قرآنی ندارد.

مقاله‌ای وجود دارد با عنوان «سیاست اخلاقی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» که توسط فرشید دانش‌پژوه نوشته شده و در خرداد ۱۴۰۱ در فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی چاپ شد. در این مقاله به رابطه اخلاق با سیاست از منظر مقام معظم رهبری پرداخته می‌شود. از دیگر آثار مرتبط به این تحقیق می‌توان به مقاله «عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی با نگاهی قرآنی» اشاره کرد که توسط محمدمهدی فیروزمهر به رشته تحریر درآمد و در تابستان ۱۳۹۹ در مجله مطالعات علوم قرآن چاپ شد. در این مقاله عوامل مؤثر بر رشد موجود در قرآن در دودسته عوامل معرفتی و عوامل غیرمعرفتی مورد بررسی قرار گرفته است. گرچه به نظر می‌رسد که عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی بسیار بیشتر از آن تعداد محدودی باشد که در این مقاله احصاء شده است ولی به هر حال تنها مقاله‌ای است که موضوع خاص «عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی با نگاه قرآنی» به رشته نگارش در آمده است که البته در آن هیچ اشاره‌ای به اندیشه‌های مقام معظم رهبری نشده است.

### **عوامل و لوازم رشد اخلاقی در بیانات مقام معظم رهبری**

عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی در بیانات مقام معظم رهبری را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: عوامل ذهنی، عوامل رفتاری و عوامل محیطی.

#### **عوامل ذهنی**

مقصود ما از عوامل ذهنی آن دسته از عواملی است که از جنس توجه و التفات فرد مورد مطالعه است.

#### **توجه به خداوند**

از منظر امام خامنه‌ای «توجه به خدا هم مایه اصلی رشد اخلاقی به حساب می‌آید» (سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>) همچنین ایشان در این باره می‌فرمایند: «[یک] دستاورد دعا، خودسازی و رشد فضایل اخلاقی در انسان است. انسان با توجه به خدا و با حرف زدن با خدای متعال، فضایل اخلاقی را در خود تقویت می‌کند؛ این خاصیت قهری و طبیعی انس با پروردگار است؛ بنابراین دعا می‌شود پلکان عروج انسان به سمت کمالات. متقابلاً دعا رذایل اخلاقی را از انسان می‌زداید؛

حرص و کبر و خودپرستی و دشمنی با بندگان خدا و ضعف نفس و جبن و بی‌صبری را از انسان دور می‌کند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۰۷/۲۹، <https://khl.ink/f/۳۳۱۶>).

طبق آموزه‌های قرآن همه موجودات از جمله انسان در همه امور هستی فقر و نیاز ذاتی به خداوند متعال دارند از این رو در رشد و تعالی هم باید از خداوند مدد بگیرد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر: ۱۵) ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است». از این رو انسان باید با توجه به خداوند خود را در معرض الطاف الهی قرار دهد تا رشد و تعالی یابد: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ (بقره: ۱۵۲) پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم». یکی از بارزترین و مؤثرترین مصادیق یاد خداوند دعاست که انسان می‌تواند با دعا خاضعانه از خداوند متعال تعالی و رشد را درخواست کند و خداوند هم وعده داده است که اجابت می‌کند: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ (غافر: ۶۰) مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم».

### عدم غفلت از اغوای شیطان

شیطان دشمن قسم خورده انسان از هدف اساسی خود مبنی بر اغوای مؤمنان این چنین پرده برمی‌دارد: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (ص: ۸۲) گفت پس به عزتت سوگند که همه و همه‌شان را گمراه خواهم کرد». همان‌طور که اشاره شد «غی» در نقطه مقابل «رشد» و به معنی فساد است و اغوا یعنی دلالت و هدایت به شر و فساد و رشد هم یعنی دلالت و راهنمایی به سوی خیر و صلاح (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۷، ص ۳۴۹). همچنین گفته شده است که کلمه «غی» به معنای جهلی است که از اعتقادی باطل ناشی شده باشد، چون انسان‌های جاهل دو قسم‌اند، یکی آن جاهلی که جهلش ناشی از اعتقاد نباشد، یعنی انسانی غیر معتقد باشد، نه اعتقاد درستی داشته باشد و نه اعتقاد نادرست و دیگری آن جاهلی است که جهلش از اعتقادی فاسد منشأ گرفته است که جهل چنین انسانی را «غی» می‌نامند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۶۲۰). بنابراین «اغواء» عبارت است از اینکه او را به طوری از راه به در ببری که در اثر جهل، به چیز دیگری مشغول شود و هدف اصلی را فراموش کند (طباطبایی؛ ۱۳۷۴: ج ۱۰، ص ۳۲۲). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دقیقاً منطبق بر همین مفهوم قرآنی به اغواگری دشمن تصریح می‌کنند و هشدار می‌دهند که در مسیر رشد باید از

اغواگری شیاطین انسی و جنی غافل نباشیم: «سعی شیطان این است که شما را اغوا کند؛ یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند... مراقب باشیم که دستگاه محاسباتی ما به وسیله شیطان‌های انس و جن دچار اختلال نشود» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، <https://khl.ink/f/۲۶۹۰۸،۱۳۹۳/۰۴/۱۶>).

### عدم غفلت از نفس اماره و تهذیب و تزکیه آن

مقام معظم رهبری با الهام از آیه شریفه «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ (یوسف: ۵۳) نفس اماره انسان را به کارهای زشت و ناروا سخت وامی‌دارد» می‌فرماید: «برادران و خواهران! در وجود ما، هم سرچشمه همه شرارت‌ها وجود دارد که همان نفس ماست - که از همه بت‌ها خطرناک‌تر، بت نفس و خودخواهی ماست - و هم سرچشمه همه خیرات و زیبایی‌ها و کمالات. اگر ما بتوانیم و همت کنیم خودمان را از چنگال نفس اماره به سوء و شهوات نفسانی نجات بدهیم، سرچشمه خیرات بر روی ما گشوده خواهد شد... اگر بدبختی‌های انسانیت را ریشه‌یابی کنید، به آلودگی نفسانی انسان‌ها برمی‌گردد. آنجایی که ضعف و بدبختی هست، یا به خاطر اختلافات است، یا به خاطر حرص و آز و دنیاطلبی است، یا به خاطر بددلی انسان‌ها با یکدیگر است، یا به خاطر ترس و اظهار ضعف و ترس از مرگ است و یا به خاطر میل و رغبت به شهوات و خوش‌گذرانی است. این‌ها مایه اصلی بدبختی‌های جوامع بشری است. چگونه می‌شود این‌ها را برطرف کرد؟ با تهذیب و تزکیه اخلاقی» (سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵،۱۳۷۰/۰۸/۰۱>).

ایشان معتقدند که تهذیب و تزکیه اخلاقی یا همان رشد اخلاقی به قدری مهم است که باید همراه و بلکه مقدم بر همه رشدها باشد: «رشد مادی بدون رشد معنوی بی‌فایده است. الآن کشورهای بزرگ دنیا رشد مادی دارند؛ محصول زیاد، علم پیشرفته، تکنولوژی پیچیده، مصنوعات فراوان؛ هر روز چیزی از پیشرفت‌های علمی در دنیا به بشریت نشان می‌دهند؛ اما آیا این‌ها خوشبخت‌اند؟ آیا زندگی آن‌ها زندگی انسانی است؟ این‌طور نیست؛ نه خودشان خوشبختی انسانی

را حس می کنند، نه اجازه می دهند که ملت‌ها خوشبختی انسانی را درک کنند. در میان خودشان، اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، قتل‌ها، جنایت‌ها، افسردگی‌ها، وازدگی از زندگی مادی و معنوی، دوری از معنویت و فضیلت، پاشیده شدن اساس خانواده و از بین رفتن پیوند فرزندان با والدین وجود دارد. این‌ها گرفتاری‌های آن‌هاست؛ برای دنیا هم که می‌بینید چه به ارمغان آورده‌اند! برای ملت‌های دیگر هم جنگ و فقر و بی‌سوادی و اختلاف و بدبختی و تیره‌روزی را آورده‌اند. آن‌ها رشد مادی دارند، اما رشد معنوی ندارند. وقتی رشد مادی بدون رشد معنوی شد، نتیجه این است که مشاهده می‌کنید. باید رشد معنوی را در کنار رشد مادی گذاشت» (سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و ائمه‌مختل مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>).

درجایی دیگر می‌فرمایند: «اخلاق که نبود، بی‌اخلاقی وقتی حاکم شد، حرص‌ها، هوای نفس‌ها، جهالت‌ها، دنیاطلبی‌ها، بغض‌های شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها، سوءظن به یکدیگر وارد شد - وقتی این رذائل اخلاقی به میان آمد - زندگی سخت خواهد شد؛ فضا تنگ خواهد شد؛ قدرت نفس سالم از انسان گرفته خواهد شد.» بعد خودشان مستند قرآنی فرمایشان را این‌گونه معرفی می‌کنند: «لذا در قرآن کریم در چند جا «تزکیه که همان رشد اخلاقی دادن است، جلوتر از تعلیم آمده است: «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة» (جمعه: ۲)». (بیانات در سال‌روز عید سعید مبعث، <https://khl.ink/f/۷۴۳۵>، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹)

## عوامل رفتاری

مقصود ما از عوامل رفتاری، اموری است که مربوط به رفتار فرد مورد مطالعه است.

### فرمان‌برداری از خداوند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به آیات ۶۵ سوره نساء و آیه ۱۳۲ سوره آل‌عمران شرط رشد را در فرمان‌برداری از خداوند و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و انجام تمام تکالیف شرعی که بر عهده ما نهاده شده است برمی‌شمارند: «به قول آیه شریفه قرآن (که) می‌فرماید: «مؤمنین آن کسانی هستند که وقتی میان آنان مشاجره‌ای به وقوع می‌پیوندد، به توای پیامبر رجوع می‌کنند، مراجعه می‌کنند و چون تو حکمی صادر کردی، «دستوری که تو صادر کردی، کمترین غبار کدورتی هم

بر روح آن‌ها و دل آن‌ها بر جای نمی‌گذارد»، «تسلیم فرمان توآند»<sup>۱</sup>. مؤمن واقعی این جور است. اگر این جور بود یک ملتی، یک امتی، اگر یک عده جمعیت به این صورت تحت فرمان خدا قرار گرفتند، آن وقت است که رحمت پروردگار و لطف بی‌نهایت او شامل حال آنان خواهد شد، آن وقت است که یک امت به آقایی می‌رسد، آن وقت است که یک ملت به رشد انسانی می‌رسد، آن وقت است که اسارت‌ها و زنجیرها از دست و پای او باز می‌شود، آن وقت است که رحمت الهی شامل حال او می‌شود. «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (آل عمران: ۱۳۲) اطاعت کنید خدا را و پیامبر را، باشد که مورد رحمت پروردگار قرار گیرید»<sup>۲</sup> (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۳۴).

### مراجعه به تعالیم انبیاء

مقام معظم رهبری در موارد متعددی از آثارشان با اشاره به روایت شریف نبوی «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ص ۸)، فلسفه نبوت را تربیت اخلاقی و به تکامل رساندن انسان و کامل کردن و به اتمام رساندن مکارم و فضایل اخلاقی در بین مردم برمی‌شمارد (بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹، <https://khl.ink/f/۷۴۳۵>، و خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۴۰۸-۴۰۹)؛ از این رو انسان‌ها را رشد اخلاقی خود بایستی به تعالیم انبیاء مراجعه کنند.

خود ایشان مبنای قرآنی این عامل رشد اخلاقی را این‌گونه معرفی می‌کنند: «انبیا می‌آیند تا انسان‌ها را از بدی‌ها، از پستی‌ها، از جهالت‌ها، از رذیلت‌های اخلاقی، از پوشیده ماندن استعدادهای درونی خلاص کنند، نجات بدهند، آن‌ها را انسان کامل و متعالی بسازند؛ این هدف اولی انبیاست؛ لذا در قرآن چند جا آمده (است، از جمله این آیه شریفه که می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران، ۱۶۴) خدا منت نهاد بر مؤمنان که برانگیخت در میان آنان، پیامبری از خودشان، آیات خدا را بر آنان فرو بخواند و تزکیه کند آنان را، پاک، پیراسته، و بیاموزد به آنان»<sup>۳</sup>. پیراستن، آراستن، از

۱. ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (نساء: ۶۵).

..۲

..۳

رذیلت‌ها پاک کردن، به فضیلت‌ها انسان را آرایش دادن، این هدف انبیاست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۳۰۳).

### حرکت بر اساس فطرت

از منظر امام خامنه‌ای لازمه رشد انسان حرکت بر اساس فطرت است، به عبارت دیگر در تربیت و رشد انسان‌ها باید تفاوت فطری آن‌ها در خلقت مورد توجه قرار گیرد. مثال ایشان برای این عامل جنسیت انسان‌هاست، چراکه گرچه زن و مرد از حیث انسان بودن با هم مشترک‌اند اما از حیث جنسیت و زن و مرد بودن با هم تفاوت اساسی دارند که باید این نکته مورد توجه قرار گیرد. انتقاد ایشان به نگاه غرب به زن از همین جهت است: «نگاه غرب به زن، نگاهی است منحط، ناقص، گمراه‌کننده و غلط. نگاه اسلام به زن، نگاهی است عزت‌بخش، کرامت‌بخش، رشد‌آفرین، استقلال‌دهنده به هویت و شخصیت زن؛ این ادعای ماست. ما این ادعا را با محکم‌ترین ادله می‌توانیم اثبات کنیم. زن در محیط اسلامی رشد علمی می‌کند، رشد شخصیتی می‌کند، رشد اخلاقی می‌کند، رشد سیاسی می‌کند، در اساسی‌ترین مسائل اجتماعی در صفوف مقدم قرار می‌گیرد، در عین حال زن باقی می‌ماند. زن بودن، برای زن یک نقطه امتیاز است، یک نقطه افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور کنیم. خانه‌داری را، فرزندداری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم. فرهنگ غربی خانواده را متلاشی کرد. امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌هاست، افزایش فرزندان بی‌هویت است. این‌ها گریبان غرب را خواهد گرفت. حوادث اجتماعی به مرور پیش می‌آید. غرب از همین نقطه سخت‌ترین ضربه‌ها را خواهد خورد و این تمدن مادی پر زرق و برق از همین نقطه فرو خواهد ریخت» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱، <https://khl.link/f/۲۰۳۸۸>) چراکه فطرت همان سرشت انسان است که اکتسابی و قابل تغییر نیست و تربیت و رشد بدون توجه به فطرت و حرکت در مسیر مخالف فطرت نتیجه‌ای جز نابودی و تباهی ندارد.

چون انسان بر اساس فطرت الهی خلق شده و دین اسلام هم دین فطرت است بنابراین دستورات آن براساس فطرت انسان است و باقی و همیشگی است. قرآن کریم این باره می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَمَا تَبْدِيلَ لَخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَمَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند!.

### استفاده از فرصت جوانی

مقام معظم رهبری در باب لزوم استفاده از فرصت جوانی برای خودسازی اخلاقی می‌فرمایند: «شما دانشجویانی که در این محفل هستید و همه دانشجویان در سرتاسر کشور، متوجه باشید که یکی از بزرگ‌ترین وظایف شما، خودسازی اخلاقی است. اخلاق خود را تکمیل کنید؛ شما جوانان این فرصت را دارید. دوران، دوران شماسست؛ شما در دوران خوبی زندگی می‌کنید؛ در سایه حکومت قرآنی و فرهنگ اسلامی زندگی می‌کنید؛ بنابراین، از لحاظ روحی و معنوی، فرصت برای والا و شایسته شدن دارید؛ این فرصت را مغتنم بشمارید. علم باید در کنار اخلاق و پیشرفت صنعتی و علمی و مادی در کنار رشد اخلاقی باشد» (سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>).  
حضرت امیر مؤمنان (علیه‌السلام) درباره اهمیت توجه به رشد و تربیت در ایام جوانی به امام مجتبی (علیه‌السلام) فرمود: «دل جوان، مانند زمین کشت نشده است به طوری که هر آنچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این رو، پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ص ۳۹۳، نامه ۳۱).

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با اشاره به آیه ۱۴ سوره قصص درباره اهمیت بندگی در جوانی که موجب و رشد و تعالی انسان است می‌فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا؛ هر کس که در جوانی خوب بندگی خدا کند، خداوند در پیری به او حکمت می‌آموزد، (چراکه) خدای متعال می‌فرماید: «و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا



کردیم» و در ادامه آیه می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ص ۲۹۶).

### بهره‌برداری از نصیحت

یکی از لوازم رشد اخلاقی انسان نصیحت یا همان خیرخواهی است. کسی که می‌خواهد رشد کند هم باید نصیحت کند و هم باید نصیحت پذیر باشد.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درباره لزوم شیوع نصیحت بین مؤمنین می‌فرماید: «لِيَنْصَحَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَنْصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص ۲۰۸)؛ باید مردی [و انسانی] از شما خیرخواه برادرش باشد؛ آن‌گونه که خیرخواه خویش است».

امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «امروز ما محتاج نصیحتیم. برای رشد اخلاق در جامعه، برای گسترش خلیقات خوب، برای اعتلای روحیه همدلی و برادری و صفا و اخوتی که در جامعه دینی مطلوب است، احتیاج داریم به نصیحت. این‌ها را از کی یاد بگیریم؟ پایه‌های اخلاق در کلمات ائمه (علیهم‌السلام) است، در رفتار ائمه (علیهم‌السلام) است. ما اخلاق را در جامعه رشد بدهیم؛ مردم را به خیرخواهی، به امید، به تعاون، به اخوت، به صبر، به حلم، به شکر، به احسان، به ایثار، به گذشت دعوت کنیم؛ از اخلاق بد، از تنگ‌نظری، از ناامیدی، از بدبینی، از بدخواهی برای این و آن، از حسد، از بخل و بقیه‌سینات اخلاقی، مردم را پرهیز بدهیم» (بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت (ع)، ۱۳۹۰/۰۳/۰۳، <https://khl.ink/f/۱۲۵۳۷>). سپس تأکید می‌کنند که این نصیحت‌ها باید تکرار شود: «البته اخلاقیات باید تکرار شود. گفتن اثر دارد، شنیدن اثر دارد؛ اما این اثر، دائمی و ابدی نیست؛ مؤثرات دیگری هم در جامعه هست که در جهت عکس آن کار می‌کند. لذا بایستی اخلاقیات همی گفته بشود، باز گفته بشود، باز تکرار بشود» (همان).

کلمه نصیحت و مشتقات آن ۲۵ بار در قرآن تکرار شده است (قائمی‌مقدم، ۱۳۸۵: ص ۲۱۹) که کاربردهای متعددی دارد از جمله امر به نیکی‌ها و نهی از بدی‌ها، تذکر، توصیه به تقوا (نحل: ۹۰)، عبرت دادن (هود: ۱۲۰)، ترساندن (اعراف: ۱۶۴)، سخنی که بر قلب نرمی و رقت می‌بخشد و عواطف را تحریک می‌کند (یونس: ۵۷). البته تعداد زیادی از آیاتی که کلمه نصیحت در آن‌ها

آمده است (اعراف: ۶۲؛ اعراف: ۶۸؛ اعراف: ۷۹؛ اعراف: ۹۳) درباره خیرخواهی انبیاء برای قوم خودشان بوده است (حسینی، ۱۳۸۶: ص ۲۲). همچنین تعداد زیادی از آیات قرآن بدون کاربرد کلمه نصیحت در مقام نصیحت و خیرخواهی هستند به طوری که قرآن کریم از شیوه تربیتی موعظه و نصیحت بیشترین استفاده را برده است، بنابراین می‌توان گفت قرآن کلاً کتاب موعظه است که البته به این نکته در تعدادی از آیات قرآن هم تصریح شده است (آل عمران: ۱۳۸ و یونس: ۵۷). از این رو رهبر معظم انقلاب هم با الهام از قرآن کریم بر استفاده از نصیحت در مسیر رشد اخلاقی تأکید می‌کنند.

### عوامل محیطی

مقصود ما از عوامل محیطی اموری هستند که بسترساز رشد انسانها هستند مثل لزوم حضور فرد در محیط مناسب و حاکمیت اسلام.

### محیط سالم

از منظر مقام معظم رهبری یکی از لوازم ضروری برای رشد اخلاقی، وجود محیطی مناسب و مساعد برای رشد است که ساختن این محیط در کنار تزکیه تک‌تک مردم از وظائف و اهداف اصلی انبیاست. ایشان در این باره می‌فرمایند: «... انبیا می‌گویند برای ساختن انسان باید محیط متناسب، محیط سالم، محیطی که بتواند او را در خود پیوراند، تربیت کرد و بس. انبیا می‌گویند دانه‌دانه نمی‌شود قالب گرفت، کارخانه باید درست کرد. انبیا می‌گویند اگر بخواهیم ما یکی یکی آدم‌ها را درست کنیم، شب می‌شود و عمر می‌گذرد؛ جامعه لازم است، نظامی لازم است، باید در منگنه یک نظام، انسان‌ها به شکل دلخواه ساخته بشوند و بس، فقط همین است و بس» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۳۰۴-۳۰۵). سپس ایشان مثال می‌زنند به عملکرد حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) در نحوه کادرسازی ایشان در مکه و برای تشکیل نظام اسلامی در شهر مدینه: «در محیط جاهلی مکه، پیغمبر وقتی می‌خواهد آدم درست بکند، مجبور است یکی یکی درست کند؛ برای خاطر اینکه از برای ایجاد آن چنان نظامی، یک عده خواص لازم‌اند، یک عده سنگ زاویه و زیربنا لازم‌اند، این‌ها قبلاً دانه‌دانه درست می‌شوند؛ این منافات ندارد با نقشه کلی انبیا. پیغمبر برای اینکه

سنگ‌های زاویه جامعه مدنی را درست بکند و بتراشد، مجبور است در مکه آدم‌سازی فردی بکند... (که) این‌ها می‌شوند سنگ‌های بنا از برای تشکیل جامعه مدنی آینده، یعنی جامعه توحیدی و اسلامی. ... اما وقتی نوبت به مدینه می‌رسد؛ آن جامعه الهی و اسلامی در مدینه تشکیل می‌شود، پیغمبر در رأس آن جامعه است و حاکم به احکام و فرمان‌های خداست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۳۰۸-۳۰۹).

ایشان مبنای قرآنی لزوم وجود محیط مناسب برای رشد اخلاقی را آیات ۱ و ۲ سوره نصر می‌دانند چراکه نتیجه این کادرسازی در مکه و سپس ایجاد محیط مناسب دخول فوج مردم به دین خدا است: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (نصر: ۲) آن وقت خدای متعال این جوری حرف می‌زند: «چون به یاری و پیروزی خدا برسد و فتح بیاید و بینی مردم را که فوج فوج به دین خدا داخل می‌شوند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۳۰۸-۳۰۹).

دلیل دیگر ایشان این آیه «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) است: «... پس پیغمبر آمده برای چه؟ برای تشکیل نظام و محیط عادلانه. آمده تا دنیا را عادلانه درست کند، آمده تا جامعه و نظام عادلانه به وجود بیاورد، اصلاً برای این آمده پیغمبر و البته در نظام عادلانه است که انسان‌ها فرصت پیدا می‌کنند به تکامل و تعالی برسند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۳۰۸-۳۰۹).

آیات ۹۷ تا ۱۰۰ سوره مبارکه نساء بیان می‌دارند که اگر کسی در محیطی نامناسب قرار گرفت که شرایط برای رشد او مهیا نبود موظف است که از آن سرزمین کوچ کند مگر اینکه شرایط کوچ را مثل پیر یا زن و کودک ناتوان نداشته باشد، در غیر این صورت مأوای ایشان جهنم خواهد بود.

### حاکمیت اسلام

مقام معظم رهبری یکی از عوامل بسیار مهم در رشد اخلاقی انسان‌ها را حاکمیت اسلام می‌دانند چراکه حکومت اسلامی بسترساز رشد اخلاقی آحاد ملت است، از این رو می‌فرماید: «اسلامی که می‌آید... انسان پست را، انسان توسری‌خور را، انسان برده گیر و برده شو را، انسانی را که برای خاطر یک کلمه حرف، برای خاطر یک آفرین، برای خاطر یک فلس (پول سیاه و بی‌ارزش) پول، دست به پست‌ترین جنایت‌ها می‌زد، این انسان پست و ذلیل و خوار را تکریم می‌کند، بالا می‌آورد،

عزیز می‌کند، او را با فضائل اخلاقی و انسانی می‌آراید؛ و این همه را، در سایه یک نظام عادلانه و متقن تأمین می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۱۵۹-۱۶۰).

در جایی دیگر می‌فرماید: «کمتر انسانی را می‌توان پیدا کرد که در دوران حاکمیت طاغوت‌ها بتواند به رشد معنوی و اخلاقی دست پیدا کند تا مثلاً به مقامی روحی و معنوی برسد و کسی مثل مقام بزرگان و شخصیتی مثل امام امت به وجود بیاید؛ اما در دوران حاکمیت اسلام آسان‌تر است. تا وقتی که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و رسالت اسلامی نبود، ابوذرها و مقدادها و عمارها انسان‌های جاهل و گمراهی بودند؛ مثل حیوانات، مثل وحشی‌ها و مثل بقیه مردم زندگی می‌کردند؛ اما طلوع خورشید اسلام، از عمار آن‌چنان شخصیت بزرگی ساخت که در طول عمر طولانی خود - حدود نود سال - پیوسته در خدمت اسلام بود و دائماً برای خدا کار کرد و زحمت کشید. اسلام از مقداد و ابوذر و از بقیه انسان‌های بزرگ، آن شخصیت‌ها را ساخت. این‌ها چه کسانی بودند؟ این‌ها انسان‌های بدوی و ابتدایی و جاهلی بودند» (سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>).

ایشان با اشاره به آیه ۴ سوره قصص حکومت طاغوتی فرعون را مثال می‌زند که در زمین برتری و بزرگی به خود بست و خودش را در درجه بالا قرار داد و مردم را هم تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی کرد و یک عده را نزدیک‌تر به خودش؛ قرار داده و عده دیگر را در درجه پایین‌تر و مورد استضعاف قرار داد یعنی قدرت و امکانات را از این‌ها گرفت و آن‌ها را خوار کرد سپس این وضعیت را با روزگار معاصر این گونه تطبیق می‌نماید: «شما اگر چنانچه با مسائل اجتماعی و با کتاب‌های اجتماعی آشنا باشید؛ در دنیا، در این کشورهای جهان سوم مخصوصاً، این مطلب را کاملاً می‌بینید و درک می‌کنید. همه امکانات رشد و ترقی در انحصار یک عده مخصوصی قرار می‌گیرد، دیگران نمی‌توانند رشد کنند، نمی‌توانند نفس بکشند و اگر رشدی هم کردند، رشدشان در خدمت و استثمار آن طبقه برگزیده است. در ضعف و ناتوانی و به‌شدت تحت فشار گرفت گروهی از آن‌ها را؛ و فشارش هم این بود که جوان‌های آن‌ها را می‌کشت یَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَذَبِحُ أْبْنَاءَهُمْ (قصص: ۴)» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۲۹۱-۲۹۲). بنابراین از منظر ایشان جامعه‌ای که با

ولایت طاغوت اداره می‌شود، مثل اتومیلی که راننده غیر امین و نابلد دارد انسان‌ها را به هدف و رشد نخواهد رساند و نمی‌تواند مسلمان بمانند.

پیشنهاد ایشان انقلاب و برپایی حکومت اسلامی است تا در زیر سایه آن شرایط رشد و تعالی انسان‌ها فراهم شود: «انقلاب برای این است که جوانان و مردم ما در هر قشر و هر طبقه، این فرصت را پیدا کنند که خودشان را بسازند؛ خودشان را از بدی‌ها نجات بدهند و در مقابل آتش دوزخ اخروی و دوزخ‌های دنیوی بیمه کنند» (سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>). همچنین می‌فرماید: «ما مسئولین جمهوری اسلامی باید) پرچم برادری اسلامی را با همه‌ی ملت‌های اسلامی بلند کنیم و فضیلت‌های اخلاقی را در جامعه رشد بدهیم: همکاری، گذشت، کمک، صبر، حلم؛ این‌ها خلیات اسلامی است؛ این‌ها را در جامعه رشد بدهیم. این، همان ایمان و هویت اسلامی و انقلابی است که اصل اول است» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹، <https://khl.ink/f/۳۳۴۴>).

### نتیجه‌گیری

مستندات و مبانی قرآنی عوامل و لوازم رشد اخلاقی در بیانات مقام معظم رهبری در سه دسته عوامل رفتاری، عوامل ذهنی و عوامل محیطی قابل بررسی و تبیین است.

عوامل ذهنی مربوط به اموری است از جنس توجه و التفات فرد مورد مطالعه است مثل توجه به خداوند، عدم غفلت از اغوای شیطان، عدم غفلت از نفس اماره و تهذیب و تزکیه آن.

عوامل رفتاری اموری است که مربوط به رفتار فرد مورد مطالعه است مثل فرمان‌برداری از خداوند، مراجعه به تعالیم انبیاء، حرکت بر اساس فطرت انسان، استفاده از فرصت جوانی، بهره‌برداری از نصیحت.

مقصود ما از عوامل محیطی اموری هستند که بستر ساز رشد انسان‌ها می‌باشند مثل لزوم حضور فرد در محیط مناسب و حاکمیت اسلام.

رهبر معظم انقلاب در بیان همه این عوامل یا سند قرآنی مدعای خودشان را بیان می‌کنند و یا اینکه مدعایشان ریشه در آیات قرآن دارد.

## فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
- (۱) ابن منظور الافریقی المصری، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت، دار صادر، چاپ سیزدهم.
- (۲) جوانمرد، غلامحسین، تاریخچه و مکاتب روان‌شناسی، ۱۳۹۹، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ چهاردهم.
- (۳) حسینی، سید جواد، ۱۳۸۶، نصیحت و خیرخواهی، ماهنامه اطلاع‌رسانی پژوهشی آموزشی مبلغان، شماره ۹۶، ص ۲۱-۳۱.
- (۴) خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۹، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم، انتشارات صهبا، چاپ بیست و پنجم.
- (۵) خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir>.
- (۶) خلیل بن احمد، آل‌عصفور، محسن، مخزومی، مهدی و سامرائی، ابراهیم. ۱۴۰۹-۱۴۱۰ ق. العین. ۹ ج، قم، مؤسسه دارالهجره، بی‌چا.
- (۷) دهخدا، علی‌اکبر؛ معین، محمد؛ احمدی‌گیوی، حسن؛ شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۹۰، لغت‌نامه دهخدا، ۲ جلد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- (۸) دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ ق، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام)، چاپ اول.
- (۹) الراغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، المحقق: صفوان عدنان الداودی، دمشق و بیروت، دارالقلم و الدارالشامیه، چاپ اول،

- ۱۰) زارغان، محمدجواد؛ شاملی، عباس؛ آفاتهرانی، مرتضی؛ ساجدی، ابوالفضل؛ بی‌ریا، ناصر؛ حقانی، ابوالحسن؛ مصباح، علی؛ رهنما، سیداحمد، ۱۳۸۳، روان‌شناسی رشد (۲): با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سازمان انتشارات سمت، بی‌چا.
- ۱۱) سیف، سوسن؛ کدیور، پروین؛ کرمی نوری، رضا؛ لطف آبادی، حسین؛ روان‌شناسی رشد (۱)، ۱۴۰۱، تهران، سازمان سمت، چاپ سی و یکم.
- ۱۲) سیف، علی‌اکبر، ۱۳۹۵، روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران، دوران، چاپ شصت و یکم.
- ۱۳) شاکر، محمدکاظم، ۱۳۷۸، مبانی رشد و لوازم آن در قرآن کریم، صحیفه مبین، شماره ۱۹، ص ۶۲-۷۹.
- ۱۴) شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ ق، نهج‌البلاغه (للصبحی صالح)، محقق / مصحح: فیض الإسلام، قم، هجرت، چاپ اول.
- ۱۵) طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان، مترجم: موسوی، محمدباقر، ۲۰ جلد، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- ۱۶) طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ ق - ۱۳۷۰ ش، مکارم الأخلاق، قم، شریف‌رضی، چاپ چهارم.
- ۱۷) فیروزمهر، محمد مهدی، ۱۳۹۹، عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی با نگاهی قرآنی، مطالعات علوم قرآن، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۴، ص ۷-۳۳.
- ۱۸) قائمی‌مقدم، محمدرضا، ۱۳۸۵، موعظه و نصیحت در قرآن، فصلنامه تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۳، ص ۲۱۷-۲۵۵.
- ۱۹) القزوینی الرازی، ابوالحسین أحمد بن فارس بن زکریاء، ۱۳۹۹ ق - ۱۹۷۹ م، معجم مقاییس اللغة، المحقق: عبد السلام محمد هارون، ۶ جلد، بیروت، دارالفکر، بی‌چا.
- ۲۰) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ ق، الکافی، محقق-مصحح: غفاری علی‌اکبر و آخوندی، محمد، ۸ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.



- (۲۱) گنجی، حمزه، ۱۳۹۳، روان‌شناسی عمومی، تهران، ساوالان، چاپ شصت و هفتم.
- (۲۲) لطف‌آبادی، حسین، ۱۴۰۱، روان‌شناسی رشد (۲): نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، تهران، سمت، چاپ نوزدهم.
- (۲۳) مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، ۱۱۱ جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- (۲۴) مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ ش، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- (۲۵) معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ فارسی معین، ۲ جلد، تهران، آدنا (کتاب راه نو)، چاپ چهارم.
- (۲۶) نفیسی، علی‌اکبر، بی‌تا، فرهنگ نفیسی، ۵ جلد: تهران، خیام، چاپ اول.

---

## راهکارهای تقویت تربیت اخلاقی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (دام‌ظله)

---

سید محمد علوی زاده<sup>۱</sup> - اکرم سادات سیدی<sup>۲</sup>

### چکیده:

انسان‌ها با فطرت پاک متولد می‌شوند و برای به فعلیت رسیدن این فطرت پاک، باید تربیت دینی شوند، از این رو باید با مسائل مختلف تربیت دینی از جمله بعد اخلاقی آن آشنا گردند. از این رو قرآن کریم که خودش را هدایت‌کننده به سوی رشد معرفی می‌کند برای تربیت اخلاقی انسان‌ها، راهکارهای فراوانی را بیان نموده است. امام خامنه‌ای هم متأثر از قرآن کریم در فرمایشات و آثار مکتوبشان، اشارات، توصیه‌ها و تأکیدات فراوانی نسبت به ابعاد مختلف تربیت دینی از جمله «تربیت اخلاقی» دارند از این رو هدف پژوهش پیش رو آن است که در راستای معرفی شخصیت علمی و قرآنی مقام معظم رهبری، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی رویکردها و راهکارهایی تقویت تربیت اخلاقی با تمرکز بر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (دام‌ظله) پرداخته شده است. امام خامنه‌ای به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های قرآنی جهان اسلام، نظریات و دیدگاه‌های متعددی در خصوص تربیت اخلاقی دارند که از منابع اسلامی و به ویژه قرآن کریم الهام گرفته شده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که امام خامنه‌ای با تکیه بر منابع قرآنی، راهکارهای مؤثری برای تقویت جنبه اخلاقی تربیت دینی ارائه کرده‌اند از جمله ضرورت توجه دادن متریبان به خداوند، اغوای شیطان و نفس اماره، آگاه‌سازی آنان نسبت به تعالیم انبیا، توصیه آنان نسبت به اطاعت از فرامین پروردگار حرکت بر اساس فطرت و بهره‌گیری از فرصت جوانی، محیط مناسب، نصیحت و حکومت اسلامی.

**کلیدواژه‌ها:** تربیت، اخلاق، تربیت اخلاقی، قرآن، امام خامنه‌ای.

---

۱. کارشناس ارشد ارتباطات و تبلیغ از دانشگاه قرآن و حدیث، سطح ۴ فقه و اصول حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی جامعه المصطفی‌العالمیه (نویسنده مسئول) [alavizade@mail.ir](mailto:alavizade@mail.ir)  
۲. دانشجوی سطح ۴ جامعه الزهرا قم، رشته تفسیر تطبیقی (نویسنده مسئول)، [akramsadat.seyedi@yahoo.com](mailto:akramsadat.seyedi@yahoo.com)

## مقدمه

قرآن کریم کامل ترین کتاب برای هدایت و تربیت بشریت است که توانایی رشد و پرورش بندگان را در تمامی ابعاد تربیتی اعم از دینی، سیاسی، اقتصادی، عاطفی، اخلاقی، فکری، اجتماعی و... دارد. تربیت دینی قسیم ابعاد دیگر است که هدف نهایی آن رساندن بندگان به مقام «قرب الی الله» است؛ بنابراین تربیت دینی فرآیندی هدفمند و برنامه ریزی شده در جهت پرورش ابعاد معنوی و دینی انسان است. این روند که از بدو تولد آغاز می شود، در طول زندگی انسان ادامه می یابد و در سعادت و کمال او نقش اساسی دارد. تربیت دینی شامل ابعاد مختلفی است که از جمله آن ها می توان به تربیت اخلاقی اشاره کرد.

تربیت اخلاقی یکی از مسائل مورد توجه جوامع انسانی بوده و هست، زیرا در زندگی مادی و معنوی انسان، زندگی فردی و اجتماعی او نقش زیادی دارد و موجب سعادت دنیوی و اخروی او می شود. تربیت اخلاقی راهکارهایی دارد که بدون شناخت و به کار بردن آن ها حصول رشد اخلاقی ناممکن است. قرآن کریم به عنوان کتاب راهنمای زندگی بشریت راهکارهای مطمئن و قابل اعتمادی برای تربیت دینی انسان ها از جمله در تربیت اخلاقی ارائه کرده است.

امام خامنه ای در بیانیه گام دوم انقلاب ملت ایران به ویژه جوانان را به دنبال رشد «معنویت و اخلاق» توصیه می کنند زیرا از دیدگاه ایشان معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است که وجود آن ها محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی بهشت می کند و نبود آن ها محیط زندگی را حتی با وجود برخورداری از دنیا، جهنم می کند. (خامنه ای، بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://khl.ink/f/۴۱۶۷۳>). ایشان متأثر از آیات قرآن کریم (اعلی، ۱۴ و ۱۵). معتقدند که جامعه ای که تزکیه شده باشد و مردمش نفس خود را اصلاح کرده باشند و دورویی و دروغ و فریب و حرص و طمع و بخل و بقیه رذایل انسانی را از خودشان جدا کرده و زدوده باشند، هم به سعادت اخروی و هم جلوتر از آن، به سعادت دنیوی دست خواهد یافت چرا که ... هم زندگی در این عالم و هم درجات اخروی و معنوی، متوقف بر تزکیه است. (خامنه ای، سخنرانی در دیدار گروهی از

خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>؛ بنابراین راه‌حل ایشان برای اعتلای «معنویت و اخلاق» در جامعه و رشد معنوی و اخلاقی مردم، تزکیه است. از این رو به کرات در مورد ابعاد مختلف رشد اخلاقی از جمله راهکارهای نیل به آن نکات نابی را ایراد فرموده‌اند.

از این رو از باب جهاد تبیین و کمک به رشد اخلاقی افراد جامعه و در راستای معرفی شخصیت قرآنی مقام معظم رهبری؛ در این مقاله، به بررسی دقیق تعریف اخلاق و اهمیت آن در اسلام، سپس به بررسی و تبیین راهکارهای ارائه شده توسط امام خامنه‌ای برای تقویت تربیت اخلاقی خواهیم پرداخت. این مقاله نیز با ارائه تحلیل و بررسی عمیق این راهکارها، به افزایش فهم ما از تأثیرات اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای بر تربیت اخلاقی کمک می‌کند و سعی در ارتقای فرهنگ اخلاقی و اجتماعی در جامعه دارد.

داده‌های این تحقیق، به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و به روش توصیفی و تحلیلی پردازش می‌شود و نوآوری این مقاله از این جهت است که در عین بین‌رشته‌ای بودن، تنها مقاله‌ای است که به بیان مستندات و مبانی قرآنی راهکارهای تقویت تربیت اخلاقی در فرمایشات و آثار مقام معظم رهبری می‌پردازد.

## مفهوم شناسی

### تربیت دینی

تربیت دینی یک عبارت مرکب از دو کلمه تربیت و دین است؛ بنابراین ابتدا این دو واژه را بررسی سپس به مفهوم شناسی ترکیب آن‌ها می‌پردازیم. دین در لغت به معنای جزا، اطاعت، قرض و... است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۳: ۲۶۸-۲۶۹) اما در اصطلاح به مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره جامعه انسانی و پرورش بشریت لازم است دین گفته می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۹۳)

تربیت از ریشه «رَبَّ» به معنای ایجاد کردن یک شیء به صورت تدریجی است تا به حد کمال و نهایتش برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۳۶) یا از ریشه «رَبَّوْا» به معنای زیاد شدن، رشد،

علو است. (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۴۸۳) در زبان فارسی یعنی پرورش دادن، تعلیم کردن، پروردن، پروریدن، به ترقی و کمال رسانیدن، تأدیب و تنبیه کردن. (دهخدا ۱۳۹۰، ۷۲۱) در اصطلاح تربیت یعنی فراهم کردن زمینه‌هایی برای رشد استعدادها یکی موجود است تا از این استعدادها برای رسیدن به کمال خودش بهره گیرد. (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸ ش: ۲۸)

واژه دین گاهی به‌عنوان صفت تربیت به کار برده می‌شود که در این صورت تربیت دینی یعنی شکوفاسازی دین در تمام زندگی فرد و طبق این معنا پرورش همه ابعاد تربیتی همچون بعد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عاطفی، اخلاقی، عقلانی و دینی را در یک بستر دینی خاص شامل می‌شود؛ اما در این پژوهش این معنای از تربیت دینی مراد نیست بلکه واژه دین را به‌عنوان یک قید اضافی برای تربیت دانسته است و در این صورت به معنای تربیت بعد دینی انسان است و قسیم ابعاد دیگری مانند بعد عقلی، بعد عاطفی، بعد اجتماعی، بعد جنسی و ... قرار می‌گیرد که در آن به ابعاد مختلف تربیت دینی از جمله ابعاد عبادی، اعتقادی و اخلاقی توجه می‌شود. طبق این معنا تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال عمدی، اختیاری و هدف‌داری که به‌منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین نسبت به دیگران صورت می‌گیرد به‌نحوی که آن‌ها را در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند می‌گرداند. (داوودی، ۱۳۹۰ ش، ۲: ۲۶)

### تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی هم به‌عنوان یک بعد از ابعاد تربیت دینی مرکب از دو واژه تربیت و اخلاق است. اخلاق واژه‌ای عربی و جمع خُلُق یا خُلُق (نفیسی، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۳۶) به معنی طبیعت (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۱۰، ص ۸۶) خوی، سرشت، (دهخدا، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۱۰۴) سیرت، عادت (معین، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۶۳۵) است. اخلاق در اصطلاح اندیشمندان اسلامی عبارت است از «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و تفکر از آدمی صادر شود». اخلاق یا ذاتی است و یا اکتسابی که با تفکر و تلاش و تکرار و تمرین به دست می‌آید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۶۷، ص ۳۷۲).

مقام معظم رهبری در بیان معنی اخلاق می‌فرماید: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند». (خامنه‌ای، بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹، <https://khl.ink/f/۷۴۳۵>)

روانشناسان در مبحث رشد اخلاقی به مطالعه تحول انسان از حیث نگرش‌ها و رفتار اخلاقی می‌پردازند (سیف، ۱۴۰۱: ج ۱، ص ۲۷۹). از منظر روان‌شناسی اسلامی رشد اخلاقی عبارت است از رشد انسان در جنبه‌هایی از شناخت، رفتار و عواطف که به کمال انسان در زندگی شخصی، اجتماعی و در رابطه خدای متعال مربوط می‌شود و ویژگی مهم آن این است که تنها افعال اختیاری فرد، به این علت که با کمال ارتباط دارد، موضوع بحث قرار می‌گیرد (زارعان و همکاران، ۱۳۸۳: ص ۱۰۶۳).

در اصطلاح علوم تربیتی تربیت اخلاقی این‌چنین تعریف شده است: «برانگیختن، فراهم ساختن و بکار بستن سازوکارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش‌های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. بر این اساس، رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد.» (بهشتی، ۱۳۸۱: ۱۹) بر این اساس در تربیت اخلاقی سعی می‌شود که با استفاده از دانش تربیت اهداف اخلاقی عینیت یابد.

از منظر مقام معظم رهبری مقصود از تربیت اخلاقی یا رشد اخلاقی دادن مردم همان ترکیه مردم در قرآن (جمعه: ۲) است که یکی از وظایف اصلی انبیاست همان است (خامنه‌ای، بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹، <https://khl.ink/f/۷۴۳۵>).

### پیشینه

نزدیک‌ترین آثار به موضوع این تحقیق کتاب «تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری» نوشته امیرحسین بانکی‌پور فرد و احمد قماشچی (۱۳۸۰) است که موضوعش اعم از تعلیم و تربیت و در بحث تربیتی هم اعم از مباحث اخلاقی و غیراخلاقی است و رویکردش هم قرآنی نیست. در

این کتاب گرچه نامی از اصطلاح تربیت اخلاقی برده نشده است اما نکات مفیدی در این باره دارد. نویسندگان مذکور کتاب دیگری دارند با عنوان «کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری» که در آن به موضوع تربیت اخلاقی هم پرداخته شده است اما رویکردش قرآنی نیست همچنین اعم از مباحث اخلاقی و غیر اخلاقی است.

همچنین کتاب «تربیت انسانی تمدن اسلامی»، منظومه بیانات تربیتی رهبر انقلاب، آیت الله سید علی خامنه‌ای، برای مجموعه‌های فرهنگی است که به کوشش وحید حسنی هنزایی (۱۴۰۰) منتشر شده است. این کتاب اهداف تربیتی و ارزش‌های محوری و راهبردی کلان تربیت در کلام رهبر انقلاب اسلامی را استخراج کرده است که برای مسئولان فرهنگی و تربیتی بسیار راهگشا است، اما موضوع این اثر هم اعم از تربیت اخلاقی است و مانند دو اثر قبلی رویکرد قرآنی ندارد.

در مقاله «سیاست اخلاقی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای» نوشته فرشید دانش‌پژوه (۱۴۰۱) به رابطه اخلاق با سیاست از منظر مقام معظم رهبری پرداخته شده است اما در آن بحثی از تربیت و تربیت اخلاقی به میان نیامده است.

از دیگر آثار مرتبط با این پژوهش، مقاله «عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی با نگاهی قرآنی» نوشته محمدمهدی فیروزمهر (۱۳۹۹) است که در آن عوامل مؤثر بر رشد در قرآن در دو دسته عوامل معرفتی و عوامل غیر معرفتی تحلیل شده است. اگرچه به نظر می‌رسد عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی بسیار بیشتر از تعداد محدودی است که در این مقاله برشمرده شده است، اما به نظر می‌رسد که تنها مقاله‌ای است که در آن به موضوع عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی از دیدگاه قرآن پرداخته شده است و به تحقیق ما که در مورد تربیت اخلاقی است نزدیک است که البته اشاره‌ای به اندیشه‌های مقام معظم رهبری ندارد.

اما به نظر می‌رسد که مقاله «اصول و روش‌های تربیتی و اخلاق اسلامی از منظر آیت الله خامنه‌ای مدظله‌العالی» نوشته مریم طاهری زاده و مهدیه عزت پور (۱۳۹۹) نزدیکترین مقاله به تحقیق پیش روست اما رویکرد آن بیان نکات تربیتی و نکات اخلاقی است نه تربیت اخلاقی و همچنین در آن مقاله محوریت فقط با آیات و روایات است و نویسنده سعی کرده است که برای

آن‌ها از سخنان مقام معظم رهبری شواهدی را ارائه دهند. در حالی که در این پژوهش ما نکات تربیت اخلاقی را از بیانات رهبری استخراج کرده و سپس سعی می‌کنیم مبانی قرآنی و روایی آن‌ها را بیان کنیم.

### **راهکارهای تقویت تربیت اخلاقی در بیانات مقام معظم رهبری**

روانشناسانی که رشد اخلاقی را مطالعه می‌کنند یکی از این سه دیدگاه را دارند. بعضی روان‌شناسان خیلی به استدلال‌ها و فرایندهای شناختی پشت پرده رفتارهای اخلاقی علاقه‌مند هستند. آن‌ها به بررسی فرایندهایی مانند تفکر، استنتاج، ارزیابی و تصمیم‌گیری که در پس انتخاب‌ها و رفتارهای اخلاقی قرار دارند، می‌پردازند. (نظریه شناختی مثل پیاز و کلبرگ) گروه دیگری فکر می‌کنند جنبه‌های عاطفی و هیجان‌هایی که سائق رفتار اخلاقی‌اند مهم‌ترین روان‌شناسان این گروه به بررسی عواطف، هیجان‌ها و نیازهای نفسانی که رفتار اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، می‌پردازند. (نظریه تحلیل روانی مثل فروید و کوچانسکا) و گروهی دیگر بر خود رفتار اخلاقی و تأثیرات محیط اجتماعی بر آن تمرکز دارند این گروه از روان‌شناسان به مطالعه رفتارهای اخلاقی افراد در شرایط اجتماعی خاص و تأثیرات فرهنگ و نهادهای اجتماعی بر آن تمرکز دارند. (نظریه رفتار اجتماعی مانند باندورا) (لطف‌آبادی، ۱۴۰۱: ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۵)

راهکارهای تربیت اخلاقی در بیانات مقام معظم رهبری را می‌توان به سه دسته راه حل‌های شناختی، عاطفی، رفتاری تقسیم کرد که به نظر می‌رسد شامل همه راهکارهای رشد اخلاقی مورد تأکید روان‌شناسان غربی است که در ذیل به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### **راهکارهای شناختی**

راهکارهای شناختی آن دسته از راهکارهایی است که به فرآیندهایی مانند آگاهی، توجه و تفکر در فرد مورد مطالعه مربوط می‌شود که همان مباحث روانشناسی نظریه شناختی است.



### آگاه‌سازی متریان از تعالیم انبیاء

علم و آگاهی خمیرمایه هر نوع رشد و تربیتی است. چه از طرف مربی و مرشد و چه از طرف متربی و مسترشد چرا که تا از مکارم اخلاق و راه‌های رسیدن به آن آگاهی نداشته باشند نمی‌توانند به سوی آن حرکت کنند.

مقام معظم رهبری در موارد متعددی از آثارشان با اشاره به روایت شریف نبوی «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ص ۸)، فلسفه نبوت را تربیت اخلاقی و به تکامل رساندن انسان و کامل کردن و به اتمام رساندن مکارم و فضایل اخلاقی در بین مردم برمی‌شمارند (خامنه‌ای، بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹، <https://khl.ink/f/۷۴۳۵> و خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۴۰۸-۴۰۹). ایشان در توضیح این نکته می‌فرمایند: «انبیا می‌آیند تا انسان‌ها را از بدی‌ها، از پستی‌ها، از جهالت‌ها، از رذیلت‌های اخلاقی، از پوشیده ماندن استعداد‌های درونی خلاص کنند، نجات بدهند، آن‌ها را انسان کامل و متعالی بسازند؛ این هدف اولی انبیاست؛ لذا در قرآن چند جا آمده است، از جمله این آیه شریفه که می‌فرماید: «خدا منت نهاد بر مؤمنان که برانگیخت در میان آنان، پیامبری از خودشان، آیات خدا را بر آنان فرو بخواند و تزکیه کند آنان را، پاک، پیراسته و پیاموزد به آنان». (آل عمران، ۱۶۴) پیراستن، آراستن، از رذیلت‌ها پاک کردن، به فضیلت‌ها انسان را آرایش دادن، این هدف انبیاست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۳۰۳)؛ بنابراین مقدمه و بلکه شرط تربیت اخلاقی مراجعه مربی به تعالیم انبیاست که یاد بگیرد اخلاق پسندیده چیست و آن‌ها از چه شیوه‌هایی و راهکارهایی برای تربیت اخلاقی انسان‌ها استفاده می‌کردند و همچنین متریان از چیستی مکارم اخلاق، فواید تخلق به آن‌ها و مضرات تخلق به رذایل است آگاه سازد. مقام معظم رهبری در توصیه خود به طلاب غیر ایرانی جامعه المصطفی ضمن اشاره به حدیث امام رضا (علیه السلام) (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ۱: ۳۰۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۱۸۰) این چنین می‌فرماید: «هدف حضور شما [طلاب غیر ایرانی] در اینجا [قم و جامعه المصطفی]، هدف سیاسی نیست؛ هدف علمی است، هدف تربیتی است؛ بسیار شفاف و روشن. علم همه‌جا خریدار دارد. سخن نیک و معرفت روشن همه‌جا خریدار دارد. امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به یکی از یاران خود فرمود: «رحم

اللّٰه عبدا احيا امرنا؛ رحمت خدا بر آن کسی که امر ما را، مطلب ما را زنده کند. این راوی می‌گوید: «فقلت له كيف يحيي امركم؟» چه جوری می‌شود که امر شما، مطلب شما، موضوع مورد اهتمام شما زنده شود؟ «قال يتعلم علومنا و يعلمها الناس»؛ علوم ما را فرا بگیرند، معارف اهل بیت را فرا بگیرند، آن را به مردم، به دل‌های مشتاق، به ذهن‌های جستجوگر منتقل کنند. «فانّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا». (خامنه‌ای، بیانات در دیدار طلاب غیر ایرانی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۳، ۰۴۳۲) (<https://khl.ink/f/10432>) چرا که به فرموده امام رضا علیه اسلام اگر مردم از این تعالیم آگاهی داشته باشند از آن‌ها پیروی خواهند کرد.

### توجه دادن مرتبی نسبت به خداوند

از دیدگاه امام خامنه‌ای توجه به خداوند مایه اصلی رشد اخلاقی به حساب می‌آید. (خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/2505>) به نظر ایشان انسان با توجه به خدا، رذایل اخلاقی را از خود می‌زداید و فضایل اخلاقی را در خود تقویت می‌کند؛ چرا که این پیامد خاصیت قهری و طبیعی انس با پروردگار است. (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۰۷/۲۹، <https://khl.ink/f/3316>).

قرآن کریم می‌فرماید: «پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم». (بقره: ۱۵۲) به عبارت دیگر به من توجه داشته باشید تا من هم به شما توجه داشته باشم. یکی از بارزترین و مؤثرترین مصادیق یاد خداوند دعاست که مری می‌تواند با تشویق مرتبی به دعا توجه و یاد خدا را در دل او زنده کند. امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «[یک] دستاورد دعا، خودسازی و رشد فضایل اخلاقی در انسان است و انسان با توجه به خدا و با حرف زدن با خدای متعال، فضایل اخلاقی را در خود تقویت می‌کند و دعا می‌شود پلکان عروج انسان به سمت کمالات... دعا حرص و کبر و خودپرستی و دشمنی با بندگان خدا و ضعف نفس و جبن و بی‌صبری را از انسان دور می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۰۷/۲۹، <https://khl.ink/f/3316>). از این رو مری هم باید با توجه دادن مرتبی به خداوند او را در معرض پرتو الطاف الهی قرار بدهد تا رشد و تعالی یابد.

### توجه دادن مرتبی نسبت به اغوای شیطان

شیطان، دشمن قسم خورده انسان، هدف اصلی خود که اغوای مؤمنان است را این گونه آشکار می‌کند: «گفت پس به عزت سوگند که همه و همه‌شان را گمراه خواهم کرد». (ص: ۸۲) «غی» در نقطه مقابل «رشد» و به معنی فساد است و اغوا یعنی دلالت و هدایت به شر و فساد و رشد هم یعنی دلالت و راهنمایی به سوی خیر و صلاح (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۷، ص ۳۴۹). همچنین گفته شده است که کلمه «غی» به معنای جهلی است که از اعتقادی باطل ناشی شده باشد، چون انسان‌های جاهل دو قسم‌اند، یکی آن جاهلی که جهلش ناشی از اعتقاد نباشد، یعنی انسانی غیر معتقد باشد، نه اعتقاد درستی داشته باشد و نه اعتقاد نادرست و دیگری آن جاهلی است که جهلش از اعتقادی فاسد منشأ گرفته است که جهل چنین انسانی را «غی» می‌نامند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۶۲۰)؛ بنابراین «اغواء» عبارت است از اینکه او را به طوری از راه به در ببری که در اثر جهل، به چیز دیگری مشغول شود و هدف اصلی را فراموش کند (طباطبایی؛ ۱۳۷۴: ج ۱۰، ص ۳۲۲). امام خامنه‌ای، اغواگری دشمن را دقیقاً بر اساس این مفهوم قرآنی تصریح می‌کنند و هشدار می‌دهند که در مسیر رشد، از اغواگری شیاطین و جنیان غافل نشویم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای منطبق بر همین مفهوم قرآنی نسبت به اغواگری دشمن هشدار می‌دهند و توصیه می‌کنند که در مسیر رشد نباید از اغواگری شیاطین انسی و جنی غافل باشیم: «سعی شیطان این است که شما را اغوا کند؛ یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند... مراقب باشیم که دستگاه محاسباتی ما به وسیله شیطان‌های انس و جن دچار اختلال نشود» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶، <https://khl.ink/f/۲۶۹۰۸>)؛ بنابراین مربی باید همیشه مرتبی را از احتمال اغوای شیاطین انسی و جن آگاه سازد تا از گمراهی او جلوگیری کند و او را نسبت به لزوم آماده باش همیشگی در برابر اغوای شیطان قانع سازد.

راهکارهای عاطفی

راهکارهای عاطفی مربوط به جنبه‌های عاطفی، نیازهای نفسانی و هیجان‌های مؤثر بر رفتار اخلاقی است که با مباحث روانشناسی هوش هیجانی مشترکات فراوانی دارد.

### توجه دادن متربی نسبت به نفس اماره

قرآن کریم به صراحت نفس اماره که از جنبه‌های عاطفی و هیجانی وجود انسان است را عامل رفتارهای انسان معرفی می‌کند: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ (یوسف: ۵۳) نفس اماره انسان را به کارهای زشت و ناروا سخت وامی‌دارد».

مقام معظم رهبری با اشاره به این آیه نفس اماره را سرچشمه همه شرارت‌ها و ریشه بدبختی‌ها معرفی می‌کند که نجات از چنگال آن، راه گشایش سرچشمه خیرات است. ایشان برای مصادیق آلودگی‌های نفسانی به اختلافات، حرص و آرز، بددلی، ترس و میل به شهوات مثال می‌زنند و سپس راه حل برطرف کردن آن‌ها را تهذیب و تزکیه اخلاقی معرفی می‌کند. (خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>).

از منظر مقام معظم رهبری خطرناک‌ترین دشمن‌ها نفس اماره است که مبارزه با آن به وسیله شمشیر نیست بلکه به وسیله تربیت، تزکیه، تعلیم و هشدار دادن است. (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۸/۰۲/۱۳۸۰، <https://khl.ink/f/۳۰۶۶>) مبارزه با نفس اماره همان است که حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه و آله) آن را جهاد اکبر نامیدند. (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۵، ص ۱۶۱)

نفس اماره به قدری خطرناک است که حضرت علی (علیه‌السلام) توصیه می‌کنند که برای در امان ماندن از شر آن دست به دامن پروردگار شوید: «(همواره) وقتی که از نماز فارغ شدی؛ بگو خداوندا ... از تو می‌خواهم که مرا از نافرمانی‌ات حفظ کنی و تا زنده‌ام، هرگز کمتر و بیشتر از چشم بر هم زدنی، مرا به نفسم و امگداری؛ چرا که نفس همواره به بدی فرمان می‌دهد مگر اینکه تو رحم کنی». (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۳، ص ۳۴۵).

### توجه به فطرت در تربیت

خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره روم می‌فرماید: «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند!». بر این اساس انسان بر اساس فطرت الهی خلق شده که غیرقابل تغییر و دگرگونی است.

فطرت در تربیت اخلاقی نقشی اساسی و بنیادی دارد. فطرت به گوهر وجود انسان و سرشت او اشاره دارد که خداوند در نهاد انسان قرار داده است. این گوهر، مملو از گرایش‌ها و استعداد‌های نیکو و فطری است که می‌تواند مبنایی برای تربیت اخلاقی باشند.

در دیدگاه امام خامنه‌ای، رشد انسان و تحقق ایده‌آل‌های انسانی مستلزم حرکت بر اساس فطرت است. ایشان متأثر از قرآن، به اهمیت فطرت در رشد و تربیت انسانی تأکید دارد. به‌عنوان مثال، امام خامنه‌ای برای توضیح اهمیت فطرت، به مثال جنسیت انسان اشاره می‌کند. او تأکید دارد که زن و مرد اگرچه از نظر انسان بودن یکسان هستند، اما از نظر جنسیت و ویژگی‌های فطری که به هر کدام تعلق دارد، تفاوت‌های مهمی وجود دارد که باید به آن توجه شود. ایشان از این منظر به نگاه غربی انتقاد می‌کند، زیرا از نظر ایشان اشکال اساسی دیدگاه غربیان نادیده گرفتن تفاوت‌های فطری و ویژگی‌های ذاتی بین جنس‌هاست. به نظر ایشان نگاه غرب به زن منحط، ناقص، گمراه‌کننده و غلط است و در مقابل نگاه اسلام به زن عزت‌بخش، کرامت‌بخش، رشد‌آفرین، استقلال‌دهنده به هویت و شخصیت زن است. زن در محیط اسلامی در عین زن بودن می‌تواند رشد علمی، شخصیتی، اخلاقی و سیاسی داشته باشد. زن در عین فعالیت‌های اجتماعی، زن بودن خود را حفظ می‌کند. از نظر اسلام زن بودن نقطه امتیاز و افتخار است و دور کردن زن از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه و از اخلاق زنانه به صلاح زن و خانواده نیست. خانه‌داری، فرزندداری و شوهرداری برای زن ننگ نیست، بلکه افتخار است. درحالی که امروزه مشکل بزرگ فرهنگ غربی متلاشی شدن خانواده‌ها و افزایش فرزندان بی‌هویت است به نظر ایشان غرب از همین نقطه سخت‌ترین ضربه‌ها را خواهد خورد و تمدن مادی پر زرق و برقش از همین نقطه فرو

خواهد ریخت. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱، <https://khl.ink/f/۲۰۳۸۸>) چرا که فطرت همان سرشت انسان است که غیر قابل تغییر و غیر اکتسابی است و تربیت و رشد بدون توجه به فطرت غیر ممکن است و حرکت در مسیر مخالف فطرت نتیجه‌ای جز نابودی و تباهی ندارد.

## راهکارهای رفتاری

قائلین به نظریه رفتار اجتماعی در روانشناسی، در مسیر رشد اخلاقی افراد علاوه بر خود رفتار اخلاقی بر تأثیرات محیط اجتماعی از جمله فرهنگ و نهادهای اجتماعی بر آن رفتارها نیز تمرکز دارند؛ بنابراین مقصود ما از راهکارهای رفتاری آن دسته از راهکارهای است که به خود رفتار اخلاقی در شرایط اجتماعی خاص و همچنین امور محیطی هستند که مؤثر بر رفتار و بستر ساز رشد و تربیت انسان‌ها هستند.

### اولویت دادن به تربیت اخلاقی بر سایر ابعاد تربیت

امام خامنه‌ای معتقدند که تهذیب و تزکیه اخلاقی یا همان رشد اخلاقی به قدری مهم است که باید همراه و بلکه مقدم بر همه رشدها باشد رشد مادی بدون رشد معنوی بی‌فایده است. شاهد اینکه رشد معنوی باید مقدم باشد این است که کشورهای پیشرفته نه زندگی نه خودشان از منظر انسانیت خوشبختی دارند و نه اجازه می‌دهند که ملت‌ها خوشبختی انسانی را درک کنند و در میان خودشان اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، قتل‌ها، جنایت‌ها، افسردگی‌ها، و ازدگی از زندگی مادی و معنوی، دوری از معنویت و فضیلت، پاشیده شدن اساس خانواده و از بین رفتن پیوند فرزندان با والدین وجود دارد و برای ملت‌های دیگر هم جنگ و فقر و بی‌سوادی، اختلاف، بدبختی و تیره‌روزی را آورده‌اند. (خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>). در جایی دیگر ایشان به جای رشد معنوی از کلیدواژه اخلاق استفاده می‌کنند که در صورت عدم وجود اخلاق؛ حرص‌ها، هوای نفس‌ها، جهالت‌ها، دنیاطلبی‌ها، بغض‌های شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها، سوءظن به یکدیگر وارد شده و زندگی سخت، فضا تنگ و قدرت تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد. بعد خودشان مستند قرآنی

فرمایششان را این آیه قرآن معرفی می‌کنند که می‌فرماید «يَزَكِيهِمْ وَيَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲) در این آیه تزکیه که همان رشد اخلاقی دادن است، جلوتر از تعلیم آمده است. (خامنه‌ای، بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹، <https://khl.ink/f/۷۴۳۵>) بنابراین هم خود انسان و هم نهادها و سازمان‌ها و هم کسانی که به امر تعلیم و تربیت می‌پردازند باید تربیت اخلاقی را بر سایر جنبه‌های تربیتی از جمله تربیت علمی مقدم بدانند.

### بهره‌گیری از دعا

بر اساس آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: «ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است» (فاطر: ۱۵)؛ همه مخلوقات از جمله انسان در همه امور هستی نیاز ذاتی به خداوند متعال دارند. پس در هر نوع رشد و تعالی از جمله تربیت اخلاقی باید از خداوند متعال استمداد نماید. از سویی دیگر با استناد به آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: «مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم» (غافر: ۶۰). خداوند منان به کسانی که از او درخواستی دارد و استمداد می‌کنند وعده اجابت و مدد داده است.

علاوه بر اینکه انسان می‌تواند با دعا از خداوند متعال رشد و تعالی خود را مسئلت نماید خود دعا هم از منظر امام خامنه‌ای اثرات تربیتی دارد چرا که دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند است و موجب تقویت روح عبودیت در انسان می‌شود از این رو انبیای الهی از اول تا آخر، تربیت و تلاششان متوجه این نقطه بوده است که روح عبودیت را در انسان زنده کنند چرا که نقطه‌ی مقابل این احساس عبودیت، خودبینی، خودخواهی، خودپرستی و منیت است که این‌ها منشأ همه‌ی آفات اخلاقی و عوارض و نتایج عملی آن‌هاست (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۵/۰۷/۲۱، <https://khl.ink/f/۳۳۵۶>) و یکی از خواص دعا این است که همه این عوارض و آفات را می‌شکند و از بین می‌برد. از این رو ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از جمله امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و امام سجاد (علیه‌السلام) به وسیله دعا به امر تربیت جامعه اسلامی در ابعاد مختلف از جمله تربیت علمی و اخلاقی پرداختند. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۷/۰۶/۲۹، <https://khl.ink/f/۳۸۱۳>) بنابراین در مسیر تربیت اخلاقی باید از دعا و استمداد از خداوند هم

بهره‌گیری نمود چه اینکه از خداوند توفیق تربیت را طلب کنیم و چه با تشویق متربی به دعا کردن روح عبودیت را در او تقویت نموده و اسباب تربیتش را فراهم نماییم.

### فرمان‌برداری از خداوند

فرمان‌برداری از خداوند به‌عنوان یک مفهوم اخلاقی، به این معناست که انسان به دلیل ایمان و اعتقاد به وجود خداوند و آگاهی از حضور او، متعهد به اجرای دستورات او و پیروی از اخلاق و ارزش‌هایی که او به آن‌ها تأکید کرده، می‌شود. از این رو، اعمال و رفتارهای انسان از زاویه‌ی اخلاقی بر اساس دستورات و اصول الهی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و او به دلیل ترس از پاداش یا مجازات الهی، از انجام اعمال ناشایست باز می‌دارد؛ بنابراین فرمان‌برداری از خداوند یکی از مهم‌ترین عوامل در تربیت اخلاقی است. ایمان به وجود خداوند و اعتقاد به اینکه او حافظ و ناظر بر اعمال و رفتارهای انسان‌هاست، ترسیم‌کننده‌ی مبانی اخلاقی است. این اعتقاد به وجود خداوند و فرمان‌برداری از او، انسان را از انجام اعمالی که مغایر با اخلاق و ارزش‌های اجتماعی و انسانی است، باز می‌دارد و موجب ارتقای سطح اخلاقیات در جامعه می‌شود.

در این راستا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «اطاعت کنید خدا را و پیامبر را، باشد که مورد رحمت پروردگار قرار گیرید». (آل عمران: ۱۳۲) امام خامنه‌ای با اشاره به این آیه شرط رشد و تربیت را در فرمان‌برداری از خداوند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و انجام تمام تکالیف شرعی که بر عهده ما نهاده شده است برمی‌شمارند برای اینکه وقتی یک ملت و امتی، اگر تحت فرمان خدا قرار گرفتند، رحمت پروردگار و لطف بی‌نهایت او شامل حال آنان خواهد شد یعنی به رشد انسانی می‌رسد و اسارت‌ها و زنجیرها از دست و پای او باز می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۳۴). به بیانی دیگر اطاعت همان عبودیت است و هر کس از فرمان خداوند و رسولش اطاعت کرد روح عبودیت و بندگی را در خود تقویت نموده است و همان‌طور که اشاره شد عبودیت به دنبال خود تربیت اخلاقی را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین مریبان برای دستیابی به نسلی متخلق و جامعه‌ای اخلاقی باید با اقداماتی مثل تقویت باورهای دینی و بیان آثار مطلوب دنیوی و اخروی اطاعت و پیامدهای نافرمانی از خدا روحیه فرمان‌برداری از خدا را تقویت کنند.



### بهره‌گیری از فرصت جوانی

جوانی، دوران طلایی زندگی انسان و فرصتی ارزشمند برای نهادینه کردن ارزش‌ها و فضایل اخلاقی در وجود انسان است. در این دوران، به دلیل انعطاف‌پذیری و میل به یادگیری، انسان آمادگی بیشتری برای پذیرش آموزه‌های اخلاقی و اصلاح رفتار خود دارد. با بهره‌گیری از این فرصت و تلاش برای خودسازی و تزکیه نفس، جوانان می‌توانند در مسیر کمال و سعادت حقیقی گام برداشته و به انسان‌هایی نیکوکار و با فضیلت تبدیل شوند.

در این راستا حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خطاب به امام مجتبی (علیه‌السلام) در مورد اهمیت تربیت در ایام جوانی فرمود: «دل جوان، مانند زمین کشت نشده است به طوری که هر آنچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این رو، پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ص ۳۹۳، نامه ۳۱). حضرت رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله) با اشاره به آیه ۱۴ سوره قصص درباره اهمیت بندگی در جوانی که عامل رشد و تعالی انسان است می‌فرماید: «هر کس که در جوانی خوب بندگی خدا کند، خداوند در پیری به او حکمت می‌آموزد، (چراکه) خدای متعال می‌فرماید: «و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم» و در ادامه آیه می‌فرماید: «و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ص ۲۹۶).

مقام معظم رهبری در باب لزوم بهره‌گیری از فرصت جوانی برای خودسازی اخلاقی می‌فرمایند: «شما دانشجویانی که در این محفل هستید و همه دانشجویان در سرتاسر کشور، متوجه باشید که یکی از بزرگ‌ترین وظایف شما، خودسازی اخلاقی است. اخلاق خود را تکمیل کنید؛ شما جوانان این فرصت را دارید. دوران، دوران شماسست؛ شما در دوران خوبی زندگی می‌کنید؛ در سایه حکومت قرآنی و فرهنگ اسلامی زندگی می‌کنید؛ بنابراین، از لحاظ روحی و معنوی، فرصت برای والا و شایسته شدن دارید؛ این فرصت را مغتنم بشمارید.» (خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>). پس دست اندرکاران تربیت جامعه باید این نکته را در نظر داشته باشند

که بهترین زمان تربیت ایام جوانی و نوجوانی است، از این رو باید برای تربیت در این سنین برنامه‌ریزی داشته باشند و همچنین متریان را نسبت به ضرورت تربیت و خودسازی اخلاقی در این دوره آگاه سازند و در آن‌ها انگیزه این کار را ایجاد نمایند.

### بهره‌برداری از نصیحت

یکی از ضروریات تربیت اخلاقی انسان، نصیحت یا خیرخواهی است. فردی که می‌خواهد رشد کند باید هم نصیحت کند و هم نصیحت شود. کلمه نصیحت و مشتقات آن ۲۵ بار در قرآن تکرار شده است (قائمی‌مقدم، ۱۳۸۵: ص ۲۱۹) که کاربردهای متعددی دارد از جمله امر به معروف و نهی از منکر، تذکر، توصیه به تقوا (نحل: ۹۰)، عبرت دادن (هود: ۱۲۰)، ترساندن (اعراف: ۱۶۴)، سخنی که دل را نرم می‌کند و احساسات و عواطف را به حرکت درمی‌آورد (یونس: ۵۷). البته تعداد زیادی از آیاتی که کلمه نصیحت در آن‌ها آمده است (اعراف: ۶۲؛ اعراف: ۶۸؛ اعراف: ۷۹؛ اعراف: ۹۳) درباره خیرخواهی انبیاء برای قومشان است (حسینی، ۱۳۸۶: ص ۲۲). همچنین تعداد زیادی از آیات قرآن بدون استفاده از لفظ نصیحت، نصیحت می‌کنند، به طوری که قرآن کریم بیشترین استفاده را از روش تربیتی موعظه و نصیحت بیشترین استفاده را کرده است، بنابراین می‌توان گفت که قرآن کتاب نصیحت است؛ همان‌طور که خود قرآن هم بدین نکته اشاره کرده است. (آل‌عمران: ۱۳۸ و یونس: ۵۷).

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مورد ضرورت وجود نصیحت در بین مؤمنان می‌فرماید: «باید مردی [و انسانی] از شما خیرخواه برادرش باشد؛ آن‌گونه که خیرخواه خویش است» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۲۰۸). امام خامنه‌ای هم متأثر از قرآن کریم بر استفاده از نصیحت در مسیر تربیت و رشد اخلاقی جامعه تأکید دارند و معتقدند که نحوه نصیحت کردن را هم باید از معصومین (علیهم‌السلام) یاد بگیریم چرا که پایه‌های اخلاق در کلمات و رفتار ایشان است. سپس ایشان در مورد لزوم تکرار نصیحت می‌فرماید: «البته اخلاقیات باید تکرار شود. گفتن اثر دارد، شنیدن اثر دارد؛ اما این اثر، دائمی و ابدی نیست؛ مؤثرات دیگری هم در جامعه هست که در جهت عکس آن کار می‌کند. لذا بایستی اخلاقیات، همی گفته بشود، باز گفته بشود، باز تکرار بشود»

(خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۰/۰۳/۰۳، <https://khl.ink/f/۱۲۵۳۷>).

از این رو برای تربیت اخلاقی جامعه باید هم از روش نصیحت و موعظه استفاده کنیم و هم روحیه نصیحت کردن و نصیحت‌پذیری را در بین متریبان رواج بدهیم.

### بهره‌گیری از محیط‌های مساعد

هر فرد بسته محیط‌های مختلفی که قرار می‌گیرد؛ تربیت و شخصیتش تحت تأثیر این محیط‌ها قرار می‌گیرد از این رو امام خامنه‌ای معتقد است که یکی از ابزارهای لازم برای تربیت اخلاقی، وجود فضای مناسب و مساعد برای رشد است و ساختن این محیط یکی از وظایف و اهداف اصلی پیامبران بوده است. چراکه تربیت انسان‌ها به صورت تک‌تک کارآمد نیست و باید به صورت کارخانه‌ای و نظام‌مند این کار انجام شود که در بستر یک جامعه و محیطی سالم این کار امکان‌پذیر است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۳۰۴-۳۰۵). البته برای ساختن چنین نظامی یک عده باید تک‌تک ساخته شوند چون برای آن نظام یک سری از خواص لازم است تا زمینه و زیربنای آن جامعه باشند؛ که این کادرسازی را حضرت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مکه و برای تشکیل نظام اسلامی در شهر مدینه انجام دادند که البته این منافاتی با نقشه کلی انبیاء که تربیت به صورت کارخانه‌ای و نظام‌مند است ندارد. ایشان یکی از مبانی قرآنی لزوم نیاز به وجود محیط مساعد برای تربیت اخلاقی را در آیات ۱ و ۲ سوره نصر می‌دانند، زیرا نتیجه این کادرسازی در مکه و سپس ایجاد محیط مساعد در مدینه؛ ورود فوج فوج مردم به دین خداست. دلیل دیگر ایشان آیه ۲۵ سوره حدید است که می‌فرماید «لِیَقَوْمَ النَّاسِ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) یعنی پیغمبر آمده است برای اینکه نظام و محیط عادلانه تشکیل دهد تا در آن محیط انسان‌ها فرصت پیدا کنند که به تکامل و تعالی برسند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۳۰۴-۳۰۹). بر اساس آموزه‌های آیات ۹۷ تا ۱۰۰ سوره نساء اگر کسی در محیط نامناسبی قرار گیرد که شرایط برای رشد او مناسب نباشد، موظف به مهاجرت از آن سرزمین است، مگر اینکه شرایط مهاجرت را مانند پیر یا زن و کودک ناتوان نداشته باشد و گرنه جایشان جهنم است.

پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) روزی یاران خود را مخاطب ساخته و فرمود: «از گیاهان [زیبایی که] بر مزبله‌ها می‌روید بهره‌ها می‌روید بهره‌ها می‌روید بهره‌ها می‌روید! عرض کردند ای رسول خدا! گیاهان زیبایی که بر مزبله‌ها می‌روید اشاره به چه کسی است؟ فرمود: زن زیبایی که در خانواده [و محیط] بد پرورش یافته!». (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ص ۳۳۲) این تشبیه بسیار گویا می‌تواند اشاره‌ای به تأثیر محیط بر شخصیت انسان باشد، چون فرد را از ازدواج با کسی که در محیط آلوده پرورش یافته است منع می‌کند.

بنابراین محیط مساعد، نقشی حیاتی در تربیت اخلاقی ایفا می‌کند. این محیط، بستری برای رشد فضایل اخلاقی و پرورش انسان‌هایی متخلق فراهم می‌کند. از این رو مسئولین حکومت اسلامی در راستای تقویت تربیت اخلاقی آحاد ملت موظف‌اند که محیط مساعدی را که عاری از رذایل اخلاقی است ایجاد کنند که در آن با ارائه الگوهای مناسب، تقویت رفتارهای اخلاقی، ایجاد فرصت برای تمرین فضایل اخلاقی، جلوگیری از انحرافات اخلاقی و ایجاد حس تعلق خاطر و مسئولیت، به پرورش انسان‌هایی متخلق و با فضیلت کمک می‌کند. از مصادیق این محیط مساعد می‌توان به محیط شهرها و محلات آن، روستاها، دانشگاه‌ها، مدارس و خانواده اشاره نمود.

از سویی دیگر والدین در راستای تربیت اخلاقی فرزندان موظف‌اند چه با مهاجرت و چه با نقل مکان به محلات متخلق و یا با انتخاب مدرسه و دانشگاه مناسب، شرایط حضور فرزندان خود را در محیطی مناسب و مساعد فراهم کنند و همچنین فرزندان خود را نسبت به اهمیت محیط بر سرنوشت انسان‌ها آگاه سازند. در مسیر خودسازی نیز نباید از این نکته غافل شد و باید توجه داشت که قرار گرفتن در محیط مناسب می‌تواند زمینه‌ساز خودسازی و تهذیب نفس از رذایل اخلاقی باشد.

### **بهره‌گیری از نعمت حکومت اسلامی**

امام خامنه‌ای حاکمیت اسلام را یکی از مهم‌ترین عوامل تربیت اخلاقی مردم می‌داند که باید از این نعمت استفاده کرد، زیرا در دوران حاکمیت اسلام، زمینه رشد معنوی و اخلاقی انسان‌ها فراهم است و به‌عکس در دوران طاغوت‌ها، رسیدن به مقامات معنوی و اخلاقی بسیار دشوار است. اسلام انسان‌های بدوی و ابتدایی را به انسان‌هایی بزرگ و با فضیلت تبدیل کرد و از انسان‌های

جاهل و گمراه، شخصیت‌های بزرگی مانند عمار، ابوذر و مقداد ساخت درحالی که تا قبل از اسلام، این افراد مانند حیوانات و وحشی‌ها زندگی می‌کردند. (خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>). از منظر وی اسلام تحت سایه یک نظام عادلانه و دقیق انسان‌های ذلیل و ضعیف ارتقا می‌یابد و افرادی که در برابر مقداری پول یا یک آفرین دست به جنایت می‌زدند را ارج می‌نهد و آن‌ها را با فضایل اخلاقی و انسانی زینت می‌دهد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۱۵۹-۱۶۰).

ایشان با اشاره به آیه ۴ سوره قصص مثالی از حکومت ظالمانه و طاغوتی فرعون می‌زند که در زمین ادعای برتری و عظمت کرد و خود را در رأس مردم قرار داد و آن‌ها را تقسیم و طبقه‌بندی کرد و عده‌ای را نزدیک به خودش و دیگران را در مرتبه پایین‌تر قرار داد به طوری که قدرت و امکانات را از آن‌ها گرفت و آن‌ها را تحقیر کرد، سپس این وضعیت را با زمان معاصر تطبیق می‌کند که در کشورهای جهان سوم، ساختارهای اجتماعی نابرابر، مانع رشد و ترقی اکثریت مردم می‌شود. طبقه برگزیده با انحصار امکانات و قدرت، سایر افراد جامعه را در شرایطی از ضعف و ناتوانی نگه می‌دارد. به نظر ایشان جامعه‌ای که تحت حاکمیت طاغوت باشد، مانند خودرویی با راننده‌ای غیرقابل اعتماد و نابلد است که مردم را به اهداف و رشد خود نمی‌رساند و نمی‌توانند مسلمان بمانند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص ۲۹۱-۲۹۲).

پیشنهاد ایشان انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی است تا در سایه آن زمینه‌های رشد و تعالی انسان‌ها فراهم شود و همه بتوانند خودسازی کنند و از رذایل اخلاقی نجات پیدا کنند و خود را در برابر دوزخ‌های دنیوی و اخروی بیمه کنند. (خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱، <https://khl.ink/f/۲۵۰۵>).

از منظر ایشان اصل اول در جمهوری اسلامی ترویج و رشد دادن فضایل اخلاقی مثل همکاری، گذشت، کمک، صبر و حلم در جامعه است که برابر با ایمان، هویت اسلامی و انقلابی است. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹، <https://khl.ink/f/۳۳۴۴>).

حاکمیت اسلام با استفاده از ابزارهای مختلفی مانند قانون‌گذاری (وضع قوانین اخلاقی اسلامی، فراهم کردن زمینه بروز رفتارهای اخلاقی و جلوگیری از بروز رفتارهای غیراخلاقی)، آموزش و پرورش (نظام آموزشی بر اساس تعالیم اسلامی، تربیت اخلاقی دانش‌آموزان، معلمان به‌عنوان الگوی اخلاقی و برنامه‌های آموزشی ترویج‌کننده فضایل اخلاقی)، فرهنگ‌سازی، حمایت از نهادهای تربیتی و ترویج امر به معروف و نهی از منکر، به تربیت اخلاقی افراد جامعه می‌پردازد. این امر، به ارتقای سطح اخلاقی جامعه و ایجاد یک جامعه سالم و متعالی کمک می‌کند. مثلاً در نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک نمونه از حاکمیت اسلام، اقداماتی در راستای تربیت اخلاقی انجام می‌شود. به‌عنوان مثال، در قانون مدنی ایران، ازدواج موقت به‌منظور حفظ سلامت اخلاقی جامعه و جلوگیری از مفاسد اخلاقی، به رسمیت شناخته شده است. همچنین، در نظام آموزشی ایران، درس‌هایی مانند تعلیمات دینی و قرآن، به‌منظور تربیت اخلاقی دانش‌آموزان تدریس می‌شود.

### نتیجه‌گیری

امام خامنه‌ای به‌عنوان یک رهبر مذهبی و سیاسی در ایران، اهمیت بسیاری را به تربیت اخلاقی افراد و جوامع اختصاص داده است. اندیشه او بر پایه نظریه اسلامی و تفسیر قرآنی استوار است. عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی در بیانات مقام معظم رهبری علاوه بر این که به آیات قرآن مستند است، منطبق بر عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی مورد تأکید روانشناسان غربی از جمله قائلین نظریه شناختی، نظریه تحلیل روانی و نظریه رفتار اجتماعی هم هست؛ بنابراین با توجه به این سه نظریه عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی در بیانات مقام معظم رهبری را نیز می‌توان به سه دسته راهکارهای شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم کرد.

از جمله راهکارهای شناختی در تربیت اخلاقی که رهبر معظم انقلاب نسبت به آن تأکید دارند می‌توان به آگاه‌سازی متریبان از تعالیم انبیاء، توجه دادن متریبی نسبت به خداوند و توجه دادن متریبی نسبت به اغوای شیطان اشاره کرد. توجه دادن متریبی نسبت به نفس اماره و توجه به فطرت در تربیت جزء راهکارهای عاطفی در تربیت اخلاقی در اندیشه امام خامنه‌ای است. از راهکارهای رفتاری در

تربیت اخلاقی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای هم می‌توان به اولویت دادن به تربیت اخلاقی بر سایر ابعاد تربیت، بهره‌گیری از دعا، فرمان برداری از خداوند، بهره‌گیری از فرصت جوانی، بهره‌برداری از نصیحت، محیط مساعد و حاکمیت اسلام اشاره نمود.

این راهکارها منجر به ایجاد جوی اخلاقی در جوامع و تحقق ایده‌آل‌های اسلامی خواهد شد بنابراین این مقاله با بررسی و تبیین این راهکارها، به دستیابی به یک جامعه با اخلاق اسلامی و سالم کمک خواهد کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ۱) ابن‌بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸ ق، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ۲ جلد، تهران، نشر جهان، چاپ اول.
- ۲) ابن‌بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، معانی الأخبار، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ۳) ابن منظور الافریقی المصری، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان‌العرب، ۱۵ جلد، بیروت، دار صادر، چاپ سیزدهم.
- ۴) بهشتی، محمد، ۱۳۸۱، «تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی»، ماه‌نامه معارف، شماره ۱۰، صص ۱۸-۲۰.
- ۵) جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، شریعت در آینه معرفت، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول.
- ۶) جوانمرد، غلامحسین، تاریخچه و مکاتب روان‌شناسی، ۱۳۹۹، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ چهاردهم.
- ۷) حسینی، سید جواد، ۱۳۸۶، «نصیحت و خیرخواهی»، ماهنامه اطلاع‌رسانی پژوهشی آموزشی مبلغان، شماره ۹۶، صص ۲۱-۳۱.
- ۸) خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری <https://www.leader.ir>

- ۹) خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۹، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم، انتشارات صهباء، چاپ بیست و پنجم.
- ۱۰) خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir>.
- ۱۱) داوودی، محمد، ۱۳۹۰ ش، تربیت دینی، قم، ۲ جلد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- ۱۲) دهخدا، علی‌اکبر؛ معین، محمد؛ احمدی‌گیوی، حسن؛ شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۹۰، لغت‌نامه دهخدا، ۲ جلد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۱۳) دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ ق، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام)، چاپ اول.
- ۱۴) الراغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، المحقق: صفوان عدنان الداودی، دمشق و بیروت، دارالقلم و الدارالشامیه، چاپ اول،
- ۱۵) زارغان، محمدجواد؛ شاملی، عباس؛ آقاتهرانی، مرتضی؛ ساجدی، ابوالفضل؛ بی‌ریا، ناصر؛ حقانی، ابوالحسن؛ مصباح، علی؛ رهنما، سیداحمد، ۱۳۸۳، روان‌شناسی رشد (۲): با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سازمان انتشارات سمت، بی‌چاپ.
- ۱۶) سیف، سوسن؛ کدیور، پروین؛ کرمی‌نوری، رضا؛ لطف‌آبادی، حسین؛ روان‌شناسی رشد (۱)، ۱۴۰۱، تهران، سازمان سمت، چاپ سی و یکم.
- ۱۷) سیف، علی‌اکبر، ۱۳۹۵، روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران، دوران، چاپ شصت و یکم.
- ۱۸) شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ ق، نهج‌البلاغه (للصباحی صالح)، محقق / مصحح: فیض‌الاسلام، قم، هجرت، چاپ اول.
- ۱۹) شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل‌الشیعه، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول.



- ۲۰) طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان، مترجم: موسوی، محمدباقر، ۲۰ جلد، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- ۲۱) طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ ق - ۱۳۷۰ ش، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، چاپ چهارم.
- ۲۲) فیروزمهر، محمد مهدی، ۱۳۹۹، عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی با نگاهی قرآنی، مطالعات علوم قرآن، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۴، ص ۷-۳۳.
- ۲۳) قائمی مقدم، محمدرضا، ۱۳۸۵، موعظه و نصیحت در قرآن، فصلنامه تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۳، ص ۲۱۷-۲۵۵.
- ۲۴) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ ق، الکافی، محقق-مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ۸ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- ۲۵) گروه نویسندگان، ۱۳۸۸ ش، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم، موسسه امام خمینی، چاپ اول.
- ۲۶) گنجی، حمزه، ۱۳۹۳، روان شناسی عمومی، تهران، ساوالان، چاپ شصت و هفتم.
- ۲۷) لطف آبادی، حسین، ۱۴۰۱، روان شناسی رشد (۲): نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، تهران، سمت، چاپ نوزدهم.
- ۲۸) مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، ۱۱۱ جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- ۲۹) مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ ش، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ۳۰) معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ فارسی معین، ۲ جلد، تهران، آدنا (کتاب راه نو)، چاپ چهارم.
- نفیسی، علی اکبر، بی تا، فرهنگ نفیسی، ۵ جلد: تهران، خیام، چاپ اول.